

توسعه سکتور خصوصی و پالیسی های کار آفرینی در افغانستان



آگاهی پالیسی

توسعه سکتور خصوصی و پالیسی های کار آفرینی در افغانستان

نوت دآوری تخصصی شده: افغانستان



This work is published under the responsibility of the Secretary-General of the OECD. The opinions expressed and arguments employed herein do not necessarily reflect the official views of the OECD member countries.

This document, as well as any data and any map included herein, are without prejudice to the status of or sovereignty over any territory, to the delimitation of international frontiers and boundaries and to the name of any territory, city or area.

Please cite this publication as:

OECD (2019), *Boosting Private Sector Development and Entrepreneurship in Afghanistan*, OECD Publishing, Paris.

www.oecd.org/eurasia/competitiveness-programme/central-asia/Boosting-Private-Sector-Development-and-Entrepreneurship-Afghanistan-2019-Dari.pdf

Photo credits: Cover Paul Chapman

© OECD 2019

You can copy, download or print OECD content for your own use, and you can include excerpts from OECD publications, databases and multimedia products in your own documents, presentations, blogs, websites and teaching materials, provided that suitable acknowledgement of OECD as source and copyright owner is given. All requests for public or commercial use and translation rights should be submitted to rights@oecd.org. Requests for permission to photocopy portions of this material for public or commercial use shall be addressed directly to the Copyright Clearance Center (CCC) at info@copyright.com or the Centre français d'exploitation du droit de copie (CFC) at contact@cfcopies.com.

پیشگفتار

فراهم سازی شرایط برای ایجاد سکتور خصوصی پویا، قادر به صادرات متنوع، ایجاد شغل، و تقویت انعطاف پذیری یکی از عمده ترین چالش ها و اساسی ترین مباحثی است که افغانستان با آن مواجه است. پرسش ها در پیوند به موضوعات امنیتی و توسعه اقتصادی قطعاً باهم مرتبط اند، چنانچه کشور درگیر مبارزه با میراث منازعات چند دهه اخیر است. حل منازعات و بازسازی اقتصادی باید همزمان صورت گیرد. مناقشات مسلحانه باعث تخریب زیر بنا ها و اعمال خسارات هنگفت انسانی و مالی شده و مانع رشد سرمایه گذاری میگردد. در عین حال، واضح است که جهت در هم شکستن حلقه منازعات، ظرفیت محدود دولت و فقر که گریبانگیر بسیاری از بخش های کشور می باشد، ایجاد فرصت های اقتصادی به ویژه برای جوانان حیاتی خواهد بود. برای ایجاد فرصت های اقتصادی؛ توانمند سازی ادارات، تقویت چهارچوب قانونی کارآ و ایجاد محیط مناسب برای تشویق سرمایه گذاری جهت حمایت از سکتور خصوصی ضروری میباشد (OECD, 2018). ناکامی در فراهم ساختن شرایط برای توسعه شغلی بگونه گسترده در طولانی مدت رسیدن به صلح و ثبات را در کشور ناممکن میسازد. با در نظر داشت وخامت اوضاع اقتصادی بدلیل خروج نیرو های خارجی و کاهش کمک های بین المللی، دولت بطور جدی در تلاش است تا شرایط را برای توسعه سکتور خصوصی در کشور فراهم گرداند.

این گزارش و کارهای انجام شده برای تهیه آن نشان دهنده همکاری در این راستا میباشد. این گزارش توسط برنامه رقابت پذیری OECD یورواسیا به درخواست دولت افغانستان و کمک مالی اتحادیه اروپا تهیه گردیده است. در اخیر سال 2017 میلادی، OECD و مقامات دولتی یک گروه کاری، شامل دو سکتور عامه و خصوصی، جهت ارائه همکاری برای انکشاف پالیسی ها بمنظور رفع مشکلات فرا راه سرمایه گذاری ها کوچک و متوسط در کشور، تشکیل دادند. در سال 2018 این گروه کاری سه نشست به ریاست وزیر اقتصاد، بعداً وزیر تجارت و صنایع و مشاور ارشد اقتصادی رئیس جمهور دایر نمودند. در این نشست ها نمایندگان حکومت، دوایر دولتی همچو بانک مرکزی، اداره مستقل اراضی، سازمان های بانکی و تجاری، نهاد های خصوصی مالی، شرکت های نوپا (ستارت آپ) و نهاد های توسعه شرکت داشتند.

این گزارش انعکاس دهنده کار گروه کاری به علاوه همکاری متخصصین ممالک عضو OECD و دفتر روابط بین المللی OECD میباشد. نسخه نهائی پیشنهادات این گزارش در میز مدور رقابت پذیری OECD یورواسیا در هفته یورواسیا 2018 در پاریس داوری تخصصی میگردد.

OECD به همکاری خود با مقامات افغانی و سایر همکاران در جهت تطبیق پیشنهادات این گزارش بشمول؛ انکشاف استراتژی SME، نظارت از پروسه تطبیق آن که در میز گرد ۲۰۲۱ داوری خواهد شد، ادامه میدهد. OECD آماده است تا با وزارت تجارت و صنایع با همکاری PRISEC، و کمیته اجرایی اهداف انکشاف پایداری (SDG) و سایر نهاد های همکار زمینه انکشاف یک چهارچوب برای نظارت و ارزیابی از تطبیق پیشنهادات بگونه موثر همکاری نماید.

سپاسنامه

این گزارش خلاصه کار است که توسط برنامه رقابت پذیری OECD یوروآسیا؛ یکی از زیر برنامه های OECD برای آسیای مرکزی، با مشاوره با دولت افغانستان و اشتراک سکتور خصوصی و نهاد های بین المللی در افغانستان تهیه گردیده. این پروژه اساساً توسط اتحادیه اروپا تمویل گردیده است. OECD از تمامی نمایندگان دولت؛ وزارت ها و ادارات دولتی، سکتور خصوصی، نهاد های تجاری، سازمان های غیر دولتی و سایر ذینفعان بابت شریک ساختن داشته هایشان برای تهیه این گزارش سپاسگذاری مینماید. کار پروژه در افغانستان تحت نظر محترم همایون رسا، وزیر تجارت و صنایع، داکتر مصطفی مستور، وزیر اقتصاد، محترم ظهورالدین شیرزاده، معین وزارت تجارت و صنایع و محترم اجمل احمدی، مشاور ارشد اقتصادی رئیس جمهور نظارت گردیده است.

گروه کاری OECD مراتب سپاسگذاری خود را با نمایندگان وزارت تجارت و صنایع محترم ظهورالدین شیرزاده، معین؛ محترم فیروز مسجدی، معین قبلی؛ محترم جواد نوری، رئیس ریاست انکشاف و تنظیم سرمایه گذاری های کوچک و متوسط؛ محترم احمد ضیا سیدخیلی، رئیس اسبق ریاست سرمایه گذاری های کوچک و متوسط و محترم محمد اقبال بارز، مدیر عمومی توسعه تجارت برای سرمایه گذاری های کوچک و متوسط ارائه میدارد. گروه کاری همچنان سپاسگذار همکاری نمایندگان وزارت اقتصاد؛ محترم لطف الرحمن رحیمی و محترم جاوید عمر، مشاورین وزیر، محترم فرشید فرمان، سرپرست ریاست مالی و تجاری میباشد.

تیم کاری همچنان ممنون همکاری نمایندگان دولت افغانستان، دوایر دولتی و سایر نهاد های عامه: محترم محمد خلمی، سرپرست وزارت انرژی و آب؛ محترم فهیم الله ضیائی، معین وزارت زراعت؛ محترم شفیق احمد قاریزاده، مشاور ارشد رئیس اجرایی؛ محترم عبدالرحمن شکیب، مشاور رئیس اجرایی در امور اقتصادی و انکشافی جهت ایجاد کمیته اجرایی انکشاف سکتور خصوصی (PRISEC)؛ محترم محمد توسلی، مشاور امور اقتصادی معاون دوم رئیس جمهور؛ محترم ذکریا بارکزی، جنرال قونسل افغانستان در استانبول؛ محترم فیوم بسام، ائشه تجاری افغانستان در استانبول؛ محترم ممتاز نوری، رئیس پروژه اداره عالی مشوره دهی اقتصادی، محترمه صدف دشتی، ائشه تجاری در بلجیم؛ محترمه مسعوده میلاد رئیس ریاست پالیسی های سکتوری وزارت مالیه؛ محترم مجیب الله سلیمانخیل سرپرست ریاست آبیاری و مالداری وزارت زراعت و مالداری؛ محترم حسن سروش، دایرکتر جنرال برای همکاری اقتصادی؛ محترم محمد عزیز وردک، معاون دایرکتر جنرال، وزارت خارجه؛ محترم قاسم رحیمی، معاون ریاست عمومی و محترم میر احمد شکیب، رئیس عمومی تقیپیش مالی بانک مرکزی؛ و محترم وحید الرحمن رحمانی، رئیس عمومی ریاست مستقل اراضی. اظهار سپاس از نمایندگان کمیته اجرایی انکشاف سکتور خصوصی بابت همکاری های ارزنده شان در جریان کار پروژه. محترم جواد جوپا تحلیلگر پالیسی های اقتصادی و متخصص انکشاف سکتور خصوصی، فعلاً ائشه تجاری در ایالات متحده آمریکا در کار پروژه سهم ارزنده داشت که مشمول نظریات استراتژی یک و مبتکرانه، تحلیل تخنیکی و پالیسی و همکاری اجرایی و سازماندهی شان در هنگام تطبیق پروژه مهم ثابت گردید، میشود.

اظهار امتنان از نمایندگان سکتور خصوصی و انجمن های تجاری بخاطر شریک ساختن داشته های ارزنده شان در جریان گفتگو های که در دبی، امارات متحده عربی و استانبول، ترکیه دایر گردیده بود: محترم عتیق الله نصرت، رئیس اجراییه اتاق تجارت و صنایع افغانستان و محترم شفیق الله عطائی، معاون ریاست پالیسی اتاق تجارت و صنایع؛ محترمه لیلا سامانی عضو اتاق تجارت و صنایع زنان، محترم محمد حسن سپاهی، رئیس انجمن تاجران و صنعتکاران افغانستان؛ محترمه نیکول بوگوت، هم بنیانگذار IMPACT؛ محترم برند لایندر، رئیس و محترمه انالینا فوکس، همکار تخنیکی، بنیاد تضمین کریدت افغانستان؛ محترم احمد فهیم دیدار، رئیس اجراییه Aghaez، محترمه ایوا یانیکوسکا، مدیر عمومی ریسک ارزیابی بانک؛ محترم سلیمان فاطمی، مدیر همکار ACE.

اظهار امتنان از همکاران بین المللی بابت ارائه نظریات مفید شان که در تهیه گزارش بکار رفته: محترم تونا شاهین، معاون KOSGEB، و محترمه کنان اوزتوران، متخصص SME در شرکت KOSGEB و محترم کنان باغچی، سرپرست ریاست پژوهش اقتصادی و اجتماعی در مرکز مطالعات و تحقیقات احصائیوی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی (SESRIC) و محترم یعقوب پیکر، نهاد مشوره دهی برای توسعه بین المللی (WYG).

همچنان نماینده های کمک کننده های مالی دو جانبه: بالاخص محترم متیاس لندرستورم، دبیر اول در سفارت سویدن در افغانستان؛ محترمه وژمه مهمند کروخیل، مسؤل ارشد IFC در افغانستان؛ محترم همایون چخانسوری، مدیر عملیاتی IFC؛ محترم محمد نسیم عطائی، مشاور اقتصادی در USAID؛ محترم اریگ برسیقیان، متخصص انرژی بانک انکشاف آسیائی، محترم جان سباستیان رور، مدیر ارشد در مرکز تجارت بین المللی؛ محترم مسعود پروانفر، مسؤل FoA III " کاهش موانع تجاری و توسعه سکتور خصوصی GIZ؛ محترمه هئا-سوفی واله، هماهنگ کننده پروژه سازمان جهانی مهاجرت در تهیه این گزارش همکاری نموده اند.

اتحادیه اروپا این پروژه را تمویل و همکاری های ارزنده ارائه نموده است. اظهار سپاس از محترم پیر امیلها، رئیس ریاست عمومی توسعه و همکاری های بین المللی (DG DEVCO)، کمیسیون اروپا؛ رفانلا ایوردیس، رئیس دبیرانتمت DEVCO آسیای میانه، مرکزی و جنوبی، DG DEVCO F1 Unit، کمیسیون اروپا؛ محترم دنیل ونیس، هماهنگ کننده برای آسیای

مرکزی DG DEVCO، کمیسیون اروپا؛ محترم توماس بویر، مدیر برنامه، DG DEVCO؛ محترم یوهانس سنتنیک مدسن، نماینده دبیرتتمنت همکاری ها اتحادیه اروپا به قزاقستان؛ محترمه سلویا پیترپاولو، مدیر برنامه نمایندگی اتحادیه اروپا به قزاقستان؛ محترمه انیا نیجل، مسؤل سکتور جهانی آسیا، برنامه آسیای مرکزی و اقیانوس آرام، DG DEVCO, F1 Unit، عضو کمیسیون اروپا محترمه لوردوپین، قبلاً مدیر برنامه روابط خارجه کمیسیون اروپا DEVCO، جلالتماب پیر مایادون، رئیس هیأت و سفیر اتحادیه اروپا به افغانستان، دفتر سیاست خارجه اتحادیه اروپا، محترم گونزالو سیرانو د له روسا مسؤل تیم و مشاور اسبق برای دبیرتتمنت توسعه اقتصادی و منطقوی در نمایندگی اتحادیه اروپا در افغانستان، DG DEVCO, F1 Unit؛ محترمه ملگورزاتا پتورا، مدیر کمک های مالی و همکاری ها بین المللی برای دبیرتتمنت توسعه اقتصادی و منطقوی نمایندگی اتحادیه اروپا در افغانستان DG DEVCO, F1 Unit؛ و محترمه زلفیه دولتییک، مدیر برنامه نمایندگی اتحادیه اروپا در تاجکستان.

این گزارش تحت راهنمایی محترم اندریاس شال، رئیس روابط جهانی OECD و محترم ویلیام تامسن، مسؤل دبیرتتمنت OECD یورواسیا تهیه گردیده.

نویسنده اصلی گزارش محترمه تلیسه سور هاوسن، مشاور دبیرتتمنت OECD یورواسیا؛ محترم لوک ماکل، مشاور دبیرتتمنت OECD یورواسیا؛ و محترم جان سپنهر، مشاور دبیرتتمنت OECD یورواسیا. این پروژه توسط محترم گریگوری لوکانت، مدیر پروژه و محترم ارنو پریتی، مدیر پروژه در دبیرتتمنت یورواسیا OECD رهبری گردیده. این گزارش توسط محترم کارلوس کونده، مسؤل دبیرتتمنت OECD MEA؛ محترم دیود برادبری، مسؤل مرکز OECD برای پالیسی و اداره مالیه CTP/TPS؛ محترم روف گونینک، اقتصاد دان ارشد دبیرتتمنت اقتصاد، محترم انتونیو فنیلی، مشاور ارشد، دبیرتتمنت SPNI؛ و محترمه پیلار سانچز-بیلا، تحلیلگر پالیسی دبیرتتمنت آسیای میانه و آفریقای شمالی OECD؛ محترم روجر فورس-کریون، تحلیلگر پالیسی، دبیرتتمنت آسیای میانه و آفریقای شمالی OECD، محترم فرانسکو الفونسو، هماهنگ کننده پروژه، دبیرتتمنت یورواسیا OECD، محترم مارکو بیانچینی، تحلیلگر پالیسی CFE، محترم لوپس اراندا، تحلیلگر پالیسی دبیرتتمنت SPNI؛ محترمه کباره مونتیکونی، تحلیلگر پالیسی، DAF/FIN و محترم جبران پیناکی، تحلیلگر پالیسی، دبیرتتمنت یورواسیا OECD ویرایش شده و از نظریات شان مستفید گردید است.

مراحل نهائی ویرایش و صفحه آرایی توسط محترمه ونیسه بری-شتیلین، مدیر عمومی ارتباطات، و محترمه ان جیمینز، مدیر ارتباطات دفتر روابط جهانی OECD انجام گردیده است. همکاری های ارزنده در بخش اداری توسط محترمه انا چتاتینسکی، محترمه یوجنیا کلیمنکا و محترمه ماریانا تنوا همکاران اداری دبیرتتمنت یورواسیا OECD ارائه گردیده است. اظهار سپاس از محترم احمد فرهاد که کار ترجمه این گزارش را بعهده گرفتند و همچنان آقای کریس آ مارکوارد که در زمینه ویرایش این گزارش همکاری خود را ارائه نمودند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	4
سپاسنامه.....	5
شاخص های کلیدی برای افغانستان.....	13
چکیده مدیریتی.....	14
1. مقدمه.....	16
از سال 2001، کمک های بین المللی عامل اصلی رشد اقتصادی بوده است.....	16
افغانستان باید رشد، کار و بهره وری را تسریع ببخشد.....	19
توسعه بخش خصوصی باید به ماشین جدید رشد اقتصادی تبدیل شود.....	20
1. رسمی سازی تشیقات امر ناگذیر برای انکشاف موفقانه سکتور خصوصی میباشد.....	23
2. کمبود دسترسی به منابع مالی بحیث مانع برای توسعه سرمایه گذاری باقیمانده.....	24
3. کیفیت خدمات عامه باعث ایجاد فاصله میان دولت و سکتور خصوصی گردیده.....	24
2. تشویق برای رسمی سازی تجارت.....	26
اهمیت رسیده گی به تجارت غیر رسمی.....	26
ویژه گی های کلیدی اقتصاد غیر رسمی.....	27
غیر رسمی بودن مانع بر رشد اقتصادی.....	28
روابط دو جانبه میان تولید و غیر رسمی بودن پیامدهای مهم در بخش پالیسی دارد.....	30
مشکل 1: فضای نامناسب در ادارات و مقرره های سخت گیرانه رسمی سازی تجارت ها را به کندی مواجه میسازد.....	31
مشکل 3: کیفیت پایین خدمات تجاری تولیدات و رسمی سازی بخش خصوصی را آسیب می رساند.....	34
پیشنهادات برای بهبودی رسمی سازی تشیقات در افغانستان.....	34
توصیه 1: ایجاد چهارچوب مناسب مقرراتی و نهادی برای تقویت سکتور خصوصی.....	36
SMES توصیه دوم: ساده سازی پروسه های مالی دهی برای تشویق رسمی سازی.....	40
توصیه سوم: بالا بردن کیفیت خدمات عامه بخصوص در پارک های صنعتی.....	42
توصیه 4: افزایش آگاهی در مورد مزیت های رسمی شدن.....	44
قدم های بعدی.....	45
3. افزایش دسترسی به منابع مالی برای رشد سکتور خصوصی.....	51
افغانستان در میان کشور ها با کمترین بانک در جهان میباشد.....	54
دانش مالی پائین بازدارنده بزرگ جانب تقاضا است.....	54
شرایط تضمین هنوز هم بحیث یک مشکل باقی مانده و ضمانت های قرضه کافی نیست.....	56
توصیه 1: بهبود سواد مالی شهروندان و کارآفرینان.....	58
: بهتر سازی شرایط برای توسعه راه های بدلیل تمویل مالی 3توصیه.....	64
قدم های بعدی.....	68
یادداشت ها.....	70
4. دیجیتال سازی خدمات عامه برای سکتور خصوصی.....	71
چرا باید بالای دیجیتال سازی خدمات عامه توجه صورت گیرد؟.....	71
دیجیتال سازی میتواند کیفیت و دسترسی به خدمات تجاری در افغانستان را بهتر سازد.....	72
افغانستان اهداف بالای حکومتمداری دیجیتالی را تعیین نموده.....	73
مشکل 1: نبود یک اسرانیژی فراگیر دولتی تازه و هماهنگی شده.....	74
مشکل دوم: نبود زیربنا های دیجیتالی در افغانستان.....	75
مشکل سوم: مشاوره نا کافی با سکتور خصوصی.....	76
مشکل 5: عدم همسانی در برنامه های فناوری اطلاعات و ارتباطات.....	77
پیشنهادات جهت توسعه ارائه خدمات دیجیتال برای تشیقات.....	78

.....قدم های بعدی	87
.....هماهنگی محدود دولت در مورد استراتژی دیجیتلی سازی باعث مختل شدن تطبیق آن میگردد	87
.....افرصت های برآمده از خدمات فناوری زنجیره بلوکی	87
.....یادداشت ها	88
Aضمیمه	91
Bضمیمه	92
.....منابع:	95

فهرست اشکال

..... شکل 1	17
..... شکل 2	18
..... شکل چالش های کلیدی برای دسترسی به منابع مالی بانکی در افغانستان در سال 2016	51

فهرست چوکات ها

.....چوکات 1 افغانستان و چارچوب شکننده گی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه	19
.....چوکات 2 اجندای ریفرم افغانستان و برنامه های ملی دارای اولویت	21
.....چوکات 4 چهارچوب ارائه شده برای حل مشکل غیر رسمی بودن تشبثات	36
.....چوکات 6 فعالیت های دولت جهت حمایت از شرکت های نوپا	40
.....چوکات 7 رژیم رعایت قوانین مالی در مکزیکو	42
.....چوکات 8 حوزه های تنظیم شده صنعتی	44
.....چوکات 9 کمپاین "شوگ ساده سازی" فرانسه	45
.....چوکات 10 سکتور بانکی افغانستان	53
.....چوکات 11 نهاد حمایت از سرمایه گذاری با قرضه کوچک افغانستان	57
.....چوکات 12 برنامه های آموزش مالی در گرجستان	60
.....چوکات 13 خدمات مالی برای	62
.....چوکات 14 بنیاد تضمین قرضه افغانستان	63
.....چوکات 15 استفاده از پوتانسیل دیاسپوره	65
.....چوکات 16 حمایت عامه برای تمویل مراحل ابتدائی شرکت های جوان	66
.....چوکات 17 چشم انداز شرکت های نو پا در لبنان پس از جنگ	67
.....چوکات 18 چالش ها تطبیق برنامه های پرداخت الکترونیک در افغانستان	78
.....چوکات 19 استراتژی و پلان عملیاتی 2014-2018	80
.....چوکات 21 یادگیری از مشاوره ها و نهاد های خصوصی موجود در افغانستان	82
.....چوکات 22 ام-پیسه: تجربه پرداخت الکترونیک و با استفاده از تلفن همراه در کینیا	83
.....چوکات 23 خدمات ملی پرداخت الکترونیک در تایلند	84
.....چوکات 24 انکشاف مرکز یک مرحله آنلاین مکزیکو	86
.....چوکات 25 شاخص پالیسی	92

فهرست جداول

.....جدول 1 راهکار تقویت رسمی سازی شرکت ها	47
.....جدول 2 راهکار برای حمایت از گسترش دسترسی به منابع مالی	69
.....جدول 3 تقسیم بندی گزیده خدمات دولتی برای تشبثات	71
.....جدول 4 شاخص های ارتباطات برای افغانستان	75

جدول 5 راهکار برای حمایت از دیجیتال سازی خدمات کلیدی دولتی برای سرمایه گذاری ها	89
جدول 6 شرکت های میکرو، کوچک و متوسط در افغانستان	91
جدول 7 مصاحبه شده گان	93

مخففات و سرواژه ها

مخفف	معنی
ABIF	صندوق ابتکار تجارتي افغان
ACAPS	پروژه ارزيابي ظرفيت ها
ACBR	رياست ثبت مركزي فعاليت هاي تجارتي
ACCI	اتاق تجارت و صنايع افغانستان
ACGF	بنیاد تضمین کربدت افغانستان
ADB	بانک انكشاف آسیایی
ADBİ	انستیتیوت بانک انكشاف آسیایی
ADF	صندوق انكشاف زراعت
AFN	افغانی
AGF	صندوق رشد افغانستان
AIARA	اداره تنظیم ساحات صنعتی افغانستان
AISA	اداره حمایه سرمایه گذاری افغانستان
ANDPF	چارچوب ملی صلح و انكشاف افغانستان
ARFC	کمپنی مالی دهات افغان
ARTF	صندوق وجهی بازسازی افغانستان
ASIC	کمیسیون اوراق بهادار و سرمایه گذاری استرالیا
AWCCI	اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان
BMZ	وزارت فدرال آلمان برای کمک های اقتصادی و توسعه
bn	میلیارد
CASA	آسیای میانه و جنوبی
CGS	طرح ضمانت وام
CSO	اداره مرکزی احصائیه
DAB	د افغانستان بانک
DBI	شاخص بانک جهانی برای انجام تجارت
DLTs	فناوری دفتر کل توزیع شده
DMP	ماستر پلان دیجیتال سازی تایلند
DRC	انجمن پناهندگان دنمارک
EBRD	بانک اروپائی بازسازی و توسعه
ETF	بنیاد تعلیمی اروپا
EU	اتحادیه اروپا
FDI	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
FIAS	خدمات مشاوره سرمایه گذاری خارجی
GDP	تولیدات نا خالص داخلی
GIZ	سازمان همکاری های بین المللی آلمان
HEC	شورای عالی اقتصاد
ICAEW	انستیتیوت حسابداران مجاز در انگلیس و ولز
ICT	فناوری اطلاعات و ارتباطات
IDI	شاخص رشد ICT
IDPL	برنامه توسعه نهادی راهبردی برای اداره سرزمین
IFC	موسسه مالی بین المللی
IFRS	استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی
ILO	سازمان بین المللی کار
ILOSTAT	بانک اطلاعاتی سازمان بین المللی کار
IMF	صندوق بین المللی پول

INADEM	انسٹیٹیوت ملی کار آفرینان مکزیکو
IO	نهاد بین المللی
ISAF	نیروهای بین المللی کمک به امنیت
ITC	مرکز بین المللی تجارت
ITU	اتحادیه بین المللی مخابرات
KGF	صندوق ضمانت قرضه ترکیه
KOSGEB	نهاد توسعه صنایع کوچک و متوسط
KPI	شاخص کلیدی عملکرد
LML	قانون مدیریت زمین
MCIT	وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی
MDO	مدیریت سپرده های کوچک
MFI	نهاد قرضه های کوچک
MISFA	تسهیلات برای حمایت از سرمایه گذاری با قرضه کوچک
mn	میلیون
MOIC	وزارت تجارت و صنایع
MoU	تفاهمنامه
MRRD	وزارت احیا و انکشاف دهات
MSP	فراهم کننده خدمات پولی
MTO	نهاد انتقال پول
NATO	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی
NBG	بانک ملی گرجستان
NES	استراتژی ملی صادرات
NPL	قرضه صعب الحصول
NPP	برنامه های ملی دارای اولویت
NUG	حکومت وحدت ملی
ODA	کمک رسمی توسعه
OECD	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه
OECD/INFE	انجمن بین المللی OECD برای آموزش مالی
OIC	سازمان همکاری اسلامی
OIZ	زون های صنعتی تنظیم شده
PCR	اداره ثبت اعتبارات عامه
PFI	مؤسسات مالی اشتراک کننده
PRISEC	کمیته اجرایی انکشاف سکتور خصوصی
PSD	انکشاف سکتور خصوصی
RIF	رعایت قوانین مالیاتی
SESRIC	مرکز مطالعات و تحقیقات احصائی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی
SEZ	زون های خاص اقتصادی
SIGAR	سرمقتش خاص برای بازسازی افغانستان
SIPRI	انسٹیٹیوت بین المللی پژوهش های صلح استکهلم
SLG	گروه رهبری استراتژیک ICT نیوزیلند
SME	مؤسسات اقتصادی کوچک و متوسط
SMEPI	شاخص پالیسی برای SME
SOE	مؤسسات دولتی
TA	همکاری تکنیکی
TVET	آموزش و پرورش فنی و حرفه ای
UNDP	برنامه توسعه ی سازمان ملل متحد

UNESCAP	کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل آسیا و اقیانوس آرام
UNFPA	صندوق جمعیت ملل متحد
UNITAR	انستیتوت آموزش و تحقیقات سازمان ملل
UNODC	دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد
US	ایالات متحده آمریکا
USAID	نمایندگی ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین‌المللی
USD	دالر آمریکایی
VAT	مالیات بر ارزش افزوده
WB	بانک جهانی
WEF	مجمع جهانی اقتصاد
WTO	سازمان تجارت جهانی

شاخص های کلیدی برای افغانستان

افغانستان	
35.53 million	نفوس 2017
652 860 km ²	مساحت 2017
20.8 billion	تولیدات ناخالص داخلی (دالر آمریکائی، قیمت های فعلی) 2017
585.85	سرانه تولیدات ناخالص داخلی (دالر آمریکائی، قیمت های فعلی) 2017
2.59%	رشد واقعی تولیدات ناخالص داخلی (تبادل y-o-y) 2017
5.0%	تورم پولی (مصارف اوسط مشتریان – تبادل y-o-y) 2017
6.9%	صادرات کالا ها و خدمات (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2016
49.0%	واردات کالا ها و خدمات (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2016
0.25%	سرمایه گذاری مستقیم خارجی، گردش خالص (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2017
-0.6%	قرضه دهی/گیری عمومی خالص دولت (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2017
23.9%	نرخ رسمی بیکاری (فیصدی تمام نیروی کاری) 2017
10.9 million	نیروی کاری، کامل، 2017
7.6%	قرضه سکتور عامه (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2017
3.47%	کریدت داخلی برای سکتور خصوصی (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2017
15.0%	نرخ متوسط بالای قرضه ها 2017
12.2%	قرضه های صعب الحصول (فیصدی تمام قرضه ها) 2017
1.82%	ارسال پول (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2017
-22.50%	بیلانس حساب جاری (فیصد تولیدات ناخالص داخلی) 2017

چکیده مدیریتی

کمک مالی بحیث اصلی ترین عامل رشد و مناقشات بحیث اصلی ترین مانع باقیمانده است

رشد اقتصادی اگرچه شکننده اما سریع سالهای آغازین دهه اول قرن بیست و یکم، در سال های اخیر در نتیجه کاهش کمک های مالی، کاهش حضور نیروهای خارجی در کشور و افزایش دوباره فعالیت های شورش ی بطور چشمگیری بطنی گردیده است. کمک رسمی توسعه در مقایسه با سال 2009 تقریباً به نصف کاهش یافته، اقتصاد کشور عمدتاً به کمک وابسته بوده و منابع داخلی برای بهبود شرایط خیلی محدود میباشد. نهاد های دولتی ضعیف و بدون منابع مالی، قادر به حفاظت شهروندان و سرمایه گذاری ها و ارائه خدمات عامه با کیفیت نمیشد. این اعتماد نسبت به دولت را کاهش داده و در نتیجه کوشش ها در راستای دولت سازی و بهبود اقتصادی را صدمه میزند.

رول سکتور خصوصی داخلی بحیث یک عامل رشد اقتصادی به جهت وجود موانع متعدد فراه راه شرکت ها؛ به شمول فساد، دسترسی محدود به منابع پولی، مقررات کمرشکن، ارتباطات ضعیف داخل کشور و با کشور های همسایه، و اوضاع بد امنیتی، محدود باقی مانده است. هنوز هم یک سکتور غیر رسمی بالای اقتصاد مملکت حاکم بوده که رشد اقتصادی محدود را منتج میگردد و از ریفورم های مهم سکتور رسمی جلوگیری میکند. شرکت های نو پا (ستارت آپ) و SMEs، بیشتر از سایر شرکت ها از چنین شرایط صدمه میبینند، چون بزرگی و منابع اینگونه شرکت ها توانائی مقابله با همچون مشکلات، مخصوصاً آنهاست که در سکتور رسمی فعالیت دارند، را ندارد.

ریفورم ها برای ایجاد محیط بهتر برای سرمایه گذاری نیاز به کار بیشتر دارد

دولت تلاش های زیادی بخرچ داده تا شرایط را برای سکتور خصوصی پویا تر ایجاد نماید اما تطبیق و پالیسی نیاز به کار بیشتر دارد. درحالیکه درس سال 2018-19 افغانستان در شاخص انجام تجارت بانک جهانی 16 رده بالاتر قرار گرفته اما هنوز هم در جایگاه 167 میان 190 کشور قرار دارد. یکی از تلاش ها در راستای تقویت ظرفیت دولت و هماهنگی بیشتر بین السکتوری، مقامات شورای عالی اقتصادی و کمیته اجرائیه برای انکشاف سکتور خصوصی ایجاد نموده اند. این نهاد ها هماهنگی میان دولت و کمک کنندگان را بهتر گردانیده و باعث تسریع تطبیق منجمله تبادل مستقیم با ذینفعان سکتور خصوصی و همکاران بین المللی گردیده است. معرفی ریفورم های دارای اولویت سکتور خصوصی و تصدیق یازده اولویت مرتبط به سکتور خصوصی و تهیه اولین برنامه ملی دارای اولویت برای سکتور خصوصی امکان دستیابی پیشرفت های بزرگ را در این زمینه بوجود آورده. اما دستیابی به این پیشرفت تنها در صورت تطبیق موثر، هماهنگ شده و شفاف این پلان ها و برنامه ها امکان پذیر است. برنامه ها قادر به عطف توجه بیشتر بوده و باید به به ضروریات مشخص SMEs و شرکت های نوپا توجه داشته باشد؛ چیزیکه موضوع مورد توجه این گزارش است.

تشویق رسمی سازی شرکت ها میتواند رشد اقتصادی را تقویت بخشد

الی 80٪ فعالیت های اقتصادی در افغانستان بطور غیر رسمی صورت میگیرد. سکتور غیر رسمی با وجودیکه منبع مهم فرصت های اقتصادی میباشد، تاثیرات منفی بالای تخصیص منابع، کیفیت کار و برابری دارد. غیر رسمی بودن این فعالیت ها باعث کاهش منابع مالیاتی موجود گردیده و کارگران را از مصونیت های قانونی و اجتماعی باز میدارد. به منظور افزایش سهم فعالیت های رسمی و تقویت رشد در عین زمان، دولت باید محیط بهتر را برای تمام شرکت های فراهم سازد. در عین زمان، توجه بیشتر باید به ضروریات شرکت های جدید و کوچک معطوف گردد، در صورتیکه ضروریات این نوع شرکت های رفع نگردد، آنها خود به آغاز فعالیت بگونه غیر رسمی رو خواهند آورد. دولت گامهای مهمی در این راستا برداشته است. دستاورد ها مشمول ایجاد مراکز یک مرحله ای (One-Stop Shops)، کاهش قیمت ایجاد یک شرکت از 30000 افغانی به 100 افغانی و از بین بردن مجوز های شهرداری میباشد. ضمناً، ایجاد نظام ویژه-هنگام-ورود سه ساله برای سرمایه گذاران خارجی قابلیت سفر نمودن به افغانستان را میدهد. با وجود این دستاورد ها که میتواند باعث رشد رسمی سازی گردد، کمبود چهارچوب های مقرراتی حمایتی و پاداش ها برای رسمی شدن شرکت ها بحیث بزرگترین چالش هنوز باقی است. این گزارش شماری از اولویت ها برای دولت را ارائه میکند: (i) انکشاف یک چهارچوب نهادی و قانونی برای حمایت از سکتور خصوصی بشمول ساده سازی مقررات، تهیه یک ستراتیژی برای SMEs و هماهنگی بهتر برنامه های تمویل شده توسط کمک ها؛ (ii) طرح پاداش های مشخص برای رسمی سازی، بشمول سیستم مالیاتی؛ (iii) بهبود بخشی کیفیت خدمات عامه، به خصوص در پارک های صنعتی؛ و (iv) افزایش آگاهی فواید رسمی سازی.

دسترسی بهتر به منابع مالی در توسعه سرمایه گذاری کمک مینماید

دسترسی به منابع مالی تا هنوز بحیث یکی از چالش های عمده فرا راه شرکت های افغانی باقیمانده. مقدار کریدت قابل دسترس برای سکتور خصوصی در کشور نزدیک به 3.6٪ تولیدات ناخالص داخلی میباشد؛ این کمترین رقم در دنیا است. شرایط دشوار برای تضمین، نرخ سود الی 25 فیصدی برای SMEs، و مدت قرضه ها کوتاه میباشد. فقط 5٪ شرکت ها از کریدت و قرضه های بانکی برخوردار هستند، و بجز شبکه غیر رسمی حواله، منابع مالی بدیل عقب مانده است. در عین زمان کمبود

دانش مالی مانع توسعه و انکشاف ابزار سنتی و غیر سنتی مالی می‌گردد. برای غالب آمدن بر این معضل و فراهم نمودن شرایط برای رشد و افزایش باز دهی شرکت های نو پا و SMEs بعضی قدم ها باید برداشته شود: (i) طرح و تطبیق یک پلان ارتقای دانش مالی با در نظر داشت تجارب برتر. (ii) فراهم سازی شرایط بهتر برای قرضه (نرخ و مدت) برای SMEs بشمول هماهنگی بهتر برنامه های موجود (که عموماً توسط کمک کننده گان تمویل میشود) با اهداف دولت و نیاز های SMEs؛ (iii) تسهیل شرایط تضمین با حمایت از توسعه برنامه های تضمین کردیت، به خصوص بنیاد تضمین کردیت افغانستان؛ (iv) انکشاف چهارچوب برای مکانیزم های مالی بدیل، به شمول حواله و انکشاف تامينات مالی پراکنده.

راه های حل دیجیتال میتواند ارائه خدمات عامه برای شرکت ها را بهبود بخشد

برای توسعه و رسمی سازی سکتور خصوصی در افغانستان، تسهیل خدمات مورد نیاز برای شرکت ها با در نظر داشت شرایط موجود در کشور ضروری میباشد. یافته های نظر سنجی اخیر که توسط ریاست ثبت مرکزی فعالیت های تجاری افغانستان انجام گردیده نشان میدهد که 50% از شرکت ها معتقدند که کیفیت و دسترسی به خدمات عامه مانع انکشاف این شرکت ها میگردد. اکثریت خدمات عامه هنوز هم انالوگ و غیر کمپیوتری باقیمانده، این باعث میگردد که دسترسی شرکت ها خارج از کابل به این خدمات محدود باقی ماند. انکشاف وسایل ارتباطی جدید راه را برای توسعه بیشتر خدمات دیجیتال هموار نموده، افزایش دسترسی به تلفون های همراه امکانات برای ارائه خدمات با استفاده از شبکه های مخابراتی را فراهم نموده است. ارائه خدمات عامه بصورت دیجیتال مدت و بهای مالی پروسه های اداری را کاهش داده و رسمی سازی شرکت ها آسانتر میسازد. این گزارش پیشنهادات را برای بهبود ارائه خدمات توسط دولت برای شرکت ها ارائه میدهد: (i) انکشاف استراتژی دیجیتال سرتاسری برای تمام دواير دولتی جهت تنظیم اولویت ها و ایجاد هماهنگی؛ (ii) عطف توجه به ارائه خدمات توسط تلفون همراه برای ارائه خدمات مورد ضرورت برای شرکت ها در نقاط مختلف کشور؛ (iii) مشوره بیشتر با سکتور خصوصی در زمینه طرح و ارائه خدمات؛ (iv) بهبود هماهنگی میان دواير دولتی و میان دولت و سکتور خصوصی بمنظور شناسایی خدمات دارای اولویت و راه های ارائه این خدمات، بطور مثال سیستم پرداخت الکترونیک؛ (v) ایجاد همخوانی میان نهاد های مختلف دولتی و اخذ اقدامات جهت بهبود هماهنگی برای ایجاد مراکز یک مرحله.

پیش نویس استراتژی برای SMEs میتواند پالیسی ها را بیشتر همخوان و هماهنگ سازد

وزارت تجارت و صنایع باید فعالیت های خود برای تهیه ستراتیژی SME که مکمل برنامه های ملی دارای اولویت باشد متمرکز سازد و در این استراتژی مشکلات مشخص که فرا راه شرکت های متوسط و کوچک قرار دارد را مورد توجه قرار دهد. استراتژی باید حاوی پیشنهادات برای رسمی سازی شرکت ها، دسترسی به منابع مالی و خدمات دیجیتال باشد. این پیشنهادات باید در مطابقت با اقدامات شناسایی شده برای تشویق صادرات که در ستراتیژی ملی صادرات گنجانیده شده، باشد.

1. مقدمه

از سال 2001، کمک های بین المللی عامل اصلی رشد اقتصادی بوده است

از زمان سقوط رژیم طالبان در سال 2001، بازسازی و بهبودی در افغانستان بوسیله پشتیبانی و حضور گسترده بین المللی صورت گرفته است، که جریان کمک های بزرگ بیرونی را در چارچوب مصارف امنیتی و کمک های رسمی توسعه ای (ODA) و تلاش برای شکل دادن به نهادها و ساختار اقتصادی جهت ایجاد اقتصاد بازار کار فراهم نمود. (SIPRI, 2015 [5])

افغانستان از سال 2001 در میان ده کشور دریافت کننده کمک های رسمی توسعه ای (ODA) قرار داشته و بیشترین کمک های مالی را نسبت به اروپا پس از جنگ که از طرح مارشال دریافت نموده بود، بدست آورده است. (OECD, 2018[1]; SIPRI, 2015[5]; SIGAR, 2018[6])

از طریق صندوق وجهی بازسازی افغانستان (ARTF) که در سال 2002 ایجاد گردید، 34 کشور کمک کننده و دولت افغانستان با هم یکجا تلاش نمودند تا مجرای را برای 10 میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان دریابند.

با آن که وضعیت شکننده امنیتی در طول این دوره پا برجا بود، تلاش های برای بازسازی اقتصادی بعنوان یکی از اولویت های اصلی بوده، و این وضع بیانگر نیاز به بازگشت آرامش و بهبودی می باشد.

این تلاش ها برای بهبود وضع امنیتی داخلی خیلی مهم است. شواهد بین المللی نشان می دهد که مشارکت در گروه های شورشی، هر چند انگیزه پولی نداشته اما، در عدم موجودیت فرصت های دیگر میزان مشارکت در این گروه ها افزایش داشته و در صورت موجودیت فرصت های دیگر میزان مشارکت کاهش داشته است.

این یک واقعیت است در کشوری مانند افغانستان، با جمعیت جوان و رشد سریع، جای که بازار کار تلاش می کند تا با جریان افراد تازه و ارد همگام باشد. بانک جهانی (2019, p. 5) مشاهده می شود که "شواهد قوی در زمینه افزایش خشونت در برابر جوانان و محدودیت فرصت ها وجود دارد". بدین ترتیب ایجاد فرصت های شغلی و رشد، می تواند به کاهش نیروهای موجود در درگیری های مسلحانه در کشور کمک کند.

امنیت یک نگرانی عمده است. به قول بازررس ویژه برای بازسازی افغانستان (سیگار) از تاریخ ۳۱ جنوری ۲۰۱۸، تقریباً ۶۵٪ جمعیت در "مناطق تحت کنترل یا نفوذ دولت" زندگی می کنند (SIGAR, 2018[6]). حدود ۱۲٪ جمعیت در مناطقی تحت کنترل یا نفوذ شورشیان زندگی می کنند، در حالی که باقیمانده (۲۳٪) جمعیت در مناطق تحت منازعه زندگی می کنند. در سال ۲۰۱۷، تعداد واقعات منیتی در تناسب به سال 2001 به بالاترین سطح رسیده است و افزایش 50 درصدی حملات انتحاری در سال 2016 صورت گرفته است. در سال 2017، بیشتر از 200 000 افغان به علت مناقشات مسلحانه و مشکلات محیط زیستی به صورت داخلی آواره شدند (World Bank, 2019[8]). تلفات غیرنظامیان در نیمه اول سال 2018 به بلندترین حد. (New York) (Reuters, 2018[2]) (Times, 2018[9])

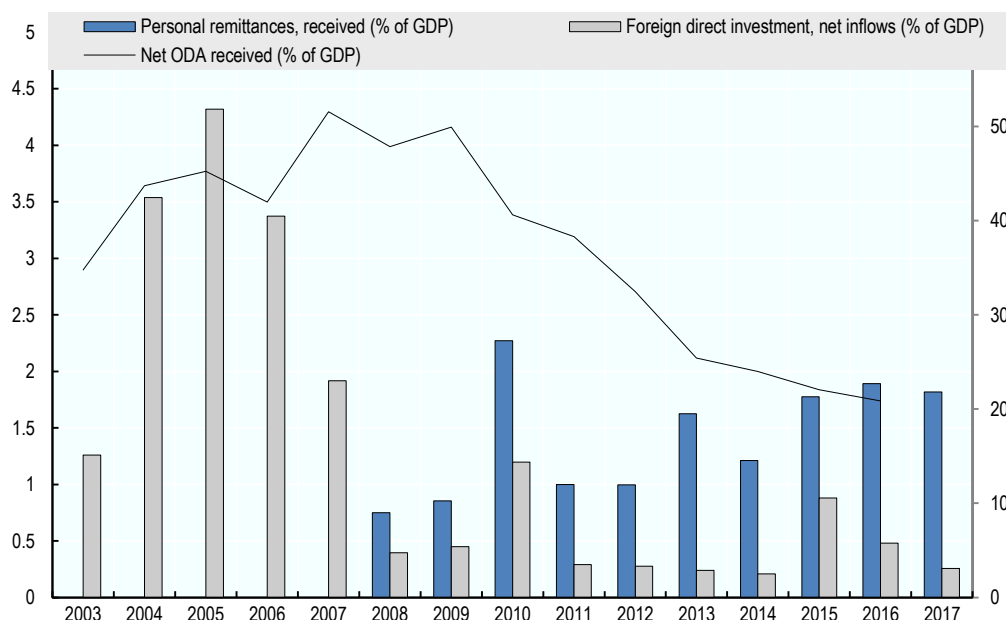
کمک های رسمی توسعه ای (ODA) عامل اصلی خارجی در رشد اقتصادی است که به مراتب جلوتر از سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) و ارسال پول (شکل 1) است. در اواخر سال ۲۰۰۰، جریان کمک های رسمی توسعه ای ODA در بیش از 50 درصد از تولید ناخالص داخلی به اوج خود رسید، هر چند که از آن زمان حدود 20 درصد کاهش یافته است. (World Bank, 2019[8]) (Agheez, 2017[10]).

تنها 0.31٪ از کمک های رسمی توسعه ای ODA در سال 2016 در شرایط شکننده به توسعه SMEs به مصرف رسید. در سطح کم، کمک کننده گان و دولت ها مشکلات را در تنظیم کردن «استراتژی های روشن برای به کار گماشتن شرکت های رسمی و غیر رسمی SME، زیرا در بخش این شرکت ها در ساختار اجتماعی قرار دارند و به گروه های اجتماعی و قدرت های موجود اتکا می نمایند.» گزارش کرده اند (OECD, 2018, p. 205[1]). اوج درآمدهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI در سال 2005 فقط 4.3 درصد از تولید ناخالص داخلی بود و از زمان افت قابل ملاحظه ای داشته است. نامنی، ضعف سازمانی و فساد مانع جدی برای سرمایه گذاری خصوصی بوده است، که بین سال های 2011 تا 2015 به میزان 24٪ درصد افت داشته است. (SIGAR, 2018[6]).

اگر چه حدود 2.6 میلیون افغان در خارج از کشور زندگی می کنند (حدود 7.5 درصد از جمعیت)، درآمد ثبت شده نسبت به آمار های رسمی نسبتاً پایین است و در سال 2017 به 1.8٪ تولید ناخالص داخلی می رسد. برعکس، در قریزستان، میزان انتقال پول 33 درصد از تولید ناخالص داخلی (2 میلیارد دلار) با حدود 11.5 درصد از جمعیت

کار در خارج از کشور است. ارقام مربوط به تاجیکستان به ترتیب 31.6٪ و 7٪ است (World Bank, 2016[11]) (UN Department of Economic and Social Affairs, 2017[12]) این رقم کم ارسال پول ناشی از

شکل 1 کمک های رسمی توسعه ای ODA خالص (شکل سمت راست)، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و جریان انتقال پول (شکل سمت چپ)، 2003-17

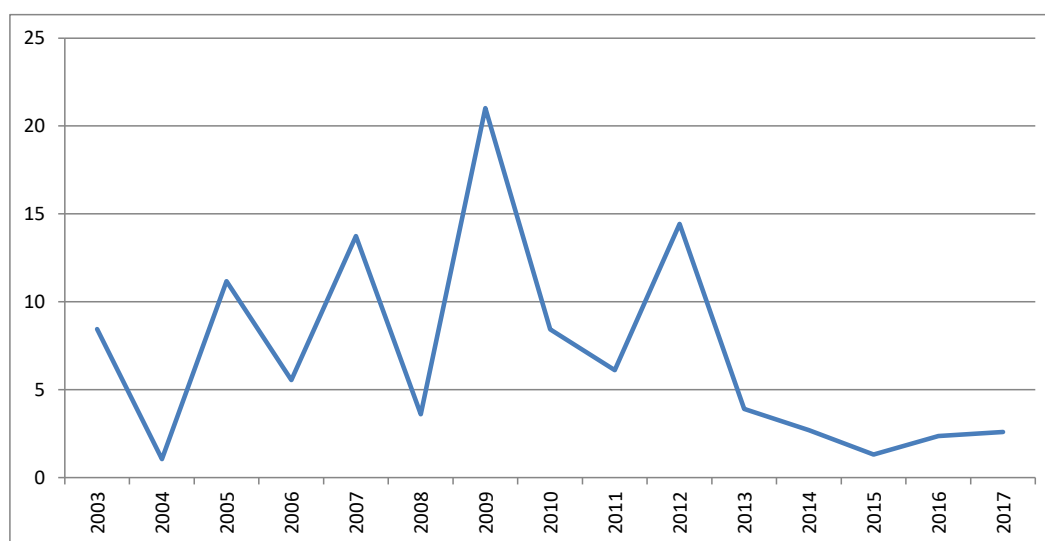


کاربرد زیاد از مکانیزم انتقال غیررسمی است که تقریباً 90٪ تمام معاملات مالی را پوشش می دهد.

منبع: (بانک جهانی، ۲۰۱۷) [۲]

اتکاً به منابع خارجی و حوادث سیاسی و امنیتی منجر باعث رشد اقتصادی شکننده در ده اول بازسازی در کشور شده است (شکل ۱). از سال 2012، رشد و توسعه در نتیجه کاهش کمک و سرمایه گذاری و کاهش حضور نیروهای خارجی در کشور، تضعیف شده است. تقریباً 500,000 شغل از بین رفته است، همانطور که در بیشتر آنها در طول دهه گذشته ایجاد شده است. نرخ بیکاری از 7.1 درصد در سال 2008 به 22.6 درصد در سال 2014 افزایش یافته است (SIGAR, 2018[6]). در سال ۲۰۱۷، ریاست مرکزی احصائیه و وزارت کار و امور اجتماعی نرخ بیکاری را 23.9٪ تخمین زد. (Central Statistical Office of Afghanistan, 2017)

شکل 2 شکل 2 رشد اقتصادی واقعی، (سالانه %)، 2003-17



منبع: (World Bank, 2017)

با وجود فضای پر از چالش، افغانستان پیشرفت قابل توجهی را در شاخصه های توسعه ای، مانند ۳۰٪ کاهش در مرگ و میر و ۳۴٪ کاهش در مرگ میر کودکان زیر ۵ سال داشته است. (World Bank, 2019[7]). امید به زندگی در هنگام تولد ۲۰ سال و ثبت نام در مدارس ابتدایی از ۱ تا ۸۴٪ افزایش یافته است. به مقیاس قیمت ثابت دلار، در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ میزان تولید ناخالص داخلی در هر سال، ۷۴٪ افزایش یافت، هر چند که در طول سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۷ ۲/۴٪ کاهش یافت، زیرا رشد تولید ناخالص داخلی نتوانسته متناسب با افزایش جمعیت باشد. (World Bank, 2016[11]). کاهش نرخ رشد باعث افزایش فقر بخصوص در دهات گردیده است.

رشد شاخص های توسعه در حد اهداف انکشاف پایدار سازمان ملل (SDGs) میباشد. افغانستان پایگاه بلند پایه هماهنگی به سطح ملی را جهت نظارت از تحقق، توسعه جمع آوری اطلاعات و مبارزه علیه افزایش نرخ منفی شاخص های اقتصادی اجتماعی برای اهداف انکشاف پایدار (SDGs) ایجاد نموده است. (United Nations, 2017) تقویت انکشاف سکتور خصوصی و کارآفرینی در افغانستان میتواند متضمن پیشرفت در کار SDG های مختلف از جمله ۵ SDG در مورد مساوات جنسیتی، ۸ SDG در مورد انکشاف اقتصادی و کاری مناسب و ۹ SDG در مورد صنایع، نوآوری و زیربناها گردد.

با این حال، به رغم این پیشرفت ها، توانایی اقتصادی زنان در افغانستان تنها به مشارکت ۱۹٪ نیروی کار زنان و آمار غیر رسمی اشتغال در مناطق روستایی محدود می شود. (Leao, Ahmed and Kar, 2018[13]). زنان هنوز با معایب سیستماتیک که تأثیر مستقیم بر توسعه تجاری آنها دارد، مواجه هستند: زنان برای فروش محصولات شان به دلیل تحرک محدود، تجربه کمتر و شبکه های کوچکتر تمایل به جدا شده از بازارها را دارند. (Netherlands Enterprise Agency, 2016[14]). آنها همچنین با موانع در زمینه دسترسی به منابع مالی یا به دست آوردن زمین و تجهیزات به دلیل سیستم های نامطلوب میراث و مالکیت زمین، قوانین تبعیض آمیز و همچنین با درآمد و پس انداز محدود مواجه هستند. در سال ۲۰۱۹ شاخص نهاد های اجتماعی و جنسیت OECD (SIGI) تخمین زده که ۴۵.۶٪ زنان افغان از دسترسی محدود به منابع مالی و تولیدی برخوردار اند (OECD, 2019 results of the Social Institutions Gender Index, 2018). سر انجام با میزان ۱۷٪ سواد در مقایسه با میانگین ۳۱٪ زنان تمایل کمتر به تحصیل کردن دارند (ITC, 2018[15]). این موانع که زنان را در معرض ترد شدن قرار میدهند معمول اند و باید مورد توجه قرار گیرد زیرا مشارکت زنان در اقتصاد برای مبارزه با فقر ضروری است (OECD, 2014[16]; Ministry of Foreign Affairs, 2018[17]). سازمان های بین المللی و گروه های محلی قصد دارند نقش زنان را در بخش خصوصی مانند اتاق تجارت و صنایع زنان (AWCCI) با توجه بر دسترسی زنان به منابع مالی و کیفیت و نام تجاری محصولات، و ابتکار جدید بانک جهانی که برای حمایت از توانمندی اقتصادی زنان در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ راه اندازی شد، افزایش دهند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) چارچوب برای حمایت از کشور های شکننده مانند افغانستان ایجاد کرده است و این

اصول را در شرایط مختلف، مانند مناطق خاور میانه و شمال آفریقا (MENA) عملی کرده است. آنها باید راهنمای برای کار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD و کشورهای کمک کننده باشد. این اصول نیاز به هماهنگی میان کمک کننده گان و ارتقای ظرفیت در داخل دولت را مهم میخوانند، چنانچه هر دو در سراسر گزارش مورد توجه قرار گرفته (صندوق 1).

چوکات 1 افغانستان و چارچوب شکننده گی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه

سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه ۷۵ کشور را به شمول افغانستان بعنوان کشور های شکننده تقسیم بندی نموده است. چارچوب با این دیدگاه که «شکننده گی مفهوم چند بعدی در اقتصاد، محیط، سیاسی، امنیتی و ابعاد اجتماعی» اگر کاهش نیابد ممکن است نتایج منفی توسعه ای داشته باشد.

افغانستان در همه بخش ها به شدت شکننده است. هر گونه تعامل باید به خوبی هدف قرار گیرد و کمک کننده گان باید چندین ساحه را: تقویت ساختارهای حکومتی و موسسات، سرمایه گذاری در بخش ظرفیت سازی و چارچوب های قانونی کارکردی و ایجاد محیط مناسب برای کسب و کار مورد حمایت قرار دهند. تعهد در افغانستان باید با توجه به اصول ۱۰ کشور شکننده باشد، که منجر به اعلامیه پاریس در مورد تاثیرات کمک ها در سال ۲۰۰۵ شده است، که رویکردی متفاوت برای کشورهای شکننده ترویج نمود:

- ۱- در نظر داشتن وضعیت بعنوان نقطه شروع
- ۲- حصول اطمینان از عدم آسیب رساندن فعالیت های
- ۳- تمرکز روی دولت بعنوان هدف اصلی
- ۴- جلوگیری از اولویت بندی
- ۵- درک روابط میان اهداف سیاسی، امنیتی و توسعه ای
- ۶- ترویج عدم تبعیض بعنوان اساس برای جوامع فراگیر و پایدار
- ۷- هم تراز شدن با اولویت های محلی در زمینه های مختلف با روش های مختلف
- ۸- موافقت مکانیسم هماهنگی عملی میان بازیگران بین المللی
- ۹- سریع عمل کردن، لیکن متعهد ماندن برای فراهم شدن فرصت برای موفقیت
- ۱۰- اجتناب از محروم سازی («کمک به بیتمان»)

منبع: (OECD, 2018) [1]

افغانستان باید رشد، کار و بهره وری را تسریع ببخشد

اقتصاد پس از کاهش نیروهای بین المللی بعد از ۲۰۱۲-۲۰۱۱، به نقطه عطف رسید. خروج نیرو های نظامی و کاهش جریان کمک های رسمی توسعه ای (ODA) دولت را با نیازمیرم برای شناسایی منابع جدید رشد مواجه ساخته است (PRISEC, 2018 [19]). این امر موجب شده است تا اقدامات زیادی به هدف تحریک در بخش توسعه بخش خصوصی صورت گیرد. حتی رشد تولید ناخالص داخلی سال های قبل نتوانست رشد اقتصادی و ایجاد شغل مورد نیاز را با رشد جمعیت و کاهش میزان مرگ و میر هماهنگ نگهدارد. ۴۰۰،۰۰۰ تازه وارد در بازار کار سالانه فشار زیادی روی ایجاد شغل وارد می نماید. تخمین زده می شود که رشد واقعی ۸٪ سالانه یا بیشتر برای جابجایی این نیروی کار افزایش یابد، در حالیکه نرخ رشد واقعی تنها در سال ۲۰۱۷ به ۲.۶٪ رسیده است. (Business DNA, 2018 [20]). تحقیق که افغانستان نیز شامل آن است نشان می دهد که جوانان دست کم یا بیکار اند، احتمال بیشتری برای پیوستن به افراط گرایی دارند (Bhatia and Ghanem, 2017 [21]). گزارش سازمان

همکاری های اقتصادی و توسعه OECD در مورد کشور های شکننده فراهم سازی امکانات معیشتی مفید را توصیه می نماید. (OECD, 2018[1]).

بیشتر شغل ها روی سکتور های کم درآمد تمرکز دارن، مخصوصا زراعت که ۶۲٪ از شغل ها را تشکیل می دهد، تنها 21.7٪ تولید ناخالص داخلی را تولید می کند. آمار مربوط به صنعت و ساخت و ساز به ترتیب ۶،۷٪ و ۲۳/۱٪ برای خدمات ۳۱/۱ و ۵۵/۲٪ است. تغییر تدریجی در بخش خدمات نسبتا جدید است: سهم اشتغال آن از سال ۲۰۰۱ بدینسو بیش از ۲ برابر شده است، در حالی که زراعت ۱۶٪ کاهش داشته است. سهم تولید تریاک در تولید ناخالص داخلی افزایش یافته و در سال ۲۰۱۷ حدود ۷٪ از تولید ناخالص داخلی ناشی از گسترش وسیعی از مناطق کشت تریاک می باشد (UNODC, 2017[22]). تقویت اقتصاد غیرقانونی، چالش های اجتماعی-اقتصادی را که شامل وابستگی به درآمد برای جوامع روستایی، و محدودیت بیشتری روی توسعه فعالیت های رسمی و قانونی ایجاد کرده است.

افغانستان دارای کسری بزرگ تجاری میباشد؛ در سالهای اخیر این نرخ به بیشتر از 40٪ تولیدات ناخالص داخلی افزایش یافته. تا حد زیاد این مشکل به دلیل منابع وافر که از طریق کمک های خارجی وارد کشور شده و باعث گردیده تا مصرف پایدار بماند ولی در عین حال ممکن باعث ایجاد بیماری هالندی "Dutch disease" توسط این کمک ها نیز گردیده، شکل گرفته است. این باعث افزایش واردات و تضعیف رقابت پذیری محصولات داخلی میگردد. منابع کمکی بطور کل باعث رشد سکتور های غیر قابل تبادل مانند (سکتور ساختمانی، صحت و معارف) شده که این باعث افزایش مزد و نرخ تبادل اسعار به قیمت کاهش رقابت پذیری سکتور قابل تبادل گردیده است (Palaash & Ghosh, 2018). تولید کننده گان داخلی قادر به رقابت نبوده و دور از معیار های بین المللی اند. علاوه بر این، توانایی تولید و صادرات به شدت تحت تأثیر سال های جنگ های مسلحانه قرار گرفته است، که منجر به واردات عظیم محصولات زراعتی، ماشین آلات و کالاهای تولیدی دیگر شد (NES, 2018[23]، OECD، که در جون ۲۰۱۸ راه اندازی شد، عدم تعادل را با ترویج ارتقاء صادرات هدف قرار می دهد. (ITC, 2018[15]).

افغانستان بعنوان اقتصاد کم درآمد باقی مانده است، در سال 2015، تقریبا ۴۰٪ جمعیت زیر خط فقر جهانی قرار گرفت. (Government of Afghanistan and PRISEC, 2018[24]).

توسعه بخش خصوصی باید به ماشین جدید رشد اقتصادی تبدیل شود

توسعه بخش خصوصی اکنون اولویت اصلی رشد دولت است. مخصوصا در شرایط شکننده، همکاری سکتور خصوصی ملی و بین المللی با حمایت از بازیگران توسعه از جمله SME هایی که توانایی کمک به معیشت و رفاه را دارند افزایش یابد (OECD, 2018[1]). هر چند بخش خصوصی در افغانستان محدود است، با آن هم تعیین اندازه و دامنه فعلی بخش خصوصی در افغانستان مشکل است. در حال حاضر سهم بخش خصوصی در اقتصاد بر حسب ۲۰-۱۲٪ تولید ناخالص داخلی تخمین شده است. (Government of Georgia, 2018[25]). با این حال، این تخمین های رسمی تنها ۷۰۰،۰۰۰ شرکت را پوشش میدهد، کسانی را که «در درجه اول مشغول زراعت، معدن، ساخت و ساز کوچک، حمل و نقل، بانکداری و بیمه» اند شامل نمی شود² (Afghanistan Central Business Registry, 2015[26]). سایر گزارش های موجود نشان می دهد که فعالیت های بخش خصوصی به طور عمده شامل زراعت، حمل و نقل، ذخیره سازی و ارتباطات، ساخت و ساز مواد غذایی، نوشیدنی و تنباکو که میتواند قسمت بیشتری از تولید ناخالص داخلی تشکیل دهد³ (Afghanistan Government Media and Information Center, 2017[27]). علاوه بر این بخش غیر رسمی در افغانستان بزرگ است و شامل این ارقام نمی باشد. فعالیت های غیرقانونی نیز در افغانستان فراگیر است و تخمین زدن آن دشوار است⁴. آنها بی ثباتی و فساد را تقویت می نمایند و عوامل جنگ و خشونت را تشدید می نمایند (OECD, 2018[1]). با تسلط وسیع زراعت و تجارت کوچک (خرده فروشی)، کشور نیاز دارد تا، در تولید و صادرات قابل فروش تنوع ایجاد نماید، و این به ایجاد شرایط مطلوب تر برای کار آفرینی و رشد شرکت ها و بخش های جدید نیاز دارد (ITC, 2018[15]).

با توجه به آمار اداره مرکزی احصاییه (CSO)، تخمین زده می شود که کارآفرینان و SMEs⁵ ۹۸٪ از تجارت، تولید حدود ۱۷/۵٪ از تولید ناخالص داخلی و استخدام را و ۱۹/۵٪ از نیروی کار را تشکیل میدهند.

با این حال، تخمین های بانک جهانی نشان می دهد که سهم آنها در اقتصاد، زمانی که تمام بخش ها و مناطق اقتصادی به ۵۰٪ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۳۳٪ نیروی کار در نظر گرفته شده باشد به طور قابل ملاحظه ای بزرگتر است (Central Statistics Organisation, 2016[28]). با کاهش کمک های خارجی، کشور همچنان برای جذب سرمایه گذاری خصوصی بیرونی تلاش می نماید، کارآفرینان و کارشناسان افغان باید محرک اصلی این پیشرفت باشند.

تشبثات افغان در محیط فعالیت میکند که جنگ، فساد و بی ثباتی سیاسی در آن موجود است (ACCI, 2016[29]; [World Bank, 2019]7). مناقشات دوامدار اثرات گسترده بالای انکشاف سکتور خصوصی گذاشته است: تشبثات و سرمایه گذاری از کشور نموده و سرمایه، مهارت ها، اشتغال و فناوری را باخود برده اند، بدین سان حمایت را که سکتور خصوصی به آن بخاطر انکشاف نیاز داشت بیشتر کاهش داده است. حکومت های متعدد تا الحال نتوانسته اند که خدمات قابل اطمینان، شفاف و عادلانه دولتی را ارائه کرده و از رشوه ستانی سیستماتیک جلوگیری کنند.

دولت پیش نویس استراتژی مبارزه با فساد برای رفع این مشکلات را تهیه نموده (Government of Afghanistan, 2018[31]). نمایندگان تشبثات افغان نیز بی ثباتی سیاسی را بحیث بزرگترین چالش شناسایی نموده اند. دولت هنوز هم با مشکلات بزرگ در زمینه هماهنگی داخلی و تطبیق آنها مواجه است. این باعث کاهش اعتماد تشبثات نسبت به دولت گردیده و فعالیت های سکتور خصوصی را بیشتر بسوی سکتور غیر رسمی میکشاند که باعث شکننده گی بیشتر دولت و رفتار های افزایش دهنده فساد میشود (SIGAR, 2018[6]).

دولت اهداف بلندی را تعیین نموده و تلاش نموده تا انکشاف سکتور خصوصی را تقویت بخشد، تا افغانستان با سایر ممالک در منطقه هم سطح گردیده و جمع آوری عواید داخلی خصوصاً از طریق چهارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، افزایش یابد (ANDPF) (جدول 3).

چوکات 2 اجندای ریفرم افغانستان و برنامه های ملی دارای اولویت

(ANPDF (2017-2021)) به هدف کمک به کشور برای رسیدن به خود کفائی و دستیابی به پیشرفت ها در قسمت تطبیق اهداف SDG تهیه گردیده. ANPDF چهارچوب را برای ریفرم ها در افغانستان بر اساس اجندای ریفرم پیشکش شده توسط حکومت وحدت ملی به جامعه جهانی در بروکسل در سال 2016 میباید که شامل "رسیدن به خود کفائی، افزایش رفاه مردم افغان و ایجاد اقتصاد همه شمول - اشتغال زا میباید.

حکومت وحدت ملی از ANPDF بحیث پایگاه برای ریفرم ها در ساحات مختلف اقتصادی استفاده مینماید. ANPDF شامل 12 برنامه ملی دارای اولویت (NPP) بوده که یک از آنها بالای انکشاف سکتور خصوصی (2018-2023) متمرکز است. دولت از پوتانسیل SME ها بحیث یک ماشین برای انکشاف افغانستان آگاه است. اما چندین NPP دیگر به انکشاف اقتصادی ارتباط دارد مانند NPP انکشاف زراعت و NPP حمایت اقتصادی زنان. مهم است که NPP ها با سایر استراتژی های مرتبط مانند استراتژی SME همسان باشد و آنها را تقویت نماید.

برنامه های ملی دارای اولویت، NPP در مورد PSD حاصل مشاوره همه جانبه میان دولت، سکتور خصوصی، نهاد های بین المللی بشمول بانک جهانی در رهبری و اشتراک قاطع ITC و OECD میباید.

اعاده اعتماد و ایجاد محیط مساعد برای تشبثات با تامین بهتر امنیت، تطبیق ریفرم های اقلیمی و اشتراک در زنجیره های ارزش جهانی

افزایش دسترسی به ضروریات کلیدی تشبثات مانند منابع مالی و زمین

تشریک خطر و سرمایه گذاری های جمعی توسط تشویق سرمایه گذاری، PPP ها و عملکرد بهتر شرکت های دولتی

تسهیل و محفوظ سازی داد و ستد و ترانزیت بشمول انکشاف داد و ستد و گمرکات

مأخذ: (Business DNA, 2018[20]) (PRISEC, 2018[19])

در اجلاس 2014 لندن برای افغانستان، دولت خاطر نشان ساخت که "توسعه محیط مناسب برای تشبثات از جمله اولویت های مهم اش میباید" (SIPRI, 2015[5]). یازده اولویت ریفرم سکتور خصوصی، پیشنهاد شده توسط سکتور خصوصی توسط دولت و همکاران بین المللی مورد قبول قرار گرفت. بنابر نوعیت این اولویت ها که مستلزم همکاری میان نهاد های مختلف دولتی میباید و بمنظور تقویت و تسهیل تطبیق این ریفرم ها و سایر ریفرم

های شاخص انجام تجارت بانک جهانی، دولت راهکار بین‌الوزارتی را انتخاب نمود، که به ایجاد PRISEC انجامید و انکشاف را سازماندهی نمود. (جدول 3)

چوکات 3 PRISEC و یازده اولویت ریفرم سکتور خصوصی و برنامه های ملی دارای اولویت

PRISEC تحت اثر ریاست اجرائیه ایجاد گردید. تحت ریاست وزیر تجارت و صنایع، دفتر رئیس اجرائیه و رئیس بانک جهانی در افغانستان، این یک پایگاه برای وزارت و نهاد های دولتی، سکتور خصوصی و نهاد های بین المللی برای هماهنگی فعالیت های شان برای سکتور خصوصی میباشد و 11 اولویت ریفرمی زیر را حمایت میکند:

انکشاف راه های سنتی آبیاری و حمایت از سیستم های مدرن پایدار

پیشبرد انکشاف سیستم خط آهن ملی برای افغانستان

انکشاف زیر بناهای کمکی در اطراف دهلیز های منابع برای انکشاف و ترانسپورت مطمئن منرال های استخراج شده

ایجاد مراکز یک مرحله برای خدمات دولتی در همخوانی با سیستم الکترونیکی جهت ارائه خدمات اداری گسترده برای تشبثات

کاهش مصارف و افزایش دسترسی به منابع مالی توسط گسترش تضمین قرضه و برنامه های قرضه کوچک و با تامین محیط برای تطبیق قرار داد ها و شرایط برای حصول قرضه ها جهت جلب توجه قرضه دهندگان.

انکشاف استراتژی برای پارک های صنعتی که نظریات و پیشنهادات سکتور خصوصی را در نظر گرفته باشد.

توافق عاجل بالای قانون برق، قوانین فرعی و رهنمود های که ایجاد یک نهاد مستقل تنظیم کننده برق جهت تطبیق پالیسی های که سرمایه گذاری خصوصی در سکتور برق را حمایت نماید.

راه اندازی برنامه برای توسعه زیربنا و وسایل برای نهاد های TVET.

حمایت از سرمایه گذاران و ایجاد محیط مناسب برای آنها

انکشاف پالیسی ملی و چهارچوب قانونی/مقرراتی برای همکاری میان سکتور خصوصی/دولتی.

ایجاد راه های تبدیل ترانزیتی از طریق آسیای مرکزی که همزمان با پروژه پایپلاین گاز آسیای مرکزی تطبیق خواهد گردید.

PRISEC همچنان رول عمده را در تهیه برنامه ملی دارای اولویت برای انکشاف سکتور خصوصی 2018-2023 با حمایت نهاد های مختلف بین المللی، بشمول بانک جهانی که دارای نقش رهبری کننده بود، ITC و OECD بازی نمود.

مخذ: ([Government of Afghanistan and PRISEC, 2018[24])

برای حمایت بیشتر از پیشرفت فضای سرمایه گذاری و جایگاه کشور در رده بندی شاخص تشبث بانک جهانی (جایگاه فعلی از میان 190 کشور 167 ام میباشد)، دولت در حال تهیه و تطبیق یک تعداد از ریفرم ها و قوانین است که مستقیماً بالای آنها تاثیر گذار میباشد، این اقدامات بر علاوه NPP برای PSD میباشد. این کوشش ها در رده بندی انجام سرمایه گذاری 2018-19 بانک جهانی انعکاس یافته است. افغانستان 16 رده بالاتر یعنی از جایگاه 187ام به 167ام رسیده که بطور کلی بعلت ریفرم های دولت در قسمت سرمایه گذاری، حفاظت از اقلیت های سرمایه گذاران و حل قروض صعب الحصول میباشد. ([World Bank, 2019[30]). همچنان به ریفرم ها جهت تقویت انکشاف سکتور خصوصی همچنان ضرورت بوده، و اکثریت آنها در حال تطبیق اند.

دولت دهلیز های هوایی را جهت توسعه دسترسی به مارکیت های جهانی ایجاد نموده است. در جولای 2017، دهلیز هوای میان کابل و دهلی افتتاح گردید که 170 پرواز را سهیل نموده است. تا آخر سال 2018 بیشتر از 3000

متریک تن کالاها از طریق آن از افغانستان صادر گردید. این برنامه انکشاف یافته و سرمایه گذاران افغان کالا را به چین، اروپا (بیشتر از 20 شهر)، هند (بیشتر از 50 شهر)، قزاقستان، روسیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی صادر مینمایند (Office of Economic Advisor to the President of Afg, 2018[33]; [Embassy of Afghanistan to Italy, 2018[34])

دولت هدف دارد تا زون های خاص اقتصادی (که از آن بنام پارک های صنعتی نیز یاد گردیده)، نزدیک به میادین هوایی ایجاد نماید. رئیس جمهور غنی تخمین نموده که تا سال 2032 عایدات بدست آمده از سرمایه گذاری بالای انرژی و زیربناها حدود 32 میلیارد دالر خواهد بود.

قانون معادل تعدیل گردیده و راهکار سکتور معدن ایجاد گردیده که اهداف دولت برای انکشاف صنعت استخراج معدن را واضح میسازد. این سکتور بگونه مداوم با چالش های استخراج غیر قانونی روبرو بوده تا جائیکه وزارت معادن و پترولیم راهکار جدید برای افزایش شفافیت و انکشاف چهارچوب قانونی را تهیه نموده است.

قانون مدیریت زمین (LML) در حال حاضر با پلان پنج ساله سرمایه گذاری تکمیل گردیده، برنامه انکشاف نهادی استراتژیک برای اداره زمین (IDPL) بمنظور ایجاد مدیریت موثر زمین ایجاد گردیده است. ریاست مستقل اراضی با وزارت انکشاف دهات اخیراً مدغم گردید؛ و نهاد جدید بنام وزارت انکشاف دهات و زمین مسمی گردیده و بهدفع همخوانی و بهبودی مدیریت زمین و اولویت های انکشاف شهری بمیان آمده است.

در ماه مارچ سال 2018، قانون دیون صعب الحصول و شرکت ها تصویب گردید که افغانستان را از رده 161 به رده 74 در رده بندی شاخص حل دیون صعب الحصول بانک جهانی رسانید (World Bank, Ease of Doing Business in Afghanistan, 2019) قانون جدید چهارچوب مدیریت سکتور خصوصی را تقویت میبخشد. چهارچوب موثر ورشکستگی برای دسترسی به کربدت خیلی مهم میباشد؛ دولت در این مورد دولت 13 ریفرم را تطبیق نموده (که شامل پرداخت قرضه دهندگان در زمان ورشکستگی و مراحل ورشکستگی)، و قانون ورشکستگی را تقویت میکند. این در شاخص رفع ورشکستگی بانک جهانی در سال 2019 ارائه گردیده که در آن افغانستان در میان 190 کشور جایگاه 74 ام را از آن خود نموده است (World Bank, 2019[32]). حالا مهم این است که قانون ورشکستگی بگونه درست تطبیق گردد.

استراتژی ملی صادرات با کمک ITC و اتحادیه اروپا تهیه گردیده و توسط دولت در سال 2018 توشیح گردیده است. هدف این استراتژی رشد صادرات و رقابت پذیری تشبثات در افغانستان میباشد. NES بالای شش سکتور دارای پتانسیل بالای خصوصاً تولیدات زراعتی، پارچه (قالین) و سنگهای قیمتی و زیورات متمرکز میباشد (ITC, 2018[15])

دولت پالیسی جدید تجارت ملی را توشیح نموده و بسته ریفرمی طرز العمل صادرات را تهیه نمود که حجم اسناد موارد ضرورت برای صادرات را کاهش داده و میتواند مصارف و زمان معاینات در سرحد را کاهش دهد (ITC, 2018).

شرکت جدید دولتی لوحه ها، چهارچوب راهبری شرکتی برای تمام تشبثات را تقویت نمود است. این شامل تصنیف واضح حقوق مالکیت، شمول ریاست های مستقل، و سیستم مالی قوی و تقویت در شرکت های دولتی میگردد (Office of Economic Advisor to the President of Afg, 2018[33])

این راپور بالای سه چالش انکشاف سکتور خصوصی متمرکز است

1. رسمی سازی تشبثات امر ناگذیر برای انکشاف موفقانه سکتور خصوصی میباشد

در حال حاضر سهم سکتور غیر رسمی الی 80% تمام فعالیت های اقتصادی تخمین گردیده (SIPRI, 2015[5]). این برای ارائه نتایج متوقعه پالیسی های تهیه شده برای تشویق سکتور خصوصی باید تغییر کند؛ تشبثات باید تشویق به پیوستن به سکتور رسمی گردند. در غیر آن، تشبثات از دسترس اکثریت برنامه ها بدور مانده و رشد شان فقط بخاطر غیر رسمی بودن شان کاهش میابدو بدین سان توانائی شان برای سرمایه گذاری بالای مهارت ها، تکنولوژی و فعالیت های مغلقت محدود میماند. جهت تشویق تشبثات به رسمی شدن، که در عین زمان باعث ایجاد تاثیرات دسته ای (Bandwagon effect)⁶ میگردد، بخش اول توصیه میکند که دولت باید پاداش های مثبت را برای رسمی شدن تشبثات و کاهش مصرف این پروسه باید راه اندازی کند.

2. کمبود دسترسی به منابع مالی بحیث مانع برای توسعه سرمایه گذاری باقیمانده

SME ها و شرکت های نوپا شرایط کربیت را غیر کافی به نیاز های شان گزارش داده اند. در سال 2016، 57% دسترسی به منابع مالی را بعنوان یک چالش قلمداد کردند، اکثریت از نرخ بلند سود و شرایط دست و پاگیر تضمین قرضه بعنوان باز دارنده های عمده یاد نمودند (ACCI[29]). به علت قیمت بالای منابع رسمی، ارتباطات محدود، اعتماد پائین بالای بانک ها، دانش پائین مالی، نگرانی های دینی، فقط 2% تشبثات به قرضه های بانکی رجوع کرده اند. اکثر تشبثات به میکانیزم های غیر رسمی اتکا نموده اند. در عین زمان منابع مالی بدیل با از تاثیر گذاری محدود برخوردار بوده و باید بیشتر انکشاف یابد. این چالش ها در فصل دوم بحث گردیده است.

3. کیفیت خدمات عامه باعث ایجاد فاصله میان دولت و سکتور خصوصی گردیده

فصل سوم خدمات دولت برای تشبثات در افغانستان مانند ثبت، فایل نمودن مالیات و پروسه های گمرکی را مورد بررسی قرار داده است. بیشتر از 50% تشبثات اینها را بحیث چالش های عمده یاد آوری کرده و این رقم در کابل بیشتر از سایر نقاط بوده است. تشبثات با پروسه های بی اندازه مغلق مواجه بوده و زمینه را برای اخذ رشوه در جریان طی مراحل در نهاد های دولتی فراهم میسازد - چون این پروسه ها عموماً در دوایر دولتی و یا مراکز یک مرحله طی مراحل میگردد (ACCI, 2017[35]). کیفیت پائین خدمات دولتی و عدم دسترسی به خدمات اساسی، توسعه خصوصی را مانع گردیده است.

اقدامات شناسایی گردیده توسط ارزیابی مشمول موارد زیر بوده اما محدود به آنها نمیباشد:

توسعه و تطبیق بیشتر استراتژی ها و پلان های هدفمند و آگاهانه SME متمرکز بالای چالش های فرا راه SME ها مانند، منابع مالی، سرمایه های انسانی، تجارت، ابتکار زیربناها و مالیات؛ و هماهنگی این فعالیت ها با فعالیت های دولت، سکتور خصوصی، نهاد های کمک کننده مالی برای اولویت برای SME های، باید صورت گیرد. این باید مشمول ارائه شرایط بهتر برای SME ها و شرکت های نوپای رسمی بوسیله رژیم های مالی، پارک های صنعتی، برنامه های بهتر و بیشتر هدفمند جهت حمایت از SME ها و شرکت های نوپا، مقررات بهتر برای ایجاد و توسعه تشبثات و چینل های معلوماتی بهتر برای آگاهی دهی در مورد پروسه های موجود برای تشبثات.

تقویت دسترسی به منابع مالی بوسیله برنامه های آموزشی مالی؛ برنامه های هماهنگ شده برای حمایت از دسترسی SME ها به قرضه، به شمول برنامه های تضمین قرضه؛ بهتر سازی شرایط برای انکشاف منابع مالی بدیل، مانند قرضه های کوچک و اسلامی؛ برنامه های اختصاصی برای شرکت های نوپ، بشمول مربی گری و حمایت مالی.

ارائه خدمات دولتی بوسیله خدمات دیجیتال دولتی، بالاخص پایگاه های تلفونی؛ گسترش مراکز یک مرحله برای ارائه جواز سرمایه گذاری؛ زیربنا های پیشرفته دیجیتال جهت بهتر سازی خدمات پرداخت الکترونیک، توسعه ارتباطات بوسیله تلفن همراه و ICT همه بر اساس نیاز انکشاف یافته، باید گسترش یابد.

یادداشت ها:

¹ این شامل کمک های امنیتی نمی شود، که در سال ۲۰۱۶ برابر با بیش از ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی و نزدیک به کمتر از ۵۰٪ در سال ۲۰۰۹ (World Bank, 2019[7]).

² نظرسنجی های تجاری نشان میدهد که موسسات بزرگ که به نظر سنجی ها پاسخ ارائه نمی کنند و مناطق که مصاحبه کنندگان نمی توانند به دلایل امنیتی به آنجا دسترسی داشته باشند؛ کنار گذاشته شده اند. (Afghanistan Central Business Registry, 2015[26]).

³ شرکت های بخش خصوصی ۲/۳ حصة از مجموع ارزش افزود شده تولیدی (۲۱,۷٪ از تولید ناخالص داخلی) را تشکیل می دهند، و دست اندرکاران اصلی در تجارت خرده فروشی (۸٪ تولید ناخالص داخلی)، حمل و نقل (۱۸,۶٪) بخش مخابرات (۶٪) و (۲٪) و همچنین در بخش زراعت (۸/۲۰٪) می باشند. (Afghanistan Government Media and Information Center, 2017[27]) کمک های بخش خصوصی را در حال حاضر میتوان بالاتر از ۱۰-۲۰٪ تخمین نمود، و ممکن با وجود نبود آمار دقیق از تجارت در بسیاری از بخش ها به ۳۵-۵۰٪ رسیده باشد.

⁴ UNODC تخمین نموده است که اقتصاد مواد مخدر (ممنوعه) در حدود ۲۰-۳۰٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ محسوب می شود.

(UNODC, 2017[22]).

⁵ تعریف SME (اگر شرکت های کوچک را شامل بسازیم) در افغانستان شرکت هایی با ۱۰۰ کارمند کمتر از ۱۰ میلیون افغانی (۱۲۰۰۰۰ هزار یورو) در سال در کارخانه ها و ماشین آلات در بخش تولید و کمتر از ۵ میلیون افغانی (۶۰ هزار یورو) در تجهیزات خدماتی بخش سرمایه گذاری می نمایند.

(Ministry of Industry and Commerce, 2018[185]).

⁶ تاثیرات دسته ای با احتمال افزایش پذیرش افراد به نسبت قبلا انجام شده است مشخص می شود.

2. تشویق برای رسمی سازی تجارت.

اقتصاد بزرگ غیر رسمی افغانستان کمک میکند تا عده ای قابل توجهی از مردم را از فقر نجات دهد، در عین حال مانع توسعه بخش خصوصی از جمله تولیدات محدود و توسعه تجارت، مشاغل آسیب پذیر و رقابت برای بخش رسمی نیز می شود. این فصل راه حل هایی برای رسمی سازی تجارت: ایجاد پالیسی های بهتر برای SMEs، تنظیم مقررات تجاری و ایجاد محرک های مانند مالیات و پارک های صنعتی برای جهت ترغیب تجارت های غیررسمی به تجارت رسمی فراهم می نماید.

اهمیت رسیده گی به تجارت غیر رسمی

غیر رسمی بودن یک واقعبیت اقتصادی فراگیر در افغانستان است که در تمام بخش ها و مناطق موجود است. تخمین زده می شود که اقتصاد غیر رسمی تا ۸۰٪ از کل فعالیت اقتصادی را نشان می دهد، در حالی که شغل های غیر رسمی می تواند بیش از ۹۰٪ از کل را نشان دهند (Afghanistan Central Statistics Organization, 2016) (Ghiasy, Jiayi, & Hallgren, 2015)

(Afghanistan Central Statistics Organization, 2018). علاوه بر این، آمار مربوط به ثبت نام شرکت ها در طی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، کاهش قابل ملاحظه ای را در تعداد سالیانه ثبت شرکت های جدید تا حدود ۶۰٪ را نظر به آمار دولت نشان می دهد.

با توجه به کاهش رشد در طول این دوره، کاستی های تخمین زده می شود. میزان رکود ممکن است نشان دهد که بازیگران اقتصادی بیشتر در بخش غیررسمی عقب نشینی می کنند زیرا شرایط اقتصادی بدتر می شود.

بخش بیشتری از (۴۷٪) جمعیت زیر ۱۵ سال فشار سنگینی را در بازار کار ایجاد می نماید، که با افزایش هزینه عرضه نیروی کار با ۴۰۰۰۰۰ نفر تازه وارد در سال و نسبت وابستگی به سن^۱، که در افغانستان برابر با ۸۷٪ در مقایسه با میانگین بین المللی ۵۴٪ است. (Central Statistics Organisation, 2016)

این روند فشار بیشتری را روی بازار کار رسمی برای جذب نیروی تازه و تأمین مالی خدمات اساسی اجتماعی خصوصاً برای جوانان وارد خواهند نمود. شغل های رسمی بخش بیشتری از شغل ها را در مناطق شهری (۲۹٪) نسبت به مناطق روستایی (۶٪) تشکیل میدهد، که این امر منعکس کننده تمرکز روی استخدام در بخش رسمی خدمات عامه در شهر ها و غلبه بر فعالیت های اقتصاد زراعتی غیر رسمی در روستا ها است. (ACAPS, 2014)

فضای شکننده سیاسی، اقتصادی و امنیتی موانع جدی را نه تنها برای رشد اقتصاد رسمی ایجاد نموده، بلکه سبب بطنی شدن سرمایه گذاری ها که برای ایجاد شغل و رشد تولیدات در بخش رسمی گردیده است. (World Bank, 2017) در عین زمان ظرفیت محدود دولت جهت ارائه خدمات عامه، مبهم بودن پالیسی و سوء استفاده مقامات دولتی به شدت اعتبار تجاری را در دهه های گذشته تحت تأثیر قرار داده است. (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018). این عوامل ریشه ای به تحریک اقتصاد غیر رسمی در افغانستان کمک نموده، که انعطاف پذیری به بحران کلان اقتصاد، تغییرات در پالیسی و شرایط امنیتی را ثابت می سازد. ظرفیت ضعیف دولت جهت تقویت فضا برای تجارت و تطبیق پالیسی ها عامه به شکل شفاف و مؤثر مزایای استفاده از عملکرد در بخش رسمی را در تنگنا قرار داده و تمایل شرکت ها به انتقال به بخش رسمی محدود ساخته است.

دولت ابتکارات مهم را در راستای حمایت از رسمی سازی تجارت ها مضمول: کاهش هزینه اخذ جواز ۹۸٪ از ۳۰۰۰۰۰ افغانی به ۱۰۰ افغانی؛ تصویب قانون جدید شهرداری که مجوز شهرداری را حذف می کند؛ و ایجاد مرکز واحد در کابل برای تسهیل روند ثبت نام که در این فصل روی آن صحبت خواهد شد. تغییرات بیشتری همانند: ایجاد اخذ ویزه ۳ ساله هنگام ورود در کشور جهت جلب سرمایه گذاری و قانون جدید در بخش پارک های صنعتی که روند و هزینه اخذ محور پارک های صنعتی را کاهش دهد. این تغییرات بخش از مشوره های وسیع که سبب ایجاد اتاق تجارت زنان افغان (AWCCI) و اتاق صنایع معادن افغانستان (ACIM). تعریف اقتصاد غیر رسمی در افغانستان.

طبق تعریف سازمان بین المللی کار ILO، اقتصاد غیر رسمی شامل « همه فعالیت های اقتصادی توسط کارگران و واحد های اقتصادی که در قانون و یا در عمل- تحت پوشش قرار نگرفته و یا توسط برنامه های رسمی به اندازه کافی پوشش نیافته اند.» این فعالیت های ممنوعه را تحت پوشش قرار نمی دهد. (ILO, 2015)

با توجه به ناهمگونی شرکت های غیر رسمی و دسته بندی گسترده ای از توافقات رسمی، بسیاری از سازمان های بین المللی، از جمله OECD، بانک جهانی و ILO، روی رده بندی فعالیت های غیررسمی اقتصادی با استفاده از سه معیار کار کرده اند:

۱. معیار اندازه، که بوسیله آن شرکت غیر رسمی، شرکت ثبت نشده است که صاحب آن شخص است که سرمایه آن از شرکت جدا نیست و برای آن سوابق حسابداری وجود ندارد که بتواند فعالیت های شرکت را بررسی نماید. (ILO, 2015)

۲. معیار ثبت نام، که بوسیله آن عدم ثبت نام در اداره دولتی، بطور مثال منبع مالیاتی بعنوان مشخصه شرکت غیر رسمی تعریف می شود. (Gelb, Mengistae, Ramachandran, & Kedia Shah, 2009)

۳. انطباق با معیار تنظیم مقررات عامه، که بوسیله آن مداخله دولت، تعریف کننده متغیر غیر رسمی است، پابندی شرکت ها به قانون تعیین کننده رسمیت آنهاست. (World Bank, Informal Economy and the World Bank, 2014) (Kanbur, 2009)

با آنکه تعریف هر یک از این معیار ها برای تحلیل خصوصیات غیر رسمی مؤثر است، بصورت جداگانه برای تجزیه و تحلیل اندازه و اهمیت بخش غیر رسمی در اقتصاد مشخص ناقص هستند. به گونه مثال، یک شرکت کوچک بخاطر اخذ جواز پول میپردازد، لکن برای تامین امنیت اجتماعی هیچ مالیه نمی پردازد. در این رابطه، این فصل استدلال را مطرح می کند که غیر رسمی بودن پیوسته با ویژه گی های خاص افغانستان مورد توجه قرار گرفته است. (World Bank, Informal Economy and the World Bank, 2014) (La Porta & Shleifer, Informality and Development, 2014)

(Peel & Snodgrass, 2008) تعریف واضعتر آنچه که اقتصاد غیر رسمی را تشکیل می دهد، با یک یا چند معیار فوق مطابقت دارد- تقویت توانایی این گزارش جهت منعکس ساختن ناهمگونی اقتصادی بخش غیر رسمی در افغانستان و حصول اطمینان از گسترش پالیسی ها جهت ایجاد تاثیرات مثبت تا حد ممکن بر بیشترین بخش غیر رسمی در کشور می باشد.

با تطبیق این تعریف ها، اقتصاد غیر رسمی تجارت های ممنوعه را شامل نمی شود. در شرایط افغانستان، این یک هشدار جدی است، از آنجا که تولید کوچکتر رو به افزایش است، که ارزش صادرات آن به ۲۰-۳۰٪ تولید ناخالص ملی تخمین زده می شود.

(UNODC, 2017) اگرچه فعالیت اقتصادی ممنوعه محراق توجه پالیسی های رسمی در این گزارش نیست، نقش فعالیت های ممنوعه در اقتصاد افغانستان ملاحظات را در زمینه چگونگی مورد توجه قرار داشتن غیر رسمی سازی مطرح می سازد. بطور مثال، یکی از عوامل عمده ایجاد موانع برای رسمی سازی اقتصاد، استفاده از شیوه های غیر قانونی در روند تجاری می باشد، که توانایی یک شرکت برای انتقال از غیر رسمی بودن به رسمی شدن محدود می سازد. مانع دیگر معضله رسمی سازی زندانی ها است. جای که یک شرکت تمایل به رسمیت شناخته شدن را ندارد. بنابراین تلاش ها از مسیر اصلی منحرف می شود. از آنجایی که فعالیت رسمی اقتصادی و یا بندی به قوانین حاکم برای بازدهی بهتر هنگامی که جمع بزرگ از شرکت ها موافق اند، در عدم موجودیت محرک های واضع، ممکن مزایای کمتر برای پذیرفتن زود هنگام استراتژی های رسمی موجود باشد. (Gans-Morse, 2017)

ویژه گی های کلیدی اقتصاد غیر رسمی

با توجه به فعالیت های دقیقتر اقتصاد غیر رسمی، در این فصل غیر رسمی بودن با رجوع به جمع از شرکت ها («بخش غیر رسمی») و یا کارگران («استخدام های غیر رسمی») که قادر به همکاری در رشد اقتصاد رسمی و فعالیت های کلی دولت نیست که به دومی بگونه مدرک مالیاتی کوچک نشان داده شده، پنداشته میشود. این باعث می شود که هر دو مانع فعالیت رسمی اقتصادی در موجودیت فعالیت های اقتصادی از میان برداشته شود که از شیوه ها و روش های اقتصاد رسمی متفاوت است. کارگران غیر رسمی اکثر کار شخصی انجام میدهند ۶۰٪ از کار های غیر رسمی در سراسر جهان بعنوان کارهای شخصی محاسبه می شوند. با جوانان بین (۲۴-۱۵)، کارگران مسن میان (۶۰ سال و بالا تر از آن) و خانمها در بکار گماشتن در بخش غیر رسمی در نظر گرفته شده اند. (La Porta & Shleifer, Informality and Development, 2014) (ILO, 2018)

با توجه به نقش برجسته زراعت در اقتصاد افغانستان، تعداد از موارد مربوط به تقاطع بخش زراعتی و غیر رسمی قابل توجه است. مناطق روستایی افغانستان تحت تاثیر استخدام های غیر رسمی و ناامنی های مرتبط به آن قرار دارد، از میان ۵ زن در روستاهای افغانستان ۴ تن آنان از طریق استخدام های غیر رسمی به کار گماشته می شوند. بصورت کل، استخدام های غیر رسمی در تناسب به تجارت های غیر رسمی گسترده تر است. به دلیل این که بسیاری از استخدام های غیر رسمی همه کارهای شخصی هستند، که از سال ۲۰۱۲ پس از یک دهه انحطاط رو به افزایش بوده است. در بسیاری از کشور ها شرکت های اقتصاد رسمی به گونه سیستماتیک معاش و استخدام ها را گزارش می دهند. (ILO, ILOSTAT, 2017)

غیر رسمی بودن معمولاً در زراعت و خدمات اساسی شایع تر از بخش تولید و یا بخش های مدرن خدماتی است. این امر عمدتاً به دلیل این که سرمایه گذاری در سرمایه ثابت مورد نیاز برای تولید و یا خدمات پیشرفته فشار های جدی را برای رسمی سازی ایجاد می نماید. افغانستان یک استثنا است، چنان که سطح تجارت با استخدام ها در تضاد اند. و غیر رسمی بودن یک چالش مهم

است که حتی در بخش تولید نیز دیده می شود. غیر رسمی بودن مختص به سکتور اقتصادی افغانستان که نیازمند سرمایه گذاری های بزرگ در دارایی های ثابت نیست، به ویژه در بخش زراعت (که به گونه وسیع از آن امرار معاش می شود) میباشد. در بخش تجاری هم مشکلات را ایجاد نموده است، SMEs تخمین نموده اند تا ۸۰٪ از شرکت ها را به نمایش بگذارند که بیشتر آنها به گونه غیر رسمی فعالیت دارند. (Leao, Ahmed, & Kar, 2018) (Mashal, 2014)

این یک نگرانی جدی است، زیرا تبدیل نمودن تشبثات خصوصی کوچک به ماشین رشد و ایجاد اشتغال دقیقاً نیاز به انکشاف توانایی های شرکت دارد. عملکرد و مهارت های کارآفرینان نمیتواند باعث ایجاد رشد گردد چون رشد تولید به عوامل معلق تر مانند تنظیم کارگران و مدیریت مسائل پیچیده دارد. افغانستان نیاز به شرکت های بیشتر در حال رشد دارد. در نزدیکی تنانتگ با این نیاز، به مدیران با دانش و موثر برای رهبری این شرکت ها است. La Porta و Shleifer (2008, 2014) رول سرمایه بشری مدیریتی برای سودمندی شرکت را پر اهمیت میخوانند، بر اساس یافته هایشان شرکت های دارای مدیران با دانش بیشتر از سایر شرکت های با عین منابع بشری سبقت میگیرند - مهارت های مدیران میتواند تفاوت را رقم بزند - حتی اگر کارگران بطور عموم دارای مهارت های مشابه باشند³.

به دنبال ثبت نام و پیروی از ابعاد اقتصاد غیر رسمی، Ulysea (Ulysea, 2015) فرق مهم را میان حاشیه های وسیع و متمرکز را در زمینه غیر رسمی بودن شرکت ها دریافت نمود. حاشیه های وسیع به این که آیا شرکت ها ثبت گردیده اند یا خیر و یا پول تکنانه برای دریافت موقف رسمی ضرورت است، گفته می شود. حاشیه متمرکز در رابطه به سطح فعالیت شرکت ها که آنها به طور کامل در بخش رسمی فعالیت دارند، و با استخدام گران به گونه کامل و جزئی مخالف اند «بیرون از کتاب ها». بدین ترتیب، میتوان غیر رسمی و رسمی بودن را بعنوان انتخاب دوتایی و یا اقتصاد دو بعدی ساده سازی نمود. (La Porta & Shleifer, Informality and Development, 2014)

بسیاری از شرکت های بزرگ در جهان، بخش های غیر رسمی و رسمی اقتصاد را در بر میگیرند. که دلالت بر موجودیت پالیسی ها می نماید، در صورت کاهش هزینه شروع کار، و موانع موجود فراه را رسمی سازی کم گردد، و در عین حال تداوم در استخدام کارگران و یا راه اندازی تجارت های مشترک در بخش غیر رسمی، ممکن شرکت ها فعالیت های رسمی را انتخاب نمایند. از آن جای که غیر رسمی بودن شرکت ها بازار کار غیر رسمی همیشه در عین مسیر در رابطه به تغییر پالیسی ها حرکت نمی کنند. علاوه بر این، شرکت های رسمی کار کردن با قراردادی های فرعی را ترجیح خواهند داد. از آنجا که مدیران بخش رسمی از رقابت های بخش غیر رسمی شکایت می نمایند. آنها اکثراً ترجیح میدهند که با متصدیان کوچک و عرضه کننده گان خدمات غیر رسمی داد و ستد نمایند. در نتیجه تقویت ساختار دوگانه رسمی و غیر رسمی اقتصاد در مورد آنچه که در بخش های دیگر از آن شکایت نمایند.

توسعه رسمی سازی بطور جامع مشمول تشویق شرکت های غیر رسمی به رسمی بوده، در حالیکه بطور موزج شامل رشد شرکت های که قبلاً در سکتور رسمی اند/یا امکانات بیشتر رسمی شان موجود میباشد، میگردد. زمانیکه رسمی سازی در سکتور رسمی تقویت میگردد، منابع و کارگران از فعالیت های غیر رسمی به فعالیت رسمی میگردانند (اکثر کارگران جدید و کارگران آزاد در سکتور غیر رسمی به شرکت های در حال رشد میپیوندند). این بطور کل در میزان میان فعالیت های رسمی و غیر رسمی تغییر وجود میآورد (Ghani & Kanbur, 2013).

غیر رسمی بودن مانع بر رشد اقتصادی

بخش غیر رسمی نقش کلیدی را بعنوان فراهم کننده شغل و درآمد های اساسی ایفا نموده و کمک می نماید تا مردن از فقر بیرون آیند. (Rauch, 1991) شرکت های غیر رسمی می توانند فرصت های اقتصادی کمتری را فراهم نموده، ساختار اقتصادی اجتماعی انعطاف پذیر را در سطح محلی به ویژه در اوضاع پر از چالش حفظ نماید.

(De Soto, The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World, 1989; OECD, States of Fragility 2018, 2018) در بعضی مثال ها، ممکن استراتژی بقا برای افراد کم مهارت کسانی که برای رسمی شدن خیلی بی پروا اند به نمایش بگذارند. اما، بخش غیر رسمی می تواند بعنوان یک وسیله ای برای کار آفرینان کوچک در شرایط پس از جنگ عمل نموده، آنها را با مهارت ها و تجارب که باید شناخته شوند و محتاطانه به پروسه رسمی سازی همراه شوند. (Demirguc-Kunt, Klapper, & Panos, 2011). Hernando De Soto (De Soto, The Mystery of Other Path: The Invisible Revolution in the Third World, 1989) (De Soto, Capital, 2000) شرکت های غیر رسمی را بعنوان «مخازن فاقد ذخیره انرژی کارآفرینان می نامند، که به دلیل مقررات دولتی عقب مانده اند».

(La Porta & Shleifer, Informality and Development, 2014, p. 109)

گرچه غیر رسمی بودن مانع بزرگ برای تولیدات سطح بالا، شغل بهتر و رشد همه شمول می باشد. ایجاد اقتصاد غیر رسمی تأثیرات منفی را روی تخصیص منابع، کیفیت کار و تقسیم عواید دارد. (La Porta & Shleifer, The Unofficial Economy and Economic Development, 2008) (Ulysea, 2015) حمایت های اجتماعی محروم اند، فعالیت های غیر رسمی اساس مالیاتی را کاهش داده و دستیابی به هر دو حاکمیت قانون و

ادارات عامه تضعیف نموده، در نتیجه به آسیب پذیری بالا تر اقتصادی و اجتماعی کمک می نماید. شرکت های غیر رسمی توانایی کمتر را در زمینه دسترسی به منابع مالی، سرمایه گذاری در بخش افزایش تولید تسهیلات و تکنالوجی دارند، از انجایی که مشکلات فعالیت های غیر رسمی در تناسب به اندازه شرکت افزایش می یابد، آنها ساحه ای محدود برای رشد دارند. (Ulyssea, 2015).

در فضای شکننده مانند افغانستان، شرکت های غیر رسمی انعطاف پذیری در برابر صدمات بزرگ اقتصادی، نبود حاکمیت قانون، و نا امنی که اکثر «پایه های اساسی و مقابله اند» دارند. (OECD, States of Fragility 2018, 2018) فعالیت در بخش غیر رسمی به تجارت ها کمک نموده تا از رفتار های یغماگرایانه دولت فرار نمایند، اما این امر موجب شده است تا آنها نتوانند با میکانیزم های حمایت اجتماعی کمک کنند، در سیستم های مالی رسمی و قانونی سهیم شوند و شغل مناسب ایجاد کنند.

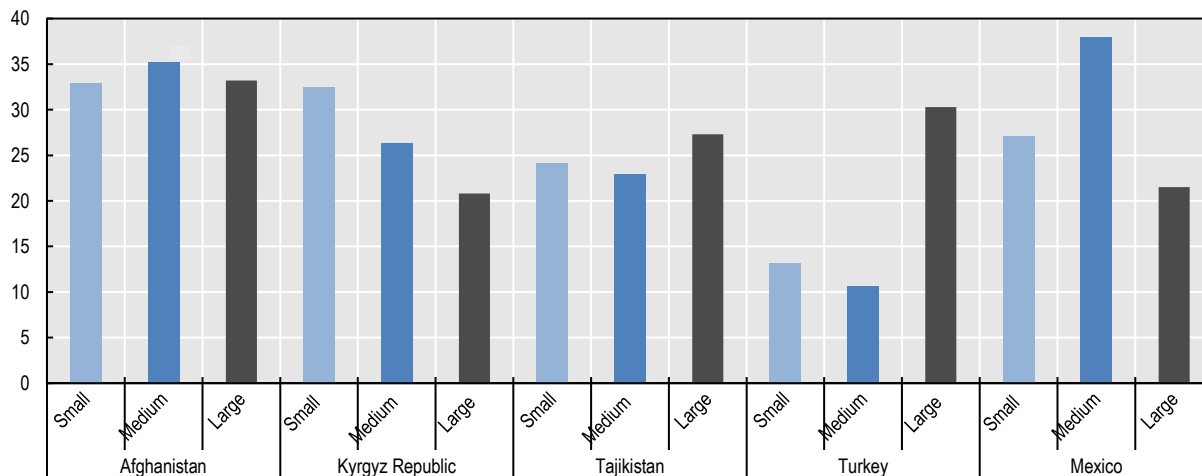
تحریم های بازار ناشی از عدم موجودیت اعتماد درونی بخش خصوصی را تضعیف می نماید. غیر رسمی بودن بر فعالیت های رسمی از لحاظ مالیات و رقابت های ناسالم که به مقیاس فعالیت های غیر رسمی رشد می نماید و انگیزه برای انجام فعالیت رسمی را کاهش می دهد، فشار وارد می نماید. جایی که ادارات ضعیف هستند، شرکت های که به اندازه کافی تولید دارند برای بقا در بخش رسمی ممکن مصمم به کار کردن بصورت کلی و یا هم قسمی در بخش غیر رسمی گردند. (Levy, 2008) در کشور مانند افغانستان، آنها باید یک هدف مهم برای رسمی سازی پالیسی ها باشند.

از آنجا که تصمیم رسمی سازی یک انتخاب استراتژیک برای بعضی از شرکت هاست، رسمی سازی رقابتی آنها مهم است و هماهنگی ها ناموفق ممکن پیش آید، که منجر به بی ثباتی و غیر رسمی بودن مداوم می شود. (Kenyon, 2007) حتی اگر همه شرکت ها تمایل به رسمی شدن داشته باشند، اقدام کننده گان نخستین ممکن وضعیت نابسان را متحمل شوند. در نتیجه، جهت گیری هماهنگ در بخش دولت ممکن کمکی برای غلبه بر همچو مشکلات جمعی باشد.

در افغانستان شرکت ها که در هر اندازه مورد بررسی قرار گرفته اند یک سوم از شرکت ها رسمی رقابت تجارت های غیر رسمی را بعنوان محدودیت عمده شناسایی نموده اند.

از آنجا که تصمیم رسمی سازی یک انتخاب استراتژیک برای بعضی از شرکت هاست، رسمی سازی رقابتی آنها مهم است و هماهنگی ها ناموفق ممکن پیش آید، که منجر به بی ثباتی و غیر رسمی بودن مداوم می شود. (Kenyon, 2007) حتی اگر همه شرکت ها تمایل به رسمی شدن داشته باشند، اقدام کننده گان نخستین ممکن وضعیت نابسان را متحمل شوند. در نتیجه، جهت گیری هماهنگ در بخش دولت ممکن کمکی برای غلبه بر همچو مشکلات جمعی باشد.

چوکات ۳ فیصدی شرکت های که با توجه به اندازه شرکت، رقابت را در بخش غیررسمی به عنوان یک محدودیت عمده شناسایی می نمایند²



منبع: (World Bank, World Bank Data, 2014)

روابط دو جانبه میان تولید و غیر رسمی بودن پیامدهای مهم در بخش پالیسی دارد

لاپورتا و شلیفر (Informality and Development, 2014, p. 119ff) مشاهده نمودند که غیر رسمی بودن توسعه کشور را به کندی مواجه ساخته است. این تعجب آور است، زیرا شرکت های تولیدی می توانند که همچنان به ساده گی به شکل رسمی فعالیت نمایند. آنها به اندازه ای کافی تولیدات دارند تا هزینه رسمی سازی را بپردازند و در عین حال اگر غیر رسمی باقی بمانند به مشکل رشد خواهند نمود. آنها به این نتیجه رسیده اند که "رشد اقتصادی راه برای پایان بخشیدن به غیر رسمی بودن است." (Informality and Development, p. 124)

یافته ذیل حاوی نکات مهم است که باید هنگام بررسی پالیسی ها برای تشویق رسمی سازی در نظر گرفته شود:

- محرک های اساسی رسمی کسائی هستند که روند رشد را افزایش می دهند: آوردن اصلاحات در ساحه وسیع تجاری و توسعه سرمایه انسانی به ویژه مهارت های کار آفرینی (Figure 2 below) هر چه تولیدات بالقوه شرکت یا فرد بیشتر باشد، هزینه فرصت برای غیر رسمی ماندن بیشتر است. رشد شرکت های رسمی که توسط کار آفرینان ماهر و تحصیل کرده به راه انداخته میشود احتمالاً بزرگترین عامل کاهش غیر رسمی بودن است.
- با آنکه پالیسی ها کمک می کند تا شرکت ها را به سوی رسمیات رهنمایی کنند، این شرکت موفقیت بیشتر کسب خواهند نمود وقتی محیط اقتصادی وسیع تر برای رشد آنها سودمند واقع شود. در اقتصاد قراردادی یا راکد، رسمی سازی ممکن است مورد توجه نباشد، زیرا فضا برای رشد شرکت محدود است و غیر رسمی بودن ممکن است اثری بهتر ارائه نماید. در اقتصاد رو به رشد، هزینه فرصت برای غیر رسمی سازی باید افزایش یابد.
- پالیسی سازان باید بیشتر به تشویق فعالیت های رسمی تمرکز نمایند تا این که فعالیت های غیر رسمی متوقف سازند. از آنجا که بیشتر شرکت های غیر رسمی موثریت ندارند، پالیسی های طرح شده با تمرکز اجرایی روی دادن مالیات یا تنظیم شرکت های غیر رسمی، که احتمال دارد آنها از عرصه تجارت بیرون براند تا آنها را به رسمیت بشناسد. به ویژه در اقتصاد که اکثریت فعالیت ها غیر رسمی اند، روش مبتنی بر اجرات احتمالاً فقر و بیکاری افزایش دهد.
- در مقابل، پالیسی های که بیشتر به موثریت آنها کمک نماید، میتواند آنها را به رسمی سازی تشویق نماید حد اقل یکی از حاشیه های وسیع که توسط پالیسی تعریف شده است. (Firms, Informality and Development: Theory and Evidence from Brazil, 2015) علاوه بر این، چنین پالیسی ها برای شرکت های که در حال حاضر در بخش رسمی فعال اند و یا کار آفرینان که آماده ایجاد شرکت های رسمی اند، سودمند است. بنابر این، تاثیر پالیسی ها از دو طریق که روی تعادل فعالیت ها میان بخش رسمی و غیر رسمی تاثیر می گذارد: رسمی سازی برخی از شرکت های غیر رسمی موجود و رشد شرکت های جدید و رسمی در بخش رسمی محسوس است. طریق دوم، در نهایت ممکن است در بسیاری از زمینه ها بیشتر از طریق اول باشد.³ ممکن است مزایای خاص برای کارگران داشته باشد، زیرا شرکت های با تولیدات بیشتر شغل بهتر برای کارگران فراهم می نماید.⁴
- پالیسی های برای رشد منابع بشری مدیران و کار آفرینان میتواند بگونه قابل ملاحظه در زمینه رسمی سازی کمک نماید، چون مدیران بهتر از فعالیت در سکتور رسمی سود بیشتر خواهند برد.

این گزارش تا این که روی محدود سازی شرکت های رسمی توجه نماید بیشتر به تشویق رسمی سازی شرکت ها تاکید می نماید. حالانکه روی اقدامات برای ساده سازی روش ها برای رسمی سازی شرکت ها توجه می نماید، این مسئله را هم درک می نماید که شرایط اقتصادی بزرگتر، به ویژه چارچوب سرمایه گذاری جهت پیشرفت کاملاً بحرانی خواهد بود.

پالیسی ها برای تشویق رسمی سازی باید در درجه نخست روی SMEs غیر رسمی تمرکز نمایند.

بسیاری از کار آفرینان بخش غیر رسمی اراده کم برای رسمی سازی و همچنین تمایل کمتری به رشد و توسعه دارند، گاهی اوقات حتی خود را بعنوان صاحب تجارت نمی دانند؛ خصوصاً دهقین که صاحب تجارت های کوچک اند. (de Mel, McKenzie, & Woodruff, Returns to Capital in Microenterprises: Evidence from a Field Experiment, 2008) بعضی از کار آفرینان کوچک که معمولاً کارهای شخصی دارند، ثبت و راجستر آنها بعید بنظر می رسد گرچه انگیزه های برای رسمی شدن دارند. (Christoplos, 2007) درک رقابت غیر رسمی در بخش تولیدی منحصر به فرد است که مشابه به کشور های همانند مکزیک و ترکیه است.⁵ (World Bank, World Bank Data, 2014)

با این حال، تصمیم رسمی شدن یا نشدن اغلب انتخابی است که شرکت ها بر اساس تجزیه و تحلیل مفاد و ضرر انجام میدهند که اثرات منفی بیرونی شامل نتایج تصامیم آنها نمی باشد. (مانند تحریف های ناشی از رقابت، عدم رعایت مقررات محیط زیست و سایر موارد و همچنین از دست دادن عواید مالیاتی). میزان غیر رسمی بودن و تعداد محدود از شرکت های راجستر شده⁶ در افغانستان نشان میدهد که بخش عمده غیر رسمی بودن ناشی از واحد های اقتصادی ثبت نشده است، که ممکن است

فعالیت های قابل توجهی داشته باشند. بسیاری از موسسات غیر رسمی SMEs هستند که هدف اصلی را برای پالیسی های رسمی سازی شکل داده اند. در عین زمان، این SMEs قربانیان اصلی غیر رسمی بودن هستند. از آنجا که ۳۳٪ از شرکت های کوچک ثبت شده اند و ۳۶٪ می گویند که آنها در برابر رقبای غیر رسمی یا ثبت نشده رقابت می کنند.

(Central Statistics Organisation, 2016; World Bank, Global Findex Database, 2014)

SMEs غیر رسمی هدف اصلی پالیسی های رسمی سازی را تشکیل می دهند، زیرا افرادی که در سطح کمتر از حد مطلوب عمل میکنند می توانند مفاد بیشتری را از رسمی بودن نسبت به کار شخصی انتظار داشته باشند. در واقع، رشد خود را در معرض خطر قرار داده اند؛ با توجه به این که تجارت در حال رشد نیاز به حمایت قانونی قوی تر برای محافظت از منافع خود دارد. نیاز مال بیشتر و همچنین نیاز به ایجاد روابط پایدار از طریق قرار داد با شرکای تجاری به شمول دولت دارند. اینها همه توجهات انگیزه های قوی جهت رسمی سازی اند. صرف نظر از این که نبود مقیاس یکی از علت ها و یا پیامد تولید پایین است. رسمی سازی تأثیر مثبت بر شرکتهایی دارد که قادر به گسترش تعداد مصرف کننده خود هستند.

ادارات ضعیف و مقررات کمر شکن رسمی سازی را بطی میسازند

سه مساله اصلی که مانع رسمی سازی تجارت شده اند در فصل کنونی به آنها پرداخته می شود: (۱) نبود فضای مناسب کاری در ادارات و همچنین مقررهای سخت گیرانه مانند: تمدید جواز (۲) مغلق بودن سیستم مالیات و (۳) پایین بودن کیفیت خدمات عامه؛ که در صورت تقویت آن انگیزه بیشتری را برای رسمی سازی تجارت ها فراهم خواهد نمود. عدم دسترسی به منابع مالی هم یک مشکل است، که در فصل های بعدی به آن پرداخته می شود.

مشکل ۱: فضای نامناسب در ادارات و مقررهای سخت گیرانه رسمی سازی تجارت ها را به کندی مواجه میسازد

نبود فضای درست در ادارات برای تجارت های رسمی و غیر رسمی

روش مؤثر برای پالیسی های SMEs در افغانستان با توجه به اهمیت آنها در اقتصاد افغانستان نیاز است. SMEs حد اکثر تجارت ها را در افغانستان به نمایش می گذارند: ۹۰٪ از ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ موسسات فعال در بخش خصوصی دارای کمتر از ۱۰ کارمند هستند. (Central Statistics Organisation, 2016) (World Bank, 2014)

شرکت های غیر رسمی عمدتاً بیرون از برنامه های دولتی از جمله پیش نویس اخیر برنامه اولویت ملی، بدون استراتژی کامل برای رسمی سازی تجارت و ایجاد انگیزه برای شرکت ها جهت ترک بخش غیر رسمی قرار دارند. نبود چارچوب قانونی قوی برای شرکت-های رسمی و دامنه و اندازه محدود برنامه های حمایتی انگیزه را برای انتقال شرکت ها به بخش رسمی با در نظر داشت تلاش ها جهت ساده سازی مراحل ثبت، ایجاد واحد ها و جلوگیری از فساد ضعیف می سازد.

در حال حاضر، ریاست SMEs تحت اداره MOIC مسوول ساختن پالیسی های SMEs و اجرای آن می باشد. اما، تاکنون قادر به تهیه استراتژی واضح و روشن بعنوان راهنما برای فعالیت ها آن نشده است. ریاست SMEs گزارش میدهد که کار را روی تهیه استراتژی جدید آغاز نموده اند، اما تا زمان تهیه این راپور (دسامبر ۲۰۱۸) آن را با شرکا شریک نساخته اند. این استراتژی فاقد منابع انسانی و مالی مورد نیاز جهت اجرای فعالیت هاست. در صورت موفقیت استراتژی به روز شده SMEs، باید صلاحیت بیشتری به آن داده شود. استراتژی قبلی SMEs که از سال ۲۰۰۹ آغاز به کار کرده و از اجرای آن نظارت صورت نگرفته است. استراتژی سال ۲۰۰۹ شش بخش را بعنوان اولویت های SMEs: تجارت زراعتی، مواد ساخت فرش، کشمیره، سنگ های قیمتی و سنگ مرمر را شناسایی نموده و پلان های کاری برای آنها ترتیب نمود. این استراتژی روی نقش دولت برای ایجاد محیط مناسب، تشویق PPPs ایجاد انگیزه برای بخش خصوصی و در عین حال بهبود ارائه خدمات عامه تاکید می نماید. جزئیات کنونی پالیسی SMEs به عدم هماهنگی با دیگر پالیسی ها که بشکل موازی به پیش برده می شوند، مانند: NPP، NES و SME مواجه است. این ابتکارات تمایل دولت رابه بهبود محیط تجاری برای SMEs برجسته می نماید، و باید استراتژی یکپارچه SMEs مانند استراتژی به روز شده SMEs همراه به پلان های کاری جهت تطبیق آن تدوین گردد.

با این حال، اقتصاد بزرگ غیر رسمی، پیشرفت محدود در بهبودی شرایط تجارت و مسائل اساسی شناسایی شده توسط شرکت های فعال در افغانستان نشان می دهد که این پالیسی ها تاکنون در توسعه SME موفق نبوده اند.

اصلاحات در مقررات تاکنون برای حمایت از رسمی سازی شرکت ها کافی نیست

با وجود پیشرفت های اخیر، تجارت هنوز هم با موجودیت مشکلات در مقررات مواجه است، از روند ثبت و طرز العمل تمدید آغاز می شود. رضایت کلی در مورد روند ثبت نظر به مناطق تفاوت قابل ملاحظه ای دارد. حال آنکه تعداد کمی از تجارت ها روند راجستر نمودن بعنوان یک مشکل در کابل (۱۶٪) در هرات (۱۲٪) گزارش نموده اند، و این تصور در ننگرهار به (۵۴٪) در کندهار به (۴۶٪) می رسد. ([Afghanistan Microfinance Association, 2016] 62)

تازه ترین تغییرات در پالیسی ها، تلاش های قابل توجه و مستمر را جهت سهل ساختن روند تجارت از جمله ایجاد سازمان محیط سرمایه گذاری حرکت نشان میدهد، بانک جهانی و USAID. افغانستان در سال ۲۰۱۹ بعنوان یکی از بهترین ها در منطقه در زمینه راه اندازی تجارت نظر به شاخص های انجام تجارت 2019 بانک جهانی خواهد بود، چنان که اکنون ۸ روز و ۴ پروسه برای راجستر نمودن ضرورت بوده و به قیمت به مراتب نازلتر از گذشته امکان پذیر است. (World Bank, Ease of Doing Business in Afghanistan, 2019) علاوه بر از میان برداشتن روند ثبت تجارت ها از محاکم تجاری، دولت روند ثبت را از طریق تاسیس مرجع واحد تحت نام مرکز ثبت تجارت های افغانستان تسهیل نموده است. MOIC روند ثبت تجارت را با عوض کردن روش دوگانه گذشته و یکجا سازی مراحل ثبت در محاکم تجاری و اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان (ASIA) ساده سازی نموده است. و روند صدور جواز را که قبلا میان ادارات دولتی پراکنده بود تحکیم و تسهیل نموده است. واحد های ثبت تجاری در سراسر کشور در حال اجرا اند، و انتظار می رود که معاملات شرکت ها را با دولت تسهیل نمایند. هزینه شروع کار کاهش قابل توجهی بوسیله کاهش هزینه ثبت سالانه که از ۳۰۰۰۰ افغانی به ۱۰۰ افغانی رسیده است، داشته است. قانون جدید شهرداری برای از میان برداشتن تمام مجوز ها شهرداری تاسیس شد. با وجود این پیشرفت ها مشکلات هنوز هم وجود دارد. هنوز پروسه های فراوانی وجود دارد، زیرا بسیاری از شرکت ها فقط در سطح شهرداری های ثبت نام می نمایند، در حال که آنها باید در دفتر ACBR ثبت نمایند تا بعنوان شرکت ثبت شده توسط دولت شناخته شود. نداشتن تمایل برای ثبت در ACBR ممکن منعکس کننده عدم آگاهی از پروسه، هزینه رفتن تا به ACBR و یا عدم درک مزایای ثبت در مرکز باشد. همچنین تاکید بر آنست که شرکت های غیر رسمی لزوما از مزایای ثبت و رسمی بودن آگاه نیستند و یا هم متقاعد به این کار نگردیده اند. در حال حاضر آمار ها برای اجرایی ساختن مرکز های واحد ثبت تجارت بویژه بیرون از کابل وجود ندارد.

با آنکه سهولت های در پروسه اخذ جواز بمیان آمده است، اما تمدید جواز همچنان زمان گیر و پر هزینه باقیمانده است. شرکت ها مقررات را در زمینه تمدید جواز بعنوان مشکل بزرگ گزارش نموده اند؛ حدود ۴۱٪ از شرکت ها مدت اعتبار جواز شرکت های را خیلی کوتاه می دانند. جهت تصفیه مالیات سالانه به تمدید جواز نیاز است، عدم اطمینان از بدست آوردن تصدیقنامه تصفیه مالیات، تأثیرات منفی روی ظرفیت شرکت های کوچک و تمایل آنها برای تمدید جواز می گذارد. مدت اعتبار جواز شرکت ها برای ۳ سال که توسط ACBR در سال ۲۰۱۸ معرفی گردید، از مشکلات جزئی روند سالانه شرکت ها کاسته است. چنان که تنها شرکت های بزرگ می توانند با پرداختن پول پیش پراخت از این جواز ها بدست آرند. هزینه تمدید نیز برای SMEs سنگین است زیرا آنها در ابتدا منابع کمتری در دسترس دارند. زمان که شرکت ها ثبت می شوند SMEs بنابر پروسه های پیچیده اداری با هزینه ها عدم اطمینان جهت تمدید جواز مواجه می شوند. و تحت بررسی اداره مالیات با وضع مالیات سنگین بر شرکت ها. (BRT) قرار می گیرند.

افغانستان نیاز به تقویت منابع انسانی و مهارت های مدیریتی جهت تقویت رشد شرکت های تولیدی دارد

موجودیت قوه کاری با دانش و مهارت برای انکشاف سکتور خصوصی، کارآفرینی و SMEs حیاتی میباشد. در سال 2018، بانک جهانی شاخص سرمایه انسانی را نشر نمود که دستیابی سرمایه انسانی به توانایی کامل اش را مورد اندازه گیری قرار میدهد. افغانستان 39% پوتانسیل اش را مشبوع میسازد، در مقایسه فرغیزستان 58% و تاجکستان 53% این ظرفیت را مشبوع مینماید (World Bank Group, 2018). سالهای جنگ و نبود سیستم معارف و نظام تعلیمی باعث کمبود کارگران با مهارت گردیده – عامل که با فرار مداوم تحصیل یافته گان بدتر گردیده (SIPRI, 2015).

در سال 2017 سروی محیط سرمایه گذاری ACCI نشان داد که نبود برنامه های آموزشی و کمبود کارگران با دانش مانع عمده برای رشد سکتور خصوصی میباشد، این نرخ در سکتور خدمات 78.9%، 90% در سکتور ساختمانی و 80% در سکتور تجارت بوده که باعث ایجاد مشکل در استخدام کارگران با دانش شده است (ACCI, Business Monitor 2017). حکومت وحدت ملی این چالش را در نظر گرفته و بحیث یک اولویت در ANDPF علاوه نموده است. Jones (Cases on Sustainable Human Resources Management in the Middle East and Asia, 2015) ادعا میکند که کمبود دانش بگونه مستقیم به پائین بودن سطح مهارت های مدیریتی می انجامد. این توسط یک تحقیق که 200 مدیر افغان را در بر میگردد حمایت گردیده است که نتایج آن به نیاز به تدریس این مهارت ها در دانشگاه ها دلالت میکند (Bahaudin & Kaifi, 2011). مهارت های مدیریتی و کارآفرینی (مانند تفکر خلاقانه، حل مشکلات، مهارت های اجتماعی، استقامت، خلاقیت و مسک نفس) برای ایجاد، مدیریت و توسعه شرکت ها، تولید دانش و ایجاد فرصت های اقتصادی ضروری میباشد (OECD, Guidance note for policy-makers, Building Entrepreneurial Competencies in School, 2019; OECD, Skills Development and Training in SMEs, 2013; OECD, Small, Medium, Strong Trends in SME Performance and Business Conditions, 2017).

مشکل ۲: پیچیده‌گی مالیاتی و اندازه مالیات بر توسعه و رسمی شدن SME تاثیر میگذارد

در افغانستان، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در سطح پایین (۷/۸٪ در سال ۲۰۱۶)، در مقایسه با اعضای OECD (۳۴/۶٪) و کشورهای با عواید پایین (۶۱/۶٪) قرار دارد. (World Bank, Data, 2016; OECD, Revenue Statistics 2017: Tax revenue trends in OECD countries, 2017) بین افزایش عواید مالیاتی و کاهش موانع جهت رسمی سازی توسط سیستم مالیاتی ایجاد می کند. (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018) هم‌انگونه که بانک جهانی می گوید، روی بخش خصوصی رسمی مالیاتی نسبتاً سنگین تر گذاشته شده است. افزایش مالیات تنها غیر رسمی بودن را تقویت می نماید. هر شرکت باید مالیات بر عواید شرکت و مالیات بر عواید تجارت⁷ را پرداخت نماید (Afghanistan to 2030: Priorities for Economic Development under Fragility, 2019).

BRT مالیاتی بر مبنای درآمد است و تاثیر زیادی روی مفاد دارد، گرچه این مالیات سطح تضمین شده از عواید مالیاتی را از فعالیت شرکت ها فراهم می کند. اما، طرح های مالیاتی مانند BRT دارای معایب قابل توجهی اند. مالیات بر معاملات میتواند مانع بر مؤثریت تولید و منجر به نرخ بسیار بالای مالیات در رابطه به مفاد شود و شرکت ها را به سوی نابودی بکشاند، ممکن است این مورد در افغانستان با توجه به نرخ مالیاتی ۴٪ در معاملات شرکت باشد. (Diamond & Mirrlees, 1971) (Ministry of Finance, 2018).

سنگینی مالیات روی بخش رسمی قابل توجه است: بانک جهانی (Afghanistan to 2030: Priorities for Economic Development under Fragility, 2019) گزارش می کند: که شرکت های افغانی سالانه باید ۱۹ تادیه انجام دهند و بطور اوسط ۲۷۰ ساعت را سالانه برای رعایت مقررات مالیاتی صرف نمایند¹² در حالیکه وزارت مالیه پروسه های کوتاه تر و سهل تر را قلمداد میکند. پیشرفت های در طول این زمان صورت پذیرفته است اما هنوز هم کار های جهت کاهش این بار سنگین انجام شود.

بسیاری از شرکت ها پیچیده گی های پروسه سیستم مالیاتی مانع بزرگی برای رسمی سازی شرکت ها نسبت به نرخ مالیات می دانند. همانگونه که توسط ACCI⁸ و دیگر انجمن های تجاری در تبادل با OECD گزارش شده است. دو-سوم از شرکت های کوچک سیستم مالیاتی را بعنوان یک مشکل مطرح میکنند، حالانکه که مشکلات از سوی تعداد از شرکت ها مطرح شده است، مالیات ممکن است تاثیرات نامتناسب را روی شرکت های نو تاسیس داشته باشد. دیده می شود که مالیات به رشد آنها لطمه میزند و گاهی اوقات سبب تعطیل شدن آنها گردیده، عواید آنها را نادرست بیان نموده و یا باعث غیر رسمی شدن آنها میشود. (Aghaez, 2017) (ACCI, Business Climate Monitor, 2016) با توجه با این که تنها یک سوم از تجارت ها سیستم مالیاتی را بعنوان مشکل در سال ۲۰۱۴ ذکر کرده اند، نگرانی های تجاری در مورد سیستم مالیاتی در چند سال اخیر افزایش یافته است.

(Afghanistan Microfinance Association, 2016) عواید مالیاتی بعنوان یک بخش از تولید ناخالص داخلی بین سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ از ۹,۱٪ به ۶,۸٪ کاهش یافته است.

افزایش (BRT) از ۲٪ تا ۴٪ در سال ۲۰۱۵ به مشکل به SMEs ها رسیده است، زیرا BRT بخش عمده ای از کل مالیات بر شرکتها را تشکیل می دهد. این بار سنگین مالیاتی از ۷۰/۷٪ مفاد تجاری تخمین زده شده است، و بالاتر از ۴۸٪ در سال ۲۰۱۶ بوده که از سطح اوسط برای کشور های با عواید کم (۵۲٪) و یکی از بزرگترین های در جهان است.

(World Bank, 2019) این احتمال وجود دارد که برخی از نارضاایتی تجاری، ناشی از سیستم مالیاتی به دلیل تاثیر افزایش نرخ در BRT در SME ها باشد. همانطوری که در بالا ذکر شد، پرداخت مالیات و ارائه معلومات لازم و به وقت به اداره مالیاتی در افغانستان هزینه زیادی دارد. و این مسئله را میتوان به ساده گی حل نمود. دست- اندرکاران بخش خصوصی اعلامیه را در رابطه به سنگینی مالیات مانند: ثبت ماهانه مالیات پرداخت شده از کارکنان و ثبت ربعوار مالیات برای quarterly filing for BRT صادر نموده اند. وقتی با مجازات سنگین همراه می شود هزینه قابل توجهی را روی شرکت ها اعمال می نماید. وزارت مالیه در ماه اکتبر ۲۰۱۸ با آوردن اصلاحات در قانون مالیات، ۵۰٪ از مجازات را کاهش داده است، با این حال، دیجیتالی شدن بیشتر پروسه ها و پیشرفت های مدیریت عمومی مالی، می تواند پروسه را کاهش دهد، همانطور که در فصل ۳ آمده است. (2018)

در کل، SME ها و شرکت های نو تاسیس همانند شرکتهای بزرگتر از نظر میزان مالیات و مدیریت، مشابه هستند، در حالی که هزینه های مستقیم و غیر مستقیم مالیات برای SMEs نسبتاً بالاتر است. (OECD, OECD Digital government Toolkit: Mexico: ICT Policy, 2015) (Aghaez, 2017) مانند برخی کشورهای OECD، روش مالیاتی ساده وجود ندارد. روش ساده مالی برای SME ها احتمالاً در افغانستان کمک می کند که با چالش غیر رسمی مقابله کند

کیفیت پایین خدمات عامه به گونه گسترده بعنوان یکی از مشکلات توسط شرکت های تجاری در افغانستان به ویژه برق، امنیت و حمایت از خدمات تجاری مطرح می شود.

(Afghanistan Microfinance Association, 2016; World Bank, Global Findex Database, 2014) این یک مانع عمده برای رسمی سازی است، از آنجا که شرکت ها هزینه ها را می بینند (از نظر مالیات و رعایت قوانین) اما هر نوع مفاد را از لحاظ دسترسی به خدمات پیش بینی نمی نمایند. روحیه مالیاتی با سطح رضایت از خدمات عامه رابطه مثبت دارد و با فساد ارتباط منفی دارد. (OECD, Access to Finance for SMEs, 2013) دایره ضعیف بین عرضه کالاهای عامه و رعایت قوانین مالیاتی یک بخش غیر رسمی خود مختار را ایجاد می نماید.

(Johnson, Kaufmann, & Shleifer, 1997) گزارش ها و مصاحبه ها در افغانستان به طور مرتب کمبود خدمات عامه مانند: امنیت و برق را نشان می دهند. (World Bank, 2014[59]; Afghanistan Microfinance Association, 2016[65])

در حالی که ظرفیت ها جهت رفع معضل کمبود برق قابل اعتماد و امنیت در یک محیط متأثر از جنگ در میان شرکت ها به گونه نابرابر تقسیم شده است. بهبود کلی محیط تجاری و ظرفیت دولت برای تطبیق خدمات عامه مؤثر باید هدف نهایی دولت باشد. تأمین خدمات قابل اعتماد و ارزان، شامل برق و امنیت برای همه شرکت ها در سراسر کشور بسیار مهم است. با این حال، با توجه به منابع محدود و وضعیت امنیتی فعلی، ایجاد محیط مناسب برای فعالیت های تجاری در مناطق انتخاب شده از نظر زیرساخت ها و امنیت، گزینه ای که از طریق پارک های صنعتی در افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است.

پارک های صنعتی در افغانستان ایجاد شده اند، اما عملکرد ضعیف دارند. در حال حاضر ۱۸ پارک صنعتی وجود دارد که از میان تنها تعداد کمی از آنها به گونه کامل فعال هستند. کمبودهای شاخص پارک های صنعتی موجود شامل نبود امکانات اساسی مانند برق، دسترسی به سرک ها، امکانات مساعد امنیتی و خدمات مؤثر مدیریتی برای تجارت می باشد (مراکز یک مرحله برای خدمات تجاری و خدمات تخنیکی مانند کنترل کیفیت، بازرسی و توزیع تصدیق نامه می باشد). تسهیلات که از سوی کشور های کمک کننده تأمین مالی شده بودند مانند: پارک صنعتی در گوری مار و شور اندام نتوانستند مفاد مورد انتظار را ارائه نمایند (SIGAR, 2015). مسئله تأمین برق غیر قابل اعتماد در داخل کشور تولید و فعالیت های تجاری را محتل می سازد. با تمرکز شرکت ها روی پارک های بزرگ صنعتی، دولت باید قادر به ارائه خدمات با کیفیت بهتر از جمله تأمین برق و آب باشد. با این حال، در اکثر پارک ها کمبود زیر ساخت های اساسی از جمله برق و آب دیده می شود. انگیزه انتقال شرکت ها را به این پارک ها کاهش میدهد. با در نظر داشت این که، اگر با فراهم کننده گان انرژی برق، مخابرات و امنیت برنامه ریزی منظم صورت گیرد، توسعه ای پارک های صنعتی میتواند مفاد قابل ملاحظه ای را برای بخش خصوصی کشور داشته باشد. دولت باید اقدامات لازم و اساسی را جهت حفاظت آنها انجام دهد. علاوه بر این، ارتباطات ناکافی با زیر ساخت های حمل و نقل (فرودگاه ها، بندر ها، شبکه های راه آهن) جدا از پارک ها مسئله مهم هستند. بنابراین، پارک های صنعتی نتوانستند انگیزه ای برای ورود تجارت به بازار ایجاد نمایند، که ممکن است عدم استفاده از برخی امکانات را مشخص سازد. (SIGAR, 2015)

این مشکلات ریشه در بخشی از روش های اداری دارد. ابتکارات مختلف که توسط AISA انجام شد، اکنون از میان رفته است. MOIC و کمک کننده های دیگری همانند USAID و دست به دست شدن پارک های میان ادارات مختلف منجر به ناپایداری پارک های صنعتی شده است. شواهد کم از شامل ساختن و مشورت با تجارت ها در طراحی و اداره پارک های صنعتی فعلی وجود دارد. (SIGAR, 2018[6])

MOIC همراه با ریاست عمومی اداره پارک های صنعتی پیش نویس پالیسی پارک های صنعتی را ترتیب داد که اخیراً توسط دولت تأیید گردید. در اینجا، انواع پارک های صنعتی (عامه، عامه و خصوصی، و خصوصی) و همچنین تنظیم و هماهنگی آن میان مقامات مسوول مشخص شده است. در نتیجه وزارت تجارت و صنایع دوباره توزیع قطعات زمین های صنعتی را آغاز نموده. مکانیزم های هماهنگی با هدف ایجاد یک فرایند فراگیر میان نهاد های دولتی، صاحبان زمین، ادارات، شرکت های تأمین انرژی، شهرداری ها و بخش خصوصی به وضوح تعریف شده اند. گرچه این پالیسی ها تاکنون تصویب نگردیده است، مفاهیم آن می تواند استفاده از پارک های صنعتی را از بالا به پایین ترویج نماید: ۳ اتاق تجارت، اتاق تجارت و معادن (ACIM)، ACCI و AWCCI جهت ارائه پیشنهادات و تغییرات در بخش خصوصی برای استفاده بهتر از پارک ها به شورای عالی اقتصادی دعوت گردیدند. (Ministry of Industry and Commerce, Policy of Industrial Parks of Afghanistan, 2017)

پیشنهادات برای بهبودی رسمی سازی تشبثات در افغانستان

رشد اقتصادی ضعیف و رشد شدید نفوس فرصت های اقتصادی در سکتور رسمی را محدود ساخته، و باعث رشد سکتور غیر رسمی میگردد. تقویت رشد اقتصادی و بهبود بخشی شرایط برای سرمایه گذاری از اولویت های رده اول برای تقویت سکتور رسمی بشمار میرود. دولت افغانستان نیاز به انجام ریفرم های جدی برای انکشاف سکتور خصوصی را شناسایی کرده و برنامه

های ملی دارای اولویت شامل اقدامات کلیدی جهت بهبودی شرایط کلی سرمایه گذاری در کشور میباشد. (رجوع شود به جدول 2). ریفورم های قبلاً طرح شده موضوع بحث این نمیباشد.

از نظر سکتور خصوصی و تشبثات غیر رسمی، انکشاف پالیسی برای تشبثات کوچک و متوسط از لحاظ نهادی، برنامه و منابع به اندازه کافی حمایت نگردیده است. اگرچه نهاد های مالی کمک کننده بطور مداوم از تشبثات کوچک و متوسط مثال برنامه حرکت حمایت نموده است⁹، دستاورد ها برای انکشاف SMEs به بخش های خاص محدود باقیمانده و در تطبیق استراتژی کلی برای SMEs کمک نکرده است. فعالیت های پراکنده و بدون یک دید کلی حتی باعث ایجاد هرج و مرج و سوء تخصیص منابع بدلیل زنده نگهداشتن grantpreneurs؛ یک طبقه خاص تشبثات ناکار که توسط سببایدی فعال نگهداشته شده اند، گردیده است. (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018)

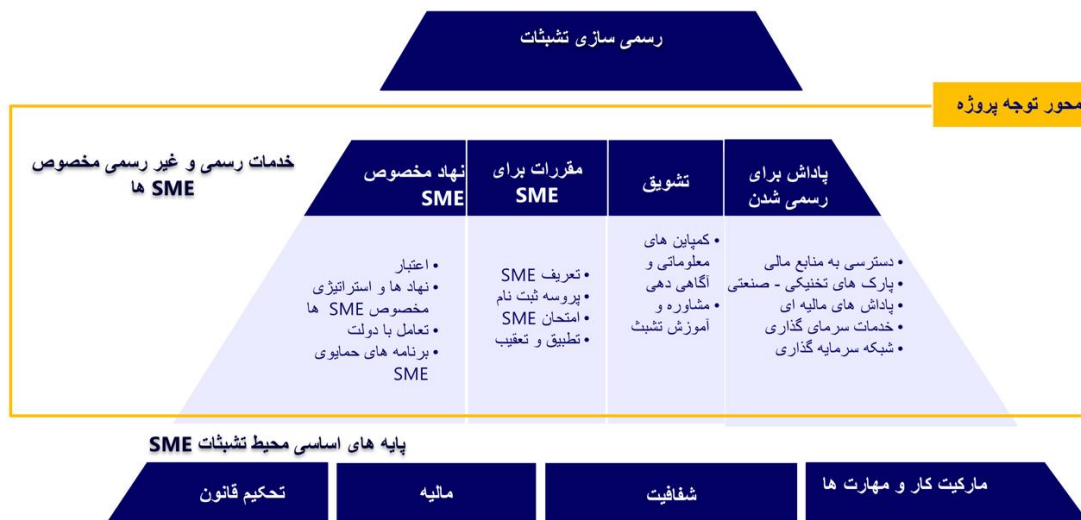
دولت میتواند نقش خود را گسترش داده و از پالیسی های که مشخصاً برای SMEs است حمایت کند. ظرفیت پائین سازمانی، مقررات دست و پا گیر و تطبیق نشدن برنامه های حمایتی برای تشبثات توسط نهاد های کمک کننده مالی از جمله مشکلات است که تشبثات کوچک و متوسط، رسمی و غیر رسمی به آن مواجه میباشند. هماهنگی با سکتور خصوصی رسمی و غیر رسمی، و با نهاد های همکار مالی برای شناسایی ضروریات و امکانات دست داشته و سنجی ها میان فعالیت های فعلی و آینده خیلی مهم است. نیاز است تا اقدامات مشخص برای مقابله با چالش غیر رسمی بودن تشبثات در یک چهارچوب قوی سازمانی برای انکشاف SMEs جا گزین گردد.

OECD چهارچوب را تهیه نموده که دولت ها میتوانند آن را بحیث رهنما برای اتخاذ اقدامات برای رسمی سازی تشبث استفاده نمایند. پیشنهادات این گزارش بر اساس موضوعات شناسائی شده در راپور OECD ترتیب گردیده و سه گروه از فعالیت های پیشنهادی برای دولت را در بر میگیرد:

1. بهبود بخشی چهارچوب مقرراتی و سازمانی برای تشبثات کوچک و متوسط، بشمول نهادینه ساختن و تقویت مقررات و انکشاف بیشتر ستراتیژی برای SMEs، به منظور رفع پی آمد 1 نبود یک سیستم منظم و مقررات دست و پا گیر
2. انکشاف پاداش ها برای تشویق رسمی سازی با توجه خاص بالای مالیه و پی آمد 2 در زمینه مشکلات در سیستم مالیه
3. افزایش خدمات عامه بوسیله معرفی پاداش ها در شهرک های صنعتی جهت رفع پی آمد 3 با آغاز ارائه این خدمات در نقاط تحت آزمایش؛ و
4. تشویق تشبثات با افزایش آگاهی از رسمی سازی جهت تقویت پروسه رسمی سازی بصورت مجموعی.

چوکات 4 چهارچوب ارائه شده برای حل مشکل غیر رسمی بودن تشبثات

این چهارچوب پیشنهادی برای حل معضل غیر رسمی بودن تشبثات، با استفاده از تجربیات ممالک OECD دارای تشبثات رسمی، قابل تطبیق بالای کمپنی‌ها با اندازه‌های مختلف و ممالک دارای شرایط اقتصادی متفاوت می‌باشد. سیاستگذاران می‌توانند با استفاده از این چهارچوب نقاط مهم که ضرورت به انکشاف دارد را شناسایی کنند.



با استفاده از این چهارچوب این گزارش چهار نکات زیر که نیاز به کار و توجه بیشتر دارد را شناسایی نموده (در حالیکه اساسات بخش از فعالیت های برنامه های ملی دارای اولویت می‌باشد):

- **ایجاد پاداش برای رسمی سازی**، بمنظور ارائه مزیت های واقعی برای داخل شدن به سکتور رسمی. این پاداش ها می‌تواند شامل مالیه (سیستم های مالیه ساده شده، دوره های آموزشی با پارانه برای کارگران جوان)، امکانات (پارک های صنعتی که قادر به تامین امنیت باشد، زمین، برق، زیربناها برای تشبثات بزرگ و همکاران SMEs) و خدمات اساسی عامه بر علاوه برنامه های مشخص برای حل مشکل بطور مثال دسترسی به منابع مالی
- **ایجاد پالیسی ها برای تسهیل تطبیق و تنفیذ مقررات** که برای انکشاف و رسمی سازی تشبثات سودمند است. این هدف را می‌توان با کاهش قیمت ورود به سکتور رسمی، مصارف رعایت قانون و سایر مصارف پروسه های اداری، جواز و لایسنس ها بدست آورد.
- **آگاه سازی تشبثات از فواید رسمی ساز و اهداف مقررات** و افزایش آگاهی از پروسه های موجود و اصلاحات
- **ایجاد نهاد های مخصوص برای SMEs** برای تهیه چهارچوب ایجاد تشبثات کوچک و متوسط بگونه رسمی، حاوی اقدامات برای حل مشکل غیر رسمی بودن تشبثات. از جمله نارسائی های مارکیت، در میان سایر موارد، عدم دسترسی به منابع مالی و مهارت ها باعث کاهش بهره وری SMEs گردیده و ظرفیت شان جهت ادامه فعالیت بگونه رسمی را صدمه میزند. نهاد های که مختص انکشاف کارآفرینی و SMEs می‌باشد این نارسائی ها را رفع نموده، اولویت ها را تشخیص داده و تطبیق موثرتر این اولویت ها به شمول فعالیت ها برای رسمی سازی را تقویت مینماید. این باعث ایجاد شرایط مناسب تر برای SMEs رسمی گردیده و SMEs غیر رسمی را به رسمی شدن تشویق مینماید.

ماخذ (OECD, Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017, 2017) (Andrews, Caldera Sanchez, & Johansson, 2011) (Bruhn & McKenzie, Entry Regulation and the Formalization of Microenterprises in Developing Countries, 2014) (EU, OECD, 2015) (De Soto, The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World, 1989)

توصیه 1: ایجاد چهارچوب مناسب مقرراتی و نهادی برای تقویت سکتور خصوصی

از نظر سکتور خصوصی و شرکت های غیر رسمی توسعه پالیسی سازی SME از لحاظ سازمانی، برنامه و منابع به حمایت بیشتر نیاز دارد. در حالیکه کمک کننده گان بطور مداوم SME ها و تشبثات مانند برنامه حرکت را حمایت نموده است، دستاورد های SME ها به چند مورد مشخص محدود باقیمانده و تطبیق استراتژی کلی SME را یاری نرسانیده است. فعالیت های پراکنده بدون یک دید جامع حتی موجب استفاده غیر موثر از منابع بدلیل موجودیت "grantpreneurs" گردیده، طوریکه بعضی از تشبثات ناکارا توسط کمک های بیرونی فعال نگهداشته شده (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018)

دولت میتواند نقش و حمایت اش را در مورد پالیسی های مشخص برای SME گسترش دهد. ظرفیت پائین نهادی، پروسه های کمرشکن و عدم موجودیت برنامه های حمایت از تشبثات تمویل شده توسط کمک کنندگان خارجی از جمله چالش های عمده فرا راه SME های رسمی و غیر رسمی در کشور میباشد. هماهنگی میان سکتور خصوصی - هر دو رسمی و غیر رسمی و کمک کنندگان جهت حصول اطمینان از نیاز ها، در نظر گرفتن ظرفیت های موجود و شناسایی سنجی های بالقوه میان برنامه های موجود و آینده حیاتی میباشد. اقدامات مشخص جهت مبارزه با مشکلات غیر رسمی بودن تشبثات باید در یک چهارچوب کلی نهادی جهت انکشاف SME ها هماهنگ شود.

ساده سازی بیشتر پروسه راجستر شدن و سایر پروسه ها برای تشبثات

به ادامه تلاش های بانک جهانی و USAID¹⁰، پیشرفت های قابل ملاحظه در قسمت پروسه راجستر شدن توسط ACBR ثبت گردیده¹¹. اصلاحات بیشتر در قسمت راجستر شدن تشبثات بویژه تمدید جواز تشبثات امکان پذیر است. جلوگیری از دوباره کاری پروسه ها نگرانی اول است، در این زمینه ادغام پروسه راجستر شدن توسط شهرداری و ACBR باید در نظر گرفته شود. قانون جدید طرح شده توسط دولت یعنی از بین رفتن جواز های توزیع شده توسط شهرداری راه حل مشکل بوده، و باید تطبیق گردد. فعالیت های آینده باید بالای کاهش مصارف جاری بوجود آمده توسط مقررات متمرکز باشد. استفاده از نرخ تمدید جواز توسط ACBR بحیث شاخص عمده عملکرد یک قدم درست میباشد. تمدید جواز قابلیت پیگیری فعالیت تشبثات ثبت شده را میدهد اما مصارف و پروسه ها تشبثات را ثبت شدن باز میدارد. قابل توصیه است که پروسه تمدید جواز لغو گردد.

تشبثات افغانی از موانع دیگر همچون نبود دسترسی کامل به پروسه های اداری در مناطق روستایی صدمه دیده اند. دولت افغانستان آغاز به ایجاد مراکز یک مرحله نموده و مرکز یک مرحله برای صادرات را در میدان هوایی کابل ایجاد نموده است. ایجاد مراکز یک مرحله بشکل فزینی امر ستودنی است و باید با حمایت نهاد های همکار مالی پیگیری گردد. برای توسعه دسترسی در سراسر کشور، نیاز است تا دولت دیجیتال سازی پروسه ها را با آغاز از پروسه های که بیشتر معمول اند و همچنان پروسه های که قبلاً در چهارچوب مراکز یک مرحله فزینی ساده سازی شده اند، مورد توجه قرار دهد. راه ها برای دیجیتال سازی هرچه بیشتر پروسه های کلیدی دولت برای تشبثات در فصل سوم مورد بحث بیشتر قرار خواهد گرفت.

اکثریت فعالیت ها برای اصلاحات مقرراتی توسط نهاد های بین المللی مورد حمایت قرار گرفته اند و باید در چهارچوب برنامه های ملی دارای اولویت ادامه داده شده و تقویت گردند، این شامل دسترسی به برق، رفع مشکلات برای بدست آوردن مجوز ساختمانی و ثبت دارائی میباشد. (Government of Afghanistan & PRISEC, 2018). تلاش ها برای پروسه های صادرات در استراتژی ملی صادرات نیز گنجانیده شده است. این گزارش این ریفورم ها را تأیید نموده و این کار ها و فعالیت ها را دوباره تکرار نمیکند.

نیاز سنجی سیستماتیک و اولویت بندی پروسه های جدید باید توسط اتاق تجارت و صنایع، اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان، اتاق صنایع و معادن افغانستان و سایر انجمن های تجاری عملی گردد. PRISEC و انجمن تجاری افغانستان - اتحادیه اروپا میتواند در این زمینه همکاری نمایند.

ایجاد چهارچوب مناسب نهادی برای تقویت تشبثات کوچک

تهیه چهارچوب واضح و همسان باعث ایجاد محیط بهتر برای فعالیت SMEs میگردد و بدین گونه رسمی سازی را تقویت بخشیده و میتواند حاوی پاداش ها برای رسمی شدن باشد.

توسعه ستراتیژی جدید SMEs و پلان عملیاتی کمک میکند تا مشکل غیر رسمی بودن بصورت دقیق مشخص گردیده و کار های عملی، تطبیق کنندگان و اهداف برای حل مشکل بطور موثر، تشخیص گردد. ایجاد استراتژی SME و پلان تطبیقی میتواند فرصت مهم برای تهیه طرز برخورد دولت با SMEs بوده و فعالیت های پالیسی سازی و تطبیقی را از هم تشخیص دهد، که در برگزیده مشکلات متفاوت منجمه منابع، مسؤولیت ها و نقشها میباشد.

استراتژی SME باید بر اساس سنجش دقیق شرایط موجود تهیه گردد. جمع آوری معلومات در باره SMEs خیلی مهم بوده و ضرور است تا سکتور غیر رسمی بگونه دقیق اندازه گیری شود. این کار را میتوان با علاوه نمودن بعد "غیر رسمی" در سروی های انجام شده توسط اداره مرکزی احصائیه برای خانواده ها و کارگران اندازه نمود.

پایه های اساسی استراتژی شامل مشکلات عمده است که فرا راه SMEs قرار دارد، مشکلات همچون دسترسی به منابع مالی و انسانی، داد و ستد، نو آوری، زیربناها و مالیه بر علاوه اولویت های مشخص خود سکتور. پالیسی ها، فعالیت ها و برنامه های برای حل این مشکلات باید طرح گردد. اکثریت آنها توسط سروی ها و نظارت تشبثات انجام شده توسط اتاق تجارت و صنایع افغانستان تشخیص گردیده اند. (Status of CSPIs in Afghanistan Report, 2016). ارزیابی باید از شروع در نظر گرفته شود: تفصیل استراتژی SME باید حاوی مشخصات اهداف بشکل ارقام و مستلزم تهیه دو گزارش سالانه باشد. جمع آوری اطلاعات در مورد شاخص های کلیدی قبل از تطبیق استراتژی و در مقاطع زمانی حساس در جریان تطبیق دولت را قادر به ایجاد تغییرات بوقت بر اساس ضروریات و مقتضی زمان را میدهد. ادغام اقدامات گنجانیده شده در اسناد مختلف پالیسی که بصورت همزمان تطبیق میگردند (برنامه های ملی دارای اولویت و استراتژی ملی صادرات)، بصورت یک استراتژی واحد برای SMEs باعث ایجاد هماهنگی بیشتر میگردد. پیشنهادات تفصیلی در این زمینه بحیث داده ها برای برنامه های ملی دارای اولویت در مورد SMEs، از طرف OECD ارائه شده و در میتوان در جریان تهیه استراتژی به آن رجوع کرد (ضمیمه به این گزارش). گرجستان استراتژی SME و پلان تطبیقی جهت رفع مشکلات عمده SMEs در این مملکت تهیه نموده و میتواند برای افغانستان مدد واقع گردد (جدول پنج).

چوکات 5 استراتژی انکشاف SME های گرجستان و پلان فعالیت ها 2016-2020

گرجستان ریفورم های همه جانبه برای تقویت سکتور خصوصی و تقویت انکشاف SMEs را روی دست گرفته است. این ریفورم ها در یک سند پالیسی واحد؛ استراتژی انکشاف SME 2016-2020 در آورده شده است. پلان تطبیق تهیه شده بر اساس این استراتژی شامل موارد زیر میباشد:

- پنج راهکار استراتژیک: اصلاحات بیشتر قانونگذاری، چهارچوب نهادی و محیط کاری مناسب برای SMEs، بهبودی دسترسی به منابع مالی، انکشاف مهارت ها مورد نیاز برای SME و تشویق فرهنگ کار آفرینی، تشویق صادرات و جهانی سازی SMEs، تسهیل نوآوری و R&D
- 23 فعالیت دارای اولویت که فعالیت ها برای هر راهکار استراتژیک را مشخص میسازد
- 147 فعالیت تفصیل گردیده با جدول زمانی، شاخص کلیدی عملکرد، منبع مالی، بودجه و نهاد مسؤل که واضحاً هدایت داده شده و سایر نهاد های ذیدخل (نهاد های دولتی، نهاد های انکشافی و سکتور خصوصی

پلان عملیاتی جهت نظارت از موثریت کاری برای ایجاد ریفورم های همه جانبه ترتیب گردیده و مستلزم چهارچوب multiannual و هماهنگی قوی میان نهاد ها میباشد. این فعالیت ها بدون شک ذینفعان مختلف از جمله وزارت های مربوطه، آژانس ملی احصائیه، و آژانس اخیراً تأسیس شده برای SME را در بر میگیرد. (Enterprise Georgia).

مأخذ: (Government of Georgia, SME DEVELOPMENT STRATEGY ACTION PLAN 2018-2020, 2018)

شناسایی نقاط دارای اولویت مناسب نیاز به راه اندازی انجمن های دارای ذینفعان مختلف از سکتور خصوصی، و وزات های مختلف برای گفتگو دارد تا ضروریات SMEs بطور دقیق ارزیابی گردیده و بصورت اساسی حل گردد. PRISEC نمایندگان سکتور خصوصی را کنار هم میآورد اما میتوان انجمن های تجاری بیشتر که از سایر سکتور ها نمایندگی میکنند و سایر تشبثات مانند شرکت های نو پا و سکتور ها مشخص (زراعت، انرژی، ترانسپورت) را در گفتگو ها دخیل ساخت. انجمن های مشوره دهی آنلاین میتوانند خدمات مشوره دهی همه شمول را با استفاده از سروی ها، مجالس و سیستم رای دهی در مورد پیشنهادات دولت، ارائه دهند.

توجه خاص باید به شرکت ها نوپا معطوف گردد زیرا که در پالیسی های موجود از آن به ندرت یاد گردیده و دارای نیاز های مشخص میباشد. محیط شگوفاً برای شرکت های نوپا نیاز به پالیسی های که از رشد آنها حمایت نماید، دارد (Box 6). برای انکشاف موفقانه محیط مناسب برای شرکت های نوپا نیاز به ایجاد سنجی با نهاد های علمی کشور بوده و دولت باید پاداش ها برای سرمایه گذاری خارجی ایجاد نماید. فعالان عرصه شرکت های نوپا این نظریات را با دولت شریک ساخته اند، اما نیاز به گفتگو بیشتر میان دولت و شرکت های نوپا محسوس است. دولت باید نقش هماهنگ کننده را ایفا نموده و تماس میان شرکت های نو پا و سایر نهاد ها برقرار نماید و کارکرد های شانرا برای کارآفرینان و محصلین و همکاران کمک کننده مالی نمایش دهد. حمایت در زمینه پالیسی و زیربنا را میتوان با ایجاد یک نهاد اختصاصی برای شرکت های نوپا همچون بورد شرکت های نوپا و دعوت نمودن نمایندگان شرکت های نوپا به دیالوگ های فعلی همچون PRISEC ارائه داشت.

تقویت برنامه ها جهت حمایت از توسعه مهارت های مدیریتی و کارآفرینی

مهارت های مدیریتی و کارآفرینی برای توسعه شرکت های در حال رشد که می توانند شغل ایجاد کنند، نوآوری نمایند و بهره وری شرکت ها را افزایش بخشند، حیاتی هستند. مدیران واجد شرایط بیشتر آماده ای تولید، جذب، استفاده و انتشار نوآوری و ایجاد شرکت های خویش جهت رشد در بازارهای در حال تحول هستند. (OECD, 2017[74]) سرمایه گذاری های بیشتر

در سطح عمومی و شرکت‌ها در زمینه آموزش و یادگیری مداوم باید به حمایت از مهارت‌های مدیریتی و کارآفرینی مورد نیاز شرکت‌های در حال رشد در کشور متکی باشد.

یکی از اولویت‌های مهم، ایجاد انگیزه برای مهارت‌های کارآفرینی و مدیریت در موسسات آموزشی و مراکز آموزشی می‌باشد. (Jones, 2015[67]) که می‌تواند شامل ایجاد دوره‌های ویژه مدیریتی و کارآفرینی براساس مطالعات موردی (قضایا) و مثال‌ها با مشارکت مدیران و کارآفرینان با تجربه در ارائه نصاب‌های درسی باشد. می‌تواند موضوعاتی مانند چگونگی شروع تجارت، مدیریت مالی تجارت، مدیریت تیم، برنامه ریزی و مدیریت روابط عرضه‌کننده‌ها، موجودی و همچون موضوعات را پوشش دهد. همچنین این امر مستلزم همکاری بین مکاتب و دنیای تجارت که شامل کارآفرینان مادر، ایجاد انگیزه برای یادگیری (فعالیت‌های شغلی مانند آزمایش در یک آزمایشگاه واقعی) و ارائه آموزش در محل کار می‌باشد. (OECD, 2002[88]; OECD, 2019[72]) دانشگاه‌ها مانند دانشگاه کابل و دانشگاه امریکایی افغانستان همچنان می‌توانند مراکز کارآفرینی با برنامه‌ها برای کارآفرینان آینده و آموزش‌های نظارتی ایجاد نمایند. فنلاند دوره مدیریت عمومی را که توسط مراکز توسعه اقتصادی و اشتغال به گونه ویژه به مدیران SME ارائه گردید، ایجاد نموده است. که شامل سیمینارهای ۲ روزه و ارائه مشاوره‌ها برای یک روز می‌باشد. برنامه‌های مشابه برای مدیران خانم در مکاتب تجاری زنان هم وجود دارد. (OECD, 2002[88]) استفاده از دوره‌های آنلاین رایگان (MOOC)، مانند آنچه که توسط دانشگاه لیدز تهیه شده، می‌تواند مکمل آموزش‌های فزاینده و دسترسی به آنرا گسترش بخشد.

همچنین می‌تواند ایجاد سمینار کوتاه را برای کارآفرینان جدید در جریان ثبت نام در نظر داشته باشد، و می‌تواند هزینه نداشته باشد؛ چنان‌که در کانادا اساسات مدیریت و آموزش‌های مالی را فراهم می‌نمایند. (OECD, 2002[88]) این دوره‌ها را می‌توان با متخصصین با تجربه و یا در همکاری با دانشگاه‌های محلی و ACCI ایجاد نمود.

اتحادیه‌های صنعتی و اتاق‌های تجارت و صنایع (مانند ACCI و زنان CCI) همچنان می‌توانند به شناسایی مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز شرکت‌های کوچک کمک نمایند و جلسات آموزشی را با حمایت مربیان داخلی و خارجی ایجاد نمایند. در آلمان، مجموعه‌ای از آموزش‌های حرفه‌ای را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند. پشتیبانی از سازمان‌های واسطت‌کننده تحاری و ارائه خدمات‌شان به ویژه فعالیت‌های آموزشی، می‌تواند کارایی لازم را برای پشتیبانی از توسعه مهارت‌های SME داشته باشد، و می‌تواند هدف برای برنامه‌های کمک‌کننده باشد، همانطور که اتحادیه اروپا برنامه سرمایه‌گذاری آسیای میانه را پشتیبانی نموده است. (European Commission, 2015[88])

تجارب کشورهای OECD نشان می‌دهد که SME‌ها و کارآفرینان تمایل بیشتری به استفاده از فعالیت‌های غیر رسمی تر از فعالیت‌های آموزشی رسمی دارند، بنابراین توسعه فرصت‌های غیر رسمی از قبیل مشاوره و تعامل با مشتریان، تامین‌کنندگان و سایر شرکای پروژه را تشویق می‌نماید. (OECD, 2013[73])

انکوباتورهای تجاری و مراکز تجاری می‌توانند برنامه‌های مربیگری را با کارآفرینان محلی موفق که بتوانند دانش خود را به اشتراک بگذارند و کارآفرینان جوان را در طی کارگاه‌های آموزشی و جلسات مشاوره‌ای به اشتراک بگذارند، توسعه دهند. اتحادیه کارآفرینان در کشورهای OECD خدمات مشابهی را برای آموزش و مدیریت مربیان جوان و کارآفرینان جوان، مانند Reseau M در Québec کانادا، با بیش از 1500 مربی و 2600 نفر در هر سال، و Moovjee در فرانسه توسعه داده اند. (Reseau M, 2019[88]) دانشگاه امریکایی افغانستان دارای چنین مرکز آموزشی است که می‌تواند به مخاطبان گسترده‌تر دسترسی پیدا کند و به برنامه‌های عمومی در ACBR و مدارس کمک کند. (American University of Afghanistan, 2019[91]) رویدادهای کلیدی تجارت و جلسات همچنین می‌توانند فرصت‌هایی را برای درک مجموعه‌ای از مهارت‌های لازم، ارتقاء برنامه‌های آموزش و راهنمایی و ایجاد فرصت‌ها برای تبادل آموخته‌ها و برقراری روابط فراهم نماید. نشست اقتصادی افغانستان یک مثال خوب از گردهمایی سالانه کارآفرینان افغان است، که مدیران اجرایی برای به اشتراک گذاشتن دیدگاه، بهترین روش‌های و شیوه‌های مدیریت، با یکدیگر همکاری می‌نمایند. از میان 340 شرکت‌کننده در سال 2017، 100 مدیر عامل شرکت‌کننده در شبکه حضور داشتند و همچنین توصیه‌هایی به کارآفرینان جوان ارائه می‌نمودند.

چوکات 6 فعالیت های دولت جهت حمایت از شرکت های نوپا

میزان ناکامی شرکت های نوپا در ممالک OECD بطور اوسط 50% است. این نشان دهنده آغاز پر چالش برای شرکت های نوپا و مشکلات را که با آنها روبرو هستند، میباشد. شرکت های نوپا در تناسب با SMEs به منابع محدودتر انسانی و مالی جهت مقابله با پروسه های اداری دست و پا گیر و اداره مالی، دسترسی دارند. این مدل تشبثات وابسته به موارد غیر قابل اندازه گیری همچون تقاضا های برآورده نشده مارکیت و یا سکتور ها و فناوری های خیلی پیشرفته بوده که قابلیت ارزیابی و به چالش کشیدن شان از طرف بانک ها، سرمایه گذاران و نهاد های عامه را مشکل میسازد.

بدین ترتیب، شماری از فعالیت ها در زمینه پالیسی های عامه برای رفع بعضی مشکلات فرار راه شرکت های نوپا را میتوان راه اندازی نمود.

1. پاداش های مالیاتی: پاداش های مالیاتی باعث تشویق سرمایه گذاری بالای شرکت های نوپا میگردد. بطور اخص تعدیل مالیات بر عایدات تاثیر مهم بالای شرکت های نوپا داشته؛ نرخ بلند مالیات بر عایدات بالای میزان سرمایه گذاری و موفقیت سرمایه گذاری در ایکوسیستم شرکت های نوپا اثر منفی میگذارد. همچنان، تجربیات ممالک OECD شاهد روال رو به رشد استفاده از پاداش های front-end مالیاتی، کاهش برای سرمایه گذاری ها تازه انجام شده و تصدی های نو و پاداش های back-end مالیاتی بطور مثال تعویق پرداخت مالیات و منقول سازی عایدات و ضررها، میباشد.

2. ساده سازی پروسه های اداری: شواهد وجود دارد که SMEs و شرکت های نوپا با مقررات مغلق و دست و پا گیر مواجه اند که بشکل مخفی نقش باز دارنده برای تشبثات نو آور و سرمایه گذاران جوان را ایفا میکنند. بدین لحاظ مهم است تا پروسه های مغلق و پرمصرف اداری فرا راه ایجاد تشبثات ساده سازی گردد. این شامل موانع برای ایجاد شرکت، داخل شدن به مارکیت، قوانین افلاس، حقوق حفاظت از دارائی، حفاظت سرمایه گذاران و سازماندهی بازار کار میباشد. بر علاوه هزینه های اداری، مصارف رشد و جهانی ساختن شرکت های نوپا نیز باید در نظر گرفته شود.

3. مهارت های مدیریتی: ارائه برنامه های آموزشی و فرصت های مربیگری برای کارآفرینان جهت کمک نمودن شان در عرصه کسب مهارت های مدیریتی و حمایت از انکشاف شرکت های در حال رشد.

4. دسترسی به منابع مالی: کمبود منابع مالی و دارایی های فزینی برای گذاشتن تضمین از موانع عمده برای تشبثات تازه به کار آغاز نموده میباشد (فصل دسترسی به منابع مالی این گزارش به این موضوع پرداخته است - جدول ششم).

کار آفرینان زن با موانع بیشتر همچو موانع فامیلی و پالیسی های مالیاتی رو به رو بوده و باعث دلسرد ساختن شان میگردد، این شامل سطح پائینتر دانش و مهارت ها برای آغاز تشبث و دسترسی مشکلتر به منابع مالی و بعضی اوقات ترس بیشتر از ناکام شدن میگردد. سیاست گذاران باید به تشویق خانمها به برقراری ارتباطات با الگو ها و سفیران سایر کشور ها چون انجمن آلمانی فعاون اونترنیمن Frauen Unternehmen، راه اندازی برنامه های مشخص کار آفرینی برای زنان، تهیه منابع مالی تخصیص شده به زنان (به همکاری همکاران کمک کننده مالی) و افزایش دسترسی به حمایت اجتماعی و ساعات قابل انعطاف کاری بپردازند.

مأخذ: (Wilson & Silva, 2013; Aghaez, 2017) (EU & OECD, 2017) (OECD, Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017, 2017)

توصیه دوم: ساده سازی پروسه های مالییه دهی برای تشویق رسمی سازی SMEs

دولت در حال حاضر اقدامات را زیر دست گرفته تا اصلاحات را در سیستم مالیاتی را بوجود آورد که از رسمی سازی حمایت مینماید.

ساده سازی پروسه های مالییه دهی باعث کاهش بیشتر مصارف فعالیت تشبثات بگونه قانونی گردیده و مستلزم همکاری نزدیک با ریاست عواید وزارت مالییه میباشد. تعدد پروسه ها و تادیات پاداش منفی برای SMEs میباشد. معرفی سیستم مالیاتی ثابت مشابه به سیستم مالیاتی برای افراد عادی (ادغام مالیات بالای درآمد و عایدات بدست آمده از تشبث) برای شرکت های نوپا و SMEs میتواند بحیث یک گزینه در نظر گرفته شود. قانون جدید مالیات بالای درآمد پیشنهاد نموده تا شرکت های وارداتی از ثبت نمودن گزارش های ربعوار معاف گردد، این قانون هنوز پارلمان تصویب نگردیده (Ministry of Finance, 2018). این معافیت به SMEs و شرکت های نوپا نیز قابل تطبیق میباشد. اعلام فرضی سالیانه و پرداخت یکباره گزینه های برای

دولت افغانستان با در نظر داشت تجربیات رژیم ادغام مالی مکزیکو میباید (جدول 7). مثال دیگر مونوتریبوتو *Monotributo* (رژیم مالیاتی ساده سازی شده برای مالیه دهندگان کوچک) در آرژنتین بوده که چندین الزام مالیاتی را در یک پرداخت مدغم میسازد. این رژیم مختص تشبثات کوچک و کارآفرینان (دارای درآمد ناخالص دارای استانه واحد شرایط) بوده و مشمول مشارکت اجتماعی کارگران، مالیات درآمد و مالیات بر ارزش افزوده میباید. مقدار تادیات به اساس 11 رده مرتبط به مشخصات شرکت (تولیداتی/خدمات، حجم معاملات، تعداد کارکنان، زمین و برق مورد استفاده) تعیین گردیده است. شرکت ها میتوانند بصورت آنلاین ثبت اداره فدرال عایدات عامه (AFIP) گردند (OECD, Global Forum on Transparency and Exchange of Information: Argentina 2013, 2013; OECD, Multi-dimensional Review of Panama: Volume 2, 2018).

شرکت های نو پا و SMEs در افغانستان و همچنان اطلاعات بین المللی نرخ بلند مالیه بدست آمده از تشبث را گزارش داده اند. گزارش بانک جهانی نشان میدهد که نرخ مالیه از مفاد بدست آمده از تجارت الی 71.4% میباید. این رقم بطور استثنائی بالا به نظر میرسد، مالیات بدست آمده از تجارت به احتمال زیاد مالیات بالای حجم معاملات بوده که معادل به مالیه 70 فیصدی بالای مفاد میگردد (Aghaez, 2017) (World Bank, 2019). هزینه مالیاتی بالای شرکت ها باید کاهش یافته و همتراز کشور های دارای درآمد کم (جاهائیکه حد اوسط ثبت شده 52% مفاد تجاری میباید) بطور مثال تبدیل مالیه بالای BRT به مالیه بالای مفاد گردد. مالیه بالای مصرف میتواند تا حدی این کاهش را جبران نماید، به عین شکل، تنظیم موثرتر استخراج معادن و حصول بهتر حق الامتیاز ها میتواند بخش دیگری این کاهش را جبران کند. تطبیق موثر قانون جدید معادن، بگونه بهتر پاسخگوی فساد و سوء استفاده در این سکتر است و میتواند آن را به یکی از منابع مهم در آمد و رشد میدل سازد. دولت پلان دارد تا مالیات بر ارزش افزوده را در اخیر سال 2020 معرفی نماید (Ministry of Finance, 2018). ولی پیشرفت در این زمینه ممکن بطنی باقی مانده و تا ز ماینکه شرایط امنیتی بی ثبات باشد، پتانسیل مالیه دولت محدود باقی خواهد ماند. یکی از مطالعات که اخیراً انجام شده نشان میدهد که حصول عایدات بدست آمده از مالی در کشور های که دولت های شکننده دارند مشکل میباید، طوریکه که اوسط مالیه بر تولیدات ناخالص داخلی در چنین کشور ها (با در آمد پائین) 16.1% و در افغانستان 7.6% میباید. ولی تخمین گردیده که برای تأمین مالی خدمات عامه عادی به 15% از عایدات بدست آمده از تولیدات ناخالص داخلی ضرورت است (IMF, OVERVIEW OF THE IMF'S (OECD, States of Fragility 2018, 2018). WORK ON FRAGILE STATES, 2018).

چوکات 7 رژیم رعایت قوانین مالی در مکزیکو (RIF) *Régimen de Incorporación Fiscal*

اقتصاد غیر رسمی باز دارنده بزرگ عملکرد در اقتصاد مکزیکو میباشد. بر اساس یک تخمین 57% کارگران در مکزیکو در سال 2016 بگونه غیر رسمی بکار گماشته شده بودند. 3.2 میلیون تشبیت کوچک در مکزیکو پائینترین بازدهی در میان ممالک OECD را نشان میدهد در حالیکه رقابت از طرف سکتور غیر رسمی قابل توجه میباشد. توزیع نادرست منابع بدلیل موجودیت سکتور غیر رسمی دلیل عمده بازدهی راکد در کشور بین سالهای 2008 الی 2014 میباشد. نیم از کارکنان در شرکت های کوچک و غیر رسمی بکار گماشته شده اند، جائیکه نرخ بازدهی مخصوصاً پائین است. دولت با زیر دست گرفتن یک سلسله ریفورم ها برای رفع گره غیر رسمی بودن و بازدهی پائین توسط استراتژی "دموکراتیزه سازی بازدهی" پرداخته است. این ریفورم ها شامل پلان عملیاتی شمول مالی 2016 که برای تقویت سرمایه گذاری SMEs بوسیله افزایش دسترسی به منابع مالی، و سایر پروگرام های حمایتی برای SMEs تطبیق شده توسط انستیتوت ملی کار آفرینی (مانند برنامه های توسعه تشبیت و افزایش مهات ها) میباشد، طرح گردیده بود.

وضع مالیات نیز بعنوان یکی از وسایل رسمی سازی توسط دولت قلمداد گردیده. رژیم رعایت از قوانین به هدف رفع مشکل غیر رسمی بودن با تشویق نمودن SMEs برای رسمی شدن در سال 2013 توشیح گردیده و شامل اقدامات زیر است:

5. مالیات احتمالی برای قادر سازی SMEs به محاسبه مالیات بر اساس حجم معاملات و گردش وجوه
6. کاهش هزینه های اداری بالای مالیات بر ارزش افزوده و مالیات غیر مستقیم با استفاده از جدول ساده شده نرخ مالیات که بر اساس حجم معاملات حساب گردیده و نظر به فعالیت اقتصادی و نوع تولیدات فروخته شده میکند
7. ارائه خدمات بشمول برنامه های آموزشی فرضه با تأمین مالی دولت و وسیله انترنتی جهت کمک نمودن تشبیتات جهت پیروی از قوانین مالیاتی

از سال 2014 بدینسو، این برنامه توانسته 1.5 میلیون شرکت های را شامل سیستم مالیاتی رسمی گرداند. سوال باقیمانده این است که آیا رسمی سازی کوتاه مدت میتواند منتج به رسمی سازی میان و طولانی مدت گردد. تحقیقات بانک جهانی نشان میدهد که پاداش ها مالیاتی همچون RIF از جمله موثرترین شیوه ها در جاهای که در حال محیط تشبیتاتی در حال انکشاف اند داشته، میباشد.

مأخذ: (OECD, Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017, 2017) (OECD, 2017) (Bruhn & Loeprick, Small Business Tax Policy, Informality, and Tax Evasion : Evidence from Georgia, 2014)

توصیه سوم: بالا بردن کیفیت خدمات عامه بخصوص در پارک های صنعتی

سهولت پارک های صنعتی همچو برق ثابت، آب، ارتباطات بهتر به شبکه های لوژیستیکی داخلی و بین المللی، نزدیکی به عرضه کنندگان و مشتریان و خدمات یکپارچه اداری برای شرکت ها (به شمول خدمات مرتبط به صادرات) پاداش های قوی برای شرکت ها برای رسمی شدن بشمار میروند. این بطور اخص در افغانستان مصداق دارد؛ دولت باید منابع محدود دست داشته را بالای نقاط معین جائیکه شرکت ها و استفاده کننده گان بتوانند متمرکز گردند بمصرف برساند.

از آن جائیکه منابع محدود دست داشته دولت برای افزایش سرتاسری خدمات و اموال عامه بصورت همزمان کافی نمیباشد، این شیوه میتواند بحیث کتلست برای رسمی سازی سرتاسری در آینده مورد استفاده قرار گیرد چون پاداش های مختلف (مقررات، مالیات، دسترسی به منابع مالی، برق و امنیت) را میتوان در پارک های صنعتی تطبیق و تجربه کرد. اجرای ریفورم ها بالای پارک های صنعتی، جهت تنظیم محیط، میتواند بشکل نمونه استفاده گردیده و بعداً به شکل سرتاسری تطبیق گردد. درحالیکه با امکانات محدود میتوان فقط پارکهای صنعتی کوچک و میکرو ایجاد کرد، تنها ایجاد پارکهای کوچک نباید هدف باشد، چون تحقیقات نشان دهنده همبستگی منفی میان دستیابی به اهداف تعیین شده در پارک و اندازه پارک میباشد (World Bank, 2014).

دولت اخیراً اقدام به بهتر سازی امکانات پارک های صنعتی موجود نموده است. ریفورم ها در برنامه های ملی دارای اولویت و پالیسی مشخص برای پارک های صنعتی که در حال تهیه شدن است، تفصیل گردید است. دو ساحه عمومی ریفورم ها مشخص گردیده. اول، تغییرات نهادی در مورد مدیریت و تنظیم پارک های صنعتی موجود در پلان گردیده است. انتقال مدیریت پارک های صنعتی از ریاست انکشاف پارک های صنعتی - آیسا به ریاست پارک های صنعتی وزارت تجارت و صنایع مدیریت پارکهای صنعتی را تحت اداره واحد در آورده است. توجه جدی به تعارضات منافع احتمالی میان مدیریت و تنظیم این پارک ها باید معطوف گردد، زیرا وزارت تجارت در عین زمان تنظیم کننده نیز میباشد. ایجاد یک شرکت دولتی اختصاصی برای مدیریت پارک های صنعتی؛ تصدی پارک های صنعتی و اداره تنظیم ساحات صنعتی افغانستان هر دو اقدامات در جهت درست میباشد.

دوماً، افزایش شمار پارک های صنعتی بحيث یک از اهداف در سند های پالیسی مختلف ذکر گردیده. همکاری سکتور خصوصی-عامه از طریق سیستم ساخت-فعالیت-انتقال و یا اتحاد سرمایه گذاری های سکتور خصوصی¹² شیوه های مناسب برای پارک های صنعتی جدید میباشد. جهت افزایش اعتماد و تطبیق ریفورم ها بشکل متمرکز، مدیریت و انتصاب در نهاد های جدید باید شفاف و بر اساس لیاقت بوده و متضمن نمایندگی از قشر وسیع ذینفعان (دولت مرکزی و محلی، سکتور خصوصی و نهاد های توسعه زیربناها) باشد، طوریکه در حوزه های تنظیم شده صنعتی ترکیه صورت گرفته (جدول 8).

اما برای دستیابی به مزایای پیش بینی شده از تطبیق ریفورم ها نیاز به توجه بیشتر است. سهمگیری نیرومند تر از جانب سکتور خصوصی و تغییرات سازمانی در این زمینه حیاتی میباشد. (2008) FIAS دریافته است که حوزه های صنعتی شخصی در تناسب به حوزه های دولتی از زیربناها و امکانات بهتر برخوردار است. از آغاز دهه نود قرن بیستم بدین سو بطور چشمگیر ایجاد حوزه ها از مدل حوزه های ایجاد شده و مدیریت شده توسط دولت به مدل حوزه های ایجاد و مدیریت شده توسط بخش خصوصی و یا خصوصی-دولتی تغییر نموده.

انتقال مدیریت تصدی های دولتی و ایجاد نهاد اختصاصی تنظیم کننده فرصت را برای مدیریت و تنظیم پارک های صنعتی توسط سکتور خصوصی فراهم میکند. ساختار مورد تصدی های دولتی در این زمینه باید بطور دقیق مد نظر گرفته شود. انتخاب سایت دقیقاً مطالعه گردیده و بر اساس شیوه از پائین به بالا *Bottom-up* باشد. درین عرصه نیز سکتور خصوصی باید نقش کلیدی ایفا نماید زیرا نیاز به شناسایی شرکت های بزرگ که بحيث نیروی محرک برای افزایش استفاده از پارک های صنعتی و در نتیجه ایجاد منافع اقتصادی میگردد، است. شرکت ها بزرگ صنعتی با شبکه بزرگ عرضه کننده گان میتوانند در عرصه انتخاب سایت ها دخیل باشند. پارک های صنعتی موفق عموماً در کنار زیربناهای بزرگ ارتباط دهنده به مارکیت میباشد.

جهت تسهیل دسترسی به خدمات دولتی، پروسه های اداری و خدمات مراکز یک مرحله در پارک های صنعتی نیز باید تطبیق گردد. در افغانستان، شرایط امنیتی نیز یکی از فکتور های مهم است که حین ایجاد پارک های صنعتی باید در نظر گرفت. مصارف ممکن توسط دولت و نهاد های بزرگ سکتور خصوصی تأمین گردد تا بدین وسیله مصارف خدمات برای SMEs به حد اقل رسیده و یا رایگان عرضه گردد. ورکشاپ ها و مجالس مشوره دهی همراه SMEs جهت تطبیق اقدامات اولویت داده شده برای SMEs در پارک های صنعتی، افزایش آگاهی از مزیت ها، ایجاد زمینه ملاقات با مشتریان و همکاران تجاری بالقوه و افزایش علاقمندی SMEs به توسعه فعالیت هایشان در پارک های صنعتی میتواند ممد واقع گردد.

پارک های صنعتی همچنان باید در نظر داشته باشد که توجه چه نوع تشبثات را بخود جلب نماید. با توجه به اهداف دولت، شرکت های تولیداتی میتوانند از جمله مقاصد اصلی باشد؛ جهت عرضه به شرکت های بزرگ، SMEs رسمی و غیر رسمی به این ساحات منتقل خواهند گردید. برای کمک نمودن در رشد اقتصاد ملی و محلی طرح این پارک های باید طوری صورت گیرد که با سایر بخش های اقتصادی اطراف خود بیامیزند و از با سایر بخش ها بدون ارتباط نباشند. (OECD (2009c) موارد مشخص زیر را جهت رسیدگی به این مشکل پیشنهاد مینماید:

- در سازگاری با اصل خارج مرزی، مزیت های غیر مستقیم صادراتی (مثلاً دسترسی بدون مالیات) به شرکت های محلی که به شرکت های صادر کننده داخل پارک ارائه گردد
- ایجاد روابط همکاری میان پروژه های سرمایه گذاری در حوزه ها و شرکت ها و نهاد های تحقیق اقتصادی باید تسهیل گردد.

چوکات 8 حوزه های تنظیم شده صنعتی (OIZ) در ترکیه

- غیر رسمی بودن چالش بزرگ برای اقتصاد ترکیه است. فعالیت های غیر رسمی 23 الی 30 تخمین گردیده، که از جمله بزرگترین ارقام میان ممالک OECD میباشد و بعد از مالیات، شرکت های داخلی رقابت غیر رسمی را بحیث دومین مشکل بزرگ قلمداد میکنند. اکثریت شرکت های کوچک بازدهی پائین داشته و بدلیل تطبیق غیر موثر قوانین و مقررات در تله غیر رسمی بودن گیر مانده اند. دولت ریفرم های همه جانبه در مورد چهارچوب نهادی و تنظیم محیط برای تقویت رسمی سازی را در نظر گرفته است.
- پالیسی صنعتی یکی از وسایل مهم است که بوسیله آن دولت میخواهد مزیت های بدست آمده از فعالیت بگونه رسمی را افزایش قابل ملاحظه بخشد. 284 OIZ های فعال در سال 2015 شرایط کاری را برای 40,000 نهاد صنعتی و 1.53 میلیون کارگر بهتر ساخته که 30% اشتغال در سکتور تولیدات را تشکیل میدهد.
- انگشاف حوزه های تنظیم شده صنعتی شامل اقدامات بزرگ میگردد:
- توسعه ابتدائی با حمایت مالی کمک کننده گان مالی بین المللی و تشبثات صورت گرفت.
- سکتور خصوصی نیز در عرضه مدیریت شامل بود: وزارت مربوطه قوانین را تهیه میکرد و پیشنهادات از طرف سکتور خصوصی صورت میگرفت
- ساده سازی مقررات به جلب توجه شرکت ها کمک نموده است.
- زیربناهای اساسی همچو برق، آب، امنیت به شمول ترانسپورت جهت برقرار نمودن ارتباط میان پارک ها و سایر نقاط کشور برای پارک های صنعتی در جنوب-شرق ترکیه دارای اولویت اند.
- کمکهای مالی جهت حمایت از OIZ ها ارائه گردیده بود
- خدمات افزایش بازدهی برای شرکت ها عرضه گردیده بود، بطور مثال مکاتب مسلکی با حمایت آژانس ملی استخدام شاخص های عملکرد جهت ارزیابی موثریت OIZ های موجود ایجاد گردیده
- توجه بالای زیربناها در ترکیه میتواند برای افغانستان خیلی مطابقت داشته باشد: ایجاد حوزه ها با زیربناهای اختصاصی برای تولیدات صنعتی در تنظیم نمودن این فعالیت ها در مناطق مناسب و در عین زمان تقویت رول دولت در تطبیق مقررات کمک نموده است. OECD (2008) بررسی نموده که OIZ های موفق بر علاوه ایجاد موثریت مالی در عرصه ساخت زیربناها، باعث افزایش انتشار دانش و فناوری، تطبیق مقررات محیط زیستی و ایجاد همکاری میان شرکت های صنعتی و دانشگاه ها گردیده است.
- در عین زمان، انتخاب موقعیت پارک های صنعتی در افغانستان باید در هماهنگی با ساخت زیربناهای ملی و محلی صورت بگیرد، تا باعث همبستگی میان اقتصاد داخلی، بشمول انتقال فناوری و دانش، سرمایه گذاری شرکت های داخلی در پارک و ایجاد ارتباطات دو جانبه گردد.
- مأخذ: (Farole & Akinci, 2011) (OECD, 2016) (OECD, 2018)

توصیه 4: افزایش آگاهی در مورد مزیت های رسمی شدن

اکثر کارآفرینان افغان هیچ مزیت را در ثبت شدن نمیبینند، مثلاً مزیت های همچو محافظت های حقوقی یا دسترسی به برنامه های مشخص حمایتی. اطلاعات ناقص مشکل عمده است، بدین لحاظ راه اندازی کمپاین ها برای افزایش آگاهی از جمله فعالیت های اصلی در راستای تقویت پروسه ها و معرفی پاداش برای ایجاد تاثیرات بزرگتر در قسمت رسمی سازی شرکت ها میباشد. فعالیت های افزایش آگاهی رسمی شدن باید در پرتو ریفرم های بزرگ و تغییرات بمیان آمده در پروسه ها صورت گرفته و بیانگر مزیت های که شرکت ها از رسمی شدن بدست میآورند (دسترسی بهتر به منابع مالی و خدمات برای تشویق صادرات) باشد. این شامل گفتگو ها و مجالس آگاهی دهی با ACCI، انجمن های تجاری، شرکت های نوپا و نهاد های که در سکتور غیر رسمی فعالیت دارند میشود.

دولت و نهاد های کمک کننده مالی باید کمپاین های اطلاعاتی را در باره ریفرم ها و اقدامات جدید برای SME ها راه اندازی نمایند. این شامل میتواند شامل کمپاین ها در رسانه های اجتماعی، تلویزیون، روزنامه ها و لوایح در میداین هوایی و سایر محلات گردد. مزیت ها را همچنان میتوان در ویبسایت های موجود حمایت کننده از تشبث، دوایر دولتی و مجالس تشبثات با حمایت اطاق تجارت و صنایع و انجمن های تجاری محلی توضیح داد. شیوه های ارتباطی نوشتاری همچون برگه ها و بروشر

ها تهیه شده توسط ACCI را نیز میتوان بکار برد. فعالیت ها را میتوان طوری که در فرانسه زیر نام "شوک ساده سازی" عنوان شده بود، تبلیغ کرد (جدول 9).

واضحاً تبلیغات باید توسط پیشرفت های ملموس و نتایج قابل اطمینان که باعث اعاده اعتماد مردم میگردد همراه باشد و تبلیغات فقط در حد پیام های میان خالی باقی نماند. ارزیابی و گزارش دهی از پیشرفت توسط وزارت تجارت و صنایع و ACCI میتواند این فعالیت ها را تقویت بخشیده و بحیث اطلاعات برای افزایش آگاهی مورد استفاده قرار گیرد. مشکلات و کاستی ها باید اذعان گردیده و گفتگو ها جهت پیدا نمودن راه های حل و تعدیل برنامه ها و فعالیت ها براساس ضرورت را صورت گیرد.

چوکات 9 کمپاین "شوک ساده سازی" فرانسه

فرانسه برنامه گسترده مدرن سازی جهت ساده ساختن پروسه های اداری برای تشبثات و شهروندان (کاهش تعداد اسناد و گواهینامه ها) را راه اندازی مینماید. کمپاین اطلاعاتی به هدف افزایش آگاهی و تقویت ساده سازی پروسه ها توسط دولت مد نظر گرفته شده. این شامل فعالیت های وسیع میگردد:

- "شوک ساده سازی" توسط رئیس جمهور در حضور نخست وزیر و نمایندگان سایر وزارت ها مسؤل ترتیب ریفورم ها و جدول زمانی تطبیق آنها آغاز گردید
- پوشش خبری قابل ملاحظه مشمول مصاحبات و کنفرانس های خبری محلی جهت برجسته سازی نقش شرکت ها در این پروسه فراهم گردیده بود.
- ویبسایت نهاد های مختلف دولتی اقدامات ساده سازی بشمول ابتکار "همراهی همدیگر ساده بسازیم" را جهت جمع آوری نظریات و پیشنهادات در مورد اقدامات جدید اعلام و ابلاغ نمودند

مoxذ: (Gouvernement Francais, 2017)

قدم های بعدی

تطبیق اقدامات جهت رفع مشکل غیر رسمی بودن را میتوان از سطح محلی آغاز کرد

این گزارش واضح ساخت که برای رفع مشکل غیر رسمی بودن فقط یک راهکار وجود نداشته بلکه دولت باید از راهکار ها و پاداش ها متفاوت جهت رفع مشکل استفاده نماید این شامل مقررات، مالیات و پارک های صنعتی میگردد. برای تطبیق سرتاسری دولت میتواند نخست سیستم پاداش را بشکل امتحانی در سطح میکرو با ترغیب هماهنگی بیشتر میان دفاتر محلی مالیات و راجستر، شرکت عرضه کننده برق، نهاد های مالی (بشمول میکروفایننس و نهاد های کمک کننده مالی مثلاً نهاد ضمانت قرضه افغان) همراه با ACCI و سایر انجمن ارائه نموده او از آن بحیث یک مدل برای تمام مملکت استفاده کند. این پروسه امتحانی را میتوان برای مدت کوتاه (سه الی شش ماه) تطبیق نموده و تاثیرات و فواید آن بالای شرکت های غیر رسمی را ارزیابی کند. چون مراکز یک مرحله ای در شهر کابل موجود است ایجاد این مراکز در دو نقطه دیگر مانند شهر های مزار شریف، قندهار و هرات میتواند نقشه خوب آغاز باشد.¹³

مارکت گامارا در پیرو مثال خوب برای تبدیل یک مارکیت غیر رسمی به مارکیت رسمی است. گروه های بزرگ تولیداتی و عرضه کننده با شهرداری جهت بهتر سازی امنیت و برق همکاری کردند و این باعث گردید تا بعضی نهاد های تجاری کوچک جهت همکاری با گروه های بزرگ رسمی شوند (Marsili, 2013). در یک اقدام مشابه شهرداری کیتو در اکوادور برنامه را راه اندازی نمود که ذریعه آن 6000 دستفروشان را رسمی ساخته و به 11 مارکیت رسمی منتقل کرد. اگرچه اکثریت کارگران مورد هدف برنامه به سکتور رسمی داخل شدند، اما این اقدام نشان داد که این باعث بهبودی شرایط اقتصادی این کارگران بصورت آنی نمیگردد (Ferragut & Gómez, 2013). در افغانستان پروسه باید از بالا به پائین تطبیق گردیده و دولت باید اقدامات لازم جهت حصول اطمینان از اینکه این کارگران پاداش دریافت نموده و بابت رسمی سازی فعالیت های شان از حمایت دولت بهره مند شوند را اتخاذ نماید. این اقدامات برای کاهش خسارات مالی وارد شده بر کارگران، خیلی مهم است.

اقدامات برای رفع مشکل غیر رسمی بدن نیاز به هماهنگی دقیق دارد

تطبیق اقدامات مشخص جهت رفع مشکل غیر رسمی بودن تشبثات که در استراتژی SME ها گنجانیده شده و رول وزارت تجارت و صنایع در بازرسی و تطبیق آن خیلی مهم اند. اکثریت ممالک OECD نهاد های تطبیقی جداگانه برای SME ها از وزارت مسؤل انکشاف پالیسی ها در این زمینه ایجاد نموده اند. ولی ایجاد این نهاد در افغانستان با در نظر داشت منابع کم وزارت تجارت و صنایع، قبل از وقت تلفی میگردد. در این مرحله جهت ارائه تعهد، نهاد تطبیقی نباید از وزارت تجارت و صنایع جدا باشد. ایجاد یک گروه اختصاصی در ریاست SME وزارت تجارت و صنایع میتواند این راهکار های استراتژیک

را به پلان های عملیاتی مبدل سازد. این نهاد باید متشکل از متخصصین متمرکز بالای دستاورد ها بوده و با پروژه های در حال تطبیق در تماس باشد و از مهارت های مدیریت پروژه و ارزیابی برخوردار بوده و در عین حال نتیجه گرا باشد.

با در نظر داشت اینکه استراتژی SME نیاز به همکاری میان دواير مختلف دارد، تطبیق آن مستلزم اراده قوی سیاسی دولت میباشد و در عین زمان بمنظور تطبیق موثر فعالیت های مانند آموزش دهی، مشوره دهی، حمایت، تمویل مالی که از طرف سکتور خصوصی بحیث موارد مهم برای SME ها قلمداد گردیده باید در هماهنگی با همکاران کلیدی داخل دولت، سکتور خصوصی و نهاد های کمک کننده انجام یابد. پلان تطبیقاتی باید مشمول فعالیت ها، شاخص های کلیدی عملکرد، منابع تخصیص شده و نهاد های مسؤل باشد. نهاد های تمویل کننده مالی باید در قسمت تهیه و عملی سازی پلان تطبیقی دخیل بوده تا چگونگی طرح برنامه ها و تمویل مالی شانرا طوریکه فعالیت های دولت را به بهترین شکل ممکن تقویت کند را شناسائی نماید، اولویت ها و برنامه ها را هماهنگ ساخته و در تهیه پلان های جدید را رهنمائی کند. ACCI با استفاده از تجربیات و اطلاعات دست داشته در مورد ساختار اقتصادی کشور میتواند کارآفرینان را با راه اندازی برنامه های آموزشی کمک نماید.

OECD تهیه راهکار با جدول زمانی جهت تطبیق این اقدامات را توصیه میکند (جدول 1). این بحیث خط مبنا برای فعالیت های که در استراتژی SME و در پلان تطبیقی توسعه سکتور خصوصی، برنامه های ملی دارای اولویت شامل خواهند گردید استفاده شود.

غیر رسمی بودن باید در یک چهارچوب همه جانبه و طولانی مدت حل گردد

حل چالش رسمی سازی در افغانستان را به سه دلیل باید برای طولانی مدت در نظر گرفت. اولاً در حالیکه کارگران میتوان میان دو سکتور رسمی و غیر رسمی تغییر شغل دهند، انجام این کار برای شرکت ها مشکل است؛ بخصوص در صورتیکه بزرگتر از اندازه تعیین شده گردند. فلذا تصمیم رسمی شدن بصورت بالقوه غیر قابل برگشت (و یا قابل برگشت اما با مصارف هنگفت) میباشد، بدین لحاظ شرکت ها ممکن این تصمیم را به آهستگی در پاسخ به تغییر پالیسی اتخاذ نمایند. دوماً پیشرفت در رسمی سازی بطور کل ممکن سریع تر از پیشرفت در رسمی سازی متمرکز باشد، زیرا شرکت ها با وجود رجستر شدن بگونه رسمی و آغاز فعالیت های رسمی هنوز هم ممکن کارگران غیر رسمی را استخدام نموده و یا با سایر نهاد های غیر رسمی معامله داشته باشند. سوماً طوریکه در بالا اشاره شد، رشد اقتصادی و بازدهی گسترده اقتصادی خیلی مهم اند، این بدین معناست که یک استراتژی عالی نه تنها به مدل ساختاری پالیسی بلکه به شرایط امنیتی نیز وابسته میباشد (La Porta & Shleifer, Informality and Development, 2014).

لهذا چهارچوب ارائه شده در این گزارش برای حل مشکل غیر رسمی بودن تشبثات راه حل سریع و نوش دارو برای تمام مشکلات نمیباشد. اما راهکار گسترده که در برگرنده چالش های اقتصادی بطور کل و اقدامات هدفمند برای SME های غیر رسمی میباشد را ارائه میکند. این گزارش بر اساس تحقیقات انجام شده توسط نهاد های بین المللی بشمول سازمان بین المللی کار (ILO) و بانک جهانی انکشاف یافته است (La Porta & Shleifer, The Unofficial (Kenyon, 2007) Economy and Economic Development, 2008). آمیزش دقیق پالیسی های متفاوت ذکر شده در چهارچوب میتواند رسمی سازی تشبثات را تقویت بخشیده و تکمیل کننده اقدامات در مورد تشبثات بصورت کل مانند تحکیم قانون، صداقت، مدیریت و پالیسی های مالیاتی و مارکیت کار و مهارت ها باشد.

جدول 1 راهکار تقویت رسمی سازی شرکت ها

در از مدت (سه الی پنج سال)	میان مدت (یک الی دو سال)	کوتاه مدت (شش ماه الی یکسال)	توصیه 1:
<ul style="list-style-type: none"> دیجیتال سازی پروسه های کلیدی بواسطه ایجاد مرکز یک مرحله آنلاین 	<ul style="list-style-type: none"> شناسایی اولویت های بیشتر جهت ساده سازی پروسه های اداری برای سکتور خصوصی 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد مراکز یک مرحله ای فزیک در سایر مناطق خارج از کابل از بین بردن پروسه تمدید جواز شرکت ها 	<p>انکشاف چهارچوب درست قانونی و نهادی جهت تقویت سکتور خصوصی</p> <p>ساده سازی بیشتر پروسه ثبت و سایر پروسه های اداری برای تشبثات</p>
<ul style="list-style-type: none"> نظارت از پلان عملیاتی در ریاست SME ارتقای ظرفیت جهت برنامه ریزی و مدیریت مالی در وزارت تجارت و صنایع به هدف افزایش نقش وزارت در برنامه های کمک کنندگان مالی برای SME ها 	<ul style="list-style-type: none"> انکشاف استراتژی مختص به SME ها و تهیه پلان عملیاتی، در تعامل با سکتور خصوصی حصول اطمینان از تعهد کمک کننده گان مالی و هماهنگ ساختن پلان عملیاتی با کمک های مالی 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه سهمگیری سکتور خصوصی بشمول شرکت های نو پا و غیر رسمی، در گفتگو ها در مجالس همچو PRISEC برنامه ریزی فعالیت های کمک کننده گان مالی برای تقویت و تمویل مالی SME ها جمع آوری اطلاعات بیشتر در مورد غیر رسمی بودن 	<p>انکشاف چهارچوب درست نهادی برای حمایت از تمام تشبثات</p>
<ul style="list-style-type: none"> ایجاد نصاب تعلیمی مدیریت و کارآفرینی در مکاتب امکانات راه اندازی برنامه های آموزشی به همراه کارکنان وزارت تجارت و صنایع 	<ul style="list-style-type: none"> انکشاف برنامه های آموزشی در ACCI و ACBR انکشاف برنامه های مشخص برای مدیران بانو بهمرای CCI بانوان 	<ul style="list-style-type: none"> مشاوره بهمرای عرضه کننده گان برنامه های آموزشی برای ارزیابی برنامه های موجود تشویق به مربیگری بیشتر و استفاده از همکاری های وزارت تجارت و صنایع 	<p>انکشاف برنامه های مخصوص مهارت های SME</p>
<ul style="list-style-type: none"> ارائه خدمات پرداخت مالیات و قروض توسط نرم افزار در تلفن همراه 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد سیستم ساده مالیاتی برای SME ها ساده سازی پروسه های اداری مالیاتی با استفاده از سیستم مراکز یک مرحله راه اندازی تحقیق در مورد استفاده از پاداش ها برای سرمایه گذاری جهت ایجاد حمایت بیشتر از تشبثات جدید تبدیل مالیه BRT به مالیه بالای مفاد و یا گزینه بدیل با پروسه ساده بحیث هدف عمده 	<ul style="list-style-type: none"> ترتیب فهرست تمام مزیت های بدست آمده از رسمی شدن جهت ایجاد تبلیغات موثر ساده سازی پروسه های مالیاتی شناسایی نقاط که تنظیم مالیه بالای SME ها متفاوت از شرکت های نوپا میباشد آغاز گفتگو بالای نظام جدید مالیاتی برای شرکت های نوپا و SME های مورد نظر 	<p>افزایش آگاهی از مزیت های رسمی شدن</p>
<ul style="list-style-type: none"> ساخت پارک های جدید صنعتی در جاهائیکه شانس های رسمی شدن زیاد است 	<ul style="list-style-type: none"> مشوره با شرکت های بزرگ صنعتی در قسمت انتخاب سایت ها جلوگیری از اختلاف منافع میان نهاد های جدید مدیریت کننده و نظارت کننده با استفاده از شیوه های موثر مدیریتی 	<ul style="list-style-type: none"> انکشاف کیفیت خدمات عامه در پارک های صنعتی موجود مشاوره بیشتر با شرکت های بزرگ و SME ها در مورد سند پالیسی در حال تهیه برای پارک های صنعتی و تطبیق این پالیسی ها 	<p>توصیه دوم:</p> <p>انکشاف پالیسی های مالیاتی جهت تسهیل رسمی سازی SME ها</p>
			<p>توصیه سوم:</p> <p>انکشاف پالیسی پارک های صنعتی جهت ارائه خدمات عامه بهتر</p>

موخذ: OECD analysis

ضمیمه: تشویق توسعه SME ها توسط برنامه های ملی دارای اولویت

انکشاف SME به اندازه کافی در بخش توسعه سکتور خصوصی در پیش برنامه های ملی دارای اولویت تفصیل نگردیده است، در حالیکه SME ها و شرکت های نوپا مشکلات منحصر به خود را داشته و از پوتانسیل بالای جهت ایجاد کار و انکشاف رشد متوازن برخوردار اند. برنامه های ملی دارای اولویت ندرتاً به موارد زیر اشاره نموده است و میتوان از این موارد در پیش نویس استراتژی SME استفاده کرد در حالیکه اقدامات خاص برای شرکت های نوپا باید علاوه گردد:

1. **چهارچوب نهادی و مقرراتی:** تجربیات بین المللی نشان میدهد که هماهنگی بین الوزارتی جهت شناسایی و گفتگو در مورد اولویت ها بطور قابل ملاحظه در پالیسی سازی در راستای رشد SME مفید است. همچنان وجود یک نهاد قوی برای SME گزارش دهنده به وزارت اقتصاد (در افغانستان وزارت تجارت و صنایع) مسؤل تطبیق پلان عملیاتی برای SME ها خیلی کمک کننده است. شیوه مناسب جهت ایجاد آژانس SME شامل استخدام افراد با تجربه کاری در سکتور خصوصی و ایجاد میکانیسم های نظارتی جهت تعقیب دستاورد ها میباشد. اکثریت ممالک مقررات مختص برای SME ایجاد نموده و ارزیابی ها جهت اندازه گیری تاثیرات مقررات بالای SME ها (مصارف و فواید قوانین جدید برای SME ها) را راه اندازی نموده اند.
2. **دسترسی به منابع مالی:** SMEs در مقایسه با سایر شرکت ها ضروریات منحصر به خود را داشته و نیاز به خدمات و حمایت های مالی متفاوت میباشد. نیاز به برنامه های عامه مالی که در برگزیده بانک ها (نهاد های مالی کمک کننده در افغانستان) اختصاصی ارائه خدمات قرضه (و شرایط) است. اکثریت ممالک OECD ممالک یوراسیا دارای اینگونه برنامه های قرضه دهی عامه بوده که عموماً توسط یک بانک یا آژانس دولتی و بعضاً با حمایت نهاد های بین المللی اداره میگردد. این حاوی خدمات قرضه دهی مختص به شرکت های نوپا، بشمول تمویل مالی بنیادی، شرکت سهامی و قرضه های سبسایدی شده (بدون تضمین و وثیقه) میباشد.
3. **رابطه میان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و SME:** سرمایه گذاران خارجی با تدارک اسباب و خدمات شان از داخل کشور میتوانند باعث ایجاد فرصت ها برای SME های داخلی گردند. آمدن شرکت های چند ملیتی بداخل کشور نیز باعث ایجاد تاثیرات مثبت اقتصادی مانند افزایش ستندارد های کیفیت، بازدهی و خلط زنجیره ارزش جهانی میان شرکت های محلی میگردد. در این راستا برنامه های اختصاصی (مجالس همکار یابی، برنامه های آموزشی، برنامه های توسعه عرضه) برای SME طرح گردیده تا زمینه تعامل و ارتباطات تجاری میان شرکت ها و سرمایه گذاران خارجی مساعد گردد. شرکت های نوپا میتوانند از تسریع برنامه بشمول مربیگری، سیر ها برای بازدید و همکار یابی با همکاران بالقوه از کشور های مهم (امارات متحده عربی، ترکیه و آمریکا را میتوان مد نظر گرفت) سود ببرند (BPIFrance & BusinessFrance, 2018).
4. **دانش مالی:** مشارکت مالی اکثرأ به تادیات مالی دیجیتالی اطلاق میگردد که خیلی مفید است. برنامه های ملی دارای اولویت به انکشاف استراتژی همه شمول اشاره میکند که یک قدم خوب در جهت درست است. این یک موضوع خیلی بزرگ بوده و گروه های مشخص مانند SME ها را مورد هدف قرار دهد و شامل اسباب مانند برنامه های آموزشی در مکاتب، برنامه های آموزشی برای کار آفرینان، آموزش توسط و برای بانک ها و ویبیسایت های که شهروندان و تشبثات به آنها دسترسی داشته باشند، میشود. چنانچه در بالا ذکر شد، مهارت های مدیریتی برای سودمندی یک شرکت حیاتی بود و بدین لحاظ برای توانائی شرکت برای فعالیت در سکتور خصوصی مهم است؛ (La Porta and Shleifer (2014) موضوع سرمایه مدیریتی انسانی را با موضوع دسترسی به منابع مالی ارتباط میدهند. مدیریت توسط یک گروه کاری متشکل از سکتور خصوصی- دولتی به رهبری بانک مرکزی نیز مهم است. راهکار های بیشتر OECD را میتوان در کار های OECD بالای شبکه های بین المللی دانش مالی دسترسی نمود (OECD/INFE) (OECD, National strategies for financial education, 2015).
5. **مهارت ها:** SME ها برای دسترسی به آموزش رسمی دچار مشکل اند اما میتوان از شیوه ها و پاداش ها مانند سند هزینه برای برنامه های آموزشی در مراکز آموزشی مسلکی، آموزش های غیر رسمی (بطور مثال شبکه مربی های تجاری) و سایر شیوه ها برای رفع این مشکل استفاده نمود. مهارت های کار آفرینی و مدیریتی میتوان در برنامه های درسی بالخصوص در دانشگاه ها شامل گردیده و توسط کار آفرینان موفق تدریس گردد. برنامه های آموزشی برای کار آفرینان جدید و آنانیکه میخواهند کار آفرین شوند را میتوان در محوطه مراکز حمایت تشبثات ایجاد کرد.
6. **صادرات:** در بسیاری کشور ها SME ها از توانائی، دانش و اطلاعات کم در مورد مارکیت های خارجی برخوردار اند. آژانس تقویت صادرات باید باز آریایی، مشوره دهی و حمایت مالی جهت حمایت از SME را ارائه نماید این شامل مطالعه مارکیت، آموزش در مورد ستندرد و گواهینامه ها، اعتبار صادرات و سایر موارد میگردد.

7. **خدمات تجاری:** حمایت از انکشاف مراکز تجاری، تویی ها و مراکز حمایتی (خصوصی و دولتی) جهت ارائه حمایت های مالی، تخنیک و مشوره دهی برای SME ها حیاتی است. این طرح را میتوان بطور اخص در حوزه ها در نظر گرفت. برنامه های متعدد با کمک مالی نهاد های کمک کننده در حال جریان است که میتوان از طرف دولت بطور بهتر سازماندهی گردیده و حمایت گردد. در خصوص SME ها، ایجاد مراکز رشد تجاری جهت مهیا ساختن محیط مناسب جاییکه پروژه های جدید بتوانند فعالیت کنند و شرکت های نوپا، سرمایه گذاران، نهاد های مالی، تحصیلی و دولتی بتوانند باهم یکجا شوند (مکان مشترک بشکل فیزیکی) مهم و حیاتی است.
8. **احصائیه SME ها:** در اکثریت کشور های OECD نهاد ملی احصائیه و بانک مرکزی در مورد سکتور تثبیت احصائیه (همچون مفاد، ارزش اضافه شده، کار، نرخ ایجاد و از بین رفتن شرکت ها سهم قرصه ها و سایر موارد) ارائه میکنند. این احصائیه بر اساس بزرگی شرکت (مایکرو، کوچک، متوسط و بزرگ) تقسیم بندی گردیده است. این بحیث اطلاعات اساسی جهت انکشاف پالیسی های درست و حسابی شده، تعیین اهداف قابل دستیابی و ارزیابی تأثیرات استراتژی ملی جهت حمایت از SME ها در طول زمان، میتواند مورد استفاده قرار گیرد. در افغانستان این احصائیه وجود نداشته و در جریان تمام مصاحبات به عنوان فکتور باز دارنده قلم داد گردید.

یادداشت ها

- 1 نسبت وابستگی عبارت از نسبت نفوس وابستگان (افراد دارای سن کمتر از 15 سال و یا بیشتر از 64 سال) بر نفوس کارکنان (کسانیکه دارای سن 15 الی 64 سال اند).
- 2 اندازه شرکت ها بر اساس تعداد کارکنان تعریف میگردد: کوچک (5 الی 19)، متوسط (20 الی 99) و بزرگ (بیشتر از 100) کارکن.
- 3 این در مطابقت به تحلیل (La Porta and Shleifer (Informality and Development, 2014) (تحلیلیکه به مراتب خوشبین تر نسبت به چینل دوم نسبت به چینل اول اند) میباشد
- 4 (La Porta and Shleifer (Informality and Development, 2014) ملاحظه نمود که در اکثریت اقتصاد های جهان فرق میان نیروی کاری استخدام شده توسط سکتور رسمی و غیر رسمی خیلی کوچک است. دانش و مهارت های کارآفرینان مهمترین فکتور استند. کارگران با انتقال از سکتور غیر رسمی به سکتور رسمی شاهد افزایش بازدهی و درآمد به علت این انتقال میشوند. تفاوت بازدهی میان دو گروه از شرکت های بیشتر از ثمریت مدیریت و فناوری منشا میگیرد تا از تفاوت میان دو گروه کارگران.
- 5 60% شرکت ها در بخش تولیداتی در افغانستان بدین باور هستند که آنها در برابر سکتور غیر رسمی رقابت میکنند، بیشتر از 50% در ترکیه و نزدیک به 80% در مکزیکو. در مقایسه، کمتر از یک سوم شرکت ها در سکتور خدماتی در افغانستان و ترکیه و اندکی بیشتر از دو سوم شرکت ها در مکزیکو باور دارند در برابر سکتور غیر رسمی رقابت میکنند.
- 6 تعداد شرکت های راجستر شده بر اساس آمار های نهاد مرکزی ثبت تشبثات افغانستان ACBR 120,000 میباشد (بگونه تخمینی 25000 الی 30000 آنان فعال اند)؛ تاجکستان که حدود یک چهارم نفوس و یک سوم تولیدات ناخالص داخلی افغانستان را دارا میباشد، عین تعداد شرکت های راجستر شده دارد. گرجستان با داشتن یک دهم حصه نفوس افغانستان، حدود 70,000 شرکت میباشد.
- 7 ماده 4 قانون مالیات بر عایدات 2009
- 8 نرخ مالیه بالای درآمد تجاری در افغانستان 20% بوده و نرخ مالیه بالای درآمد انفرادی 2%، 10% و 20% متناسب به اندازه در آمد مالیه دهنده میباشد. مالیات بر درآمد و کسب در افغانستان قرار ذیل است:
- A. 20% برای رستوران های کوچک
B. 4% برای شرکت های نورمال
C. 5% برای شرکت های هوایی، رستوران های متوسط و سالون های عروسی
D. 10% برای شبکه های مخابراتی و رستوران های مجال (Ministry of Finance, 2018)
- 9 برنامه حرکت فضای سرمایه گذاری افغانستان هدف دارد تا آسان سازی سرمایه گذاری در افغانستان را با کاهش موانع مقرراتی و نهادی فراهم سازد. این برنامه در سال 2009 توسط دپارتمنت توسعه بین المللی بریتانیا (DFID) بنیان گذاشته شده و در بر گیرنده همکاران مالی و دولت میباشد. این برنامه بیشتر از 35 پروژه متمرکز بالای چهار بخش را حمایت نموده است: همکاری میان سکتور خصوصی و دولتی، تسهیل سرمایه گذاری، ریفورم قانونی و مقرراتی و شمول زن ها در اقتصاد. این شامل حمایت از ریاست اراضی، اداره ثبت اعتبارات عامه و تحقیق بالای موضوعات همچون غیر رسمی بودن در کابل و زون های خاص اقتصادی و مارکیت کار میباشد. بعد از مشکلات اخیر که باعث به تعویق انداختن پروژه های جدید گردیده بود، حرکت دوباره به در سال 2018 به فعالیت آغاز نموده است (Harakat, 2018).

10 بطور مثال، اهدای تهیه پالیسی انکشاف اقتصادی همه شمول (2017-2018).

11 توسط برنامه های "کمک برای اعمار افغانستان با انکشاف شرکت های در حال پیشرفت" (2017-2012) و انکشاف شرکت های کوچک و متوسط (2006 الی 2013)

12 در مدل ساخت-فعالیت-انتقال، دولت به یک شرکت جواز میدهد تا برای یک مدت معین بالای زمین دولتی تعمیر نموده و فعالیت نماید. در مجمع سیستم سرمایه گذاری سکتور خصوصی، مصارف ایجاد پارک صنعتی بالای زمین دولتی تخمین زده شده است. از شرکت ها دعوت میگردد تا جواز برای به اجاره گرفتن قطعه از پارک صنعتی را خریداری کنند. در صورتیکه به اندازه کافی متقاضیان علاقمند موجود باشند، دولت قطعات پارک را میان شرکت های که بطور موفقانه مقدار پول را که برای ایجاد پارک ضرورت است و در اقساط باید پرداخت گردد، تقسیم مینماید (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018).

13 قندهار و هرات میتوانند تجربیات متفاوت را از تطبیق پاداش ها ارائه دهند. قندهار میتواند مثال خوب یک شهر مهم تجاری، جائیکه فراوری میوه و تولید محصولات غذایی صورت میگیرد باشد، در حالیکه هرات جای خوبی برای آزمایش پاداش ها برای محصولات زراعتی (زعفران) و تولیدات (مرمر) در یک حوزه تجاری باشد.

3. افزایش دسترسی به منابع مالی برای رشد سکتور خصوصی

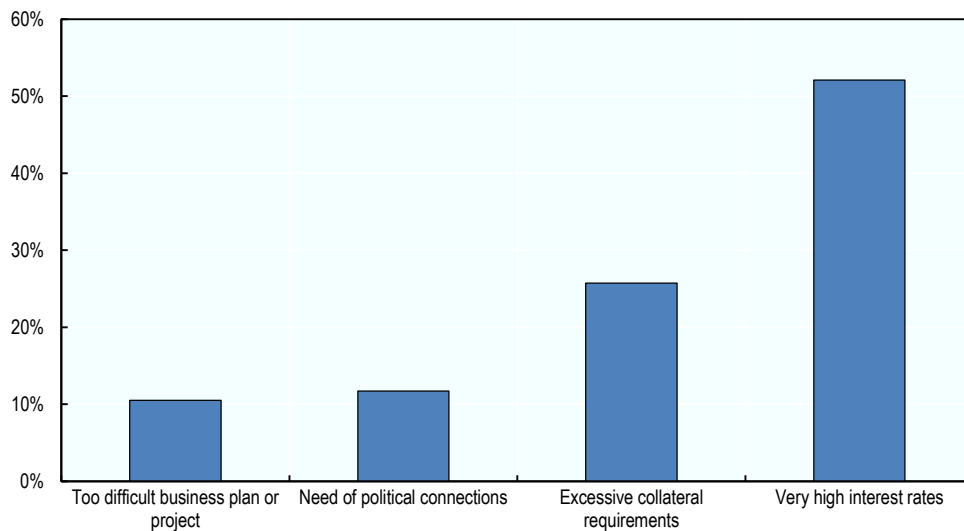
دسترسی به منابع مالی برای SME ها و شرکت های نوپا در افغانستان محدود است. جهت بهتر سازی شرایط مالی برای SME ها دولت باید دانش مالی را بهتر ساخته، شرایط قرضه را با استفاده از تضمین قرضه بهبود بخشیده و خدمات مالی غیر بانکی را حمایت کند.

محدودیت دسترسی به منابع مالی، مانع بزرگ فرا راه رقابت پذیری SME ها در افغانستان است

محدودیت دسترسی به منابع مالی مانع بزرگ برای شرکت های قبلاً ایجاد گردید و شرکت های نوپا است

SME ها و شرکت های نوپا در افغانستان گزارش داده اند که شرایط قرضه نیاز های آنها را رفع نمیکند. در سال 2016، 57% SME ها موجودیت منابع مالی را بعنوان چالش بزرگ یاد کرده و 52% شان نرخ بالای سود را بعنوان بزرگترین مانع قلمداد کردند. (ACCI, Business Climate Monitor, 2016). این نشان دهنده چالش های عرضه ای؛ سیستم مالی ضعیف و محیط مارکیت و کمبود نهاد های مالی غیر بانکی جهت جبران نبود قرضه های بانکی و همچنان تقاضایی؛ دانش مالی پائین، ثبت ضعیف رکورد ها توسط SME ها که باعث افزایش تضمین میگردد، میباشد.

شکل 3 چالش های کلیدی برای دسترسی به منابع مالی بانکی در افغانستان در سال 2016



مoxذ: (ACCI, 2016[29])

سیستم مالی رسمی خیلی کوچک بوده و فعالیت های غیر رسمی قوی میباشد

حجم قرضه محلی برای سکتور خصوصی در افغانستان بسیار پائین است، فقط 3،6% تولیدات ناخالص دولتی در سال 2016، و از سال 2010 بدین سو در حال کاهش است. این به مراتب از کشور های چون تاجکستان (21%)، قرغیزستان (20.8%) و ترکیه (69.9%) کمتر میباشد (World Bank, Data, 2016). بر علاوه 43% SME ها در افغانستان هنوز هم دسترسی به منابع مالی را بعنوان بزرگترین چالش در زمینه ایجاد شرکت قلمداد میکنند (Business DNA, 2018; ACCI, Business Monitor 2017, 2017).

استفاده از قرضه های بانکی محدود باقیمانده، طوریکه در سال 2014 فقط 2% تشبثات از قرضه های بانکی استفاده کرده اند (IMF, IMF Country Report No. 17/378, 2017). این بمراتب کمتر از نرخ سال 2013 در تاجکستان (13.2%)، قرغیزستان (18.4%) و ترکیه (44.2%) میباشد (World Bank, World Bank Data, 2014). منابع مالی بدیل حتی کوچکتر از این نرخ باقیمانده. بطور مثال قرضه های کوچک در سال 2017 0.8% تولیدات ناخالص داخلی بود، در مقایسه در عین سال این نرخ در تاجکستان نزدیک به (2.8%) و در قرغیزستان (2.4%) بود (IMF, IMF Country Report No. 17/378, 2017; National Bank of the Kyrgyz Republic, 2018; National Bank of Tajikistan, 2017). نظام بانکی در افغانستان با مشکلات جدی مواجه بوده و تحت نظر شدید پالیسی سازان است (صندوق).^(۱۰)

چوکات 10 سکتور بانکی افغانستان

سکتور بانکی شامل 15 بانک، 9 بانک تجاری، 3 بانک دولتی و 3 شاخه نهاد های مالی خارجی می‌گردد. سیزده نهاد قرضه کوچک در افغانستان فعالیت دارد، یک بانک قرضه کوچک کامل وجود داشته و هفت بانک اسلامی (دارای 493 نمایندگی بانکی) و سه نهاد مالی الکترونیک موجود می‌باشد. بانک ها عموماً مالکیت شخصی بوده که بازرسی بانک مرکزی را تحت تاثیر قرار داده است. دارائی های بانکی بطور متعادل متمرکز می‌باشد: در سال 2015، 80% تمام دارائی بدست پنج بانک بود، در مقایسه تاجکستان 100% و قرغیزستان 97%. اندازه بهای قرضه بانکی 700 میلیون دالر بوده که شامل 50 میلیون دالر برای SME ها می‌گردد.

بانک ها هنوز هم از بحران 2011 کابل بانک بهبود نیافته اند و هنوز در مورد قرضه دهی محتاطانه عمل می‌کنند. نرخ تضمین بالا، نرخ سود برای SME ها 25% بوده و زمان بلوغ قرضه ها کوتاه می‌باشد. در دسامبر سال 2017، مجموع مقدار قرضه داده شده توسط 15 بانک به 2.6% تولیدات ناخالص داخلی رسید، در مقایسه مقدار دارائی های سکتور بانکی 23% تولیدات ناخالص داخلی بود. نسبت قرضه بر سپرده فقط 19.9% بود، در مقایسه اوسط این نرخ در آسیای میانه 101%، در آسیا 85% و حتی در لیبیا 25.6% بود. نرخ بدلیل پائین بود که سه بانک نمیتوانستند قرضه دهند و بانک مرکزی قرضه در اوضاع وخیم را متوقف نموده بود. بانک های دولتی 27% دارائی ها را تشکیل داده اما فقط بخش کوچک قرضه ها را تشکیل می‌دهد. سیستم ضعیف قرضه، توانائی پائین ارزیابی خطر و مدیریت ضعیف باعث تخریب رول و فعالیت های شان گردیده.

مشکلات سیستماتیک مالی مانند عملکرد ضعیف رشد و فعالیت ضعیف تجاری بر مشکلات سکتور بانکداری علاوه گردیده است. بانک مرکزی موارد مانند "مصارف زیاد عملیاتی، و در عین زمان خطر بالا و تطبیق ضعیف قرارداد و عدم توسعه سکتور مالی بصورت عموم" را بحیث مشکلات ذکر می‌کند، موجودیت 17% قرضه های صعب الحصول، قیمت پائین افغانی و عدم موجودیت آژانس های درجه بندی (rating agencies) برای درجه بندی قرضه ها، همه مثال های عینی این مشکلات اند. سکتور مالی افغانستان همچنان از یک تنظیم کننده که مخصوصاً مسؤل نظارت سیستماتیک از خطرات مالی باشد برخوردار نبوده و نورم های بانکداری در افغانستان از سنتدرد نشر شده توسط کمیته بازل عقب مانده است. بانک مرکزی هنوز هم در تلاش است تا با معیار ها بازل 2 خود را هماهنگ سازد که شامل چهارچوب عملیاتی خطر، چیزیکه سکتور بانکی جداً به آن ضرورت دارد، می‌باشد. ریفورم ها جاری دولت هدف دارد تا سکتور بانکداری را تقویت بخشیده و مشکلات اداری، کیفیت دارائی و سودمندی را رفع نماید. قوانین بانکداری سال 2003 تعدیل گردید تا درس های گرفته شده از بحران کابل بانک را در نظر گیرد، و جهت ایجاد یک سیستم مالی قوی در کشور کمک نماید. قوانین جدید بانکداری تبادل معلومات و تطبیق را بهتر ساخته و حصول قرضه های صعب الحصول را بوسیله کمیته بدهی های بد را بهبود بخشیده و بانک های تجاری آسیب پذیر را تقویت نموده است. چهارچوب مقرراتی و میکانیسم نظارت بانک مرکزی افغانستان اخیراً گسترده تر گردید و شامل ارزیابی بانک های اسلامی و نهاد های قرضه های کوچک می‌گردد. این راه را برای ایجاد اولین بانک مکمل اسلامی در اپریل سال 2018 باز نمود. همراه با بانک جهانی، در افغانستان بانک هدف دارد تا راه های بهتر برای تطبیق اساسات بانکداری اسلامی را برای افغانستان شناسائی نمایند.

بمنظور افزایش رقابت و قرضه دهی دولت استراتژی بلند مدت برای مدرن ساختن بانک و بهبود بخشیدن مدیریت شان با حمایت بانک جهانی در دسمبر سال 2017 را تصویب نمود. سایر اقدامات همچو CGS و از میان بردن حد اقل تضمین برای قرضه میتواند تاثیرات مثبت بالای قرضه های داخلی داشته باشد. مشارکت مالی نیز جهت توسعه خدمات بانکی و تقاضا یکی از اولویت ها باشد.

مأخذ: IMF, At a Glance, 2016; IMF, IMF Country Report No. 17/378, 2017; GIZ, 2016; The Banker, 2018; World Bank, Modernizing Afghan State Owned Banks project, 2018), OECD public-private working group meetings

اما موجودیت سیستم مالی سنتی غیر رسمی به عوض سیستم رسمی خدمات مالی ارائه می‌دهد. تخمین شده که حدود 90% معاملات مالی از طریق حواله صورت می‌گیرد²، اگرچه این یک تخمین خیلی کلی است. هنوز هم سنجش مقدار قرضه صرافان ناممکن باقیمانده است. حواله ها خدمات مالی غیر رسمی بوده که قرضه ها، تبادل اسعار و سایر خدمات مالی را برای مشتریان ارائه می‌دارد. در افغانستان آنها در طول تاریخ حتی در زمان های بحران های مالی بطور مداوم فعالیت داشته اند. معمولاً دارای مکان فیزیکی در مارکیت های با فضای باز بوده و بعضی شان حتی ثبت شده بانک مرکزی اند (Hariharan, 2012). حواله ها بطور دائم دسترسی به منابع مالی برای شرکت های کوچک و شهروندان افغانستان را بگونه متمر، عموماً برای انجام معاملات

انتقال پول مهاجرین را فراهم ساخته. با وجودیکه حواله بزرگترین بخش سکتور مالی غیر رسمی را تشکیل میدهد SME های افغانی هنوز هم به منابع داخلی شرکت و یا کمک های مالی بین المللی اتکا دارند (GIZ, 2016).

جهت تقویت شرایط بهتر قرضه نهاد های مالی متفاوت و برنامه های مختلف با کمک، کمک کنندگان بخصوص در سکتور زراعت ایجاد گردید. زراعت حدود 25% تولیدات ناخالص داخلی را تشکیل داده و 75% نفوس داخل کار مملکت مشغول فعالیت در عرصه تجارت زراعتی اند. صندوق انکشاف زراعتی به حمایت وزارت زراعت در همکاری با بانک ها قرضه ها را برای دهافین فراهم میآورد. این کمک ها شامل خدمات تکنیکی و مالی بوده و توسط دفاتر موجود در نقاط مختلف کشور، ارائه میگردد (Agricultural Development Fund, 2018). همچنان آژانس چند ملیتی ضمانت سرمایه گذاری (MIGA) ضمانت قرضه برای توسعه پروژه های زراعتی و راهنمای جامع صنعتی در مورد پلان، دیزاین ظرفیت سرد خانه ها و ستراتیژی های تجارت را ارائه میدارد. این ستراتیژی ها بالای اهمیت دانش سکتوری جهت درک نیاز متقاضیان تاکید مینماید. و در عوض قرضه ها را بر اساس نیاز های مشخص که در سکتور زراعت اهمیت خاص دارد (در صورت اجاره گرفتن) ارائه میدهد.

افغانستان در میان کشور ها با کمترین بانک در جهان میباشد

یک ویژگی خاص سیستم بانکی افغانستان سهم بزرگ شهروندان و تشبثات است که به بانک دسترسی ندارند. بر اساس تخمین، در سال 2014 کمتر از 10% نفوس کشور حساب بانکی داشتند، در مقایسه در تاجکستان 11%، در قرغیزستان 18% و در ترکیه 57% مردم دارای حساب بانکی بودند (World Bank, Global Findex Database, 2014). به عین ترتیب 44% شرکت ها در افغانستان حساب پس انداز و جاری دارند، در مقایسه در تاجکستان 87% و در قرغیزستان 69% مردم در سال 2011 دارای حساب جاری و پس انداز بانکی بودند (World Bank, World Development Report, 2011).

ضعف سیستم بانکداری رسمی باعث بعضی از عوامل گردیده. اعتماد به بانکها در اثر حوادث مثل بحران 2011³ کابل بانک بگونه منفی متأثر گردیده که بیانگر فساد های گسترده بوده و با مبلغ معادل 5% تولیدات ناخالص داخلی نجات داده شد. همچنان اکثریت افراد بدلیل مذهبی از بانکداری توأم با سود خود داری میکنند. ارتباطات ضعیف و خطرات ناشی از سفر به شاخه های نزدیک نیز در ارائه قرضه تأثیر منفی داشته، طوریکه 75% قرضه ها در کابل صورت میگردد (International Trade Administration, 2016). در چنین شرایط بی ثبات، شرایط پیشکش شده توسط بانکها برای قرضه مشکل است، و تشبثات را نمیتواند تشویق به اخذ قرضه از نهاد های رسمی نماید (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018).

بانکها با خطرات بزرگ هنگام قرضه دهی به شرکت ها مواجه اند

بانکها در افغانستان با خطرات بزرگی هنگام قرضه دهی به شرکت ها روبرو میشوند: بانک مرکزی افغانستان گزارش داده که 11.5% قرضه ها غیر قابل حصول اند. در مقایسه این رقم در سال 2016 در قرغیزستان 8.5% و در ترکیه 3.1% بود (World Bank, Data, 2016). کیفیت قرضه ها بانکی در حال وخامت است چنانچه نرخ قرضه های غیر قابل حصول در سال 2017 نسبتاً افزایش یافت که عموماً به علت بدتر شدن کیفیت دارائی بوجود آمده بود (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018). دلایل برای NPL دوگانه میباشد؛ بانکها ارزیابی های خطر ناقص ارائه میدهند و یا محیط تشبث بطور کلی معیوب است. در افغانستان ترکیب از هر دو دلیل وجود دارد، باعث حدس همراه با توهم گردیده است، چنانچه بانکها از شناسائی پروژه های خوب باز داشته شده اند (Rosenzweig, 2007; SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018). اوضاع بد امنیتی این خطرات را بیشتر میسازد، مخصوصاً خطر توقف تشبث (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018). سه موضوع عمده مانع دسترسی به منابع مالی میگردد: دانش مالی کم، شرایط مشکل قرضه های بانکی و کمبود منابع مالی بدیل.

دانش مالی پائین بازدارنده بزرگ جانب تقاضا است

دانش مالی به رفاه مالی شهروندان کمک، تصامیم درست مالی و تجاری و در دراز مدت به ثبات مالی مارکیت کمک میکند (OECD, National strategies for financial education, 2015). دسترسی به منابع مالی برای SME ها بالخصوص باید بهتر شود. به تعریف OECD دانش مالی برای SME ها ترکیب از آگاهی، دانش، مهارت ها، برخورد ها و تعامل های است که یک کارآفرین بالقوه، مالک و یا مدیر یک شرکت مایکرو، کوچک و متوسط جهت اتخاذ تصامیم موثر مالی برای آغاز و ادامه و بالاخره تضمین پایداری و رشد شرکت آنرا برخوردار باشد (OECD, Core Competencies Framework on Financial Literacy for MSMEs, 2018). این یک بخش مهم مدیریت سرمایه انسانی که در چپتر قبلی مورد بحث قرار گرفت میباشد.

در افغانستان، دانش مالی بحیث مشکل بزرگ برای SME ها باقیمانده است، چون بانک ها درخواست های مالی و پلان های تشبثاتی ارائه شده توسط SME ها را ضعیف میخوانند. در سال 2009، 60% SME ها در افغانستان نیاز خود به حمایت در زمینه خدمات انکشاف تشبثت بالخصوص در قسمت پلان تشبثاتی و اسناد مالی خاطر نشان ساختند (Mashal, 2014). دانش محدود مالی از هر دو جانب مشاهده گردید: گفته میشود که SME ها در قسمت تهیه راپور های مالی و مدیریت مهارت ها و بانک ها در قسمت آگاهی از انواع و اشکال قرضه ها ارائه شده و مهارت ها برای تطبیق دقیق پروسه ها از دانش پائین برخوردار استند (International Trade Administration, 2016).

تخمین گردیده که فقط 14% افغان های بالغ دارای سواد مالی اند⁴، این رقم 29% در ترکیه، 19% در قرغیزستان و 17% در تاجکستان میباشد (Klapper, Lusardi, & van Oudsheusden, 2016). دانش مالی کم بوده و تقاضا برای خدمات مالی را مانع میگردد. دانش پائین مالی نشان دهنده سطح پائین دانش بطور کل میباشد: تنها 38.2% بزرگسالان در افغانستان با سواد اند، نرخ سواد زنان 17% میباشد، در حالیکه این نرخ در تاجکستان و قرغیزستان 100% میباشد⁵ (World Bank, World Bank Data, 2014). دانش مالی کم باعث میگردد تا تقاضا برای خدمات مالی رسمی از طرف مصرف کنندگان و SME ها پائین بماند.

استفاده منابع مالی بانک توسط SME ها به علت ارائه و تضمین قرضه پائین محدود میباشد

قرضه های رسمی بسیار قیمت بوده و دارای مدت بلوغ کوتاه میباشد. این قرضه ها عموماً برای یک الی سه سال داده میشود (GIZ, 2016). در نتیجه اکثر کار آفرینان به خویشاوندان و منابع غیر رسمی جهت تمویل مالی برای ایجاد و یا سرمایه گذاری در شرکت های خود رجوع میکنند (SIGAR, Land Reform in Afghanistan, 2017).

در سال 2016، نرخ سود برای تشبثات 15% بوده (World Bank, Data, 2016) در حالیکه تورم CPI کمی بیشتر از 2% بود، این به معنی نرخ سود واقعی خیلی بلند است. بنظر میرسد که نرخ سود برای SME ها بیشتر از شرکت های بزرگ باشد، این نرخ در برخی از موارد به 25% میرسد (GIZ, 2016). نرخ های بلند سود تا اندازه به علت خطرات تادیه دوباره و گزینه های محدود موجود برای بانکها در صورت عدم تادیه دوباره قرضه میباشد. این مرتبط به مشکلات در شناسایی تضمین ها و تطبیق نشدن قانون توسط محاکم میباشد (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018). نرخ خالص سود برای قرضه های بانکی بطور چشمگیر کاهش یافته؛ از 11% در سال 2009 به 4.7% در سال 2015، و قابل مقایسه با قرغیزستان (7.1% در 2015) و ترکیه (3.5% در 2015) میباشد. نرخ های سود موجود نشان دهنده شرایط اقتصاد کلان و اوضاع نامعلوم بوده و باعث ایجاد خطرات بزرگ، در آمد پائین و مصارف بالا برای بانکها و بالاخره مشتریان میگردد.

بانک ها از معلومات کافی در مورد ارزش قرضه دهی به SME ها برخوردار نیستند

اطلاعات نابرابر عموماً بحیث یکی از دلایل برای ارائه محدود قرضه ذکر گردیده است (IMF, Development of the Commercial Banking: Risks and Rewards, 2009). در شاخص انجام تجارت بانک جهانی در سال 2019 در قسمت گرفتن قرضه، افغانستان از جایگاه قبلی یعنی 105 ام در سال 2018 با پیشرفت اندک در قسمت پوشش ثبت قرضه در رده 99 ام قرار گرفت (World Bank, Ease of Doing Business in Afghanistan, 2019). نبود یک سیستم گسترده ثبت قرضه، تثبیت ارزش قرضه دهی برای درخواست کننده گان توسط بانکها را مشکل میسازد. در سال 2019 شاخص انجام تجارت بانک جهانی برای دریافت قرضه، افغانستان را در رده 99 - بالاتر از رده قبلی (105) قرار داد (World Bank, Ease of Doing Business in Afghanistan, 2019). د افغانستان بانک و بانک مرکزی افغانستان برای حل این مشکل ثبت قرضه عامه (PCR) را جهت ثبت قرضه های اخذ شده توسط درخواست کننده گان در سال 2008 ایجاد نمود.

در سال 2013، PCR به یک سیستم الکترونیک مبدل گردید، و شامل اداره ثبت تضمین قرضه میگردد، این سیستم قابلیت ثبت تضمینات منقول راجستر شده توسط PCR جهت اخذ قرضه، با هر نوع دارائی و در نقاط مختلف جغرافیائی را فراهم میسازد. اما تنها 1.5% بزرگسالان توسط PCR پوشش یافته که نمیگذارد در شاخص انجام تجارت بانک جهانی شامل گردد. برای گسترش سیستم PCR د افغانستان بانک در تلاش یافتن راه ها جدید برای اضافه نمودن افراد در سیستم بطور مثال اضافه نمودن مشتریان شرکت های دولتی و مشتریان شرکت های مخابراتی و برق، میباشد (Da Afghanistan Bank, 2018). بدین لحاظ تفاهنامه میان شرکت برشنا یکی از بزرگترین شرکت های رساننده منابع و د افغانستان بانک جهت افزایش تعداد استفاده کنندگان و افزایش عمق معلومات مالی به امضا رسید.

مصاحبات با نماینده های تشبثات نیز محدودیت های PCR را خاطر نشان ساختند: واضح نیست کدام معلومات جهت تهیه امتیاز قرضه انتخاب گردیده و چگونه این معلومات در انتخاب درخواست کنندگان قرضه تأثیر گذار میباشد. در حال حاضر درخواست کننده گان به امتیاز قرضه خود دسترسی ندارند (Aghaez, 2017). جهت استفاده بهتر از PCR، نمایندگان سکتور بانکی در افغانستان توصیه مینماید که دسترسی به امتیاز اعطا گردیده و تبادل خودکار میان سیستم اصلی بانکها و PCR ایجاد گردد.

همچنان دسترسی محدود و تبادل داده ها میان ارائه دهنده گان خدمات بعد از امضای تفاهمنامه میان برشنا و د افغانستان بانک باید صورت گیرد.

شرایط تضمین هنوز هم بحیث یک مشکل باقی مانده و ضمانت های قرضه کافی نیست

جهت تقلیل خطرات بانکها عموماً ضمانت بالا در خواست میکنند. بر اساس اطلاعات د افغانستان بانک تضمین خواسته شده بطور اوسط حدود 120% مقدار قرضه میباشد. این با حد اوسط 195% در آسیای مرکزی در تعادل قرار دارد (World Bank, Running a Business in Tajikistan, 2011) بر اساس بانک جهانی، حدود 70.7% قرضه ها نیاز به ضمانت دارند. سایر منابع و SME ها مصاحبه شده اظهار داشتند که تمام قرضه های ارائه شده برای SME ها نیاز به تضمین دارد، در مقایسه این نرخ در تاجکستان 84.1% میباشد (Aghaez, 2017). این مانع بزرگ برای ارائه قرضه به SME ها میباشد، چون حتی قرضه های کوچک (5000 دالر و بیشتر) بر اساس قوانین افغانستان نیاز به تضمین دارد (World Bank, Ease of Doing Business in Afghanistan, 2019).

حقوق ضعیف دارائی نیز در ارائه تضمینات موانع ایجاد میکند. افغانستان در شاخص ثبت دارائی بانک جهانی در میان 190 کشور مقام 186ام را دریافت نموده طوریکه 80% زمین ها بگونه غیر رسمی مدیریت میشوند (World Bank, Ease of Doing Business in Afghanistan, 2019; International Trade Administration, 2016). این وضعیت بدلیل حفاظت ضعیف از حقوق دارائی، قوانین ضد و نقیض زمین، نبود یک کادستر و سیستم درست عنوانگذاری زمین، توانائی ضعیف تطبیقی محاکم تجاری و فساد گسترده میباشد. پروسه اتخاذ عنوان برای زمان معلق و پرمصرف بوده و بطور تخمینی 150 را در بر میگردد (SIGAR, Land Reform in Afghanistan, 2017) نمایندگان بانک ها نیز مشکل بودن حصول قانونی تضمین را بحیث یک چالش قلمداد کردند؛ که بطور اوسط حدود 7 سال زمان را در گرفته و در شدت برخورد محتاطانه بانک ها در مقابل خطر کمک میکنند. دولت در تلاش است تا چهارچوب قانونی برای حقوق دارائی را با قوانین مختلف مدیریت زمین⁶ و ایجاد ریاست اراضی و اداره مستقل مدیریت زمین، بهتر سازد. در کنار سایر اقدامات ساده سازی، اداره اراضی (که اخیراً با وزارت انکشاف د هات مدغم گردید) فرصت ها برای اجاره یک مرحله برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی را فراهم نموده است (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018).

افغانستان در حال گسترده سازی برنامه های موجود تضمین قرضه جهت کاهش خطر برای بانکها هنگام دریافت تضمین توسط SME ها برای دریافت قرضه، میباشد⁷. در حال حاضر یک برنامه تضمین قرضه در افغانستان فعالیت دارد؛ بنیاد تضمین قرضه افغان جدول 14 (ACGF). بر علاوه در نومبر 2016، دولت افغانستان پلان را بمنظور تقویت برنامه های تضمین قرضه انتشار داد، که بعداً شامل اولویت ریفرمی پنجم PRISEC نیز گردید. **Error! Reference source not found.** (PRISEC, PRISEC TOR, 2016). این تصمیم بر اساس آگاهی بیشتر از فرصت های ایجاد شده توسط برنامه های تضمین قرضه برای تقلیل خطرات قرضه دهی به SME اتخاذ گردید. در همین راستا بانک جهانی و USAID در حال ایجاد نهاد تضمین قرضه اختصاصی برای SME ها میباشد (USAID, 2018).

منابع مالی بدیل در حال گسترش اند اما هنوز هم به اندازه کافی توسعه نیافته اند

در نبود منابع مالی بانکی، منابع مالی مختلف بدیل رشد نموده اند، اما اکثریت شان از لحاظ اندازه و تاثیر بالای دسترسی به منابع مالی بطور عموم کوچک باقیمانده اند. عدم موجودیت نظام بانکداری درست و انکشاف یافته خود عامل باز دارنده توسعه دسترسی به منابع مالی با شیوه های متفاوت میباشد. در افغانستان مارکیت سهام، سرمایه گذاری خطر پذیر و سایر منابع مالی را میتوان به آسانی انکشاف داد در صورتیکه نظام بانکداری قبلاً توسعه یافته موجود میبود. به هر صورت، موضوع مهم ایجاد فضای قانونی برای فعالیت بانکها و مارکیت بشکل موثر میباشد (Levine, 2000).

حواله ها توسط اکثر شرکت های افغانی بمنظور تادیات، تبادل اسعار، قرضه کوچک و انتقال پول مورد استفاده قرار میگیرد. حواله به نظر آنها مثر و کم مصرف بوده و بیشتر از بانکها قابل اعتماد اند. در عمل فرستنده مقدار پول را به حواله دار داده و او حواله دار گیرنده را اطلاع میدهد تا شخص گیرنده بتواند پول را، با ارائه رمز داده شده توسط حواله دار اولی، دریافت کند. اگر چه حواله یک سیستم غیر رسمی است، حواله دار ها میتوانند ثبت د افغانستان بانک شده و در مارکیت تبادل اسعار فعالیت کنند. در حال حاضر حدود 1298 حواله داران بر علاوه 1697 تبادل کنندگان اسعار، جواز رسمی "ارائه خدمات پولی (MSP)" را از طرف د افغانستان بانک دریافت کردند. در سال ۲۰۱۰ تخمین گردید بود که 3000 الی 5000 معامله کنندگان بگونه غیر رسمی فعالیت دارند (GIZ, 2016) (Hariharan, 2012) (Maimbo, 2003).

برنامه خدمات قرضه کوچک نتایج متوقعه را نتوانست بدست آورد

در سال 2002، یک ارزیابی راه اندازی گردید که در آن تخمین گردیده بود که "بیشتر از یک میلیون فامیل افغان تقاضای برآورده نشده به قرضه کوچک داشتند" (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC

GROWTH, 2018). بعد از ایجاد تسهیلات برای حمایت از سرمایه گذاری با قرضه کوچک (MISFA) در سال 2003، سکتور قرضه کوچک بطور سریع از 12000 مشتری به 450000 مشتری افزایش یافت (جدول 11). اما فکتور های خارجی پرداخت دوباره قرضه ها به زمان معین را مشکل ساخت: این شامل خشکسالی سال 2007، شرایط امنیتی شکننده و بی ثباتی اقتصادی بالخصوص تورم بلند مالی میگردد. مشکلات چون منابع و ظرفیت های محدود داخلی این مشکل را وخیم تر ساخته و باعث بحران پرداخت دوباره و کاهش چشمگیر در تعداد برنامه های قرضه کوچک گردید (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018; SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018).

چوکات 11 نهاد حمایت از سرمایه گذاری با قرضه کوچک افغانستان (MISFA)

در سال 2003، وزارت احیا و انکشاف دهات (MRRD) با حمایت بانک جهانی و دولت افغانستان MISFA را برای ارائه منابع مالی، هماهنگ سازی کمک های خارجی و ارائه همکاری ها تخنیکی برای سایر نهاد های قرضه کوچک ایجاد نمود. MISFA خدمات مالی خود را توسط 13 NGO، یک اتحادیه قرضه و یک بانک قرضه کوچک ارائه مینماید. نزدیک به 130000 قرضه به ارزش 128 میلیون دالر در سال 2016 داده شده که در بر گیرنده 14 ولایت میباشد؛ 33% قرضه گیرنده گان زنان بوده اند. حساب جاری قرضه آن حدود 112 میلیون دالر با 130000 قرضه گیرنده فعال میباشد.

در حال حاضر MISFA از یک برنامه دولتی به یک شرکت بدون سهامدار افغانی تحت مدیریت محدود وزارت مالیه فعالیت دارد. جهت داشتن استقلالیت بیشتر برای جذب بیشتر کمک های مالی خارجی و اعاده دوباره سکتور قرضه کوچک افغانستان، MISFA توسط یک بورد مستقل رئیس اداره میشود. جهت افزایش ثبات سکتور قرضه کوچک و انکشاف چهارچوب مقرراتی، در کابینه توافق بعمل آمده تا قوانین را جهت اعطای مسولیت نظارت نهاد های مالی قرضه کوچک توسط د افغانستان بانک، تعدیل کنند. این تعدیلات اجرا گردیده و در حال تطبیق توسط د افغانستان بانک میباشد.

مأخذ: (GIZ, 2016; SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018)

ساحه قرضه کوچک بطور کل محدود باقیمانده، بعضی مصاحبه شندگان اظهار داشتند که قرضه کوچک برای SME ها بسیار خورده است (از 2000 الی 50000 دالر)، 15 الی 20% سود داشته و به پرداخت ماهانه (با مدت پرداخت دوباره 6 الی 12 ماه) میباشد. در بعضی موارد، تضمین ضرورت است (AISA, 2012).

اما با بیش از 300000 سرمایه گذار با قرضه کوچک فعال در جون 2018، و نرخ متوسط قرضه 55000 دالر بر اساس ارقام عزیزی بانک، پیشرفت های جدید در این سکتور بچشم میخورد.

مارکیت دارائی برای ارائه منابع مالی برای شرکت های نوپا به اندازه کافی توسعه نیافته

بدلیل موجودیت اوضاع پر چالش سرمایه گذاری، اخذ قرضه بر اساس دارائی و سرمایه گذاری خطر پذیر مانند ممالک آسیای مرکز، در افغانستان نیز توسعه نیافته باقی مانده است (ADBI & OECD, Forthcoming). فرشتگان تجارت تقریباً ناشناس اند. بطور مثال، Infrontier یگانه صندوق سرمایه گذاری خصوصی با کارکنان داخل کشور میباشد. کمک کنندگان مالی برنامه های سرمایه گذاری جمعی را جهت ارائه فرصت ها برای شرکت های افغانی برای پیشکش نمودن پلان هایشان و جمع آوری وجوه بصورت آنلاین راه اندازی نموده اند، اما تعداد شان محدود باقیمانده است. پایگاه Bright Future فرصت را برای SME ها و شرکت های نوپای افغانی، برای ارائه طرح های تجاری شان برای 30 روز و جمع آوری حد اقل 1000 دالر را ارائه نموده است.

مارکیت دارائی توسعه نیافته باعث محدود ساختن فرصه ها برای شرکت های نوپای افغانی برای دسترسی به منابع مالی میگردد. شرکت های نوپا ضروریات مالی متفاوت از SME ها دارند؛ به پول نقد کوتاه مدت نیاز داشته، اکثر اوقات دنبال قرضه بر اساس دارائی بوده، ندرتاً توانائی ارائه تضمین را داشته و تاریخچه قرضه ندارند. در حالیکه ایکوسیستم شرکت های نوپا در افغانستان با وجود حمایت کنندگان سرمایه گذاری و مجالس برای شرکت های نوپا در حال رشد است، اکثر این ها توسط کمک کننده گان مالی تمویل میگردد (Wilson & Silva, 2013)

چهارچوب مقرراتی برای تمویل مالی به سیستم اسلامی هنوز هم به واقعیت های افغانی وفق نیافته

قرضه های مطابق به شریعت، بنامهای مشارکه و مضاربه، با سود و خطر پذیری محدود، و به هدف جلوگیری از گرانفروشی بانکها بالای مشتریان میباشد (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018). در افغانستان، این وام ها از طریق پنجره های اسلامی تهیه می شود، که اکنون بخشی از رویکرد دوگانه در بخش بانکی است. افغانستان قصد دارد سیستم بانکی اسلامی-سنتی راه اندازی کند، اما تمام بخش های آن به طور کامل در محل و عملیاتی نیستند (OECD, SMEs in Libya's Reconstruction, 2016). بانک باختر اکنون بانک اسلامی افغانستان است که اولین بانک کاملاً اسلامی در کشور میباشد. قرضه های سازگار با شریعت معرفی شده و در مجموعه خدمات و محصولات د افغانستان بانک گنجانده شده است. دافغانستان بانک تنظیم کننده خدمات و محصولات بانکداری اسلامی بوده و مرجع صادر کننده مجوز برای بانک هایی که میخواهند خدمات بانکداری اسلامی ارائه دهند میباشد. در عین حال، گسترش پنجره های بانکی اسلامی محدود است، زیرا در ولایات این مقررات بانکی به ندرت از طرف کارشناسان بانکی مورد قبول قرار میگیرد. جهت ارزیابی اینکه که آیا پیشنهادات بانکهای تجاری مجاز به طور کامل با اصول شرعی سازگار است، یک مجلس میان بانک ها و محققان اسلامی باید ایجاد گردد (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018).

توصیه هایی برای بهبود دسترسی به منابع مالی در افغانستان

گروه کاری حقوقی، بانکی و مالی PRISEC ذینفعان مربوطه از داخل دولت و جامعه جهانی را کنار هم آورده تا موارد مرتبط به دسترسی به منابع مالی را در چهارچوب ریفرم (اولویت پنجم) را حل نماید (PRISEC, PRISEC TOR, 2016)⁸. یکی از اولویت های کلی در افغانستان شامل ساختن دسترسی به منابع مالی در استراتژی SME و متعاقباً تطبیق آن میباشد. این به جهت دهی فعالیت های دولت کمک نموده و میتواند در اعاده اعتبار به دولت با ایجاد هماهنگی میان دولت، SME ها و نهاد های مالی ممد واقع گردد. از جمله برنامه های ملی دارای اولویت برای انکشاف سکتور خصوصی، فعالیت های داری اولویت زیر میتواند بحیث راهکار برای اقدامات دولت افغانستان مورد استفاده قرار گیرد: (1) رفع چالش نا برابر بودن اطلاعات با راه اندازی برنامه های مشارکت مالی (2) حمایت قرضه های بانکی با ایجاد هماهنگی میان برنامه های مالی موجود برای SME ها و گسترش تضمینات قرضه؛ و (3) ارائه شیوه های بدیل مالی با ایجاد چهارچوب های حقوقی متناسب و جذب سرمایه گذاران.

توصیه 1: بهبود سواد مالی شهروندان و کارآفرینان

دولت تأیید نمود که مشکل میزان پائین سواد مالی در افغانستان باید رفع گردد. NPP از آموزش مالی بحیث یک پروسه گسترده یاد نموده و نیاز گسترش مشارکت مالی و دسترسی به اسباب مالی متفاوت را نیز ذکر میکند (PRISEC, NPP for Private Sector Development, 2018). در مطابقت با این، د افغانستان بانک در حال نهائی سازی استراتژی مشارکت ملی مالی برای سال 2019 است. جهت ارزیابی نیاز های ذینفعان استراتژی مشارکت مالی بانک در نظر دارد تا یک سری سمت عرضه راه اندازی نماید.

جهت تطبیق بهتر استراتژی، دافغانستان بانک کمیته مشارکت مالی را ایجاد نموده که متشکل از وزارت تجارت و صنایع، وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت داخله، وزارت عدلیه، وزارت امور زنان و وزارت مخابرات، نهاد های جامعه مدنی، اتاق تجارت بر علاوه سایر نهاد ها میباشد. این قدم نخست در راستای نظارت از انکشاف پلان مشارکت مالی و استراتژی آموزش مالی بوده و کمک میکند تا برنامه های موجود در هماهنگی بهتر میان هم قرار گرفته و بالاخره مشکل دانش پائین مالی در کشور رفع گردد.

بعنوان یک بخش از استراتژی مشارکت، دولت نیاز دارد تا آموزش مالی را تحت پوشش قرار داده و توجه خاص بالای انکشاف آموزش مالی برای SME ها و شرکت های نوپا گردد. دانش مالی بهتر برای قضاوت درست در مورد تولیدات و تصمیمات مالی ضروری است. دانش مالی به خصوص برای کارآفرینان و سرمایه گذاران کوچک مهم بوده و آنها را قادر به انکشاف مهارت های شان برای تهیه پلان های تجاری جهت درخواست برای قرضه ها و پروسه درخواست قرضه میسازد (OECD, Core Competencies Framework on Financial Literacy for MSMEs, 2018). دولت نیاز به انکشاف چهارچوب نهادی داشته و باید با استفاده از شیوه ها مناسب و هدف قرار دادن ذینفعان، میانجی گری مالی را توسعه داده و اطلاعات نامتعادل را در مورد مارکیت برای اشتراک کنندگان محدود سازد. بطور مثال ارائه حمایت های اساسی بوسیله آموزش های مالی و تجاری برای SMEs در هر مرحله از چرخه عمر شرکت، برای افزایش سواد مالی کارآفرینان و احتمال موفقیت آنها ضروری است.

1. برنامه مشارکت مالی که در حال حاضر در حال تهیه است، باید در تمام استراتژی های دیگر مانند NPP شامل گردیده و یک استراتژی ملی گسترده تر برای آموزش مالی تعیبه شود و بر نظر سنجی های انجام شده توسط د افغانستان بانک متکی باشد. برای دریافت راهنمایی در مورد پیشرفت های سواد مالی در کشورهای دیگر، دولت، به رهبری بانک مرکزی، باید عضو شبکه بین المللی آموزش مالی (OECD/INFE) گردد. این شبکه، سمپوزیوم های دوساله را جهت کنار هم آوردن مقامات دولتی که علاقمند موضوع جهت تشریح تجربه در انکشاف راهکار های پالیسی، اسباب پالیسی و عملی برای آموزش مالی (بشمول جمع آوری اطلاعات

در مورد آموزش مالی)، راهنمای پالیسی برای تطبیق استراتژی ملی و سایر توصیه های پالیسی اند راه اندازی میکند.

2. دولت باید استراتژی ملی آموزش مالی را انکشاف دهد که با استراتژی مشارکت مالی (فعالاً در حال تهیه) مرتبط باشد. دولت افغانستان میتواند از اصول عالی OECD/INFE و کتاب راهنمای پالیسی برای استراتژی ملی برای آموزش مالی را بحیث راهنما استفاده کند. اساسات کلیدی در مورد چگونگی طرح استراتژی آموزش مالی توضیح شده است (OECD, National Strategies for Financial Education Policy Handbook, 2015; OECD, HIGH-LEVEL PRINCIPLES ON NATIONAL STRATEGIES FOR FINANCIAL EDUCATION, 2012)
 3. د افغانستان بانک باید پلان مشارکت ملی را با تعریف گسترده و هدف آن با (I) ارزیابی نیاز های ممکن و چالش های عمده پالیسی به تعقیب آن (II) طرح و ارزیابی برنامه های فعلی و آینده (III) مشوره و هماهنگی میان ذینفعان متفاوت و تبلیغ آن بواسطه (IV) کمپاین ملی آگاهی و اطلاعاتی (OECD, HIGH-LEVEL PRINCIPLES ON NATIONAL STRATEGIES FOR FINANCIAL EDUCATION, 2012). د افغانستان بانک باید برنامه های موجود را طبقه بندی نموده تا از دوباره کاری جلوگیری شده و سنجی های بالقوه میان فعالیت ها شناسائی گردد. نهاد های مختلف قبلاً برنامه های آموزش مالی را راه اندازی نموده اند، این برنامه عموماً بالای زنان و گروه های آسیب پذیر متمرکز بوده است. در این بخش جهت پوشش مخاطبان بیشتر و متنوع ساختن اهداف به اساس ضرورت برنامه های آموزشی آینده باید بهتر هماهنگ شوند. د افغانستان بانک میتواند در مورد انواع استراتژی های ملی و چگونگی تطابق این استراتژی ها با شرایط افغانستان با OECD/INFE مشوره نماید.
 4. دولت میتواند سروی دانش مالی را نهائی ساخته و تطبیق نماید و پرسشنامه فعلی را بر اساس راهنمای OECD در مورد اندازه گیری دانش مالی، حکومنداری، تعیین اهداف و فعالیت های ملموس ترتیب نماید (OECD, OECD/INFE toolkit for measuring financial literacy and financial inclusion, 2015)
 5. همچنان مهم است که استراتژی سواد مالی شامل یک قسمت ویژه برای SME ها و شرکت های نوپا، مانند گرجستان باشد. این شامل اندازه گیری نیاز های واقعی SME ها بوده که بر اساس اندازه و توسعه یافتگی شان تفکیک گردیده باشد. نظر سنجی د افغانستان بانک را میتوان بیشتر به نیاز های SME ها و شرکت های نوپا وفق داد. برای سازگاری بهتر با نیاز های شرکت های کوچکتر، OECD چارچوبی برای سواد مالی برای MSME ها با در نظر داشت چهار مهارت در قسمت انتخاب و استفاده از خدمات مالی، مدیریت مالی و تجاری و پلانگذاری، خطر و بیمه و محیط مالی (فکتور های اقتصاد کلان، حفاظت مالی) را ایجاد کرده است. این ابزار را می توان به شرایط افغانستان انطباق داد، به این معنا که کار آفرینان ممکن به مهارت های متفاوت نیاز داشته و یا داشته باشند. (OECD, Core Competencies Framework on Financial Literacy for MSMEs, 2018)
 6. با حمایت کمک کنندگان مالی میتوان اسباب و شیوه های مختص برای SME ها و شرکت های نوپا طرح کرد. برنامه های آموزشی عامه و خصوصی برای SME ها و شرکت های نوپا میتواند این شرکت ها را در قسمت انکشاف مهارت ها جهت پیشکش شرح مالی و تهیه پلان های تجاری خوب کمک نماید. شیوه ها شامل: دانشگاه ها، سیمینار های، مجالس مربی گری، مشوره تجاری و یا مالی، برگه، کورس های آنلاین و رسانه های اجتماعی و جمعی میگردد. وسایل آنلاین بگونه گسترده برای تقویت دانش اقتصادی چون مورد استفاده قرار میگیرد. بطور مثال Moneysmart در استرالیا با استفاده از ویدیو ها، ماشین های حساب و لکچر ها مفاهیم کلیدی مالی را تشریح میدهد (ASIC, 2018)
 7. بحیث نسخه طولانی مدت د افغانستان بانک باید در هماهنگی با وزارت معارف کار آفرینی را در پلان درسی مکاتب و دانشگاه ها بگنجانند. این باعث رجوع به کار آفرینی از کار های سنتی میگردد. مجالس که کار آفرینان افغان در آنجا تجربیات و موفقیت های خود را شریک سازند یکی از شیوه های است که میتواند سیمینار ها را ترتیب کرد (Business DNA, 2018)
- دانش فعالیت های مالی نباید منحصر به قرضه بوده بلکه بالای قرضه دهندگان بشمول بانکها و بانک مرکزی نیز تطبیق گردد. نهاد های کمک کننده میتوانند تبادل میان کارکنان د افغانستان بانک و متخصصین خارجی را تسهیل بخشند تا بدینوسیله بانک مرکزی بتواند نظارت بهتر از بانکها تجاری نموده و به معاهدات بین المللی مانند پیمان بازل پابندی نمایند. آنها همچنان میتوانند برنامه های آموزشی توسط متخصصین بین المللی را بطور مثال در قسمت استندرد های بین المللی بانکداری تسهیل نمایند که باعث ارتقای ظرفیت و توانائی ها د افغانستان بانک و بانک های محلی میگردد.

چوکات 12 برنامه های آموزش مالی در گرجستان

بانک ملی گرجستان (NBG) و دبیرتمنت تازه ایجاد شده آن برای آموزش مالی، از نظرسنجی OECD / INFE برای ارزیابی وضعیت سواد مالی در گرجستان استفاده نمود. این بعنوان اساس استراتژی ملی برای آموزش مالی گرجستان در سال 2016 تهیه گردیده، و در یک پروسه که از جانب ذینفعان مختلف با هدف قرار دادن SME بحیث بخش از نفوس عمومی، طرح و تطبیق گردید. چندین مرجع خدمات آموزش مالی از جمله برای SME ها را ارائه میدهد:

- NBG بروشورهای آموزشی را برای SME ها در مورد اسباب و مفاهیم اقتصادی برای راه اندازی شرکت، بطور دیجیتالی و در شعبات بانکی، تهیه و توزیع نموده است.
- وزارت مالیه چهارچوب را جهت تطابق گزارش های SME ها بر اساس استاندارد جهانی راپور مالی (IFRS) ایجاد نموده است. این سیستم بگونه دیجیتالی و ساده شده ارائه گردیده است.
- وزارت مالیه همراه با نهاد های بانکی و حسابی و اطاق تجارت کمپاین افزایش آگاهی را برای حسابداران و رئیس های اجرائی راه اندازی نموده.
- میان سالهای 2016 و 2017 اژانس SME گرجستان برای 11500 ذینفعان برنامه های آموزشی دایر نموده که هدف آن تدریس اساسات ابتدائی دانش مالی برای تهیه پلان تجاری و اجرای عملیات اداری و مالی میباشد.

مأخذ: OECD, Monitoring the SME strategy of Georgia, forthcoming; Government of Georgia, National Strategy on Financial Education, 2016; OECD, OECD/INFE International Survey of Adult Financial Literacy Competencies, 2016)

توصیه 2: تعریف بهتر و هماهنگی برنامه های دولت برای حمایت از دسترسی SME ها به قرضه های بانکی

در کشورهای عضو OECD و در اکثر کشورهای آسیای مرکزی، دولت ها برای تأمین دسترسی به مالی برای SME ها، سازمان های تأمین مالی SME و بانک های عمومی را تاسیس کرده اند. این شامل BPI در فرانسه، DAMU در قزاقستان و KOSGEB در ترکیه میگردد (جدول 13). این سازمان ها با همکاری بانکهای محلی برنامه های قرضه های مالی و تضمین را برای SME ها ارائه میدارد. آنها خدمات و محصولات مختلف مالی مورد نیاز SME ها را ارائه میدارند، بطور مثال قرضه دهی مستقیم به SME ها و شرکت های نوپا، قرضه های سبسایدی شده ارائه شده توسط بانکها، برنامه های حمایت از تجارت و تسریع تجارت و برنامه های آموزشی (OECD, Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017, 2017; OECD, Enhancing Competitiveness in Central Asia, Competitiveness and Private Sector, 2018). همکاری با بانک ها در زمینه تطبیق چنین برنامه ها برای موفقیت صندوق وجهی توسعه حیاتی بوده و عموماً مستلزم اشتراک بود اجراییه بانک و انجمن های تجاری، نمایندگان دولتی و کمک کنندگان میباشد. در افغانستان ریاست SME ها از ظرفیت داخلی و منابع مالی کافی برای ارائه خدمات یک سازمان کامل تمویل مالی و برنامه قرضه برخوردار نیست. با در نظر داشت امکانات محدود قرضه و نیاز بالای SME ها، وزارت تجارت و صنایع در نظر دارد تا صلاحیت ریاست SME ها بالای برنامه های مالی جاری، که عموماً توسط همکاران مالی حمایت و تطبیق میگردد، بیشتر سازد. مثال های برنامه های مالی تطبیق شده توسط نهاد های کمک کننده بالای سکتور های مشخص مانند کمپنی مالی دهات افغان (ARFC)، صندوق ابتکار سرمایه گذاری افغانستان (ABIF) و صندوق رشد افغانستان (AGF) بدون در نظر داشت تأثیرات آنها، باید در پروسه طبقه بندی شامل گردد (GIZ, 2016; SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018). برنامه های متمرکز گردیده بالای شرکت های نوپا، مانند برنامه های آموزش تمویل شده توسط GIZ برای شرکت های نوپای که متمرکز بالای عودت کنندگان دوباره و بیجا شدگان داخلی نیز باید در پروسه طبقه بندی مشمول گردد. ریاست SME ها میتواند از طبقه بندی برنامه های مهم تطبیق شده توسط کمک کنندگان مالی آغاز نموده، به روز بودن این و مطابقت این برنامه ها با استراتژی SME را بررسی نموده، در پروسه نظارت برنامه دخیل گردیده و در فعالیت های تبلیغاتی نیز سهم گیرد. این شامل مشاوره به SME ها، انجمن های تجاری مانند ACCI و کمک کنندگان جهت درک بهتر برنامه ها و چگونگی دخیل ساختن ریاست SME می شود.

وزارت تجارت و صنایع می تواند نقش مهمی را در جمع آوری و انتشار اطلاعات در مورد کارآفرینی و ابتکارات شرکت های نوپا موجود، در افغانستان داشته باشد. کارآفرینان آگاهی یابین در مورد فرصت ها برای تأمین وجه و اطلاعات نابرابر در افغانستان را خاطر نشان ساختند. وزارت تجارت میتواند این نارسائی بازار را با ارائه معلومات و کمک در مورد کمک های موجود، رقابت، برنامه های سرعت بخشی، پارک های صنعتی، برنامه های تمویل مالی و پروژه های آینده برای شرکت

های نوپا، جبران کند. این می تواند میانجیگری مالی را تقویت کرده و وزارت را با موقف بالاتری در قسمت حمایت از دسترسی قرضه برای شرکت های جدید قرار دهد (Business DNA, 2018; Wilson & Silva, 2013).

وزارت تجارت و صنایع میتواند با اشتراک در مورد مدیریتی و نظارتی این برنامه، ایفای رول ناظر، میزبانی و گشایش مجالس تنظیم شده برای این برنامه ها، اشتراک در برنامه های آموزشی و ایجاد آگاهی در مورد SME بوسیله تبلیغات و کمپاین های اطلاعاتی و آگاهی دهی در این پروسه نقش خود را ایفا کند. یکی از اهداف دولت باید درک بهتر و ایجاد توانایی در قسمت طراحی و اجرای چنین برنامه ها باشد تا نظارت و مشاوره در مورد تهیه و اجرای این برنامه ها به نفع افغانستان تمام گردد.

در دراز مدت، زمانیکه این توانایی ها در ریاست SME تقویت گردید، دولت میتواند راه اندازی برنامه های مالی برای SME را توسط سازمان جداگانه برای SME ها تحت نظر ریاست SME تطبیق کند. آژانس میتواند در تطبیق برنامه ها تمویل شده توسط همکاران مالی سهم گرفته و در عین زمان برنامه ها خود را به پیش ببرد اگرچه این نیاز به منابع از بودجه دولت افغانستان میباشد که فعلاً مقرر نیست. آژانس میتواند انواع مختلف قرضه را برای SME ها را بوسیله قرضه دهی مستقیم و میکانیزم های قرضه دهی همکار ارائه کند. با در نظر داشت موانع بودجوی موجود دولت این فقط میتواند یک راه حل طولانی مدت را تقویت سیستم حمایت SME ها در کشور باشد.

چوکات 13 خدمات مالی برای SME ها در ترکیه

KOSGEB نهاد است که تحت اثر وزارت صنایع و تکنالوژی از انکشاف SME ها در ترکیه حمایت میکند. KOSGEB در حال حاضر با داشتن 93 مرکز، و به حدود 1,100,000 SME راجستر شده کمک ارائه میدارد. میان سالهای 2010 الی 2015 مقدرا مجموعی کمک بالغ به 463 میلیون گردیده است. KOSGEB بصورت کل محصولات متفاوت مالی را شامل میگردد:

- برنامه های حمایت سود قرضه: KOSGEB سود قرضه را برای SME های از بانکهای همکار KOSGEB قرضه دریافت نموده اند، میپردازد. بدینترتیب بیشتر از 350,000 SME از خدمات قرضه بانکی با شرایط مطلوب بهره مند گردیدند، که شامل حدود 370 ملیون دالر سود قرضه و 4 میلیارد دالر حجم قرضه میگردد.
- خدمات تضمین قرضه: ترکیه صندوق تضمین قرضه (KGF) را ایجاد نموده تا خدمات تضمین قرضه های بانکی را برای SME ها فراهم سازد. KGF میتواند بطور مستقیم ضمانت های قرضه را ارائه کند و همچنان یکی از طرفین در پروتوکول بانکی برای KOSGEB باشد. از سال 2010 الی 2014 تعداد قرضه های داده شده به SME ها به 16137 قرضه به مبلغ 5.7 میلیارد لیره ترکی میرسید. مقدار قرضه تهیه شده به 8 میلیارد لیره بالغ بود. در سالی 2016 الی 2017 حجم ضمانت ها بگونه چشمگیری افزایش یافت، چون تضمین متقابل توسط خزائن فراهم گردیده بود. در سال 2017، بیشتر از 323000 شرکت از تضمینات KGF استفاده کردند. حجم قرضه ها به 40 میلیارد یورو بالغ گردید.
- حمایت از شرکت های نوپا: سرمایه ها برای شرکت های نوپا در قالب اهدا و یا قرضه که مشمول مصارف همچو فیس راجستر شدن، تجهیزات سرمایه ای و مصارف عملیاتی میگردد، ارائه گردید. هر درخواست به KOSGEB با یک برنامه آموزشی 32 ساعته حمایت از شرکت های نوپا آغاز میگردد، تا اکنون حدود 40000 نفر شرکت خود را توسط KOSGEB ایجاد نموده، رقم کمک ارائه گردیده توسط KOSGEB به 188.3 میلیون یورو میرسد.
- سرمایه گذاری خطر پذیر: برنامه های متعدد برای جمع آوری وجوه برای سرمایه گذاری های خطر پذیر و مقررات در مورد سرمایه گذاری های فرشته و صندوق سرمایه گذاری در سایر صندوق ها.

مأخذ: (OECD, Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017, 2017; KOSGEB, 2018)

تسهیل شرایط ضمانت بوسیله توسعه برنامه های ضمانت قرضه موجود

بر اساس تجربه اقتصاد های OECD و غیر OECD، برای مقابله با چالش شرایط مشکل ضمانت قرضه، برنامه های ضمانت قرضه برای SME ها بحیث یک وسیله بالقوه پیشنهاد گردیده (OECD, SME Policy Index: Eastern Partner Countries, 2016). وجوه ضمانتی میتواند قسمت از قرضه های ارائه شده توسط بانک های تجاری را محافظت کند. SME های که به ضمانت دسترسی ندارند با استفاده از برنامه ضمانت قرضه میتوانند به قرضه دستیابند. بدین ترتیب بانک ها نیز با قرضه دهی به SME ها و شرکت های نوپا آشنا شده و قادر به ارزیابی بهتر درخواست های قرضه میگرددند.

چوکات 14 بنیاد تضمین قرضه افغانستان ACGF

ACGF تضمینات جزئی را برای SME توسط نهاد های مالی همکار برای قرضه های SME فراهم نموده است. ACGF همچنان همکاری تخنیکی برای پیشکش تجارب برتر قرضه دهی برای SME ها را برای نهاد های مالی همکار و فرصت های جدید قرضه دهی راه اندازی نموده.

در سال 2005، خدمات تضمین قرضه افغانستان (CGF-A) ایجاد گردید. توسط Deutsche *Investitions- und Entwicklungsgesellschaft mbH* (DEG) تطبیق گردیده و توسط وزارت فدرال آلمان برای همکاری اقتصادی و توسعه (BMZ) و USAID بگونه مشترک تمویل گردید. ACGF بحیث جایگزین CGF-A بشکل یک بنیاد خیریه مستقل به همراه دفتر ساحوی آن خدمات برای SME افغانستان (SCSA) LLC، در سال 2014 در آلمان بنیاد گذاشته شد.

از آغاز سپتامبر سال 2017، ACGF بگونه تخمینی 56% تمام قرضه های SME پرداخت نشده در سکتور مالی را بعهده داشته و از سال 2005 الی جون 2018 CGF-A و ACGF بطور مجموعی مبلغ 204 میلیون دالر قرضه را ضمانت نموده و بیشتر از SME 4850 را کمک نموده اند. سهم این نهاد در انکشاف سکتور مالی و خصوصی در افغانستان معادل به ابقای بیشتر از 50000 کارکن SME های تضمین شده و ایجاد حدود 9000 وظیفه جدید میگردد.

ACGF از اصول زیر پیروی میکند:

- ACGF قرضه های به ارزش 5,000 الی 500,000 دالر را برای مدت حد اکثر 5 سال و پوشش 72 فیصدی قرضه را ارائه نموده و در نظر دارد قرضه های بزرگتر با پوشش کمتر را نیز ارائه نماید.
- ACGF یگانه برنامه تضمین قرضه در افغانستان بوده که بصورت سیستماتیک با همکاران مالی کار مینماید. ACGF با چهار نهاد مالی همکاری های پایدار را بر اساس اصول سرمایه گذاری ایجاد نموده است. همکاران مالی در قسمت ایجاد قرضه، تعریف محصول، رویکرد مارکیت و سایر موارد که متضمن فعالیت برآمده از تقاضا میگردد، دارای اختیار میباشد.
- ACGF بر اساس پروسه ارزیابی تضمین قرضه زنجیره شده با نهاد مالی محلی فعالیت میکند. قرضه ها توسط نهاد های مالی که نهاد های اساسی ارائه کننده قرضه میباشد اعطا میگردد. بعداً و یا بصورت همزمان، درخواست های قرضه توسط نهاد های مالی ارزیابی گردیده، درخواست های تضمین بگونه انفرادی توسط 30 متخصص قرضه دهی برای SME ها در افغانستان بررسی میگردد - و بعداً توسط تیم قرضه که در دفتر مرکزی آن در آلمان مورد تائید قرار میگردد.
- ACGF دبیارتمنت های فعال قرضه دهی برای SME را در نهاد های مالی ایجاد نموده و خدمات تخنیکی بواسطه متخصصین داخلی و بین المللی را جهت انتقال دانش، ارتقای ظرفیت کارکنان بگونه پایدار و انکشاف مدیریت خطر قرضه بواسطه نهاد ها مالی را ارائه میدارد.
- ACGF نرخ تاریخی 1.2% خالص تاوان در سال را نگهداشته و در عین زمان حجم سرمایه گذاری و کیفیت قرضه را متعادل نگه میدارد.

در سال 2017، ACGF بوسیله پروژه دسترسی به منابع مالی بانک جهانی منابع بیشتر را از وزارت مالیه بدست آورد که با استفاده از آن فعالیت های خود را گسترده ساخت. ACGF، حالا در نظر دارد تا سایر بخش های بگونه کافی تمویل نشده را تحت پوشش قرار دهد، بخش های همچو: زراعت، خانه سازی، تشیبات راه اندازی شده توسط زنان، شرکت های نو پا و کارآفرینی، قرضه برای مهاجرین/عودت کنندگان دوباره و تمویل انرژی قابل تجدید.

مأخذ: (ACGF, 2018); (OECD, Access to Finance for SMEs, 2013)

برای توسعه برنامه های تضمینی کریدت در افغانستان، استفاده از روش های برتر در کشور و در کشورهای دارای زمینه های مشابه، بسیار مهم است. ACGF بطور موفقانه برای چندین سال فعالیت نموده است. اگرچه پلان بر این است که CGF دیگر با کمک مالی کمک کنندگان ایجاد گردد، گزینه مثمر تر این خواهد بود که موافقتنامه جهت گسترش فعالیت های ACGF بدست آید. باحمایت دولت بانک های جدید و حوزه های بیشتر میتوانند شامل فعالیت های ACGF گردند. همکاران مالی و دولت باید راه های دسترسی به این هدف را مورد گفتگو قرار دهند.

جهت پر رنگ ساختن اشتراک افغانها در این پروسه، دولت، بویژه وزارت تجارت و صنایع و وزارت مالیه میتواند راه های جدید گسترش فعالیت ACGF از نهاد جستجو نموده و با آغاز تدریجی نظارت از فعالیت های نهاد حمایت خود را با ارائه

راهکار های استراتژیکی و درک بیشتر فعالیت های ACGF ارائه دارند. ساختار مورد نظارتی میتواند شامل رهبری ACGF، نهاد های کمک کننده، نمایندگان دولت و ذینفعان مرتبط مانند فرانسه باشد. ارتقای ظرفیت میتواند ظرفیت دولت جهت درک بهتر از چگونگی نظارت CGS ها را تسهیل کند. ولی عملیات و تصمیم گیری در مورد تضمینات ACGF باید به نهاد تصمیم گیری متشکل از متخصصین محول گردد تا از مداخلات سیاسی جلوگیری صورت گیرد.

توصیه 3: بهتر سازی شرایط برای توسعه راه های بدلیل تمویل مالی

دولت باید چهارچوب های مناسب حقوقی برای ارائه محصولات و خدمات مالی غیر بانکی و توسعه بیشتر نظارت دافغانستان بانک را ایجاد نماید.

قرضه کوچک میتواند به شرایط و نیاز های موجود بگونه بهتر مطابقت داده شده و نظام مالی اسلامی را در بر گیرد

جهت استفاده اعظمی از قرضه کوچک در افغانستان و گسترش پوشش آن، افغانستان نیاز به مدل با سازگاری بهتر با ذینفعان متفاوت قرضه کوچک و درک بهتر از نیاز های محلی و چالش های قرضه کوچک دارد. یکی از مثال گشایش اولین شاخه اولین بانک قرضه کوچک فقط برای زنان در سال 2017 بوده جاییکه کارکنان زن به مشتریان زن بر اساس نیاز های شان خدمات ارائه میکنند و در نتیجه "بر موانع اجتماعی و فرهنگی برای تقویت اقتصادی فایق میآید" (Aga Khan Development Network, 2018). این در حمایت از تطابق سکاتور بانکداری به نیاز های زنان نیز کمک میکند. خانمها با چالش های مشخص در عرصه دسترسی به قرضه ها مانند مشکلات فرهنگی، و همچنان ثبت املاک که عموماً بنام مردان صورت میگیرد مواجه اند. برنامه های مشخص راه اندازی شده توسط کمک کنندگان حالا بالای سرمایه گذاری های زنان بوده و یا در حال راه اندازی برای ایجاد فرصت های بیشتر بخصوص برای زنان میباشد (ACGF, 2018). برای شناسایی بیشتر تقاضا برای قرضه کوچک و انکشاف محصولات بر اساس آن، وزارت تجارت و صنایع میتواند از کمک نهاد های بین المللی و یا اهدا های پژوهشی برای راه اندازی ارزیابی های که مشمول میکانیزم های غیر رسمی محلی، سطح دانش، مفاهیم و ریسک های نامتعادل تقسیم شده فرهنگی و دینی در سراسر کشور میشود استفاده نماید (SIPRI, 2015).

نهاد های قرضه کوچک همچنان نیاز به نظارت بیشتر از طرف د افغانستان بانک برای پایداری مالی و شفافیت فعالیت های قرضه گیرندگان میباشد. این شامل اعطای جواز ها، تعریف نسبت های سرمایه بالا و تطبیق ستنرد های مناسب گزارش دهی میشود (OECD, Russian Federation: Key Issues and Policies, OECD Studies on SMEs and Entrepreneurship, 2015).

نهاد های قرضه کوچک همچنان میتوانند نظام مالی اسلامی را که در افغانستان از قبل نیز موفق بوده است را بیشتر استفاده نمایند. قرضه های کوچک مالی اسلام یک مفهوم در حال انکشاف است، که به ایجاد شبکه قرضه کوچک اسلامی در سال 2011 انجامیده، و بحیث یک پایگاه برای نهاد های مالی اسلامی عمل میکند که تجارب برتر را برای نهاد های مالی اسلامی بر اساس شریعت ارائه میدارد. قرضه های کوچک و قرضه های اسلامی از عین اصول پیروی میکنند؛ ارائه قرضه کوچک نیز بر اساس شریعت اسلامی یعنی بدون سود بوده تا از ابهام و خدعه جلوگیری گردد (Hurlburt, 2012). این روش در افغانستان میتواند توسط راه اندازی یک پروژه الگو بواسطه نهاد های مالی بمنظور آمیختن نظام مالی اسلامی و قرضه کوچک امتحان گردد.

افغانستان میتواند تجارب برتر را که توسط شبکه قرضه کوچک اسلامی ارائه گردیده عملی نموده و برای همکاری های بیشتر و حمایت تخنیکی با شبکه بتماس گردد؛ و از تجارب برتر در کشور های ماننده مراکش و مصر، کشور هائیکه چهارچوب های مقرراتی بر اساس سیستم مالی اسلامی برای خدمات قرضه کوچک ایجاد نموده اند استفاده نماید و بدین وسیله تجارب برتر را به تفصیل بررسی کند (OECD, SMEs in Libya's Reconstruction, 2016). لوازم مالی برای بانکداری اسلامی نیاز به حمایت بیشتر دولت دارد. ستنرد های قبول شده توسط جهانی توسط نهاد تفتیش و حسابداری برای نهاد های مالی اسلامی (AAOIFI) ارائه شده اما بیشتر بحیث راهنما مورد استفاده قرار میگیرند تا اینکه الزام آور باشد.

خدمات مالی دیاسپوره میتواند شرکت ها جوان را حمایت کند

دولت میتواند جهت تشویق سرمایه گذاری دیاسپوره به اقتصاد افغانستان اوراق قرضه های دیاسپوره⁹ را ارائه کند (Business DNA, 2018). اوراق قرضه های دیاسپوره میتواند بحیث اوراق قرضه دولتی عمل نموده و اساساً دیاسپوره را هدف قرار دهد. شرکت های شخصی میتوانند خود توجه سرمایه گذاران دیاسپوره را بواسطه ارائه اوراق مشارکت و حقوق صاحبان سهام جلب نمایند. با در نظر داشت اینکه دیاسپوره در حال حاضر مالک قسمت عظیمی از سرمایه گذاری در داخل کشور است، دانش، شبکه و تجارب آنها میتواند بیشتر مورد استفاده قرار گیرد - به خصوص برای تمویل سایر تشیبات. در هندوستان اوراق قرضه دیاسپوره از آغاز آن در سال 1991 بالغ به 32 میلیارد دالر بوده و زمینه تأمین ارتباطات میان دولت هند و شهروندان که در خارج زندگی میکنند گردیده (World Bank, Development Finance via Diaspora Bonds, 2007; ADB, 2015).

(2016). بر اساس پژوهش که توسط بانک جهانی در سال 2013 راه اندازی گردیده است، دخیل ساختن شهروندان خارج از کشور به کشور اصلی شان باعث تقویت سرمایه گذاری و نهایتاً ابتکار میگردد (جدول 15). با حمایت OECD، کشور همسایه؛ تاجکستان با فیصدی بزرگ دیاسپوره (9.2% نفوس کاری)، نیز در صدد بکار گیری از پوتانسیل تاجک های مهاجر برای انکشاف SME هایش است (OECD, Monitoring competitiveness reforms in Tajikistan, 2017).

به قول معروف، سرمایه گذاران نوسالزیک ممکن در عرصه ایجاد پایگاه ها سرمایه گذاری جمعی کمک کرده و با استفاده از آن شرکت های نوپا و SME های افغان میتوانند طرح های اقتصادی خود را پیشکش نموده و از دیاسپوره خواهان کمک مالی و رهنمائی گردند. دولت میتواند این پایگاه های سرمایه گذاری جمعی را شناسائی نموده و توسعه دهد و در پیش نویس استراتژی برای SME شامل گرداند. وزارت تجارت و صنایع میتواند توجه بیشتر را به حمایت از پروژه های دیاسپوره و پژوهش در مورد حقوق صاحبان سهام معطوف دارد. نهاد های مانند انجمن دنامارک برای مهاجرین (DRC) و UNITAR در افغانستان پوتانسیل مالی دیاسپوره را که وزارت تجارت و صنایع میتواند مورد هدف قرار دهد ارزیابی نموده و سرمایه گذاران دیاسپوره را بگونه بهتر هدف قرار دهد.

چوکات 15 استفاده از پوتانسیل دیاسپوره

جامعه دیاسپوره در سراسر جهان در حال رشد بوده و تعداد نهاد های دیاسپوره نیز افزایش یافته است. ارسال پول به افغانستان در سال 2008 بالغ به 0.88 میلیارد دالر و در سال 2016 به 1.99 میلیارد دالر رسید، این در مطابقت با دسته بندی دولت های شکننده توسط OECD است، جائیکه ارسال پول منبع بزرگ مالی خارجی را میسازد. روال روز افزون استفاده از بانکداری از طریق موبایل در سراسر جهان نیز مرتبط به نیاز برای انتقال پول به آسانی خوانده شده – تقاضای که در افغانستان و در خارج شناسائی گردیده است.

جهت استفاده از پوتانسیل دیاسپوره پایگاه زیر ایجاد گردیده است، که اساساً بالای اجتماعات دیاسپوره در دولت های شکننده تمرکز دارد:

- بضاعت مالی دیاسپوره سرمایه گذاری های دیاسپوره آفریقا را با تأمین وجوه و و ارائه مربی گری برای کارآفرینان در کشور های مبدا تشویق و تقویت مینماید. این برنامه قرضه ارائه نموده و رقابت را تشدید میکند و در ویبسایت شیوه های موفق شدن در کآفرینی را تشریح میدهد.
- **MicroMentor** پایگاه ارتباطی برای کار آفرینان و رضاکاران مربی جهت ارزیابی چگونگی ایجاد یک تشبث و ارزیابی بهتر مارکیت و مزیت های نسبی میباشد.
- پایگاه های سرمایه گذاری همچو **India Investment** (در هندوستان) یا **Raices** (در آمریکای لاتین) به دیاسپوره توانائی سرمایه گذاری در شرکت های کشور های مبدا را داده و بدین ترتیب باعث ایجاد فوائد مالی و اجتماعی میگردد.

مأخذ: (World Bank, Development Finance via Diaspora Bonds, 2007; Diaspora Alliance, 2018; Afford: Diaspora Finance, 2018; OECD, What are the FDI trends in fragile and conflict affected economies in the Middle East and North Africa and what risk mitigation tools can lead to increased and more resilient flows?, 2018)

دولت برای رسیدگی به نیاز های شرکت های نوپا باید گزینه های بیشتر را جستجو کند

قرضه بر اساس دارائی، سرمایه گذاری خطر پذیر، سرمایه گذاری جمعی هنوز هم در افغانستان به اندازه کافی انکشاف نیافته اند، و شرایط برای شکوفائی و گسترش آنها هنوز هم مساعد نیست مگر در دراز مدت. اما هنوز هم بسیار کار ها برای ارائه کمک به شرکت های جوان در قسمت دسترسی به منابع مالی و راهنمائی های مور ضرورت شان امکان پذیر است، بگونه مثال از اسباب مالی برای مراحل مختلف توسعه شرکت در میتوان نام برد. شرکت های نوپا بطور اخص نیاز به سیستم حمایت انتعطاف پذیر دارد که در مقایسه با سیستم مورد ضرورت برای SME ها متفاوت میباشد (جدول 16). آنها بگونه مشخص نیاز به تمویل مالی دراز مدت که در محیط های محتاط به خطر مانند افغانستان کم موجود است، ضرورت دارند (Wilson & Silva, 2013). حمایت های درست طراحی شده تمام چرخه زندگی شرکت های نوپا را تقویت نموده و شانس زنده ماندن شانرا را بالا برده و ابتکار را رشد میدهد. منابع مالی بدیل در آفریقا و آسیای میانه بطور قابل ملاحظه رشد نموده؛ جائیکه سرمایه گذاری جمعی 67% حجم تمام مارکیت در آسیای میانه بوده و سرمایه گذاری جمعی بر اساس کمک مالی 16% سهم مارکیت میباشد.

چوکات 16 حمایت عامه برای تمویل مراحل ابتدائی شرکت های جوان

شرکت های نوپا با چالش های متفاوت روبرو بوده و نیازمند منابع مالی متفاوت میباشد. شرایط قرضه بدلیل موجودیت معلومات نامتعادل زیاد است؛ (ارزش پائین شرکت برای دریافت قرضه، در مراحل کمتر انکشاف یافته) و خطر های اخلاقی (قرض دهنده گان نمیتوانند ارزیابی کنند که آیا شرکت ها از منابع مالی بگونه درست استفاده میکنند یا خیر). برای کاهش خطر قرضه گیرندگان باید تضمین ارائه دهند، این باعث ایجاد موانع بیشتر برای شرکت های تازه به فعالیت آغاز نموده میشود. بانک ها در تمام جهان و خصوصاً در افغانستان در مقابل قرضه دهی برای شرکت ها جوان محتاطانه عمل میکنند. اگرچه سرمایه گذاری خطر پذیر بهدف پر نمودن این خلا ارائه گردیده، بحران مالی نیز رفتار قرضه دهی آنان را تحت تاثیر قرار داده.

در این خصوص دولت های OECD برای رفع مشکل خلا منابع مالی برای شرکت های جوان دست به اقدامات جهت رفع نا رسائی بازار در این مورد شده اند. این مداخله دولت به خاطر قابل توجهی بوده تا "منابع را بیشتر ساخته و مزیت های سرمایه گذاری بالای شرکت ها در مراحل ابتدائی را برای مداخلی سکتور خصوصی روشن سازد". بدین سان این میتواند اثر سرازیر شدن (spill-over effect) را بمیان آورده و ایجاد یک مارکیت مراحل اول سرمایه گذاری را تسهیل میکند و در کل بخش از استراتژی بزرگ انکشاف اقتصادی میباشد. گفتنی است که مداخلات دولت دراری تاثیر کنتلستی بالای ایکو سیستم با عملکرد خوب کار آفرینی و مالی میباشد. در 30 از 32 کشور OECD سروی شده توسط پرسشنامه مالی، دولت ها حد اقل داری یک برنامه اهدا، قرضه و یا تضمین برای شرکت های کوچک، جوان و مبتکر که به کریدت دسترسی کم دارند بود، مانند:

- ایجاد سرمایه گذاری خطر پذیر با اشتراک دولت
- تضمین برای سرمایه گذاری بالای دارائی و وجوه باخطر
- پاداش های مالی برای صندوق ها و سرمایه گذاران که سرمایه گذاری میکنند
- اسباب سهام (وجوه مستقیم مالی دولتی، وجه برای وجوه، وجوه برای سرمایه گذاری همکار)

مأخذ: (Wilson & Silva, 2013; World Bank, West Bank and Gaza: Finance for Development, 2015; Aghaez, 2017); (OECD, 2013)

تقویت مجالس انکوباتور ها و فرصت های همکار یابی میتواند خلا مالی را جبران کند

خدمات مالی بیشتر انکشاف خواهد یافت در صورتیکه مدل اقتصاد های OECD همتایه شود، بر علاوه ارائه آموزش مدیریتی و کارآفرینی و مربی گری از طرف مالکان با تجربه، انکوباتور ها همچنان برای کمک بمنظور ایجاد ارتباطات با سازمان های حمایت مالی و سرمایه گذاران که به کارآفرینان فرصت تشریح ایده های تجاری شان و جمع آوری منابع برای آغاز شرکت شان را ممد میباشد (OECD, SMEs in Libya's Reconstruction, 2016).

با در نظر داشت اهمیت تقویت شرکت های جوان در مراحل ابتدائی شان، دولت باید پوتانسیل شرکت های نوپا را به سرمایه گذاران بین المللی بواسطه راه اندازی مجالس همکار یابی و مالی نشان دهد. این گونه مجالس قبلاً توسط Start-up Grind (نهاد که بمثابه اجتماع کارآفرینان میباشد) راه انداز شده است. وزارت تجارت و صنایع میتواند از تجارب آنها استفاده نموده و مجالس شانرا مورد حمایت قرار داده و اشتراک کند. اینگونه دولت میتواند محیط شرکت های نوپا و نیاز های شان را بخوبی درک کند. شمولیت شرکت های نوپا در اسناد استراتژیک در حال افزایش است بخصوص NES که نیاز ها برای موارد زیر را واضح میسازد: (OECD, SMEs in Libya's Reconstruction, 2016)

1. ایجاد یک انجمن تجاری مختص به کارآفرینان جوان
2. تشویق کارآفرینی
3. حمایت از انکوباتور ها
4. ایجاد ایکوسیستم مجازی جهت تقویه مشاور، اطلاعات و دلگرمی؛ و
5. گسترش شرکت های نوپا در افغانستان

چوکات 17 چشم انداز شرکت های نو پا در لبنان پس از جنگ

در سال 2006 خود را در لبه پرتگا از لحاظ اقتصادی میدید، بعد از اینکه جنگ ویران کننده اثرات منفی نهادی و اقتصادی از خود بجا گذاشت. بعد از جنگ دولت خواست تا ایکوسیستم متحرک بر اساس ایجاد یک سلسله شرکت های نوپای فناوری بطور طبیعی را ایجاد کند. دولت از خلا انکشاف شرکت های نوپای فناوری در سالهای 2010 الی 2012 آگاه گردید و آنرا بطور همه جانبه انکشاف داد. در آن مورد، دولت بر علاوه پالیسی ها مبتکرانه، پالیسی های شدید از بالا به پایین را جهت گسترش رشد سکتور شرکت های نوپا تطبیق نمود که امروز لبنان را به مرکز تکنالوژی شکوفا در آسیای میانه مبدل ساخته است.

بعد از ایجاد اعتبار 600 میلیون دلاری توسط بانک مرکزی لبنان، انبوه از وجوه خصوص هم بمنظور هدف قرار دادن اقتصاد دانش بنیان وارد مارکیت گردید. متعاقباً دولت مقرراتی را ایجاد نمود که ایکوسیستم کار آفرینی را شکوفا ساخت:

- زیربنای همساز شده ایجاد گردید: اردو گاهای آموزشی، انکوباتور ها، تسریع کننده ها و مکان های کاری مشترک با یک سلسله خدمات مانند مشاوره سرمایه گذاری، مربی گری و ورکشاپ ها راه اندازی شد. و در حال حاضر 8 انکوباتور و تسریع کننده در لبنان موجود میباشد.
- فرصت های متعدد تمویل مالی راه اندازی شد، (1) حقوق صاحبان سهام، با 7 سرمایه گذاری خطر پذیر ارائه دهنده حقوق صاحبان سهام در لبنان، (2) ارائه بهتر قرضه و اهدا برای شرکت های جوان بواسطه کفاله که قرضه های بانکی را پیشکش نموده بو بدین ترتیب خطر قرض دهی برای بانکها را کم میسازد، (3) پایگاه های سرمایه گذاری جمعی
- برنامه های آموزشی و تعلیمی در سکتور ها با بیشترین تقاضا برای کارگر راه اندازی شد
- فرهنگ کار آفرینی ایجاد گردید و مفهوم آن مشمول ورکشاپ ها، سخنرانی ها و روز های "رقابت" و "ابتکار" گردید

مأخذ: (Republic of Lebanon, 2018; Impakter, 2017)

جهت تقویت میانجیگری مالی، دولت میتواند انکوباتور های تجاری موجود را بیشتر حمایت نموده و در صورت امکان تعداد شانرا افزایش دهد. تقسیم بندی شرایط فعلی انکوباتور ها قدم اول میتواند باشد. دولت میتواند:

- سروی مدیران و کار آفرینان شرکت کننده در انکوباتور در مورد موانع موجود، با توجه به چگونگی دسترسی به مالی در شروع و در طول زندگی کمپنی بوده است. معلومات در مورد درخواست دهندگان برای انکوباتور ها میتوند جمع آوری شده، نرخ قبولی، زمان میانگین انکوباسیون، فرصت های کاری بدست آمده بواسطه آن، مبلغ مفاد هنگام فراغت، نیاز های مالی و نرخ زنده ماندن شرکت های واجد شرایط شده.
- برای مشاوره با برگزار کننده گان انکوباتور ها و برنامه ها برای شرکت های نوپا، نمایندگان شان باید در **PRISEC** و سایر پایگاه های مشاورتی دعوت گردند.
- ارزیابی های ابتدائی در مورد نیاز های انکوباتور ها برای شرکت های نوپا به موارد زیر اشاره مینماید (Aghaez, 2017).
- انکشاف مهارت ها برای تهیه قضیه های تجاری و اسناد مالی، بوسیله برنامه های آموزشی در دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی
- مربی گری تجاری، با برقراری ارتباطات همراه با مدیران شرکت های نوپای موفق و پیدا نمودن همکار های مناسب با افراد موجود در انکوباتور ها؛
- راهنمایی در مورد فرصت های مالی هدفمند، رقابت، برنامه های تسریع بوسیله کتاب های راهنمای توزیع شده در ویسایت ها و ودوایر دولتی؛ و
- حمایت در جهت دسترسی به منابع مالی تمویل شده توسط همکاران مالی که باید با طرح های کار آفرینی محلی تطابق یابد، این مشمول دعوت آنها به مجالس دولتی و نمایش پروژه هایشان به همکار های مالی میگردد.

• دولت به‌مکاری مدیران انکوباتور ها میتواند اولویت های بیشتر را شناسایی نموده و به حال آنها بپردازد. همکاران مالی همچنان میتوانند در قسمت ارائه اطلاعات در مورد پروژه های قبلی، در تمویل شرکت ها نوپای و انکوباتور های جدید، ارائه پیشنهادات در مورد چگونگی توسعه انکوباتور های موجود و در طولانی مدت حمایت ایجاد انکوباتور های بیشتر کمک ارائه کنند. در دراز مدت وزارت تجارت و صنایع میتوانند انکوباتور ها را در خارج از کشور ایجاد نموده، مثلاً در نقاطیکه سرمایه گذاری های افغانی در آنجا تجمع نموده؛ مانند دوی و استانبول. برنامه انکشاف SME و آموزش رهبری برای جوانان لیبیا (BINA) دسترسی به منابع مالی و فرصت های تجاری برای SME ها را توسعه داده؛ این مشمول ایجاد انکوباتور های تجاری در استانبول که یکی از نقاط مهم برای تشبثات و سرمایه گذاران لیبیایی میباشد، میگردد (Organisation of Islamic Cooperation, 2018).

قدم های بعدی

دسترسی به منابع مالی اولویت اصلی استراتژی SME باید باشد

افغانستان در حال تهیه پیش نویس استراتژی است که در آن دسترسی به منابع مالی از موارد اصلی میباشد. استراتژی قبلی که در سال 2011 تهیه گردیده بود، شامل ایجاد ریاست SME ها تحت اثر وزارت تجارت و صنایع بود (Mashal, 2014). این ریاست اما از کارکنان غیر کافی و ظرفیت پائین وزارتی برخوردار است، که توانایی پوشش اش را محدود ساخته (SIPRI, 2015). دولت نیاز دارد تا موارد ذکر شده را در پیش نویس استراتژی شامل سازد.

تقسیم منابع مالی تهیه شده توسط کمک کنندگان مالی بگونه مالی ضرورت به شناسایی نیاز های مملکت دارد. بدین لحاظ استراتژی جدید باید فعالیت ها پر اولویت مانند تقویت دسترسی به منابع مالی بدیل و توسعه دانش مالی را تعریف نموده و برای هر گروه از فعالیت ها تفصیل ارائه کند، انجام این کار در ارزیابی نیاز ها، شناسایی گروه های SME (بر اساس اندازه/موقعیت جغرافیایی/سکتور) مورد هدف مهم است. هر فعالیت باید همراه با یک جدول زمانی، نهاد مسؤل، شاخص های عملکرد و منابع مالی برای تسهیل تطبیق شان توسط نهاد های برتر و کار کمیته رهبری مسؤل نظارت از استراتژی ارائه گردد.

برای تطبیق استراتژی، دولت میتواند راهکار را با حمایت همکاران مالی تهیه نماید. در کشوریکه منابع داخلی آن محدود بوده و اوضاع پر چالش میباشد، دولت باید فعالیت های زیادی را جهت بهتر سازی دسترسی SME ها و شرکت های نوپا به منابع مالی راه اندازی نماید. راهکار زیر برای رهنمایی فعالیت های دولت در تطبیق پیشنهادات میباشد.

جدول 2 راهکار برای حمایت از گسترش دسترسی به منابع مالی

•	• کوتاه مدت (شش ماه الی یک سال)	• میان مدت (یک الی دو سال)	• دراز مدت (سه الی پنج سال)
• توصیه اول: انکشاف دانش مالی برای کارآفرینان و شهروندان	• نقشه بندی برنامه های آموزش مالی موجود • راه اندازی سروی های مشخص برای SME و شرکت های نوپا جهت ارزیابی نیاز ها و ظرفیت دانش مالی آنها • در نظر گرفتن اشتراک در INFE/OECD	• تهیه پیش نویس استراتژی آموزشی مالی • توسعه دانش مالی میان شهروندان و ارتقای ظرفیت مدیریت مالی و مهارت های پلانگذاری تجاری در برای مالکان تشبثات کوچک • راه اندازی فعالیت های جدید	• داخل ساختن کار آفرینی در سیستم تعلیمی • ایجاد یک ویبسایت
• توصیه دوم: تعریف و هماهنگی بهتر برنامه های دولت برای حمایت از دسترسی SME به قرضه های دولتی	• افزایش رول هماهنگ کننده وزارت تجارت و صنایع میان دوایر دولتی، نهاد های کمک کننده و استراتژیها • طبقه بندی برنامه های تمویل مالی ارائه شده توسط نهاد های کمک کننده • اضافه نمودن دسترسی به قرضه بحیث یک از اولویت های استراتژی SME • توافق بالای راه های توسعه ACGF و سنجش امکانات ایجاد سنجی با سایر برنامه ها • دخیل ساختن وزارت مالیه و وزارت تجارت و صنایع در مورد های نظارتی برنامه های تمویل مالی	• مشوره با SME ها و نهاد های کمک کننده جهت تعدیل برنامه های تمویل مالی موجود و توافق در مورد ایجاد برنامه های جدید • ارتقای ظرفیت در وزارت تجارت و صنایع جهت راه اندازی و نظارت از برنامه های تمویل مالی • انکشاف ظرفیت های داخلی دولت برای CGS ها	• ایجاد آژانس تمویل مالی برای گسترش پیشکش های قرضه به SME ها و شرکت های نو پا • افزایش فعالیت های دولت برای نظارت فعال از ACGF، مطابق با تجربیات برتر جهانی در قسمت نظارت و تنظیم برنامه های ملی تضمین کریدت
• توصیه سوم: بهتر سازی شرایط برای انکشاف اسباب بدیل مالی	• ایجاد چهارچوب مناسب قانونی برای ارائه محصولات و خدمات مالی غیر بانکی، بشمول نظارت از طرف د افغانستان بانک و مقررات مالی اسلامی • طبقه بندی انکوباتور های فعلی • مشاوره با مدیران انکوباتور های فعلی و در نظر گرفتن نیاز های و ضروریات آنها	• راه اندازی بررسی انکوباتور های موجود • مشاوره با نهاد های همکار مالی در مورد چگونگی انکشاف انکوباتور های موجود • راه اندازی تبلیغات در مورد انکوباتور های موجود بشمول مجالس در دویی و استانبول • تقویت و تشویق سرمایه گذاری بالای شرکت های نو پا توسط منابع مالی بین المللی و دیاسپوره	• راه اندازی انکوباتور های بیشتر برای تعدیل تجربیات برتر تعیین شده • راه اندازی انکوباتور های مختص به شرکت های نوپای افغان بطور مثال در دبی و استانبول • انکشاف قرضه کوچک اسلامی و در صورت امکان صندوق که قرضه های در مطابقت به شریعت اسلامی پیشکش کند

مoxذ: OECD analysis based on (OECD, 2016)

¹ "شرکت‌های نوپا شامل تمام شرکت‌های استخدام‌کننده می‌گردد که الی دو سال عمر داشته؛ تمام شرکت‌های جدیداً راه‌اندازی شده و شرکت‌های که از ایجادشان یک یا دو سال می‌گذرد." (OECD, Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017, 2017).

² حواله‌ها میانجی‌های مالی غیر رسمی بوده که فعالیت‌هایشان بر اساس انتقال پول نقد و یا انتقال الکترونیکی میان بانک‌ها صورت نگرفته بلکه توسط روابط بر اساس اعتماد میان شبکه‌های معامله پول صورت می‌گیرد. حواله‌ها در اکثر سراسر نقاط دنیا پراکنده بوده و بالخصوص در آسیای میانه و برخی نقاط آفریقا و شبه‌قاره هند بیشتر مروج می‌باشد (Hariharan, 2012).

³ در سال 2017 به گفته بانک مرکزی مصرف عملیاتی تمام بانک‌های افغانی بالغ به 10 354 میلیون با مصارف امنیتی 1 152 میلیون افغانی بود.

⁴ بحران کابل‌بانک نشان‌دهنده ظرفیت پائین دبیرتمنت ثبات مالی جهت کنترل قرضه‌دهی بانکها بوده و دخالت وسیع سیاستمداران را در سکتور بانکی بر ملا ساخت. ارزیابی داخل سایت سه سال بعد از اینکه بانک به فعالیت آغاز نموده بود راه‌اندازی شد، و گذشته سهامداران هیچگاه بگونه دقیق بررسی نشده بود. در چنین شرایط سوء استفاده با ابعاد مختلف اتفاق افتاد، طوریکه 92% قرضه‌های بانک (861 میلیون دالر) به 19 مرجع با هم مرتبط داده شده بود. این بواسطه قرضه‌گیری نیابتی، تزریق دارائی تقلبی، معاش و پاداش‌های تادیه شده به کارکنان خیالی، پرداخت دارائی تقلبی و سایر شیوه‌ها صورت گرفته بود. فساد به بالاترین لایه‌های سیاسی میرسد زیرا برادران رئیس جمهور کرزی و معاون رئیس جمهور خود سهامداران بزرگ بانک بودند. بعد از اینکه رئیس بانک فعالیت‌های متقلبانه بانک را بر ملا ساخت، اضطراب گسترده مشتریان افغان را فرا گرفت، که در نتیجه د افغانستان بانک را مجبور به مداخله بحیث آخرین گزینه قرضه‌دهنده ساخت. سهامداران کوچک، رئیس اجراییه و رئیس بانک زندانی گردیدند اما دارائی‌هایشان تا الحال پنهان باقیمانده است. حصول تمام دارائی‌ها در حال جریان است، و بانک فعالیت‌های خود را در سال 2011 از سر آغاز نموده است. اما خساره به تمام سیستم بانکی افغانستان وارد گردیده است (SIGAR, PRIVATE SECTOR DEVELOPMENT & ECONOMIC GROWTH, 2018).

⁵ تعریف سواد مالی "ترکیب از آگاهی، دانش، مهارت، نگرش و رفتار‌ها لازم برای اتخاذ تصمیم مالی درست و بالاخره دستیابی به سعادت مالی می‌باشد." (OECD, 2012[82])

⁶ این گزارش از گستره کوچک در ارزیابی چگونگی تاثیر تعلیمات ابتدائی (38.2% در میان بزرگسالان افغان) بالای سواد مالی در افغانستان که در نهایت توانائی انجام پروسه‌های اداری و ارزیابی قرضه را مورد تاثیر قرار میدهد، برخوردار است.

⁷ قانون مدیریت زمین در ساخته شده در سال 2017 و تطبیق برنامه استراتژیک انکشاف نهادی برای اداره زمین در سال 2018 (IDPL)

⁸ CGS خطر را میان بانکها، قرضه‌گیرندگان و دولت‌ها تقسیم نموده و میتواند نهاد‌های مالی را در قسمت افزایش دانش و عملیات‌شان با دینفعان و اتخاذ تصمیم بهتر قرضه‌دهی کمک کند (PRISEC, PRISEC TOR, 2016).

⁹ اولویت پنجم ریفورم PRISEC "کاهش مصرف و افزایش دسترسی به منابع مالی با گسترش برنامه‌های تضمین قرضه و قرضه‌های کوچک و ایجاد محیط بهتر برای قرضه‌دهندگان بواسطه تطبیق قانون و جمع‌آوری قرضه" می‌باشد (PRISEC, PRISEC TOR, 2016)

¹⁰ قرضه‌های ارائه شده به دیاسپوره‌های خودمکنت جهت استفاده از دارائی‌هایشان در ممالک اختیار ش

4. دیجیتال سازی خدمات عامه برای سکتور خصوصی

نیم از شرکت های افغانی از مشکلات اداری و خدمات عامه بعنوان مانع فرا راه انکشاف شان یاد میکنند. بر علاوه پروسه های معلق اداری، شرکت ها با مشکل نفع جوئی مواجه است که پروسه رسمی سازی را بگونه مستقیم تحت تاثیر قرار میدهد. این بخش استفاده از تکنالوژی معلوماتی را برای بهبودی کیفیت خدمات توصیه میکند. بطور اخص این بخش توصیه میکند که دولت از توسعه انترنت و تلفن همراه جهت گسترش خدمات به قشر وسیعتر شهروندان و شرکت ها نفع ببرد و این خدمات را در تلفن های همراه مهیا سازد.

چرا باید بالای دیجیتال سازی خدمات عامه توجه صورت گیرد؟

دیجیتال سازی خدمات عامه میتواند در رسیدگی به نیاز های تشبثات کمک نموده و از ضیاع وقت و مصارف جلوگیری میکند

چه از طریق راه های دیجیتال و یا آنالوگ، دولت یک سلسله خدمات اساسی را جهت کمک به شکوفائی تشبثات و کارآفرینان ارائه میدارد. این خدمات شامل پروسه های ساده اداری مانند ثبت و توزیع جواز به شرکت ها و پروسه های معلق تر مانند مالیات، خدمات مشورتی، تشویق صادرات و توسعه گمرکات میگردد. جدول زیر مرور کلی بر برخی از خدمات عامه ارائه شده میباشد.

جدول 3 تقسیم بندی گزیده خدمات دولتی برای تشبثات

خدمات عامه برای تشبثات	کتگوری
ثبت لایسنس و جواز ها ثبت زمین پلانگذاری استفاده از زمین	پروسه های اداری
امنیت	نظم عامه و حفاظت
صحت تعلیم تقاعد	حفاظت های اجتماعی برای کارکنان و کارفرمایان
خدمات مشوره دهی (مشوره، بازاریابی، تفتیش) آموزش حمایت از ابتکار حفاظت و مراقبت از محیط زیست دسترسی به منابع مالی	خدمات انکشاف تشبثات
هوشمندی بازار؛ تمویل داد و سند؛ کنترل کیفیت؛ توزیع گواهینامه؛ تشویق صادرات جلب سرمایه گذاری گمرکات	داد و سند
ثبت و جمع آوری مالیات	مالیه

مoxذ: (OECD, Together for Better Public Services: Partnering with Citizens and Civil Society, 2011)

بدر نظر داشت اینکه جهان بگونه دیجیتالی بیشتر ارتباط یافته و دسترسی به فناوری بهتر شده، وسایل جدید جهت انکشاف محیط تشبث در خدمت دولت قرار گرفته. در زمینه دولنداری دیجیتالی، این بدین معناست که ارائه خدمات عامه نیز باید از آنالوگ به دیجیتل تبدیل گردد، تا امکانات ثبت مالیات و راجستر نمودن اسناد از بصورت آنلاین صورت گیرد. همچنان از فناوری های دیجیتالی جهت ایجاد دارائی های عامه جدید مانند پالیسی های داده باز گشایش چینل های جدید برای دریافت نظریات کاربران از کیفیت خدمات میتواند استفاده صورت گیرد.

با دیجیتال سازی خدمات که سکتور خصوصی به آن بیشترین نیاز را دارد، دولت میتواند مصارف معاملات را بگونه قابل توجه پائین آورده و اطلاعات مرتبط را بگونه سریع و موثر برای شرکت ها و شهروندان ارائه کند (OECD, 2014). خدمات

عامه دیجیتالی شرکت ها را قادر به کاهش مصارف و زمان حین انجام پروسه های اداری ساخته و رویارویی فیزیکی را با تسلیم دهی معلومات بطور محفوظ و از راه دور بصورت آنلاین تبدیل میکند. کاهش رویارویی فیزیکی همچنان فرصت را برای فساد کاهش داده و با استفاده از سیستم یکپارچه تادیه الکترونیکی شرکت ها قادر به پرداخت فیس بصورت مستقیم گردیده و از اختلاس جلوگیری میگردد.

دیجیتال سازی میتواند کیفیت و دسترسی به خدمات تجاری در افغانستان را بهتر سازد

در افغانستان، جائیکه با بی ثباتی گسترده روبرو است، استفاده از خدمات عامه دیجیتالی میتواند محافظت در مقابل خطرات امنیتی ناشی از سفر کابل و مراکز ساحوی را ارائه دارد. با توسعه دیجیتال سازی مملکت میتواند توانائی هایش در قسمت انجام تشبث بصورت رسمی افزایش دهد و خدمات همسان را برای تشبثات از طریق کمپیوتر و انترنت بدون نیاز به افزایش نیروی کاری ارائه دهد، که در غیر آنصورت مورد نیاز خواهد بود. در حالیکه توزیع انترنت و زیربنا ها برای آن محدود میباشد، استفاده از تلفن همراه عام است، که نمایانگر نیاز به تمرکز بالای پایگاه های تلفنی میباشد.

ارائه خدمات ضعیف بوده و دسترسی به خدمات برای اکثریت تشبثات مشکل است

چشم انداز سرمایه گذاری 2017، ACCI دریافت که تشبثات افغان معتقدند که یک سلسله خدمات کلیدی مانند خدمات ثبت و تمدید جواز های شرکت ها بهبود یافته. اما، تشبثات هنوز هم از پروسه های بی اندازه مغلق، رشوه ستانی در نهاد های دولتی و عرضه نامتعادل جغرافیائی خدمات شاکی اند. در حال حاضر اکثریت خدمات اساسی بشکل فیزیکی در دواير دولتی و مراکز یک مرحله اخیراً ایجاد شده، ارائه میگردد.

یافته های سروی نشان میدهد که 50% شرکت ها معتقدند که یک سلسله خدمات اساسی توسط دولت مانند ارائه گمرک، سیستم مالیاتی، امنیت و زیربناها بحیث یک چالش باقیمانده. بر علاوه، بیش سکتور خصوصی در مورد چنین خدمات در مقایسه با سال 2014 بد تر شده (ACCI, Business Monitor 2017, 2017). همچنان واضح است که کیفیت خدمات در خارج از کابل بگونه قابل ملاحظه پایین است، بطور مثال، 54% تشبثات در ننگرهار دید خوبی نسبت به پروسه های ثبت سرمایه گذاری ندارند، در مقایسه در کابل این نرخ فقط 16% است. تشبثات در افغانستان همچنان در مورد شفافیت در معاملات با دولت و سطح پائین اعتماد به دولت، نگران اند (ACCI, Business Monitor 2017, 2017).

کیفیت پائین خدمات دولتی و عدم دسترسی به خدمات اساسی دولتی، انکشاف سکتور خصوصی را در افغانستان کند ساخته و مزیت ها برای رسمی سازی تشبثات را باز کاهش میدهد. چالش ها در ثبت شدن رسمی، پرداخت مالیات و فیس های اداری باعث میگردد که تشبثات بگونه غیر رسمی فعالیت داشته باشند. در صورتیکه دسترسی به منابع مالی، آموزش و خدمات توسعه سرمایه گذاری محدود باشد، پاداش ها برای رسمی شدن و علاقمندی به آغاز تشبث کمتر میگردد. در افغانستان این چالش ها به دلیل نا امنی و عوامل جغرافیائی بیشتر گردیده: کارآفرینان ممکن خطر امنیتی و یا قیمت/زمان سفر به کابل و یا مراکز محدود ولایات، جائیکه آنها میتوانند به خدمات دولتی بگونه فیزیکی دسترسی پیدا کنند، را بیش از حد بدانند.

دیجیتال سازی میتواند خطرات امنیتی را کاهش داده، غیر رسمی بودن را رفع نموده، فساد را پائین آورده و عواید عامه را افزایش دهد

زمان مسافرت کوتاه تر و خطرات امنیتی کمتر

خدمات دیجیتالی میتوانند باعث ایجاد شفافیت، حسابدهی و مثریت در پروسه های دولتی گردند (European Commission, 2016). خدمات دیجیتالی همچنان نهاد های مالی که قبلاً دسترسی به آنها مشکل بود را بیشتر قابل دسترس سازد. در افغانستان جائیکه اکثریت خدمات در کابل و مراکز ساحوی محدود ارائه گردیده و جائیکه سفر نمودن به چنین نقاط با خطرات امنیتی همراه است و مصارف هنگفت از لحاظ وقت و سایر مصارف را در پی دارد؛ ارائه خدمات دیجیتالی مانند ثبت، میتواند مصارف و خطرات را با ارائه قابلیت اجرای پروسه ها از راه دور برای تشبثات و کارآفرینان کاهش دهد.

تسهیل رسمی سازی تشبث

دیجیتال سازی میتواند موانع را بگونه چشمگیری کاهش دهد – مانند قیمت بلند داخل شدن به مارکیت، مصارف بلند اداری و فرصت ها برای فساد – که ممکن باعث دلسردی و بازداشتن شرکت ها از داخل شدن به سکتور رسمی گردد. دولتهای دیجیتالی نوش داروی رسمی سازی اقتصادی نمیشد اما میتواند وسایل نیرومند جهت حل مشکلات فرا راه رسمی سازی در افغانستان گردد.

مبارزه با فساد

فرصت تقاضای رشوت در رویارویی فیزیکی ایجاد گردیده و یکی از نگرانی های بزرگ برای تشبثات در افغانستان است، و مقام دوم را در میان مشکلات شناسائی شده توسط خود تشبثات از آن خود کرد (ACCI, Business Monitor 2017, 2017). جائیکه مشکلات فساد وجود دارد، دیجیتال سازی میتواند شفافیت و حسابدهی را بوسیله داده های دسترسی آزاد و

کاهش رویارویی با کارکنان افزایش دهد (European Commission, 2016; Open Government Partnership, 2018; OECD, 2014).

افزایش ظرفیت جمع آوری عواید دولتی

خدمات دولتی مرتبط به پرداخت ها در افغانستان پرچالشترین خوانده شده که شامل گمرک، مالیات و دسترسی به منابع مالی میباشد (ACCI, Business Monitor 2017, 2017). امکانات پرداخت آنلاین فرصت های جدید حکومنداری دیجیتال را مانند ثبت الکترونیکی مالیات و جواز فراهم میکند که میتواند بازدهی سکتور دولتی و خصوصی را افزایش داده و از فساد بگونه قابل ملاحظه جلوگیری کند. راه اندازه سیستم فایلینگ الکترونیکی قیمت جمع آوری مالیات، زمان مورد نیاز برای تهیه و پرداخت مالیات، امکانات بررسی توسط مامورین مالیاتی، دفعات بررسی مامورین مالیاتی را کاهش داده و طرز دید سکتور خصوصی در مورد مدیریت مالیات بعنوان یک چالش برای فعالیت و رشد تشبثات را تغییر میدهد (Kochanova, Hasnain, & Larson, 2016). وزارت مالیه در نظر دارد تا سیستم کامل فایلینگ الکترونیک را برای مالیات عملی سازد، این سیستم مالیه دهندگان را قادر به دریافت صورت مالیات و فورم های مالیاتی بعد از تسلیم اسناد بصورت فیزیکی به بانک میسازد (Ministry of Finance, 2018). در عین زمان، دیجیتال سازی، با کاهش حجم کاغذپرانی، میتواند مصرف مدیریت مالیه را برای دولت بگونه چشمگیر کاهش دهد (ICAEW, 2017).

افغانستان اهداف بالای حکومنداری دیجیتالی را تعیین نموده

حکومنداری دیجیتالی یک هدف انکشافی است که هنوز برآورده نشده

دولت حکومنداری دیجیتالی را بحیث یک شیوه کلیدی برای دستیابی به استراتژی انکشافی در نظر گرفته است (Government of Afghanistan, 2008; Government of Afghanistan, 2009). این اهداف بار اول در سال 2003 در استراتژی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) توضیح داده شده بود، بر اساس این سند وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی اهداف خود در زمینه استفاده گسترده از ICT در داخل حکومت بخاطر افزایش مثریت سکتور دولتی و ارائه خدمات اجتماعی بهتر تفصیل داده بود (MCIT, 2003). پالیسی ICT سه ساحه را برای انکشاف بیشتر مورد اولویت قرار داد: (i) ترکیب ICT و حکومنداری دیجیتال برای مدرن سازی سکتور عامه؛ (ii) احیا و انکشاف زیربناهای جدید بشمول ایجاد مرکز ملی داده ها؛ و (iii) انکشاف انجمن ICT. این انجمن بر اساس فرمان رئیس جمهور در سال 2007 ایجاد گردید و تا اکنون بحیث اجتماع اساسی برای تمام ذینفعان ICT در افغانستان فعالیت دارد.

در سال 2011، سازمان ملل پیش نویس استراتژی حکومنداری الکترونیک برای افغانستان را نشر نمود، که تا الحال بحیث کاملترین راهکار برای حکومنداری دیجیتالی در افغانستان باقیمانده است. استراتژی حکومنداری الکترونیک شامل توصیه ها در مورد: ایجاد پورتل تجاری برای معلومات راجع به مقررات سرمایه گذاری و جواز؛ ارائه خدمات آنلاین و با تلفن همراه برای مالیات، بشمول پیام های تذکر و پرداخت آنلاین؛ انکشاف سیستم آنلاین و متقابل برای فایل بندی الکترونیک راپور های مالی؛ ایجاد درخواست های مالی آنلاین برای SME ها؛ تبلیغ و افزایش آگاهی در مورد حکومنداری دیجیتال در سکتور خصوصی و عامه؛ و افزایش ظرفیت های ICT در سکتور های دولتی و خصوصی (United Nations University, 2011). این توصیه اگرچه قابل ستایش است، به نظر میرسد که تطبیق نشده است.

یک سلسله اقدامات مانند چاپ بیش از 90,000 جواز شرکت برای استفاده کارکنان دولتی نشان دهنده این است که دولت افغانستان در تلاش است تا شیوه های متمرکز بالای فناوری و بر اساس آمار را به پیش گرفته است (Afghanistan Central Business Registry, 2015). اما این اقدامات اکثراً پراکنده و وابسته به کمک های مالی کمک کنندگان و غیر مرتبط به استراتژی 2011 که باید بحیث راهکار برای تمام پیشرفت ها میباشد.

استراتژی های حکومنداری دیجیتالی را که حکومت افغانستان به پیش گرفته باید در مطابقت به اقتصاد، امنیت و راه های ارتباطی موجود و بالاخص موانع ایجاد شده به علت خلا های زیربنایی، سطح پائین سواد و استفاده محدود از انترنت باشد. با وجود فواید که حکومنداری خوب در قسمت ارائه خدمات عرضه میدارد، اکثر حکومت ها تصامیم نا آگاه در مورد انتخاب پروژه ها گرفته و در آنها را با مشکلات تطبیق نموده اند. در میان پروژه های دیجیتال سازی و ICT تمویل شده توسط بانک جهانی حدود یک چهارم آنها غیر قابل قبول و بد قلمداد گردیده است (World Bank, 2016). نرخ ناکامی پروژه های دیجیتال سازی نشان دهنده نیاز به تهیه استراتژی ها واقع گرایانه و بگونه درست مدیریت شده و در برگیرنده موانع اجتماعی-اقتصادی کشور بوده باشد، میباشد. سیستم های فناوری فوق العاده پیش رفته ممکن در شرایط که فناوری های ساده بر اساس نیاز ها و اوضاع محلی نیاز است، موفق نباشد.

دولت کار را بالای مراکز یک مرحله فیزیکی آغاز نموده اما خدمات بانک بشکل دیجیتال موجود است

دولت افغانستان برنامه های مختلف را برای تطبیق مراکز یک مرحله در کشور راه اندازی نموده. در سال 2016، دولت های افغانستان و آذربایجان تفاهمنامه را بمنظور انکشاف خدمات مراکز یک مرحله بر اساس مدل استفاده شده توسط دولت آذربایجان مشمول مراکز فیزیکی و پایگاه های آنلاین به امضا رسانید (Afghanistan Microfinance Association, 2016). این تفاهمنامه باعث ایجاد خدمات آسان خدمت گردید که شامل مراکز های فیزیکی یک مرحله در کابل و بعضی مراکز ساحوی (اگر چه آنها تا هنوز افتتاح نشده اند) گردیده است. توسعه آسان خدمت توسط برنامه فضای تجاری افغانستان (حرکت) حمایت تکنیکی گردیده و هماهنگی میشود، از جمله کار های مهم آن یکی آن ایجاد آگاهی در مورد توسعه ذیفغان سکتور خصوصی و با خبر نگهداشتن آنها از آخرین تغییرات اداری در مورد خدمات عامه برای تشبثات میباشد. بانک جهانی و USAID همچنان از ایجاد مراکز یک مرحله تحت اداره ACBR متمرکز بالای ثبت و خدمات مالیه دهی برای فعلاً، حمایت نموده اند (World Bank, 2019). ایجاد مرکز یک مرحله ACBR و تطبیق قانون اراضی افغانستان نیز توسط حرکت حمایت گردیده بود. یک مرکز یک مرحله برای صادرات نیز در میدان هوایی کابل ایجاد گردیده است.

پوتانسیل کامل دیجیتال سازی هنوز به ثمر ننشسته است. از جمله مشکلات عمده، عدم تبادل میان سیستم ها، عدم موجودیت بودجه عملیاتی و مراقبتی بعد از راه اندازی و عدم توجه کافی به قابل دسترسی سازی نرم افزار (بشمول لسان) میباشد.

پوتانسیل دیجیتالی این برنامه های هنوز ثمر نداده است

- ایجاد پورتل آنلاین آسان خدمت نشان دهنده این است که یک سلسله از خدمات برای شرکت ها که فعلاً در مراکز فیزیکی ارائه میگردد بالاخره بصورت آنلاین ارائه خواهد شد. تا امروز، خدمات آنلاین محدود به دسترسی به فورم های درخواست پاسپورت و ویزه بوده اما این فورم ها هنوز هم باید بشکل فیزیکی تحویل گردند. ویبسایت پایگاه قابل اعتمادی را برای افزایش یک سلسله خدمات قابل دسترس بطور دیجیتال ارائه میدهد. ویبسایت برای تلفن همراه بهینه سازی شده و امکانات استفاده آن در مناطق دور افتاده جغرافیایی را بیشتر ساخته است (Government of Afghanistan, 2018).

- ویبسایت ACBR معلومات در مورد به راجستر و اسناد برای دانلود را ارائه میدارد و با وجود تائید مشکل نبود انترنت کافی در سراسر کشور، پلان دارد این خدمات را دیجیتال سازد (World Bank, 2019).

- مراکز یک مرحله صادرات فقط در میدان هوایی موجود بوده و بگونه آنلاین ارائه نگردیده است.

دیجیتال سازی دچار موانع اساسی از لحاظ زیربنایی، فعالیت تجاری کم و حضور آنلاین بصورت پراکنده است

یک سلسله موانع جدی فرا راه حکومتداری دیجیتال در افغانستان بوده که عبارت اند از:

1. نبودن یک اسراتیژی فراگیر دولتی تازه و هماهنگی شده
2. کمبود زیربنای ICT برای حمایت از دسترسی بیشتر به انترنت و موبایل
3. مشوره دهی محدود تجاری که توانائی دولت در قسمت درخور کردن خدمات عامه دیجیتال را کاهش میدهد
4. نبود اولویت بندی خدمات کلیدی که با در نظر داشت منابع محدود مالی باید اولاً دیجیتال شوند
5. تطبیق تک موردی خدمات دیجیتال با مطابقت اندک با اسراتیژی دیجیتال سازی

مشکل 1: نبود یک اسراتیژی فراگیر دولتی تازه و هماهنگی شده

دولت اسناد اسراتیژیک بیشماری را در مورد پالیسی های ICT و حکومتداری الکترونیک مانند پالیسی دسترسی به داده های باز MCIT (2016) (MCIT, 2016) تهیه نموده اما سازگاری و هماهنگی در طرح و تطبیق آنها وجود ندارد. اخیراً پلان کاری ملی 2018-2019، همکاری حکومتداری باز افغانستان، شامل تعهدات برای انکشاف پایگاه برای مدیریت و بخش دیجیتالی معلومات و همکاری با نهاد های جامعه مدنی و سکتور خصوصی در توسعه اولویت های دیجیتالی میباشد. اما این پلان خدمات عامه محدود برای جامعه مدنی را در بر گرفته است (Open Government Partnership, 2018). پس از اسراتیژی حکومتداری سال 2011، هیچ چهار چوب دولت-شمول جهت حمایت از دیجیتال سازی دولت ارائه نگردیده.

کوشش های دولت افغانستان جهت تطبیق برنامه های دیجیتال سازی دولت، چه دیجیتال سازی خدمات سرمایه گذاری و با دسترسی شهروندان به خدمات اساسی اداری از یک راهکار هماهنگ برخوردار نبوده است. برنامه های دیجیتال سازی دولت

از یک استراتژی دیجیتالی سازی واحد پیروی نمیکند که این باعث دوباره کاری ها، پراگندگی اطلاعات و برنامه ها و تجارب بد برای کاربران میشود.

مشکل دوم: نبود زیربنا های دیجیتالی در افغانستان

افغانستان از دسترسی پائین ب اینترنت برخوردار است - اینترنت هم پرمصرف و هم کمیاب است. پوشش شبکه فایبر نوری افغانستان که یک بخش از پالیسی دسترسی باز میباشد و توسط وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی تطبیق گردیده (MCIT, 2016)، هنوز هم محدود شرق کشور میباشد. انکشاف فایبر نوری در افغانستان تا الحال یک موفقیت تخنیکی بوده اما شمولیت دیجیتالی در افغانستان را بنابر دسترسی مشکل و قیمت بالا برای اکثریت نفوس کشور، نتوانسته افزایش دهد. تأمین اینترنت در اکثر نقاط کشور، بخصوص مناطق روستائی هنوز هم توسط اینترنت پر قیمت ستلایتی صورت میگیرد (MCIT, 2016). (ITU, 2017).

جدول 4 شاخص های ارتباطات برای افغانستان

شاخص	افغانستان (2010)	افغانستان (2016)	قرغیزستان (2016)	پاکستان (2016)	ترکیه (2016)
دسترسی به اینترنت					
شاخص انکشاف ICT (رده بندی 2017) ¹	156	159	109	148	67
فیصدی استفاده کنندگان انترنت	4	11	35	16	58
بندوبت بین المللی انترنت بر هر 100 باشندده (bit/s)	1,761	11,966	65,377	16,636	68,058
دسترسی به موبایل					
استفاده از تلفن همراه بر هر 100 باشندده	46	67	131	71	97
استفاده از تلفن همراه با برادبند بر هر 100 باشندده	0.0	14	46	20	67

مأخذ: (ITU, 2015) (ITU, 2017) (ITU, 2017)

یک تحقیق سکتور مخابرات افغانستان و منگولیا انجام شده توسط UNESCAP در سال 2015 نشان داد که بسته های ماهانه برادبند بگونه "دست و پا گیر گران" در افغانستان گران بوده که نشان دهنده نبود بندوبت بین المللی و دسترسی محدود به شبکه های نوری بین المللی، بود. این تحقیق نشان داد که در افغانستان قیمت انترنت با لین ثابت سالانه 828 دالر و یا 118.3% تولیدات ناخالص اسمی سرانه میشود، در مقایسه در منگولیا این رقم 84 دالر بوده و 2.1% تولیدات ناخالص اسمی سرانه را در بر میگیرد (UN ESCAP, 2015)

اگرچه دسترسی به اینترنت در افغانستان پائین است، افزایش در استفاده از تلفن های همراه و پوشش توسط شبکه های موبایل میتواند بدیل برای ارتباط بهتر جامعه میباشد. در سال 2017، 89% افغانها توسط شبکه 3G تحت پوشش قرار داشتند، این شامل 5.7 میلیون اشتراک کننده 3G و 31.5 میلیون اشتراک کننده GSM بوده که دو چند رقم ثبت شده در سال 2010 میباشد. پوشش 4G در کشور ارائه گردیده اما بخاطر موقعیت شبکه فایبر نوری در شرق کشور، بیحد در همان نقطه کشور متمرکز باقیمانده.

برای توسعه زیربنا و انکشاف حکومتداری دیجیتال افغانستان، برنامه های متعدد تمویل شده توسط همکاران مالی طرح گریده است. این پروژه ها اسناد مانند پالیسی انکشاف صنعت IT 2015-2020، پالیسی دسترسی آزاد وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و همکاری حکومتداری باز افغانستان (OGPA) را تهیه نموده اند (World Bank, 2019; MCIT, 2015; MCIT, 2016). پیشرفت در دسترسی به اینترنت پس از باز شدن مارکیت شبکه فایبر نوری به سکتور خصوصی توسط پالیسی دسترسی باز دولت با کمک بانک جهانی، توقع میگردد (World Bank, 2018). اگرچه تردیدها در مورد ظرفیت دولت و نهاد های همکار برای انکشاف زیربنای ICT کشور برای اینترنت و برابند ثابت وجود دارد، دسترسی به تلفن همراه در موجودیت مارکیت نسبتاً رقابتی از رشد قوی برخوردار بوده و توقع می رود که تا پنج سال آینده ادامه یابد، این رشد پوشش 4G را نیز در بر دارد (Harper, 2017).

اگرچه خلاها بزرگ زیربنایی هنوز وجود دارد، هنوز هم امکانات گسترش ارائه خدمات دیجیتالی در محدوده زیربنا های موجود وجود دارد. باوجودیکه دولت باید در قسمت رفع خلا های زیربنایی کار خود را باید ادامه دهد، این باید مانع کوشش های دولت در گسترش ارائه خدمات خصوصاً از طریق تلفن همراه نباید گردد. در برخی از ممالک (مثلاً تانزانیا و نایجریا) که در پانین لست شاخص آمادگی ارتباطات فورم جهانی اقتصادی² در سال 2016 قرار گرفتند، خدمات دیجیتالی شمول پرداخت الکترونیکی بگونه گسترده وجود دارد (World Economic Forum, 2016). تجارب در این کشورها نشان میدهد که زیربنای دیجیتالی کاملاً انکشاف یافته شرط لازم برای ارائه موفقانه خدمات دیجیتال ارائه شده توسط موبایل نمیشد.

مشکل سوم: مشاوره نا کافی با سکتور خصوصی

برنامه های حکومت داری دیجیتالی عموماً در وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی طرح گردیده و واکنش دولت در رابطه به نیاز های مشاهده شده سکتور خصوصی میگردد. عدم مشاوره با همکاران کلیدی سکتور خصوصی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، توانائی این وزارت، نهادیکه باید بحیث پیشرو برنامه های دیجیتال سازی عمل کند، را بگونه قابل ملاحظه کاهش داده. ایجاد انجمن ملی فناوری اطلاعات و ارتباطات، نهادیکه مسولیت هایش مشمول هماهنگی میان دولت و سکتور خصوصی در مورد انکشاف حکومتداری دیجیتالی است، اوضاع را بهبود نبخشیده است (Government of Georgia, SME DEVELOPMENT STRATEGY ACTION PLAN 2018-2020, 2018). سهم سکتور خصوصی در استراتژی حکومتداری دیجیتالی محدود به حضور افغان تلی کام در انجمن ملی فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

ACCI در کار توسعه سکتور خصوصی بشمول PRISEC سهیم میباشد. وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، بحیث وزارت مسؤل اتصالات اینترنتی در کشور، نمایندگان سکتور خصوصی بشمول ACCI را در قسمت شناسائی موانع و انکشاف راه حل های عملی بگونه سیستماتیک شامل نساخته است. اگرچه سایر نهادها و نمایندگان تجاری مانند اتاق تجارت زنان افغانستان (AWCCI)، با وزارت مالیه از نزدیک کار میکند، سطح همکاری میان سکتور خصوصی و دولت در قسمت اولویت های دیجیتال سازی میتواند بهتر گردد.

نبود میکانیزم موثر بازخورد برای کاربران اطلاعات موجود برای دولت را محدود ساخته و از فعالیتها برای توسعه و بهتر سازی ارائه خدمات دیجیتال جلوگیری میکند. دولت اطلاعات در مورد خدمات ارائه شده توسط پایگاه های دیجیتالی و با تعداد SME های که از پایگاه های موجود در تلفن های همراه و یا حکومتداری دیجیتال را جمع آوری و نگهداری نمیکند، دولت همچنان از چگونگی استفاده این پایگاهها بی اطلاع بوده و استفاده از آنها را حمایت نمیکند.

عدم حضور سکتور خصوصی در جریان تهیه پروژه دیجیتال CASA از طرف بانک جهانی نیز خاطر نشان گردید؛ بانک جهانی عدم علاقمندی سکتور خصوصی را در پروژه گزارش داد (World Bank, 2018). شناسائی خطرات ناشی از عدم علاقمندی سکتور خصوصی در انکشاف زیربنای دیجیتال کشور، بانک جهانی از شیوه "افزایش منابع مالی برای انکشاف" در پروژه CASA دیجیتال بمنظور افزایش سرمایه گذاری در سکتور خصوصی و حمایت از یک مارکیت رقابتی، استفاده نمود.

مشکل چهارم: نبود اولویت های واضح دیجیتال سازی بر اساس نیاز های تشبثات

برای ارائه خدمات عامه بگونه دیجیتال که بتواند نیاز های تشبثات افغانی را به بهترین شکل ممکن جوابگو باشد، دولت باید فعالیت های بیشتر جهت اولویت بندی خدمات برای دیجیتال سازی را راه اندازی کند، دولت تنها بوسیله مشاوره با سکتور خصوصی میتواند این مشکل را بطور موثر حل نماید. معلوم نیست فعالیت های و پروژه های راه اندازی شده توسط دولت و با کمک مالی نهاد های کمک کننده برای دیجیتال سازی، چگونه انتخاب گردیده و تا چه اندازه اولویتها برای تشبثات را در بر میگیرد. اما در حال حاضر پلانگذاری و هماهنگی سیستماتیک فعالیت های ریفورمی و اولویتها میان وزارت های موجود نمیشد.

خدمات بیشتر در پایگاه های مانند آسان خدمت ارائه میشوند، اما اکثریت این خدمات برای شهروندان است. ACCI سروی های سالانه جهت شناسائی اولویت های ارائه خدمات برای تشبثات را راه اندازی میکند، اما استفاده از این سرویها توسط

دولت غیر واضح است. استفاده بیشتر از یافته‌های مشاوره با سکتور خصوصی راه اندازی شده توسط ACCI و AWCCI میتواند دولت را در شناسایی خدمات با بیشترین کارایی برای سکتور خصوصی و اولویت دهی این فعالیت‌ها برای انکشاف کمک کند.

در حالیکه تلاش‌های قابل ملاحظه جهت کاهش پروسه‌های اداری و موانع مقرراتی صورت گرفته، تشبیهات به ساده‌سازی بیشتری پروسه‌ها ضرورت دارد، این واقعیت دیجیتال سازی خدمات اساسی اداری برای تشبیهات را به یک امر ضروری مبدل نموده است. در حال حاضر، ACBR ثبت آنلاین شرکت‌ها را ارائه نمی‌کند. ACBR معلومات واضح و قابل دسترس را برای پروسه‌های ثبت بشمول یک نرم افزار قابل دانلود برای تلفن همراه، ارائه نموده اما تمام اسناد باید بصورت فیزیکی به دفتر مرکزی در کابل و یا یکی از محدود شعبات ساحوی تسلیم گردد. برنامه آسان خدمت نیز یک سلسله فورم‌های درخواستی را بگونه الکترونیکی به دسترس قرار میدهد. فورم‌ها برای خدمات مانند پاسپورت و تذکره الکترونیک بگونه آنلاین قابل دسترس هستند، اما باید شخصاً تسلیم گردند. این خدمات برای دیجیتال شدن بیشتر میتواند مورد نظر قرار گیرد.

اکثریت تشبیهات با مشکلات مرتبط به خدمات پرداخت مواجه اند، و میتوانند از ارایه خدمات محفوظ پرداخت الکترونیک سود ببرند. این نیاز بحیث یکی از اولویت‌های مهم برای سکتور خصوصی و دولتی در افغانستان، در ملاقات‌های گروه کاری OECD و گفتگوها با ذینفعان افغان، بگونه صریح خاطر نشان گردید. اگر چه پروژه‌های متعدد تمویل شده از طرف نهاد‌های همکار در این زمینه راه اندازی شده، استفاده از پرداخت الکترونیک در افغانستان محدود باقیمانده، و اکثریت پروژه‌ها به خطر ناکامی مواجه شده اند. این ناکامی‌ها واضح میسازد که هر پروژه حکومت داری دیجیتال باید با زیربنا‌های موجود دیجیتالی و شرایط تقنینی موجود در افغانستان سازگار باشد.

مشکل 5: عدم همسانی در برنامه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات

با وجود کوشش‌های وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، هنوز هم همسانی در تطبیق پروژه‌های خدمات دیجیتالی وجود نداشته که ناشی از عدم تسلسل و انسجام پالیسی میباشد. بطور مثال، کوشش‌ها برای نهادینه سازی پایگاه‌های پرداخت آنلاین همگام با توسعه پروسه‌های تثبیت و محفوظ سازی آنلاین نبوده³ و بیسایت‌های که برای نهاد‌های دولتی ایجاد گردیده برای تلفن‌های همراه بهینه نگردیده - با وجودیکه اکثریت افغانها انترنت را از طریق تلفن همراه دسترسی میکنند. هماهنگی بیشتر کمک میکند تا سنجی‌های بالقوه شناسایی شده و جهت تعریف اولویت‌های دیجیتالی مورد استفاده قرار گیرد، که در نتیجه همسانی ارائه خدمات دیجیتال را میان نهاد‌های مختلف بهبود بخشیده و راه را برای ایجاد یک پایگاه واحد و یکپارچه باز کند.

دولت پایگاه‌های را جهت اطلاع رسانی در مورد فعالیت‌ها و معرفی خدمات دیجیتال سازی شده ارائه نماید، آسان خدمت که توسط ACBR ارائه شده مثال بارز در این زمینه میباشد. خدمات آنلاین موجود محدود به پخش معلومات و تعداد کوچک از فورم‌های درخواستی قابل دانلود میباشد. با وجود شناسایی اهمیت راه اندازی مرکز یک مرحله در سال 2011، پیشکش شده در "مجموعه حکومنداری الکترونیک" تحت اداره وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، هیچ یک از این پایگاه‌ها تا الحال ایجاد نگردیده (MCIT, 2011).

پالیسی‌ها اکثراً بلند پروازانه بوده و بدین لحاظ با ظرفیت‌های تخنیکی و اراده سیاسی همخوان نمیباشد. اقدامات جهت دیجیتال سازی برخی موارد مراکز یک مرحله فیزیکی مانند آسان خدمت گرفته شده، اما فقط به دیجیتال سازی فورم‌ها خلاصه میگردد، که هنوز هم باید چاپ گردیده و بشکل کاغذی تسلیم گردد. سایر برنامه‌ها که میتواند انکشاف مرکز یک مرحله آنلاین را تسهیل کند ایجاد اکادمی حکومت داری الکترونیک که پیشنهاد گردیده، خدمات انکوباتور دولتی، و پایگاه‌ها جهت دریافت نظریات شهروندان در قسمت طرح پالیسی، میباشد (United Nations (United Nations University, 2010) (MCIT, 2011) University, 2011)

چوکات 18 چالش‌ها تطبیق برنامه‌های پرداخت الکترونیک در افغانستان

برنامه‌های متعدد پرداخت الکترونیک توسط دولت و نهاد‌های کمک‌کننده در افغانستان تطبیق گردیده، اما این برنامه‌ها از موفقیت پائین برخوردار بوده‌اند. یک از پیش شرط‌ها برای افزایش مشروعیت و گسترش استفاده از سیستم‌های پرداخت الکترونیک و توسط تلفن همراه، داشتن توانایی تثبیت هویت اشخاص می‌باشد. دولت قدمی مهمی را در این زمینه، با راه اندازی برنامه تذکره الکترونیک وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی توسط وزارت داخله در سالهای 2017-2018 برداشت. برنامه تذکره الکترونیک توانایی استفاده از امضای الکترونیک و امضا بواسطه تلفن همراه را فراهم کرده که می‌تواند تسهیل‌کننده کلیدی برای استفاده از پایگاه‌های پرداخت الکترونیک و بواسطه تلفن همراه باشد.

در سال 2017، SIGAR گزارش داد که برنامه داد و ستد و عواید (ATAR) USAID برای افغانستان نتوانست سیستم پرداخت الکترونیک را برای گمرکات تطبیق کند. هدف این برنامه تطبیق 75% گمرکات بشکل الکترونیک الی ختم پروگرام در ظرف چهار سال به ارزش 77.8 میلیون دالر بود. اما در اخیر فقط 0.59% پرداخت‌ها بشکل الکترونیک صورت میگرفت. گزارش خاطر نشان ساخت که قرارداد کننده مسؤل تطبیق برنامه از چالش‌ها ارتباطات میان بانک مرکزی و نهاد‌های گمرکی و نبود اراده سیاسی برای تعدیل سیستم بر اساس پول نقد شاکی بوده است.

این ناکامی، بیشتر به ناتوانی نهاد‌ها و کمک‌کنندگان بین‌المللی در تسلسل تطبیق پروژه‌ها با در نظر داشت واقعیت‌های عینی، مانند دسترسی پائین به خدمات بانکی، استفاد محدود از بانکداری الکترونیک و بواسطه تلفن همراه، زیربنای ضعیف ارتباطی میان بانک‌های بزرگ و دوابر‌های دولتی و نبود مهارت‌های دیجیتالی و ظرفیت مدیریتی، بر میگردد.

فرا تر از تطبیق بالای گمرکات، وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی همچنان اقدامات دلگرم‌کننده را در قسمت گسترش استفاده از پایگاه‌های پرداخت آنلاین و از طریق تلفن همراه را عملی نموده. در سال 2017، دومین بانک بزرگ در افغانستان؛ عزیزی بانک، اولین سیستم پرداخت آنلاین را معرفی نموده و موافقت نمود تا با وزارت در قسمت تشویق استفاده از خدمات بانکی آنلاین در کشور همکاری کند. بحیث بخش از مرکز یک مرحله جدید الهام گرفته شده از مدل آذربایجان، موافقتنامه میان وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و شرکتهای مخابراتی افغان بیسیم و روشن برای پرداخت معاشات از توسط یک پایگاه اطلاعاتی بلاخره به امضا رسید.

مأخذ: (Afghanistan Government Media and Information Center, 2017) (MCIT, 2009; SIGAR, 2017) (MCIT, 2017) (Government of Afghanistan, 2018) (MCIT, 2018)

پیشنهادات جهت توسعه ارائه خدمات دیجیتال برای تشبثات

تجربه کشور های OECD میتواند افغانستان را در راستای تحقق اهداف حکومت داری دیجیتالی اش کمک کند

OECD از تجربیات بیشمار در قسمت تجارب برتر حکومت داری دیجیتال برخوردار بوده در سند 12 اصل برای حکومت داری دیجیتال توضیح داده شده و بحیث راهکار برای انکشاف، تطبیق و نظارت از تسهیل‌کننده گان کلیدی حکومت داری دیجیتال مورد استفاده قرار میگیرد (OECD, 2014). این اصول بر اساس پیشنهادات اجلاس استرانیژی‌های حکومت داری دیجیتال انکشاف یافته است. بسته حکومت داری دیجیتال OECD که بر اساس این اصول ترتیب شده شامل معلومات در باره هر یک از 12 اصل، تجارب برتر، وسیله خود ارزیابی و شاخص‌های کلیدی می‌باشد (OECD, 2014; OECD, 2014).

- بر اساس وضعیت موجود توسعه دیجیتال در افغانستان، سه اولویت بحیث اولویت‌های برای مملکت شناسائی گردیده:
- اصل دوم: سهمگیری و اشتراک در پالیسی‌سازی و ارائه خدمات. چالش اساسی برای دولت شناسائی راه‌ها برای شامل ساختن سکتر خصوصی (به خصوص شناسائی اولویت‌های دیجیتالی)، ارزیابی بیشتر شیوه‌های اشتراکی برای انکشاف پالیسی، و ایجاد پایگاه‌های دیجیتال فراگیر، قابل دسترس و موثر می‌باشد.
- اصل ششم: استفاده همسان از فناوری‌های دیجیتال در سراسر پالیسی‌ها. افغانستان باید از همسانی پالیسی و همسانی میان دوابر دولتی از لحاظ شرایط سازمانی، میکانیزم‌های موثر هماهنگی و پایگاه‌های دیجیتال برای ارائه خدمات در نقاط مختلف پالیسی برخوردار شود.
- اصل یازدهم: تدارک فناوری‌های دیجیتالی. دیجیتال‌سازی عمومی باید بر اساس روال‌های ICT و اهداف انکشافی افغانستان صورت گیرد.

- این توصیه ها نتایج بررسی چالش ها در افغانستان بوده و از اصول حکومت داری دیجیتال OECD که بیشترین سازگاری با شرایط افغانستان دارد سود برده است.

توصیه 1: ایجاد استراتژی دیجیتال دولت-شمول

آخرین سند در مورد حکومتداری دیجیتال در افغانستان در سال 2011 تهیه گردیده بود. توصیه های آن فقط مشورتی بوده و در نظام پالیسی دولت جابجا نگریده است (United Nations University, 2011). وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی با حمایت و همکاری وزارت تجارت و صنایع، سایر وزارت ها، نهاد های کمک کننده و سکتور خصوصی میتواند نتایج استراتژی سال 2011 را بررسی نموده و یک سند پالیسی جدید و یکپارچه که نشان دهنده اولویت های بروز شده مانند پرداخت الکترونیک و دیجیتال سازی گمرکات باشد را تهیه نماید. انجمن تجاری ملی و گروه های کاری آن میتوان از این کار حمایت خود را ارائه نمایند.

اکثر ممالک (مانند بریتانیا، مکزیکو و گرجستان) که توانسته خدمات ICT خود را در چینل های ارائه خدمات عامه خود یکجا سازد، استراتژی های دیجیتال همه جانبه که بحیث راهکار برای تمام تعدیلات دیجیتالی مورد استفاده گیرد، را تهیه نموده اند. این اسناد استراتژیک در مشاوره با تمام مقامات دولتی بشمول وزارت های هماهنگ کننده و سکتور خصوصی تهیه گردیده است.

افغانستان میتواند مثال های کشور ها OECD و همکار مانند گرجستان را تعقیب نموده و یک استراتژی دولت-شمول را تهیه نماید. تمرکز بخش کیفیتی استراتژی باید بالای به ضروریات خاص تشیبات و شهروندان سازگار گردد اما اولویت مهم تأمین میکانیزم قوی، حساسه و شفاف بازرسی و هماهنگی میباشد. بدین خاطر این استراتژی باید:

1. در سطح بالای دولت (دفتر رئیس جمهور و یا رئیس اجرائیه) مدیریت مناسب برای طرح، هماهنگی و بررسی این استراتژی ایجاد کند: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و یا نهاد دیگر دولتی باید بحیث مسؤل عمومی برای انکشاف و تطبیق استراتژی دیجیتال تعیین گردد. یک پوست عالی اجرائی برای نظارت و هماهنگی ارائه دیجیتال در سطح مدیریتی مانند رئیس خدمات حکومت داری دیجیتال بریتانیا باید ایجاد گردد.
2. تعیین مسؤلیت های وزارت های مختلف و نهاد های دولتی دخیل در انکشاف و تطبیق برنامه دیجیتال سازی.
3. ایجاد گروه کاری تخنیکی و سیاسی با برگزاری مجالس تعیین شده سالانه – گروه کاری اول باید از اینکه دیدگاه استراتژیک بطور درست توسط مدیران در تمام سطوح تطبیقی به خوبی درک شده اطمینان حاصل کند، حمایت سیاسی مورد نیاز و تعدیل فرهنگی برای یکجا ساختن خدمات ICT و دیجیتال در پروسه های دولتی را تأمین نماید. دوماً بطور مثال مسؤل بخش های تکنالوژی معلوماتی تمام وزارت ها را کنار هم آورده و مطمئن گردد که هماهنگی تخنیکی از پروسه های سیاسی جدا بوده و بدین وسیله راهکار دراز مدت برای تشریح اطلاعات و مدیریت سیستم را تسهیل نماید.
4. تمام اولویت های دیجیتال سازی در افغانستان را به شمول آنهائیکه در این گزارش و سایر اسناد دولتی مانند پلان کاری ملی را مورد پوشش قرار دهد. برای جلوگیری از دوباره کاری، استراتژی باید تمام برنامه های دیجیتال سازی موجود را صف بندی کند.
5. از اینکه ستندرد های عمومی دیجیتال سازی در سراسر دولت مورد استفاده قرار گرفته اصل اطمینان حصول نماید. افغانستان باید مثال پایگاه ها دیجیتال قابل اندازه گیری مانند GOV.UK را در نظر گرفته و از اینکه تمام برنامه های دیجیتال سازی از یک پایگاه عمومی استفاده میکند، اطمینان حاصل کند. کردن این کار امکانات تطبیق پیشرفت ها را در سراسر دولت تسهیل نموده و تضمین کند که اولویت های استراتژیک در مراحل اولیه انکشاف دیجیتال سازی موضوعات قابل اضافه آینده را مانع نمیشود، این موضوعات ممکن در مراحل بعدی اضافه گردند.

نرم افزار انترنتی نیز میتواند تطبیق و نظارت از استراتژی های دولت را حمایت نماید. بطور مثال، استراتژی ملی صادرات شامل استراتژی تطبیقی و اسباب مدیریتی برای وزارت تجارت و صنایع جهت تطبیق بهتر استراتژی میباشد. این نرم افزار انترنتی که کارکنان وزارت تجارت و صنایع آموزش آن را دیده اند، میتواند بحیث یک پایگاه برای تطبیق استراتژی، دریافت اطلاعات به روز، شناسائی خلا ها و سایر موارد مورد استفاده قرار گیرد. با در نظر داشت اینکه NES به برنامه های ملی دارای اولویت و استراتژی بازنگری شده SME مرتبط است، این نرم افزار میتواند برای نظارت و تطبیق بهتر تمام استراتژی

چوکات 19 استراتژی و پلان عملیاتی 2014-2018 e-Georgia

استراتژی و پلان عملیاتی e-Georgia راهکار پالیسی برای اجندای دیجیتال سازی گرجستان بوده و در همکاری با اتریش، آلمان، بریتانیا و دنمارک تهیه شده است.

مشاوره با ذینفعان؛ وزارت ها، دواير دولتی و سکتور خصوصی در مورد نظریات شان در باره دیجیتال سازی دولت صورت گرفته و یافته های آن در استراتژی جا سازی شده است. در جریان چهار ورکشاپ این ذینفعان با متخصصین دیجیتال سازی و تخنیکي همراه شده و پیشنهادات بیشتر تفصیل یافته و بازرسی شد و بالای اولویت های استراتژیک موافقت بعمل آمد. چهار هدف اصلی شناسایی گردید:

1. پایداری سازمانی (بشمول زیربناهای تکنالوژی معلوماتی، دیتابیس، امنیت)
 2. انکشاف و دسترسی به خدمات جهت برا آورده نمودن نیاز های مشتریان
 3. افزایش توسعه مشتری محور برای سکتور خصوصی و دولتی و حمایت از تطبیق ریفرم در سکتور عامه
 4. موقعیت دهی و افزایش رویت خدمات دولتی ارائه شده
- با در نظر داشت نیاز به هماهنگی بیشتر، ترکیب حکومت داری گرجستان بالاخص به انکشاف دیجیتال سازی در افغانستان مرتبط است. نهاد هماهنگی دیجیتال سازی ایجاد گردیده و تحت ادراه یک وزارت و یا یک نهاد دولت دیگر میباشد. این دفتر شامل نهاد های کلیدی در سطح ملی، محلی و روستائی دولت میباشد.

- چون کمیسیون حکومت داری الکترونیک از قبل وجود دارد، واحد مرکزی بمنظور تطبیق اهداف استراتژیک، استراتژی و پلان تطبیقاتی e-Georgia ایجاد گردید. واحد حکومت داری الکترونیک تحت قیمومیت کابینه وزیران فعالیت میکند. این واحد باید از اختیارات کافی برای تصمیم گیری در مورد انکشاف ICT و سرمایه گذاری ها و همچنان اندازه گیری و ارزیابی پیشرفت این سرمایه گذاری برخوردار گردیده زیرا آنها به استراتژی e-Georgia ارتباط میگیرند.
- برای حصول اطمینان از عملکرد بدون اشکال این واحد، نهاد تشریک اطلاعات (DEA)، نهاد که مسؤل ارائه مراکز یک مرحله بطور فزیکي و دیجیتالی Georgia است و قرار بود بحیث سکرتریت این واحد فعالیت نموده و تمام فعالیت های مربوطه اداری را اجرا نماید. DEA پورتال حکومت داری دیجیتال گرجستان را مدیریت مینماید. DEA یک نهاد وزارت عدلیه میباشد، چون دیجیتال سازی خدمات دارای تأثیرات مقرراتی میباشد.
- همچنان، اجلاس جامعه مدنی با اشتراک سکتور خصوصی باید بشکل موازی به پیش میرفت؛ و تخصص دولتی و خصوصی را ایجاد نموده و شیوه های جمع آوری نظریات در باره کار اداره هماهنگی را ارائه میکند.

مأخذ: (Krabina, et al., 2013; Georgia, 2016; Data Exchange Agency of Georgia, 2018)

توصیه ۲: هماهنگی بهتر پروژه های زیربنایی ICT با توجه به اتصال تلفن همراه

ساخت زیربنایی ICT قابل اعتماد پیش شرط برای راه حل های دولت دیجیتال است و توسعه آن در افغانستان نیازمند سرمایه گذاری بیشتر و پشتیبانی کشور های کمک کننده است.

انترنت ثابت در افغانستان محدود است، اما نفوذ قوی تلفن های همراه می تواند فرصت های برای راه حل های دیجیتالی ایجاد کند. برای خدمات دیجیتال که به طور گسترده توسط شرکت های افغانی استفاده می شود، مهم است که دولت همچنان به گسترش نفوذ اینترنت و تلفن همراه در کشور ادامه دهد. اگر دولت امیدوار است که تجارت ها را به سیستم دیجیتالی جهت ثبت و ثبت مالیات تغییر دهد. پس باید از تلاش های که توسط بخش خصوصی و کشور های کمک کننده انجام می شود، حمایت نماید و این را پهنای باند (low bandwidth) کم کشور بهتر بسازد.

پروژه دیجیتالی CASA بانک جهانی نقشه جامع را برای ارتباطات دیجیتالی بهتر در افغانستان و آسیای مرکزی ایجاد کرده است. ارتباط صریح که توسط این پروژه بین زیر بنا ها، توسعه بخش خصوصی و دولت دیجیتالی یک گام مهم است که محیط مناسب لازم زیربنا ها و محیط تجاری را جهت حمایت از استراتژی دیجیتالی دولت فراهم می کند. (چوکات ۲۰)

چوکات 20 دیجیتال CASA: ابتکار WB برای اتصال دیجیتالی در آسیای مرکزی و جنوبی

پروژه دیجیتالی CASA بانک جهانی به هدف بهبود ارتباطات دیجیتالی و ترویج استفاده از راه حل های دولت دیجیتالی در سراسر آسیای مرکزی و جنوبی می باشد. هدف فاز اول که در سال ۲۰۱۸ آغاز شد، بهبود ارتباط بین المللی میان افغانستان و قریزستان بوده که در سه ساحه دارای اولویت می باشد:

1. تقویت ارتباط منطقه ای و داخلی از طریق اتصال ولایت توسط فایبر نوری؛
2. افزایش ظرفیت MICT برای ایجاد و بهبود « زیر بناهای مشترک دولت الکترونیکی و امکانات مشترک خدمات الکترونیکی همانند: احراز هویت آنلاین، راه های پرداخت الکترونیکی و حفظ امنیت؛
3. ایجاد محیط مناسب برای دخیل ساختن بخش خصوصی و سرمای گذاری در بخش تکنولوژی ارتباطی و معلوماتی

منبع: (World Bank, 2018) :

در مکزیکو دولت پلان استراتژی یک فناوری های اطلاعات و ارتباطات (بحیث بخش از موافقتنامه برای پالیسی ICT و راهنمای ICT و امنیت اطلاعات) در مطابقت با استراتژی دیجیتالی ملی را تهیه نموده است. این پلان تمام پروژه های ICT و برنامه های راه اندازی شده توسط وزارت های مختلف را یکجا نموده است. هر وزارت میتواند حد اکثر هفت برنامه را برای ارزیابی ارائه کرده میتواند. این پلان توسط واحد مرکزی دیجیتال سازی دولت مدیریت گردیده و در قسمت متمرکز ساختن تلاش ها برای سرمایه گذاری کمک کرده و اولویت ها برای انکشاف ICT در سراسر دولت ایجاد نموده است (OECD, OECD Digital government Toolkit: Mexico: ICT Policy, 2015). در صورتیکه بگونه درست با نهاد های همکار هماهنگ گردد، برنامه مشابه میتواند باعث هماهنگی بیشتر و حمایت از سرمایه گذاری ها و پروژه ها بالای ICT در افغانستان گردد، این مشمول برنامه CASA دیجیتال، پالیسی دسترسی باز وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی و OGPA میگردد.

توصیه 3: توسعه مشاوره با سکتور خصوصی

در حال حاضر، انکشاف پالیسی حکومت داری دیجیتال در افغانستان با استفاده از چند منبع محدود سکتور دولتی طرح شده، و اشتراک سکتور خصوصی در آن کافی نیست. در حالیکه ریاست حکومت داری الکترونیک وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی برنامه های امیدوار کننده را آغاز نموده، این برنامه ها از سکتور دولتی منشا میگردد.

دولت باید راهکار سیستماتیک و فراگیر برای طرح و تطبیق پالیسی با همکاری تشبثات را تعقیب کند. بدین ملحوظ دولت باید سطح گفتگو ها و اشتراک را با ذینفعان سکتور خصوصی بالا ببرد. با استفاده از تجربه ایجاد مراکز یک مرحله در مکزیکو و

سویدن، دولت باید از مشاوره با تشبثات و سروی ها جهت شناسایی ابعاد خدمات که تشبثات بیشترین نیاز به آنها را دارند استفاده کرده و از آنها بحیث اولویت ها را برای دیجیتالی سازی استفاده کند. سروی های فعلی ACCI منبع قوی برای ارزیابی نظریات سکتور خصوصی در مورد استراتژی دیجیتالی سازی و شناسایی اولویت ها بوده و میتواند با مشاوره با برخی از تشبثات تکمیل گردد. دولت باید با نهاد های سرمایه گذاری زنان، مانند AWCCI نیز در جریان این پروسه مشاوره نماید. این قدم مخصوصاً برای حصول اطمینان دولت از اینکه تفاوت خواست ها و دسترسی زنان و مردان در انکشاف اجندای دیجیتالی سازی دولت در نظر گرفته شده، مهم میباشد. اخیراً، این در جمع آوری نظریات در خور برای چگونگی استفاده تشبثات از خدمات عامه دیجیتالی در حال حاضر و در آینده و چگونگی انکشاف شان کمک میکند.

دولت باید عضویت انجمن ملی ICT را گسترده تر سازد؛ این مشمول نمایندگی بیشتر سکتور خصوصی، و ایجاد گروه های کاری متمرکز بالای پایه های اساسی استراتژی حکومت داری دیجیتالی میگردد. در زیلاند جدید، بطور مثال دولت گروه رهبری استراتژی ICT (SLG) را راه اندازی نموده که توسط 4 گروه کاری متمرکز بالای ابتکارات خدماتی، فناوری، سرمایه گذاری استراتژیک و اطلاعات میگردد حمایت میگردد. SLG متمرکز بالا تهیه استراتژی همسان، مطلع از نظریات مردم و ذینفعان سکتور خصوصی بوده و گروه های کاری تلاش دارند تا استراتژی قابل تطبیق بوده و از لحاظ تخنیک بی عیب باشد. انجمن میتواند از تقسیم کار مشابه سود ببرد.

دولت باید تلاش نماید تا خدمات حکومت داری دیجیتالی و چهارچوب های استفاده شده برای انکشاف آن دارای پایگاه های شفاف و پاسخگو به نظریات کاربران باشد. نظریات باید در دسترس گروه کاری و انجمن ملی ICT قرار گرفته و در توسعه بیشتر پالیسی های دیجیتالی سازی از آنها استفاده گردد.

چوکات 21 یادگیری از مشاوره ها و نهاد های خصوصی موجود در افغانستان

ACCI بزرگترین نماینده شناخته شده سکتور خصوصی در افغانستان است. ACCI سروی سالانه را برای 65,000 شرکت عضو و 225 اتحادیه تجاری خود راه اندازی نموده و راپور در مورد چگونگی درک موضوعات توسط تشبثات افغان را که شامل بدست آوردن زمین، موجودیت منابع مالی، سیستم مالیه، گمرک، مجالس عمومی مزانده، ثبت شرکت ها، زیربناها، مهارت ها، امنیت و طرز دید در قبال زنان، را تهیه میکند.

بخش از مسؤلیت های ACCI گفتگو با سکتور خصوصی در مورد نگرانی ها و اولویت های شان برای دولت میباشد. این همکاری با دولت شامل مجلس سالانه با رئیس جمهور و اشتراک در کمیته های مختلف دولتی جائیکه پالیسی های برای سکتور تهیه میشود، میگردد.

موخذ: (Afghanistan Chamber of Commerce and Industries, 2018)

توصیه 4: اولویت دهی خدمات کلیدی دولت برای دیجیتالی سازی

با مشاوره بهتر با سکتور خصوصی دولت باید چهاچوب واضح تر برای دیجیتالی سازی خدمات عامه تهیه نموده و کوشش ها را بالای نقاط که توسط سکتور خصوصی بحیث مهمترین نقاط شناسایی شده معطوف دارد. بعضی از اولویت ها در گروه های کاری میان OECD-افغانستان قبلاً ارائه شده و نکات بیشتر توسط سروی سرمایه گذاری ACCI شناسایی گردیده است. بر علاوه شناسایی اولویت های دیجیتالی سازی، دولت باید کار را بالای اولویت های قبلاً شناسایی شده توسط سکتور خصوصی آغاز نماید.

اصول اداره عامه تشریح و تطبیق شده در برخی از انتشارات OECD SIGMA اسباب آزمایش شده برای ارائه تجارب برتر در مورد طرح ارائه خدمات کاربر محور، نظارت و ارزیابی میباشد (OECD, 2018; OECD, 2018). دولت با استفاده از این وسایل میتواند کیفیت فعلی ارائه خدمات و پاسخگویی اش به اولویت های تجاری را ارزیابی کند. این کمک مینماید تا افغانستان با سایر کشور ها (بشمول ممالک همکاری شرقی) که در حال حاضر توسط SIGMA ارزیابی میشود، مقایسه گردد. دولت میتواند خدمات خود را بوسیله شاخص های کیفیت خدمات از نقطه نظر تشبثات، با تمرکز مشخص بالای خدمات مرتبط به مالیات، آغاز تشبث و عمران، ارزیابی کند. دولت باید اطلاعات در مورد کیفیت خدمات و ایجاد میکانیسم برای گردآوری این اطلاعات بمنظور استفاده از آن در پلانگذاری و ارائه خدمات، را جمع آوری کند.

دیجیتال سازی پروسه های مقرراتی مانند راجستر و جواز گفتگو میان دولت و تشبثات را گسترده میسازد. اسلوونی توانسته مصارف اداری خود را الی 71.3% با معرفی سیستم خودکار ثبت تشبثات – "e-Vem" کاهش دهد (IFC/World Bank, 2009). بر علاوه جهت کاهش مصارف اداری، پایگاه آنلاین گفتگو میان شرکت و دولت مانند مراکز یک مرحله آنلاین میتواند به تشبثات که دور تر از موقعیت نهاد های دولتی موقعیت دارند توانائی پیروی از مقررات را از راه دور و محفوظ را انجام دهند. چنین گزینه، رسمی سازی کارآفرینان که با فعالیت نمودن بگونه رسمی به لحاظ مشکلات امنیتی ناشی از را تسهیل میکند.

دولت باید معرفی ارائه خدمات زمان-محدود طوریکه تعید نماید که در یک چهارچوب زمانی تعیین شده خدمات را برای تشبثات ارائه نماید. این ممکن با استفاده از یک سیستم منظم پرداخت فیس مانند سیستم تطبیق شده در گرجستان جایکه معیار متناسب ساز مصارف با زمان ارائه تعهد شده متناسب میباشد؛ و یا شیوه نرمتر با انکشاف میثاق شهروندی که نشان دهنده تعهدات اداری دولت برای شهروندان و یا اصل سکوت رضایت است میباشد طوریکه وزارت های مرتبط بالای جدول زمانی برای پروسه پشت صحنه توافق نموده و در صورتیکه درخواست در مدت زمان تعیین شده طی مراحل نگردیده باشد، درخواست کننده جواب مثبت دریافت خواهد کرد.

خدمات ثبت و جواز در مراکز یک مرحله و با حمایت بانک جهانی و USAID ارائه گردیده و قدم های بعدی پلان شده شامل دیجیتال سازی آنها میشود. این کوشش ها باید بیشتر تعقیب گردد (World Bank, 2019)

پرداخت الکترونیک

پرسش ها در مورد خدمات پرداخت الکترونیک در جریان مصاحبات OECD و گروه کاری با ذینفعان افغان به کثرت برخاست. دولت باید سکتور خصوصی را در انکشاف هر یک از بخش های پرداخت الکترونیکی استراتژی دیجیتال خود سازد تا خدمات ارائه شده بگونه درست نیاز های سرمایه گذاری شان را رفع نماید.

افغانستان از نرخ پائین مشمولیت مالی برخوردار میباشد، طوریکه فقط 0.3% به خدمات بانکی با تلفن همراه دسترسی دارند (World Bank, n.d.). اما ارزیابی شده که انکشاف و معرفی سیستم پرداخت الکترونیک باعث تسریع رشد فراگیری مالی شده و بدین ترتیب معاملات اقتصادی را رسمی میسازد (Ernst & Young, 2013). اطلاعات سروی های ACCI نشان دهنده رضایت پائین ذینفعان سکتور خصوصی به خدمات مالی و گمرک میباشد، دولت باید با ذینفعان سکتور خصوصی مشاوره نموده و بررسی نماید که راه اندازی یک سیستم همسان شده پرداخت الکترونیک برای فایل بندی بصورت آنلاین تا چه اندازه مفید بوده، و اگر مفید است، گروه کاری میان سکتور خصوصی و دولتی را جهت جستجوی راه ها برای تحقق آن ایجاد نماید. دولت میتواند از ارائه دهندگان خدمات بانکداری آنلاین و با تلفن همراه در افغانستان بیاموزد، چون خدمات آنها در کشور از شهرت بیشتر برخوردار گردیده. توسعه این خدمات و تشریک با خدمات پرداخت الکترونیک دولت، در صورتیکه پرداخت مالی یک پایه موثر و قابل اعتماد استراتژی دیجیتال دولت مبدل گردد، خواهد بود. مثال ام-پیسه در کینیا نشان دهنده سهمگیری سکتور خصوصی در انکشاف دسترسی به موبایل و خدمات پرداخت الکترونیک میباشد (جدول 22).

چوکات 22 ام-پیسه: تجربه پرداخت الکترونیک و با استفاده از تلفن همراه در کینیا

در سال 2007، شرکت مخابراتی سفریکام در کینیا ام-پیسه را راه اندازی نمود که قابلیت دریافت و انتقال پول از طریق پیام تلفتن همرا و همچنان خدمات پرداخت برای اسباب، پرداخت بل ها و مواد خوراکی را فراهم نمود. در ظرف یکسال ارائه آن، تعداد کاربران ام-پیسه به 2 میلیون رسید و در سال 2014 این پایگاه 7% ارزش تمام معاملات ملی و دو سوم حجم این معاملات را احتوا میکرد.

ام-پیسه، استفاده و انتقال پول نقد را بگونه قابل ملاحظه کاهش داده و 2 میلیون افرادی را که قبلاً از نظام مالی محروم بودند را به نظام مالی رسمی آورده است. همچنان فرصت های فساد بوجود آمده از دیدار رو در رو را کاهش داده، چون پایگاه الکترونیک قابلیت تقش و شفافیت آسان را فراهم میسازد.

برنامه الگو در اکتوبر 2005 آغاز و در می 2006 پایان یافت. در این جریان یکتعداد چالش ها شناسائی گردیده و که به ممالک که در مراحل ابتدائی تطبیق پرداخت الکترونیک میباشد قابل استفاده است:

- چالش ها در قسمت جلب اعتماد کاربران و تاجرین که در دوره آزمایشی شرکت مینمودند موجود بود. برای حل این مشکل، Safaricom منابع آنالوگ را جهت تسهیل سیستم ثبت موازی در خدمت تاجرین قرار داد تا زمانیکه آنها به سیستم اعتبار کامل پیدا کردند.

- نیاز به آموزش متواتر بود تا اطمینان حاصل گردد که تمام تاجران همه ابعاد سیستم را فهمیده اند و آنها مشتریان خود را در قسمت معاملات رسانند. Safaricom منابع را جهت همکاری با تاجران در خدمت آنها قرار داده و بازدید های هفته وار را برای احیای آموزش ها راه اندازی نمود

این الگو نشان داد که مارکیت به چنین خدمت نیاز داشت و به همین ملحوظ بطور سریع در افراد و تشبثات مشهور گردید. با مطالعه نظریات در مورد الگو Safaricom خدمات خود را برای به پوشش موبایل همراه و پرداخت قرضه افزایش داد.

تجربه Safaricom در توسعه پایگاه ام-پیسه همچنان راه کار موثر را برای گسترش آگاهی و دانش پرداخت الکترونیک مانند تثبیت حد اقل خدمات تخنیکی مورد نیاز برای فروشندگان که میخواهند از خدمات استفاده کنند، مشتریان، و نیاز به تامین حد اقل پول نقد در حال گردش که دسترسی مشتریان به پول از حسابهایشان را تسهیل کند، ارائه نمود.

موخذ: (IFC, 2017)

دولت باید تجارب اقتصاد های آسیای جانیکه پایگاه های پرداخت الکترونیک مشمول استراتژی های گسترده تر دیجیتال گردید است را نیز مورد مطالعه قرار دهد. بطور مثال در تایلند، دولت و سکتور خصوصی بگونه مشترک برای استفاده بیشتر از پرداخت الکترونیک در معاملات در تلاش هستند (OECD, 2018) (جدول 23). از زمان اعلام ماستر پلان ملی پرداخت مالی و ماستر پلان ملی تجارت الکترونیک، دولت تایلند رشد سریع در استفاده از خدمات پرداخت الکترونیک را شاهد بوده است (Government of Thailand, 2018). این خدمات بر علاوه گسترش سهولت و سرعت برای مشتریان، استفاده از خدمات پرداخت با استفاده از رمز QR مربوط به کیف جیبی دیجیتال (Digital Wallet) را ارائه میدهد، این باعث افزایش ظرفیت دولت در جمع آوری اطلاعات مالی برای SME های کشور جهت تهیه پالیسی های متعدد؛ مالی و دسترسی به قرضه، میگردد.

چوکات 23 خدمات ملی پرداخت الکترونیک در تایلند

دولت تایلند ماستر پلان 20 ساله دیجیتال سازی (DMP) را بحیث یک بخش از استراتژی توسعه حکومت داری دیجیتال اش تهیه نموده. این پلان هدف دارد تا استفاده از ICT را با بکار گیری فناوری های دیجیتالی برای افزایش ظرفیت و رقابت پذیری تمام سکتور های اقتصادی، با تمرکز خاص بالا SME ها، به حد اکثر رساند. برای تقویت انتقال دیجیتال کشور، DMP همچنان ماستر پلان تجارت الکترونیک 2017-2021 و ماستر پلان پرداخت الکترونیک را تهیه نموده.

پلان پرداخت الکترونیک به پنج بخش تقسیم شده:

1. پرداخت سریع
2. کارت های الکترونیک و ترمینال های کارت خوان
3. مالیه الکترونیک
4. تادیات و سبسادی های دولت
5. کمپاین های آموزشی و تشویقی

پایگاه "پرداخت سریع" برنامه است که انتقال و دریافت پول با استفاده از تذکره و یا شماره تلفن همراه در صورتیکه این دو با حساب بانکی کاری ارتباط داده شده باشد، ارائه میکند. شهروندان همچنان میتوانند با استفاده از تلفن همراه خود با استفاده از رمز QR برای پرداخت خودکار از حساب بانکی ارتباط داده شده شان بگونه مستقیم پرداخت نمایند.

برای تشویق استفاده از خدمات "پرداخت سریع" یکی از نازلترین قیمت ها را در سطح جهان برای انتقال پول، بدون فیس برای معاملات کمتر از 150 دلار، ارائه میدارد. قیمت پائین و راحتی ارائه شده توسط پایگاه "پرداخت سریع" در مقایسه با پایگاه های سنتی پرداخت باعث رشد سریع کاربران "پرداخت سریع" گردیده: طوریکه در اخیر سال 2017 دو سال پس از راه اندازی، "پرداخت سریع" دارای 37 میلیون کاربر رجستر شده، با 35% معاملات اجرا شده از طریق تلفن همراه، 10% بالاتر از نرخ در سال 2015 بود.

موخذ: (Government of Thailand, 2018) (OECD, 2018)

دولت باید توسعه پروتوکول های مورد نیاز برای تثبیت هویت را در اولویت های خود قرار دهد تا کاربران بتوانند اطلاعات را بگونه محفوظ و دیجیتال تسلیم کنند. این کار دسترسی به خدمات اساسی برای تشبثات را به بیرون کابل گسترش میدهد. در این زمینه برنامه تذکره الکترونیک یک قدم مهم در راستای ارائه امکانات تثبیت دیجیتال بوده و انگشاف بیشتر آن باید از جمله اولویت های اساسی باشد. یکی از موانع فرا راه استفاده از خدمات پرداخت الکترونیکی؛ که توانایی ارائه خدمات دیجیتالی مانند فایل بندی الکترونیک و پرداخت مصارف اداری از راه دور را تسهیل میکند، نبود امکانات برای شهروندان برای تثبیت هویت شان بگونه آنلاین میباشد. گسترش برنامه تذکره الکترونیک جهت شمول پروتوکول ها برای تثبیت هویت بگونه دیجیتال، گستره خدمات حکومتداری دیجیتال را افزایش میدهد.

توصیه 5: حصول اطمینان از موجودیت همسانی میان پایگاه های مختلف دولتی و ایجاد مرکز یک مرحله آنلاین هماهنگ

دولت باید استراتژی حکومت داری دیجیتال را در اولویت های خود قرار دهد، و این استراتژی باید دیدگاه های و منافع ذیفعان مرتبط مانند سکونر خصوصی، انجمن های تجاری، ارائه کننده گان خط مقدم و واحد های ارائه کننده خدمات دیجیتال در داخل دولت را در نظر داشته باشد. مخصوصاً انگشاف دولت باید بر اساس نیاز ها واقعی تشبثات استوار بوده و در راستای ارائه این خدمات در مرکز یک مرحله کمک نماید.

با کمک نهاد های کمک کننده، دولت میتواند راه اندازی یک مرکز یک مرحله دیجیتال؛ جائیکه اسناد ثبت بگونه آنلاین تسلیم شود و شیوه بطور پیش فرض دیجیتال برای توزیع لایسنس و جواز ها، را مورد اولویت قرار دهد. 4. بیشتر از 120 کشور ارائه خدمات برای تشبثات را بواسطه ICT اجرا میکنند، 82 کشور خدمات ثبت دیجیتال: یکی از پیش شرط ها برای یک مرکز یک مرحله موفق ایجاد ثبت رکورد ها بگونه الکترونیک میباشد ارائه میدهند، در افغانستان کار در این راستا در حال جریان است (World Bank, 2019). تجربه مکزیکو در تطبیق مرکز یک مرحله برای خدمات متعدد میتواند بحیث راهنما برای افغانستان در راه اندازی پایگاه واحد آنلاین برای خدمات دولتی باشد (جدول 24).

این نیاز به ایجاد یک پایگاه کاملاً جدید نداشته و میشود با گسترش پایگاه های موجود مانند مراکز یک مرحله آسان خدمت و یا پایگاه ACBR تامین گردد. دولت میتواند، با استفاده از نهاد های هماهنگ کننده موجود مانند انجمن ICT و یا وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و یا ایجاد نهاد جدید، پایگاه ها و ویسایت موجود را تصنیف نمود، و آنهایی را که مورد استفاده اند و بیشترین پیشرفت را داشته اند، شناسائی نموده و در حمایت و به روز رسانی تعداد محدود بپردازد و آنهایی که مورد استفاده نمیباشد را از بین ببرد. دولت میتواند نهاد های کمک کننده را که حاضر به حیات از برنامه های حکومت داری دیجیتال اند، را تشویق به اشتراک در این برنامه ها و کمک در راستای انگشاف پایگاه واحد نماید. این در نهایت باعث میگردد تا خدمات اختصاص داده شده برای دیجیتال سازی، دیجیتال شده و توسط یک پایگاه واحد ارائه گردد، این از خدمات نا همخوان ارائه شده توسط نهاد های مختلف جلوگیری میکند.

دولت باید خدمات موجود در مرکز یک مرحله آسان خدمت و یا پایگاه ACBR را تا جائیکه فناوری اجازه میدهد، را گسترش دهد. این مشمول ایجاد ارتباط میان دو پایگاه موجود، و یا انتخاب اولویت ها برای یکپارچه سازی خدمات بیشتر میگردد. در حال حاضر، خدمات دیجیتال موجود محدود به دسترسی به فورم های درخواستی میباشد اما بعضی کاربران نمیتوانند آنها را بصورت دیجیتال تسلیم کنند. اولویت های خدمات دیجیتالی باید مشمول ثبت تشبثات، تجدید لایسنس و پرداخت الکترونیک با ساده سازی پروسه ها برای این دو بحیث یکی از فعالیت های جاری در توسعه مراکز یک مرحله میباشد.

دولت باید اطمینان حاصل کند که هر استراتژی دیجیتال دارای "اصل فقط-یکبار" یکپارچه باشد؛ طوریکه تشبثات و شهروندان فقط برای یک بار داده های کلیدی را ارائه مینمایند و برای بار های بعدی مسؤلیت تشریک داده ها با سایر نهاد های مرتبط دولتی بدوش دولت میباشد. این اصل در برنامه "فقط یکبار بگو" در انگلیس ایجاد گردیده و جمع آوری اطلاعات شهروندان و تشبثات را از طریق تلفن، انترنت و بشکل فزیک و تشریک آن در سراسر دولت را توسط دیتابیس واحد تسهیل نموده است (Carroll, 2015)

تمام برنامه های دیجیتال سازی دولت باید برای انترنت های با سرعت پائین بهینه سازی شود، تا شمار استفاده کننده گان اقتصادی که از میتوانند از این خدمات بهره مند گردند به حد اعظم برسد.

چوکات 24 انکشاف مرکز یک مرحله آنلاین مکزیکو "www.gob.mx"

جهت مدرن سازی و ساده سازی ارائه خدمات برای شهروندان و تشببات، مکزیکو یک مرکز یک مرحله آنلاین را راه اندازی نمود. این بمنظور ارائه یک حکومت مدرن و یکپارچه، نزدیک و پاسخگو به مردم و تشببات و با قابلیت ارائه خدمات بطور سریع و موثر طرح گردید. مشاوره با جامعه مدنی و سکتور خصوصی در تمام مراحل صورت گرفته و در طرح مورد استفاده قرار گرفته بود. خدمات متمرکز شده بالای سکتور خصوصی برای ارائه در مراکز یک مرحله ملی در سال 2014 امتحان گردید و توجه خاص بالای دسترسی به تجارب کاربران، امتحان نمودن پایگاه ها و شهودی بودن طرح داشت. پروژه در سال 2015 بررسی و راه اندازی گردید و دارای یک نهاد در داخل ساختار دولت جهت نظارت از توسعه آینده و مدیریت آن، میباشد.

این پروژه در مکزیکو یک موفقیت بود. در حال حاضر gov.mx ششمین ویسایت با بیشترین بازدید کننده میباشد و از آغاز آن تا حال 73 میلیون بار بازدید شده. نهاد های دولتی مکزیکو بگونه متواتر به این پایگاه انتقال یافته اند، ارائه خدمات بصورت آنلاین در حال افزایش است. 39% بازدید ها از طریق تلفن همراه صورت گرفته، این قابلیت دسترسی برای کسانی که دسترسی به کمپیوتر ندارند و یا ترجیح میدهند از تلفن همراه استفاده کنند را میدهد. پایگاه حدود 27000 عریضه را طی مراحل کرده و به دسترسی به بیشتر از 4000 خدمات عامه را تسهیل نموده است. این پایگاه بحیث یک ماشین میان مردم و دولت عمل مینماید، طوریکه 1250 سوال برای اخذ مشوره مردم و 217 میکانیزم برای اشتراک و گفتگو میان سکتور دولتی-خصوصی در آن جا داده شده است.

تجربه مکزیکو همچنان نیاز به چهارچوب قوی برای طرح، امتحان، تطبیق و مدیریت موفقانه پروژه را نشان داد. این نخست توسط فرمان رئیس جمهور آغار گردید که باعث تضمین پشتوانه سیاسی برای آن گردید.

مخذ:(OECD, 2014)

هماهنگی محدود دولت در مورد استراتژی دیجیتال سازی باعث مختل شدن تطبیق آن میگردد

یک از موانع اساسی برای انکشاف حکومت داری دیجیتال در افغانستان عدم هماهنگی میان نهاد های دولتی در قسمت تطبیق استراتژی دیجیتال میباشد. اگرچه در برخی از موارد موفقیت های محدود مانند همکاری میان وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و وزارت داخله در قسمت راه اندازی برنامه تذکره الکترونیک بدست آمده، تنظیمات فعلی برای انکشاف دراز مدت و پایدار استراتژی حکومت داری دیجیتال افغانستان ممد نمیشد.

اگرچه وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی ریاست حکومت داری الکترونیک را ایجاد نموده، که مسؤل حکومت داری دیجیتال و پالیسی ICT میباشد، اما فعالیت های این ریاست با سایر نهاد های دولتی که مسؤل ارائه خدمات برای تشبثات مانند وزارت مخابرات و صنایع بگونه درست هماهنگی نشده است. هماهنگی بیشتر در سطوح مختلف دولت ضرورت است، هماهنگی میان وزارت ها ذیدخل برای طرح، توسعه و تطبیق استراتژی حکومت داری دیجیتال باید بمیان آید. این مشمول بهبود بخشی مدیریت انجمن ملی ICT و ایجاد گروه های کاری متمرکز بالای موضوعات دیجیتال و شبکه ها مسؤلان بخش IT وزارت های کلیدی میگردد.

بر علاوه، برنامه های راه اندازی شده توسط نهاد های همکار و نهاد های بین المللی اکثرأ شرایط واقعی افغانستان را در نظر نمیگیرند. تا زمانیکه یک راهکار که اوضاع واقعی کشور را در نظر گرفته ایجاد نگردد، تبدیل نمودن موفقیت های انفرادی دولت در زمینه حکومت داری دیجیتال به یک دیدگاه منسجم دیجیتال سازی با پیامد های بزرگ برای انکشاف اقتصادی کشور، مشکل باقی میماند.

هماهنگی بهتر میان نهاد های مختلف و آگاهی بیشتر از برنامه های دیجیتال سازی نیاز به استراتژی دیجیتال دارد که از شفافیت و حمایت رهبری دولت برخوردار باشد. تجربه گرجستان و مکزیکو نشان دهنده آن است که ایجاد یک نهاد اختصاصی حکومت داری دیجیتال با نمایندگان وزارت ها و سایر نهاد های قوه اجرائیه و ذینفعان غیر دولتی یک روش خوب برای ایجاد هماهنگی و تطبیق استراتژی حکومت داری دیجیتال میباشد.

دولت باید حمایت کافی سیاسی را برای دستیابی به اهداف دیجیتال سازی بشکل موفقانه در سطح مرکزی و محلی ارائه کند. درس های درخور را میتوان از استراتژی حکومت داری الکترونیک سویس فرا گرفت، این استراتژی ایجاد گروه کاری اختصاصی متشکل از متخصصین از سطوح مختلف نظام فدرال سویس و اینکه استراتژی حکومت داری دیجیتال منسجم بوده و توسط سطوح مرکزی و محلی به درستی درک گردیده است را مشمول بود.

فرصت های برآمده از خدمات فناوری زنجیره بلوکی (Blockchain)

یک تعداد از دولت های OECD و غیر OECD پژوهش در مورد فناوری دفتر کل توزیع شده (DTLs) را بحیث یک بخش از برنامه های مدرن سازی دولت آغاز نموده اند، در این میان خدمات براساس زنجیره بلوکی بیشتر از همه معروف است (Berryhill, Bourger, & Hanson, 2018). با در نظر داشت تغییر ناپذیری و فاسد ناشدنی ذاتی زنجیره بلوکی تطبیق آن در جا های با حاکمیت ضعیف قانون جائیکه نگهداری رکورد ها ضعیف و قابل تغییر است، کاربرد بیشتر دارد. اگرچه افغانستان به لحاظ قرار داشتن در مراحل ابتدائی انکشاف حکومتداری، نمیتواند بصورت کامل مانند سکتور مالی، از این فناوری استفاده کند، هنوز هم بخش های است که میتواند از فناوری زنجیره بلوکی سود ببرد. یکی از این موارد که دولت میتواند آنرا مورد نظر قرار دهد استفاده از DLT ها برای رسمی سازی جواز زمین است. با در نظر داشت ارتباطات میان نهادینه سازی و محافظت از حقوق زمین و رسمی سازی اقتصادی و دسترسی به منابع مالی (با استفاده از زمین بحیث تضمین)، دو موضوع عمده این گزارش، فناوری زنجیره بلوکی مخصوصاً میتواند وسیله مفید برای آغاز فعالیت های دولت باشد.

چنانچه رسمی سازی قوانین زمین در افغانستان بگونه درست انکشاف نیافته است، زنجیره بلوکی میتواند در آغاز طرح سازمانی شامل گردد. تجربه ممالک پسا-کمونستی اروپائی مانند گرجستان نشان میدهد که حتی مقادیر کم توسعه دیجیتالی، زنجیره بلوکی میتواند وسیله موثر برای رسمی سازی حقوق دارائی بشمول زمین میباشد. در همکاری با وزارت عدلیه گرجستان، شرکت آمریکائی Bitfury با استفاده از زنجیره بلوکی سیستم را برای نقشه بندی و عنوانگذاری زمین ها طرح کرد. بدین سان این وسیله حقوق زمین افرادی که قبلاً بگونه غیر رسمی ثبت گردیده و یا حتی هیچ ثبت نگردیده بود را در یک سیستم شناخته شده جهانی و محفوظ از دستبرد، ثبت گردید. مثال گرجستان همچنان امکانات دولت برای فرار از مراحل دیجیتال سازی با استفاده هوشمند از تجارب سکتور خصوصی و هدف گیری مشکلات حاد و استفاده مناسب از تجارب سایر ممالک را برجسته ساخت.

تعریف راهکار تطبیقی برای دیجیتال سازی خدمات کلیدی دولتی

بر علاوه انکشاف نظام سازمانی و چهارچوب کلی پالیسی، دولت نیاز به تهیه راهکار واضح برای تطبیق برخی از اقدامات شامل شده در این گزارش دارد. این گزارش راهکار پیشنهادی زیر را ارائه میدارد.

¹ شاخص انکشاف ICT (IDI)، عبارت از شاخص است که توسط اتحادیه بین‌المللی مخابرات سازمان ملل نشر گردیده و کشورها را بر اساس شاخص‌های قبول شده بین‌المللی ICT، در میزان 1 (بهترین) الی 167 (بدترین) قرار می‌دهد. این شاخص برای اندازه‌گیری تقسیمات دیجیتالی در کشور های مختلف و در حوزه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص‌های استفاده شده در این جدول بعضی از موارد کلیدی IDI میباشد.

² شاخص آمادگی شبکه WEF ترکیب از آمادگی اقتصادی برای حمایت از خدمات دیجیتالی میباشد.

³ تثبیت هویت آنلاین عبارت است از "کاربرد برای راه‌اندازی دقت و تضمین هویت ادعا شده توسط کاربر، وسیله و نهاد دیگر در یک سیستم اطلاعاتی و معلوماتی" (OECD, 2007)

⁴ برای "دیجیتال بطور پیش فرض" ما تعریف استفاده شده توسط دولت بریتانیا در استراتژی حکومتداری دیجیتال اش را انتخاب کردیم، که اصطلاح را بحیث خدمات دیجیتال که "خیلی ساده و قابل دسترس بوده که تمام انهایی که میخواهند از آن استفاده کنند - میتوانند این کار را بکنند و کسانی که نمیتوانند محروم نگردیده اند (UK Cabinet Office, 2012)

جدول 5 راهکار برای حمایت از دیجیتال سازی خدمات کلیدی دولتی برای سرمایه گذاری ها

کوتاه مدت (شش ماه الی یکسال)	میان مدت (یک الی دو سال)	دراز مدت (سه الی پنج سال)
توصیه 1: ایجاد استراتژی دیجیتال سراسری دولت	ایجاد/گسترش گروپ کاری دیجیتالی هماهنگ کردن استراتژی تعیین مقام ارشد دولت/ واحد دیجیتالی در سطح اجرایی مشاوره با تجارت ها و کاربران از طریق جلسات و بررسی ها ترسیم راه های حل موجود برای تکنالوجی معلوماتی و سیستم های عامل	تهیه استراتژی و برنامه عملیاتی بر اساس اسناد موجود ایجاد دفتر رئیس اطلاعات، که مسؤل و هماهنگ کننده تمام پالیسی های دیجیتالی دولت خواهد بود
توصیه 2: هماهنگی بهتر با پروژه های زیربنایی متمرکز بالای ارتباطت توسط تلفن همراه	توسعه راهکارهای کم هزینه تلفن همراه برای تجارت ها و خانواده ها ایجاد استراتژی آگاهی و آموزش ملی برای آماده سازی تجارتها و شهروندان برای خدمات تلفن همراه	گسترش پوشش شبکه 3/4 جی به مناطق روستایی/ ولایات بهبود رقابت در بازار سرعت بالا اینترنت جهت کاهش هزینه برای کاربران بهتر ساختن تمام خدمات دیجیتالی دولت برای ارائه خدمات سیار ساختن اصل «سیار» پهنای باند کم» برای دیزاین خدمات دیجیتالی
توصیه 3: رشد مشوره با سکتور خصوصی	جمع آوری آمار ها در مورد استفاده از سیستم های عامل تلفن همراه گسترش عضویت شورای ملی تکنالوجی معلوماتی و ارتباطات جهت نماینده گی بهتر از بخش خصوصی بلند بردن سطح آگاهی راه حل های دیجیتالی از طریق مشاوره بخش های خصوصی ACCI و ACBR	حصول اطمینان از این که مکانیزم های ارتباط خصوصی- عامه روی سیستم های عامل ارائه خدمات دیجیتالی ساخته شده اند ایجاد مشاوره های آنلاین تجارت ها شامل مجموعه ای از سیستم رای گیری به روی طرح ها
توصیه 4: اولویت بندی خدمات کلید دولت برای دیجیتال سازی	استفاده از آمار های بهبود یافته نظر سنجی ها، ارائه نقشه خدمات موجود دیجیتالی تلفن همراه و شناسایی مؤثرترین آنها در مشورت با تجارت ها آماده ساختن دیجیتالی خدمات شامل وجود فزیکتی واحد ها با پیشنیایی تطبیق کننده گان شناسایی خدمات کلیدی نیازمند به پرداخت الکترونیکی و راه های کنونی مورد استفاده آغاز مشاوره با بخش خصوصی در ارتباط به تذکره الکترونیکی احراز هویت برای سیستم های پرداخت الکترونیکی	گسترش تمامی خدمات دولتی واحد منسجم به سیستم های دیجیتالی اجرای اصل «فقط یک بار» برای دیزاین خدمات، تضمین راحتی حد اکثر و امنیت برای تجارت ها راه اندازی کمپاین ها در سراسر کشور برای ترویج راه حل های یکپارچه پرداخت الکترونیکی برای تمام تعاملات دولت
توصیه 5: تامین همسانی در سرتاسر پایگاه های	ترسیم راه حل های موجود و وبسایت ها شامل خدمات دیجیتالی و شناسای راه حل مورد استفاده تکنالوجی معلوماتی	شناسایی ساختار (platform) مناسب برای پورتال آنلاین توقف سایت های تکراری

**دولت و ایجاد مراکز یک
مرحله هماهنگ**

افتتاح شبکه ای از آمران بخش تکنالوجی
معلوماتی در هر وزارت جهت تسهیل
نمودن تبادلہ معلومات تخنیکي و راه حل
های تکنالوجی معلوماتی
بلند بردین آگاهی و ظرفیت کارمندان
بخش دولتی در مورد خدمات دیجیتالی
دولت و مهارت های مرتبط به تکنالوجی
معلوماتی

دیزاین پورتال های جدید شامل
کاربران و ایجاد ارتباط با وب
سایت های دولتی

ضمیمه A. تعریف SME ها و شرکت های نوپا در افغانستان

تشبثات مایکرو، کوچک و متوسط افغانستان بر اساس تعداد کارکنان و اندازه سرمایه گذاری بالای دارائی های فزیکتی تعریف گردیده اند. آستانه نظر به سکتور متفاوت است:

جدول 6 شرکت های مایکرو، کوچک و متوسط در افغانستان

سرمایه گذاری بالای وسایل سکتور خدمات		تعداد کارکنان	
سکتور خدمات	سکتور تولیدات		
>1 mn افغانی	<2.5 mn افغانی	<5	مایکرو
1-2 mn افغانی	2.5-5 mn افغانی	5-19	کوچک
2-5 mn افغانی	5-10 mn افغانی	20-99	متوسط
>5 mn افغانی	>10 mn افغانی	>100	بزرگ

منبع: (Ministry of Industry and Commerce, 2018_[183])

در مقایسه، اتحادیه اروپا، SME ها را شرکت های با کمتر از 250 کارکن و/یا حجم معاملاتی الی 50 میلیون یورو تعریف میکند.

تعریف شرکت های کوچک؛ شرکت با کمتر از 50 کارکن و حجم معاملاتی الی 10 میلیون یور میباشد.

موخذ: (Ministry of Industry and Commerce, MSMEs definition in Afghanistan by World Bank Financial and Private Sector Development, 2018)

OECD شرکت های نوپا را مشمول تمام تشبثات همه کارفرما که یک الی دوساله باشند مثلاً شرکت های جدیداً به فعالیت آغاز نموده و آنهائیکه یک و دوسال عمر دارند، میدانند (OECD, THE INTERNATIONAL COMPARABILITY OF BUSINESS START-UP RATES, 2006)

ضمیمه B. جمع آوری اطلاعات

B.1. پرسشنامه SMEPI مشخص برای هر کشور

جهت تطابق کار های قبلی OECD با اولویت های ریفرم افغانستان، تیم OECD تمرین تصنیفی را راه اندازی کرده اند. بدین منظور این تیم ده مورد مشابه، ابعاد شاخص پالیسی SME، OECD (SMEPI) (جدول 25) و فعالیت های کلیدی تهیه شده توسط PRISEC برای تطبیق 11 اولویت ریفرمی این نهاد، را ارزیابی کرده اند. این تمرین و مشاوره ها در جریان گروه های کاری سه بعد مشخص گردیده و در این گزارش ارزیابی گردیده است.

چوکات 25 شاخص پالیسی SME

SMEPI توسط OECD، کمیسیون اروپا، نهاد آموزشی اروپا (ETF) و بانک اروپایی برای بازسازی و توسعه (EBRD) بحیث وسیله محک زنی برای اقتصاد های در حال توسعه، جهت نظارت و ارزیابی پیشرفت در پالیسی های SME شان ایجاد گردیده. شاخص پالیسی SME بر اساس ده اصل اعلامیه تشبثات کوچک برای اروپا تهیه شده است. این شیوه از سال 2012 (سال ایجاد) بدینسو انکشاف یافته و بسته های پرسشی را در موارد زیر دارد:

- 1) آموزش های کارآفرینی و کارآفرینی خانمان
- 2) ورشکستگی و چانس دوم برای SME ها
- 3) چهارچوب های اداری و مقرراتی برای تهیه پالیسی SME
- 4) محیط فعالیت برای SME ها
- 5) تقویت خدمات برای SME ها و شرکت های نوپا و تدارکات ملی
- 6) دسترسی به منابع مالی برای SME ها
- 7) ستندرد ها و مقررات های تخنیکی
- 8) مهار ها و ابتکارات تشبثی
- 9) SME ها در یک اقتصاد سبز
- 10) بین المللی سازی SME ها

مخذ: (OECD, SME Policy Index: Eastern Partner Countries, 2016)

سوالات بالای سه بعد تمرکز نموده: (3) چهارچوب های اداری و مقرراتی برای پالیسی سازی SME (4) محیط فعالیت برای SME ها و (6) دسترسی به منابع مالی SME ها. نتایج این به وزارت تجارت و صنایع و د افغانستان بانک فرستاده شده و هر دو پاسخ های تفصیلی در مورد ارائه کردند. سوالات پرسشنامه باید توسط دسته های مختلف شرکت کننده گان و متخصص مناسب برای هر بعد و یا بعد فرعی خانه پری میشد.

پرسشنامه به یک بخش عمومی احصایه و سه بعد تقسیم گردیده بود. سوال های توسط OECD تهیه گردیده و به شرایط افغانستان تطابق داده شده بود.

پرسشنامه طرح و تطبیق استراتژی SME افغانستان را ارزیابی نموده است. جواب باید از فهرست گشویی در ستون جوابات انتخاب میگردد. سوالات بیشتر باز جهت ارائه توضیحات ارائه گردیده بود. لینک ها به قوانین، مقننات، ویبسایت ها، استراتژی و پلان های کاری در ستون شواهد/لینک ها قابل علاوه بودند. تمام سوالات در مورد پالیسی ها و اقدامات تحت هماهنگی دولت بود و برنامه ها سکتور خصوصی و نهاد های کمک کنند را شامل نمیشد.

B.2. مصاحبات

جهت درک بهتر شرایط افغانستان و تبدیل ماموریت های که OECD عموماً راه اندازی میکند یک سلسله مصاحبات در جریان شش ماه راه اندازی گردیده بود. مصاحبات شامل نمایندگان تشبثات، مقامات دولتی، نهاد های بین المللی، پژوهشگران و سایر افراد میگردد. سوالات به منظور درک شرایط موجود محیط تجاری کشور و چالش های که آنها شناسایی میکنند تهیه گردیده بود.

مصاحبات از طریق تلفن راه اندازی شده بودند. بدین لحاظ فقط نظریات افراد را شامل می‌گردد تا حقایق. مصاحبات استدلالاتی مهم در سراسر این گزارش را تقویت نموده و تا جائیکه مرتبط بوده اند در این گزارش شامل ساخته شده اند. مهم است در نظر گرفته شود که مصاحبات و سروی های معلومات میرا از غرض نیست. منابع غرض ممکن روابط مصاحبه کننده و شونده، سوبه اجتماعی شرکت کنندگان و یا جمله بندی سوالات باشد. (Holstein & Gubrium, 1997)

جدول 7 مصاحبه شده گان

مقام	مصاحبه شونده
موسس، TechNation	عمر انصاری
مشاور اقتصادی، USAID	محمد نسیم عطائی
کار آفرین اجتماعی و نویسنده	نیکول بوگوت
متخصص ارشد صادرات افغانستان	ویلیام بیرد
بانک جهانی	همایون چخانسوری
موسس، AGHAEZ	احمد فهیم دیدار
مدیر پروژه، Altai Consulting	امانوئل د دنیسن؛ اریک داوون
مدیر مسؤل، Business DNA	مرتضی ادریس
همکار مدیری، Afghanistan Center for Excellence	سلیمان فاطمی
مدیر تخنیک، ACGF	انالینه فوکس
بانک جهانی	گیومت جفرین
پژوهشگر، SIPRI	ریچارد غبائی
اتشه - انکشاف اقتصادی. نمایندگی اتحادیه اروپا به افغانستان	گیل گریت
مدیر ارشد ریک	ایوا ینیکوسکا
مشاور پالیسی، دفتر هماهنگی PRISEC	جواد جویا
مسؤل کلی کشور، IFC	وژمه کروخیل
مشاور پولی، انجمن پناهجویان ناروی	انا لا
رئیس حکومت داری الکترونیک، وزارت مخابرات و تکنالوژی معلومات	عبدالمجیب مهمند
همکار تخنیک، ریاست اداری پارک های صنعتی	سید رضا مصطفوی
رئیس FoA III "کاهش موانع برای تشبثات و انکشاف سکتور خصوصی"، GIZ	مسعود پروانفر
رئیس عمومی ریاست شمولیت مالی، د افغانستان بانک (بانک مرکزی)	گیومت سفران میر شکیب

B. 3 گروه های کاری

در چهارچوب برنامه رقابت پذیری OECD یوروآسیا، OECD، و دولت افغانستان گروه کاری دولتی/خصوصی را برای انکشاف راهنمایی ها و توصیه ها برای تقویت سکتور خصوصی و پالیسی های کار آفرینی در افغانستان ایجاد کردند. گروه کاری نمایندگان از نهاد های دولتی، SME ها، انجمن های تجاری مانند اتاق تجارت و صنایع و سایر همکاران را کنار هم آورده بود. OECD ECP با کمک متخصصین بین المللی و داوری تخصصی شده توسط کشور های عضو OECD، ارزیابی ها، جمع آوری اطلاعات و مشاوره با ذینفعان در افغانستان را راه اندازی نموده تا چالش های عمده و راه های حل موثر برای تقویت سکتور خصوصی افغانستان را شناسائی نماید.

چندین ماموریت برای تهیه گزارش داوره همنا شده افغانستان انجام گردید:

24 جنوری 2018 : اولین ملاقات گروه کاری برای تصنیف چالش ها و ارائه دیدگاه توسط ذینفعان، دوی، امارات متحده عربی

26-27 اپریل 2018 : مجلس دوم گروه کاری با متخصصین بین المللی برای بحث در مورد توصیه های ابتدائی، استانبول، ترکیه

2-3 اکتوبر: مجلس سوم گروه کاری با متخصصین بین المللی برای بحث در مورد گزارش داورى همتا شده و توصیه ها، استانبول، ترکیه

این گزارش در تاریخ 19 نوامبر 2018 در ششمین میز مدور رقابت پذیری OECD یوروآسیا؛ شبکه پالیسی که نمایندگان عالیرتبه، و متخصصین تخنیکى از کشور های یوروآسیا، اعضا و همکاران OECD را کنا هم میآورد، داورى تخصصى خواهد گردید. این میز مدور هر سال یک بار ملاقات میکند و بحیث پایگاه برای داورى همتا و تشریک دانش در تطبیق ریفوم ها رقابت پذیری در حوزه یوروآسیا میباشد.

این گزارش داورى همتا شده به هدف کمک افغانستان در تعیین قدم های بعدی برای تطبیق ریفورم های پالیسی تهیه گردیده. بطور مشخص گفتگو های میز گرد توسط متخصصین که در مورد شرایط کنونی افغانستان اظهار نظر کردند و نظریات خود در مورد تجربیات کشور های OECD و کشور های یورو آسیا تشریک ساخته اند تسهیل میگردد:

- آقای تونا شاهین، معاون رئیس، KOSGEB، ترکیه

- آقای کنان باگچی، رئیس، SERIC، OIC

بر علاوه، متخصصین OECD از سکرتریت (در مورد رسمی سازی، دسترسی به منابع مالی، دانش مالی، دیجیتالی سازی، مالیه و انکشاف سکتور خصوصی در دولت های شکننده) نظریات و بررسی ها در مورد گزارش داورى همتا شده ارائه نموده و در گفتگو ها شرکت میکنند.

پیشرفت در راستای تطبیق این توصیه ها را میتوان دوسال بعد در میز مدور رقابت پذیری یوروآسیا 2020 مورد بحث قرار داد

- ACAPS (2014), *Afghanistan's Jobs Challenge*.
- ACCI (2017), *Business Monitor 2017*,
<http://www.acci.org.af/media/Business%20Climate%20Monitor%204th%202017%20English.pdf>.
- ACCI (2016), *Business Climate Monitor*,
<http://www.acci.org.af/media/Business%20Climate%20Monitor%202016%20English%20version.pdf>.
- ACGF (2018), *Credit Guarantee Fund Afghanistan*, <http://www.acgf.de/>.
- ADB (2016), *ADB Development Blog*, <https://blogs.adb.org/blog/asia-could-use-diaspora-bonds-finance-development>.
- ADB and OECD (Forthcoming), *Unlocking Access to Finance for SMEs in Asia*, Routledge.
- Afford Diaspora Finance (2018), *Afford Diaspora Finance website*, <http://www.afford-diasporafinance.org/>.
- Afghanistan Central Business Registry (2015), *Digitization of 90,000 License Files Project was Successfully Completed*.
- Afghanistan Central Statistics Organisation (2018), *Statistical Yearbook 2017-2018*.
- Afghanistan Central Statistics Organization (2016), *2016-17 Statistical Yearbook*.
- Afghanistan Chamber of Commerce and Industries (2018), *Afghanistan Chamber of Commerce and Industries website*, <http://www.acci.org.af/>.
- Afghanistan Government Media and Information Center (2017), *National E-Tazkira Program Implementation*.
- Afghanistan Microfinance Association (2016), *Status of CSPIs in Afghanistan Report*,
<http://ama.org.af/Pub/ST/Study%20on%20the%20Status%20of%20CSPIs%20in%20Afghanistan.pdf>.
- Afghanistan Research and Evaluation Unit (2014), *Small and Medium Enterprises Development and Regional Trade in Afghanistan*.
- Aga Khan Development Network (2018), *The First MicroFinance Bank (FMFB-A) opens branch for women only, first in country*, <http://www.akdn.org/press-release/first-microfinance-bank-fmfb-opens-branch-women-only-first-country>.
- Aghaez (2017), *Afghanistan's Startup Ecosystem*, <http://startupstudy.aghaez.com/wp-content/uploads/2017/StartupReport/Aghaez%20-%20Afghanistan%20Startup%20Ecosystem%20Report%202017-Web.pdf>.

- Agricultural Development Fund (2018), *What is the ADF?*, <http://www.adf-af.org/>.
- AISA (2012), *Access to Finance in Afghanistan*, <http://www.aisa.org.af/Content/Media/Documents/finance-brochure-eng7112014134352387553325325.pdf>.
- American University of Afghanistan (2019), *AUAF website*, <https://www.auaf.edu.af/>.
- Andrews, D., A. Caldera Sanchez and A. Johansson (2011), “Towards a Better Understanding of the Informal Economy”, *OECD Economics Department Working Papers*.
- Asian Development Bank (2017), *Asian Development Outlook*, <http://dx.doi.org/www.adb.org/publications/asian-development-outlook-2017-middle-income-challenge>.
- ASIC (2018), *Moneysmart*, <https://www.moneysmart.gov.au/>.
- Bahaudin, M. and B. Kaifi (2011), *Management skills of Afghan respondents: a comparison of technical, human and conceptual differences based on gender*, https://www.researchgate.net/publication/238788870_Management_skills_of_Afghan_respondents_a_comparison_of_technical_human_and_conceptual_differences_based_on_gender.
- Berryhill, J., T. Bourgerly and A. Hanson (2018), *Blockchains Unchained: Blockchain Technology and its Use in the Public Sector*, OECD Publishing.
- Bhatia, K. and H. Ghanem (2017), *How do education and unemployment affect support for violent extremism? Evidence from eight Arab countries*, https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2017/03/global_20170322_violent-extremism.pdf.
- Bitfury (2016), , https://bitfury.com/content/downloads/the_bitfury_group_republic_of_georgia_expand_blockchain_pilot_2_7_16.pdf.
- BPIFrance and BusinessFrance (2018), *Impact USA programme*, <http://www.impact-north-america.com/>.
- Bruhn, M. and J. Loeprick (2014), “Small Business Tax Policy, Informality, and Tax Evasion : Evidence from Georgia”, *Policy Research Working Paper*.
- Bruhn, M. and D. McKenzie (2014), “Entry Regulation and the Formalization of Microenterprises in Developing Countries”, *World Bank Research Observer* .
- Business DNA (2018), *Business DNA*, <http://businessdna.af/>.
- Carroll, A. (2015), *Tell Us Once Presentation at OECD Eurasia Week*.
- Central Statistical Office of Afghanistan (2017), *Afghanistan Living Condition Survey*.
- Central Statistics Organisation (2016), *Business Establishment Survey 2015*.

- Christoplos, I. (2007), *Narratives of rehabilitation in Afghan agricultural interventions*, Practical Action Publishing.
- Da Afghanistan Bank (2018), *Public Credit Registry Department*, <http://dab.gov.af/en/page/about-the-bank/departments/cib>.
- Data Exchange Agency of Georgia (2018), *Country Presentation of Georgia at the third OECD-Afghanistan Working Group meeting*.
- de Mel, S., D. McKenzie and C. Woodruff (2013), “The Demand for, and Consequences of, Formalization among Informal Firms in Sri Lanka”, *American Economic Journal: Applied Economics*.
- de Mel, S., D. McKenzie and C. Woodruff (2008), *Returns to Capital in Microenterprises : Evidence from a Field Experiment*.
- De Soto, H. (1989), *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*.
- Demirguc-Kunt, A., L. Klapper and G. Panos (2011), “Entrepreneurship in Post-conflict Transition: The Role of Informality and Access to Finance”, *Economics of Transition*.
- Diaspora Alliance (2018), *International Diaspora Engagement Alliance website*, <http://www.diasporaalliance.org/mentoring/>.
- Embassy of Afghanistan to Italy (2018), *Embassy of Afghanistan to italy website*, https://ambkabul.esteri.it/ambasciata_kabul/en/ambasciata/news/dall_ambasciata/2018/10/il-primo-volo-cargo-per-milano.html.
- Ernst & Young (2013), *Accelerating Financial Inclusion: The role of payment systems*.
- EU, OECD (2015), “Policy brief on Informal Entrepreneurship”.
- EU and OECD (2017), *Policy Brief on Women’s Entrepreneurship*.
- European Commission (2016), *EU eGovernment Action Plan 2016-2020: Accelerating the digital transformation of government*, European Commission.
- European Commission (2015), *Central Asia Invest, Boosting small business competitiveness*.
- EY and France Digitale (2017), *La Performance Economique des Start-up Numériques en France, Baromètre 2017*, [https://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/ey-thumbnail-barometre-france-digital-2017/\\$FILE/ey-barometre-france-digital-2017.pdf](https://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/ey-thumbnail-barometre-france-digital-2017/$FILE/ey-barometre-france-digital-2017.pdf).
- FAO (2017), *Territorial tools for agro-industry development*.
- FAO (2010), *Agro-based clusters in developing countries: staying competitive in a globalized economy*.
- FAO (2006), *Agro-industrial parks: Experience from India*.

- Farole, T. and G. Akinci (2011), *Special Economic Zones : Progress, Emerging Challenges, and Future Directions*.
- Ferragut, S. and G. Gómez (2013), “From the Street to the Store: The Formalisation of Street Vendors in Quito, Ecuador”, *Securing Livelihoods: Informal Economy Practices and Institutions*.
- Fitrat, A.(n.d.), *The Role of Diaspora in Private Sector Development*, <https://www.unitar.org/ny/sites/unitar.org/ny/files/The%20Role%20of%20Diaspora%20in%20Private%20Sector%20Development%20Fitrat.pdf>.
- French Agence du Numérique (2016), *Rapport d'activité*, https://agencedunumerique.gouv.fr/wp-content/uploads/2017/03/20170321_Rapport-dactivite-Agence-du-Numerique.compressed-2.pdf.
- Gans-Morse, J. (2017), *Property Rights in Post-Soviet Russia: Violence, Corruption, and the Demand for Law*, Cambridge.
- Gelb, A. et al. (2009), “To Formalize or Not to Formalize? Comparisons of Microenterprise Data from Southern and East Africa”.
- Georgia, P. (2016), *Strategy 2017-2019*.
- Ghani, E. and R. Kanbur (2013), *Urbanization and (In)Formalization*.
- Ghiassy, R., Z. Jiayi and H. Hallgren (2015), *Afghanistan's Private Sector: Status and Ways Forward*, SIPRI.
- GIZ (2016), *Overview of Access to Finance*.
- Gouvernement Français (2017), *Le choc de simplification*, <https://www.gouvernement.fr/action/le-choc-de-simplification>.
- Government of Afghanistan (2018), *Asan Khedmat*.
- Government of Afghanistan (2009), *Islamic Republic of Afghanistan: Afghanistan National Development Strategy (2008/09 - 2012/13), Volume Five*.
- Government of Afghanistan (2008), *Afghanistan National Development Strategy: A Strategy for Security, Governance, Economic Growth and Poverty Reduction (2008 - 2013)*.
- Government of Afghanistan and PRISEC (2018), *Draft National Priority Program for Private Sector Development 2018-2022*.
- Government of Georgia (2018), *SME DEVELOPMENT STRATEGY ACTION PLAN 2018-2020*.
- Government of Georgia (2016), *National Strategy on Financial Education*.
- Government of Thailand (2018), *National e-Payment*, <http://www.epayment.go.th/home/app/>.
- Harakat (2018), , <http://harakat.af/>.

- Hariharan, A. (2012), *Hawala's Charm: What Banks Can Learn From Informal Funds Transfer System*, <http://scholarship.law.wm.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1036&context=wmlbr>.
- Harper, P. (2017), *Afghanistan - Telecoms, Mobile and Broadband - Statistics and Analyses*.
- Hurlburt, K. (2012), *What is Islamic Microfinance?*, <http://shuraako.org/sites/default/files/documents/What%20is%20Islamic%20Microfinance.pdf>.
- ICAEW (2017), *Digitalisation of Tax: International Perspectives*, ICAEW.
- IFC (2017), *M-Money Channel Distribution Case - Kenya*.
- IFC/World Bank (2009), *Doing Business 2010: Reforming through Difficult Times*, Palgrave Macmillan.
- ILO (2018), *Women and men in the informal economy: A statistical picture (Third edition)*.
- ILO (2015), *Transition from the Informal to the Formal Economy Recommendation*.
- ILO (2014), "Transitioning from the informal to the formal economy".
- ILO (2002), *Decent Work and the Informal Economy - Report VI presented for the General Discussion at the International Labour Conference 2002*.
- ILO, ILOSTAT (2017), *Self-Employment in Afghanistan*, <https://data.worldbank.org/indicator/SL.EMP.SELF.ZS?end=2017&locations=AF&start=1991&view=chart>.
- IMF (2018), *Overview of the IMF's work on fragile states*, [http://www.imo-imo.org/ieo/files/completedevaluations/FS%20-%20III.%20Overview%20of%20the%20IMFs%20Work%20on%20Fragile%20States%20\(web\).pdf](http://www.imo-imo.org/ieo/files/completedevaluations/FS%20-%20III.%20Overview%20of%20the%20IMFs%20Work%20on%20Fragile%20States%20(web).pdf).
- IMF (2017), *IMF Country Report No. 17/378*, <https://www.imf.org/~media/Files/Publications/CR/2017/cr17378.ashx>.
- IMF (2016), *At a Glance*, <http://www.imf.org/en/Countries/ResRep/KGZ>.
- IMF (2009), *Development of the Commercial Banking: Risks and Rewards*, <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2009/wp09150.pdf>.
- Impakter (2017), *Lebanon: A blossoming startup scene on a backdrop of turmoil*, <https://impakter.com/lebanon-blossoming-startup-scene-backdrop-turmoil/>.
- International Trade Administration (2016), *Afghanistan - Protection of Property Rights*, <https://www.export.gov/article?id=Afghanistan-protection-of-property-rights>.
- ITC (2018), *Afghanistan National Export Strategy*.
- ITU (2017), *Measuring the Information Society Report 2017 Volume 1*.

-
- ITU (2015), *Measuring the Information Society Report 2015*.
- Johnson, S., D. Kaufmann and A. Shleifer (1997), “The Unofficial Economy in Transition”, *Brookings Papers on Economic Activity* .
- Jones, S. (2015), *Cases on Sustainable Human Resources Management in the Middle East and Asia*, IGI Global.
- Kafalat (2018), *About us*, <http://www.kafalat.com.lb/about-us>.
- Kanbur, R. (2009), “Conceptualising Informality: Regulation and Enforcement”.
- Kenyon, T. (2007), *A Framework for thinking about Enterprise Formalization Policies in Developing Countries*.
- Klapper, L., A. Lusardi and P. van Oudsheusden (2016), *Financial Literacy Around the World*, http://gflec.org/wp-content/uploads/2015/11/3313-Finlit_Report_FINAL-5.11.16.pdf?x87657.
- Kochanova, A., Z. Hasnain and B. Larson (2016), “Does E-Government Improve Government Capacity? Evidence from Tax Administration and Public Procurement”, *World Bank: Policy Research Working Paper*.
- KOSGEB (2018), *Turkish Entrepreneurship Strategy and Action Plan*, https://www.kosgeb.gov.tr/Content/Upload/Dosya/Mali%20Tablolar/Gisep_2015-2018_EN.pdf.
- Krabina, B. et al. (2013), *A Digital Georgia: e-Georgia Strategy and Action Plan 2014-2018*.
- La Porta, R. and A. Shleifer (2014), “Informality and Development”, *National Bureau of Economic Research*.
- La Porta, R. and A. Shleifer (2008), *The Unofficial Economy and Economic Development*.
- Leao, I., M. Ahmed and A. Kar (2018), *Jobs and Agriculture Nexus in Fragile Contexts: The Afghanistan Case*, https://elibrary.worldbank.org/doi/abs/10.1596/978-1-4648-1265-1_ch1.
- Levine, R. (2000), *Bank-Based or Market-Based Financial Systems: Which is better?*, http://siteresources.worldbank.org/DEC/Resources/16162_Bank_Based_or_Market_Based.pdf.
- Levy, S. (2008), *Good Intentions, Bad Outcomes: Social Policy, Informality, and Economic Growth in Mexico*.
- Maimbo, S. (2003), *The Money Exchange Dealers of Kabul*, <http://documents.worldbank.org/curated/en/335241467990983523/pdf/269720PAPER0Money0exchange0dealers.pdf>.
- Marsili, A. (2013), *A re-assessment of the drivers of informalities in Peru*.
- Mashal, M. (2014), *Small and Medium Enterprises*, <https://areu.org.af/wp-content/uploads/2016/02/1401E-Small-and-Medium-enterprises.pdf>.

- MCIT (2018), *MCIT Signs Mobile Salary Payment Contracts with Afghan Wireless and Roshan Telecom Companies*.
- MCIT (2017), *Azizi Bank introduces online payment system*.
- MCIT (2016), *Open Access Policy*.
- MCIT (2015), *IT Industry Development Policy for Afghanistan (Draft) 2015-2020*.
- MCIT (2011), *E-Government for Integrated Public Service Delivery*.
- MCIT (2009), *MCIT National Electronic ID Policy*.
- MCIT (2003), *Information and Communication Technologies (ICT) Policy*.
- Ministry of Finance (2018), .
- Ministry of Foreign Affairs (2018), *Empowering Women Entrepreneurs*.
- Ministry of Industry and Commerce (2018), *MSMEs definition in Afghanistan by World Bank Financial and Private Sector Development*, <http://moci.gov.af/en/page/6024>.
- Ministry of Industry and Commerce (2017), *Policy of Industrial Parks of Afghanistan*.
- Mirrlees, J. and P. Diamond (1971), *Optimal Taxation and Public Production: I--Production Efficiency*.
- MISFA (2018), *Outreach Data of MISFA Partners*, <http://www.misfa.org.af/wp-data/uploads/2018/10/Consolidated-for-all-programs.pdf>.
- National Bank of Tajikistan (2017), *Banking Statistics Bulletin (yearly)*.
- National Bank of the Kyrgyz Republic (2018), *Main Directions for Development of the Microfinance Sector in the Kyrgyz Republic for 2018-2021*, <http://www.nbkr.kg/contout.jsp?item=3206&lang=ENG&material=84608>.
- Netherlands Enterprise Agency (2016), *Addressing the obstacles for Afghan SMEs to employ women and support their economic empowerment*.
- New York Times (2018), "Taliban Attack Another Afghan Army Base, Killing Dozens", *New York Times* 15 August 2018.
- OECD (2018), *Afghanistan Country Report*, <https://atlas.media.mit.edu/en/profile/country/afg/>.
- OECD (2019), *Guidance note for policy-makers, Building Entrepreneurial Competencies in School*.
- OECD (2018), *2019 results of the Social Institutions Gender Index*, <https://www.genderindex.org/ranking/?region=&order=title&sort=asc>.

-
- OECD (2018), *Core Competencies Framework on Financial Literacy for MSMEs*, <http://www.oecd.org/finance/financial-education/OECD-INFE-core-competencies-framework-on-financial-literacy-for-MSMEs.pdf>.
- OECD (2018), *Enhancing Competitiveness in Central Asia, Competitiveness and Private Sector*, <http://dx.doi.org/10.1787/9789264288133-en>.
- OECD (2018), *Multi-dimensional Review of Panama: Volume 2*.
- OECD (2018), *Multi-dimensional Review of Thailand: Volume 1. Initial Assessment*, OECD.
- OECD (2018), *OECD Economic Surveys: Turkey*.
- OECD (2018), *SIGMA Baseline Measurement Report: The Principles of Public Administration Ukraine*, OECD.
- OECD (2018), *SIGMA Methodological Framework for the Principles of Public Administration: ENP Countries*, OECD.
- OECD (2018), *States of Fragility 2018*, <https://doi.org/10.1787/9789264302075-en>.
- OECD (2018), *What are the FDI trends in fragile and conflict affected economies in the Middle East and North Africa and what risk mitigation tools can lead to increased and more resilient flows?*.
- OECD (2017), *Small, Medium, Strong. Trends in SME Performance and Business Conditions*.
- OECD (2017), *Benchmarking Digital Government Strategies in MENA Countries*, OECD Publishing.
- OECD (2017), *Enhancing Competitiveness in Central Asia*.
- OECD (2017), *Financing SMEs and Entrepreneurs: 2017*, https://www.oecd.org/cfe/smes/Financing%20SMEs%20and%20Entrepreneurs%202017_Highlights.pdf.
- OECD (2017), *Monitoring competitiveness reforms in Tajikistan*.
- OECD (2017), *Revenue Statistics 2017: Tax revenue trends in OECD countries*.
- OECD (2016), *OECD/INFE International Survey of Adult Financial Literacy Competencies*, <http://www.oecd.org/daf/fin/financial-education/OECD-INFE-International-Survey-of-Adult-Financial-Literacy-Competencies.pdf>.
- OECD (2016), *SME Policy Index: Eastern Partner Countries*, <http://dx.doi.org/10.1787/24136883>.
- OECD (2016), *SME Policy Index: Western Balkans and Turkey 2016*.
- OECD (2016), *SMEs in Libya's Reconstruction*, <http://dx.doi.org/10.1787/9789264264205-en>.
- OECD (2015), *National strategies for financial education*, <http://www.oecd.org/finance/National-Strategies-Financial-Education-Policy-Handbook.pdf>.

- OECD (2015), *National Strategies for Financial Education Policy Handbook*, <http://dx.doi.org/www.oecd.org/daf/fin/financial-education/National-Strategies-Financial-Education-Policy-Handbook.pdf>.
- OECD (2015), *OECD Digital government Toolkit: Mexico: ICT Policy*.
- OECD (2015), *OECD/INFE toolkit for measuring financial literacy and financial inclusion*.
- OECD (2015), *Russian Federation: Key Issues and Policies, OECD Studies on SMEs and Entrepreneurship*.
- OECD (2014), *Digital Government Toolkit*.
- OECD (2014), *Recommendation of the Council on Digital Government Strategies*, OECD Publishing, Paris.
- OECD (2014), *WOMEN IN BUSINESS: ACCELERATING ENTREPRENEURSHIP IN THE MIDDLE EAST AND NORTH AFRICA REGION*, <https://doi.org/10.1787/9789264213944-en>.
- OECD (2013), *Access to Finance for SMEs*, <http://www.oecd.org/global-relations/AccessstoFinanceforSMEs.pdf>.
- OECD (2013), *Global Forum on Transparency and Exchange of Information: Argentina 2013*.
- OECD (2013), *Policies for Seed and Early Stage Finance*.
- OECD (2013), *Skills Development and Training in SMEs*.
- OECD (2012), *HIGH-LEVEL PRINCIPLES ON NATIONAL STRATEGIES FOR FINANCIAL EDUCATION*, <http://dx.doi.org/www.oecd.org/daf/fin/financial-education/OECD-INFE-Principles-National-Strategies-Financial-Education.pdf>.
- OECD (2011), *Together for Better Public Services: Partnering with Citizens and Civil Society*.
- OECD (2007), *OECD Recommendation on Electronic Authentication and OECD Guidance for Electronic Authentication*.
- OECD (2006), *THE INTERNATIONAL COMPARABILITY OF BUSINESS START-UP RATES*, [http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?doclanguage=en&cote=std/doc\(2006\)4](http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?doclanguage=en&cote=std/doc(2006)4).
- OECD (2002), *Management Training in SMEs*.
- OECD (forthcoming), *Monitoring the SME strategy of Georgia*.
- Office of Economic Advisor (2018), *Afghan Economics*, <http://www.afghaneconomics.com/research.html>.
- Open Government Partnership (2018), *National Action Plan - 1 2018-2019: Open Government Partnership Afghanistan (OGPA)*.

-
- Organisation of Islamic Cooperation (2018), , <https://www.oic-oci.org/home/?lan=en>.
- Palaash, B. and A. Ghosh (2018), *Afghan war, foreign aid and dutch disease*, <http://harvardecon.org/?p=3758>.
- Peel, W. and D. Snodgrass (2008), *World Bank Africa Region Analysis on the Informal Economy*.
- PRISEC (2018), *NPP for Private Sector Development*.
- PRISEC (2016), *PRISEC TOR*.
- Rauch, J. (1991), “Modelling the informal sector formally”, *Journal of Development Economics*.
- Republic of Lebanon (2018), *Know your sector*, http://investinlebanon.gov.lb/en/business_support_unit/start_together/know_your_sector.
- Reseau M (2019), *Reseau M website*, <https://www.reseaum.com/en/home>.
- Reuters (2018), *Reuters*, <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-casualties/civilian-deaths-in-afghanistan-hit-record-as-suicide-attacks-surge-idUSKBN1K5078>.
- Rosenzweig, P. (2007), *The Halo Effect:... and the Eight Other Business Delusions That Deceive Managers*, Free Press.
- SIGAR (2018), *Private Sector Development & Economic Growth*, <https://www.sigar.mil/pdf/lessonslearned/SIGAR-18-38-LL.pdf>.
- SIGAR (2017), *Land Reform in Afghanistan*, <https://www.sigar.mil/pdf/audits/SIGAR-17-27-AR.pdf>.
- SIGAR (2017), *USAID's Afghan Trade and Revenue: Program Has Failed to Achieve Goals for Implementation of e-Payment System to Collect Customs Revenues*.
- SIGAR (2015), *Quarterly Report to the United States Congress*.
- SIPRI (2015), *Afghanistan's Private Sector*, <https://www.sipri.org/publications/2015/afghanistans-private-sector-status-and-way-forward>.
- Steel, W. and D. Snodgrass((n.d.)), *World Bank Africa Region Analysis on the Informal Economy*.
- The Banker (2018), *The Banker website*, <https://www.thebanker.com/>.
- UK Cabinet Office (2012), *Government Digital Strategy*.
- Ulysea, G. (2015), “Firms, Informality and Development: Theory and Evidence from Brazil”.
- UN Department of Economic and Social Affairs (2017), *International Migration Report 2017*.
- UN ESCAP (2015), *An In-Depth Study on the Broadband Infrastructure in Afghanistan and Mongolia*.

- United Nations (2017), *SDGs' Progress Report Afghanistan*, <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/16277Afghanistan.pdf>.
- United Nations University (2011), *E-Government Strategy Draft for Afghanistan*, United Nations Center for Electronic Governance.
- United Nations University (2010), *Electronic Government Program Draft*, United Nations Center for Electronic Governance.
- UNODC (2017), *Afghanistan opium survey 2017: Challenges to sustainable development, peace and security*.
- USAID (2018), *Economic Growth*, <https://www.usaid.gov/afghanistan/economic-growth>.
- Wilson, K. and F. Silva (2013), *Policies for Seed and Early Stage Finance: Findings from the 2012 OECD Financing Questionnaire*, <http://dx.doi.org/10.1787/5k3xqsf00j33-en>.
- World Bank (2019), *Ease of Doing Business in Afghanistan*, <http://www.doingbusiness.org/data/exploreeconomies/afghanistan>.
- World Bank (2018), *Afghanistan to 2030: Priorities for Economic Development*, World Bank Group, Washington, DC.
- World Bank (2018), *Afghanistan to 2030: Priorities for Economic Development under Fragility*, World Bank Group.
- World Bank (2018), *Doing Business Reform Memorandum: Afghanistan*.
- World Bank (2018), *Financial Inclusion Data / Global Findex*, <http://datatopics.worldbank.org/financialinclusion/country/afghanistan>.
- World Bank (2018), *International Development Association Project Appraisal Document on a Proposed Grant in the Amount of SDR 35.1 Million to the Islamic Republic of Afghanistan for a Digital Central Asia South Asia (CASA) Project*.
- World Bank (2018), *Modernizing Afghan State Owned Banks project*.
- World Bank (2017), *Global investment competitiveness report 2017-2018: foreign investor perspectives and policy implications*, World Bank Group.
- World Bank (2017), *World Development Indicators*, <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.SCIE.RD.P6?view=chart>.
- World Bank (2016), *Data*.
- World Bank (2016), *World Bank Development Report*.
- World Bank (2015), *Global Financial Development*, <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=global-financial-development&preview=on>.

-
- World Bank (2015), *West Bank and Gaza: Finance for Development*,
<http://projects.worldbank.org/p151089?lang=en>.
- World Bank (2014), *Enterprise Surveys*,
<http://www.enterprisesurveys.org/data/exploreeconomies/2014/afghanistan>.
- World Bank (2014), *Global Findex Database*, <http://datatopics.worldbank.org/financialinclusion/>.
- World Bank (2014), “Informal Economy and the World Bank”, *World Bank Policy Research Working Paper*.
- World Bank (2014), *The Implementation of Industrial Parks: Some Lessons Learned in India*.
- World Bank (2014), *World Bank Data*.
- World Bank (2011), *Running a Business in Tajikistan*,
<http://enterprisesurveys.org/~media/FPDKM/EnterpriseSurveys/Documents/Country%20Notes/Tajikistan-09.pdf>.
- World Bank (2011), *World Development Report*,
https://siteresources.worldbank.org/INTWDRS/Resources/WDR2011_Full_Text.pdf.
- World Bank (2007), *Development Finance via Diaspora Bonds*.
- World Bank Group (2018), *Human Capital Index*, <https://datacatalog.worldbank.org/dataset/human-capital-index>.
- World Economic Forum (2016), *2016 Networked Readiness Index*.


OECD یک مجمع بی نظیر است؛ جائیکه دولت ها با هم همکاری نموده تا راه های حل برای مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی ناشی از جهانی شدن را دریابند. همچنان OECD، در خط مقدم برای تحلیل بیشتر مشکلات و تحولات جدید در جهان و کمک به دولت ها برای پیدا نمودن راه های حل برای این مشکلات قرار دارد، مشکلات همچون؛ حاکمیت شرکتی، اقتصاد اطلاعات و چالش های ساخوردگی جمعیت. این مجمع محیط مناسب برای مقایسه نمودن پالیسی میان دولت ها، جستجو برای راه حل های مشترک، شناسایی روش های ایده آل و همکاری جهت هماهنگی پالیسی ها در سطح محلی و بین المللی میباشد. ممالک عضو OECD عبارت اند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، شیلی، جمهوری چک، دنمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، جاپان، کوریا، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مکزیکو، هالند، زیلاند جدید، ناروی، لهستان (پولند)، پرتغال، جمهوری سلواک، اسلوانی، اسپانیه، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا. اتحادیه اروپا در کار OECD سهیم است.

www.oecd.org

برنامه رقابت پذیری OECD یوروآسیا

برنامه رقابت پذیری OECD یوروآسیا، بمنظور ارائه کمک در تسریع ریفورم های اقتصادی و بهتر سازی محیط برای سرمایه گذاری، جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال در سال 2008 آغاز گردید و شامل دو حوزه میباشد: حوزه آسیا مرکزی (افغانستان، قزاقستان، قرغیزستان، منگولیا، تاجکستان، ترکمنستان و ازبکستان) و حوزه اروپای شرقی و قفقاز جنوبی (ارمنی، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، جمهوری مالدوی و اکراین). این برنامه توسط دفتر روابط خارجی OECD به هدف توسعه معاصدت سازمان تطبیق گردیده.

www.oecd.org/eurasia



توسعه سکتور خصوصی و پالیسی های کار آفرینی در افغانستان

OECD این پالیسی های پیشنهادی جهت تقویت انکشاف سکتور خصوصی در افغانستان را در همکاری نزدیک با دولت، سکتور خصوصی و همکاران بین المللی تهیه نموده است. این گزارش کار سازمان در این راستا را خلاصه نموده و مشکلات موجوده فرا راه تشبثات را تحلیل میکند، این مشکلات مشمول موضوعات مانند دسترسی به منابع مالی، پرداخت مالیات و یا دسترسی به خدمات عامه میباشد. این گزارش سه دسته از اقدامات را مشخص میسازد: (۱) اقدامات جهت تشویق تشبثات برای رسمی شدن با تقویت نهادها و ارائه پاداش ها. (۲) اقدامات برای افزایش دسترسی تشبثات به منابع مالی جهت رشد شان، (۳) راه های حل دیجیتالی جهت بهبود بخشی خدمات عامه برای تشبثات، بالخصوص با استفاده از پایگاه های تلفونی.

www.oecd.org/eurasia



تمویل شده توسط همکاری
مالی اتحادیه اروپا